شناخت و بررسی موضوعات قران کریم

مترجم و محقق :فاطمه پورشفیع

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

تقدیم به پیشگاه مّطهر پیامبر مهربانیها حضرت رسول اکرم (ص)

فهرست مطالب

بخش اول ۸

عقاید – ایمان..... ۸

بخش دوّم ۲۲

توحید..... ۲۲

بخش سوم..... ۲۶

صفات خداوند(صفات ذات و صفات فعل) ۲۶

صفات مضاف خداوند ۳۶

صفات مفرد خدا..... ۳۸

بخش چهارم ۴۰

مشیّت خداوند تعالی..... ۴۰

بخش پنجم ۵۱

اسماء الحسنی ۵۱

عرش الرحمن ۵۳

کرسی الرّحمن..... ۵۵

خالق ۵۵

بخش ششم ۵۷

خداوند و باران رحمت..... ۵۷

فرو فرستادن باران عذاب بر گناهکاران ۵۷

مسخر کردن باد برای سیر کشتی ها و لقاء درختان..... ۵۸

نزول صاعقه ۵۹

آیات در مورد حب ونوی(دانه و هسته) ۶۰

بخش هفتم ٦١
خداوند خالق پرندگان و موجودات زنده ٦١
بخش هشتم ٦٣
خداوند و خلق انسانها ٦٣
بخش نهم ٦٤
ایمان به خدا و ملائکه و پیامبران و قیامت ٦٤
بخش دهم ٦٧
کلمات الله ٦٧
بخش یازدهم ٦٧
اجل حتمی و مقدّر ٦٧
بخش دوازدهم ٦٩
مقدرات رزق ٦٩
بخش سیزدهم ٧١
هدایت و گمراهی ٧١
بخش چهاردهم ٧٣
شفاعت ٧٣
بخش پانزدهم ٧٥
اطاعت خدا و رسول و اولی الامر و نتایج حاصل از این اطاعت ٧٥
بخش شانزدهم ٧٧
دعا و استجابت ٧٧
بخش هفدهم ٧٧
توبه و استغفار ٧٧

بخش هیجدهم ۸۱
یاس و نا امیدی از رحمت خداوند ۸۱
بخش نوزدهم ۸۲
ملائکه و صفات و عبادت آنها ۸۲
بخش بیستم..... ۸۷
شیطان –وجوب پناه بردن به خدا ۸۷
بخش بیست ویکم..... ۹۳
وحی ۹۳
بخش بیست و دو ۱۰۵
قیامت ۱۰۵
بخش بیست و سه ۱۱۱
منافقون..... ۱۱۱
بخش بیست وچهار..... ۱۱۵
صفات مشرکین و کافرین ۱۱۵
بخش بیست وپنج ۱۱۷
برزخ..... ۱۱۷
حال مردم در روز قیامت..... ۱۲۱
بخش بیست وشش..... ۱۲۷
ارکان اسلام ۱۲۷
بخش بیست و هفتم ۱۴۳
دعا ۱۴۳
مساجد..... ۱۴۶

بخش بیست و هشت..... ۱٤۸
زکات ۱٤۸
خمس..... ۱٤۹
انفاق در راه خداو صدقه ۱٤۹
بخش بیست و نه ۱۵۲
روزه..... ۱۵۲
بخش سی ۱۵۵
فریضهٔ حج ۱۵۵
بخش سی ویک..... ۱٦۱
جهاد..... ۱٦۱
بخش سی و دو ۱٦٦
غزوات..... ۱٦٦
بخش سی و سه..... ۱۷۳
جرائم ۱۷۳
قتل نفس و عقوبتهای آن ۱۷۳
بخش سی و چهار ۱۸۲
نکات اخلاقی ۱۸۲
اطاعت از والدین..... ۱۸۲
بخش سی و پنج ۲۰٤
ازدواج وطلاق ۲۰٤
بخش سی و شش ۲۲۳
مرگ- جنازه – وصیة – واجبات ارث..... ۲۲۳

بخش سی و هفت ۲۳٤
معاملات ۲۳٤
بخش سی و هشت ۲٤٥
ذبح حیوانات ۲٤٥
بخش سی و نه ۲٤۸
مشارکت انبیاء و رسولان در ایجاد کار و صنایع ۲٤۸
بخش چهل ۲٥٤
امثال قرآن ۲٥٤
بخش چهل ویک ۲٦۸
نبوت خاصه ۲٦۸
بخش چهل و دو ۲۹۳
داستانهای قرانی ۲۹۳
بخش چهل و سوم ۳۰۰
امامت در قرآن ۳۰۰

مقدمه:

الحمد لله الذی نزل الفرقان تفصیلاً لکل شیء والصلوة و السلام علی خاتم النبیّن محمّد و علی آله:

قرآن کتاب هدایت بشری است.قرآن مشوّق انسان در علم و دانش است. قرآن اعجاز است.
قرائت قرآن و تدّبر در معنای ژرف و عمیق آن در سطوح اخلاقی و اعتقادی وسیاسی و اجتماعی و فرهنگی در هر زمان حیاتی تازه به بشر می بخشد. سیر در تاریخ قبل از اسلام و بعد از اسلام درس عبرتی است برای بهتر زیستن و شکوفائی دانشها و یافتن مجهولات است.
نظام توحیدی در ربوبیّت و عبودیّت و خالقیّت و مالکیّت تجلّی می یابد و انسان را در روش و افکار و عقاید صحیح تربیت می کند و از معضلات دور می سازد.
قرآن و عترت از یکدیگر جدا نیست . قرآن و سنت ثقلین (ثقل اصغر و ثقل اکبر)است. پس سنت نقلی است که در برداشتهای قرآنی انسان را از خطا حفظ می کند و از تفسیر به رأی که فاجعه آفرین است دور می سازد.
پس بندهٔ حقیر بر آن شدم که موضوع بندی قرآن را از کتاب الفهرس الموضوعی الایات القرآن کریم به قلم "محمد مصطفی محمد" انتخاب کنم و ترجمهٔ آنها را با استفاده از تفاسیر المیزان و مجمع البیان و الاصفی و نمونه داشته باشم.انشاءالله خداوند از این بنده حقیر قبول فرماید.

تقدیم به رسول خدا(ص) وامام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

فاطمه پورشفیع
۸۴ /۸/۸

بخش اول

عقاید – ایمان

شناخت خداوند سبحان و بلند مرتّبه و خالق و مدّبر

ای مردم، پروردگارتان را پرستش کنید که هم شما را و هم پیشینیان را آفرید تا پرهیزگار باشید.
یا ایّها النّاس اعبدوا ربّکم الذی خلقکم و الذّین من قبلکم لعلّکم تتّقون (۲-۲۱)

خدائیکه زمین را فرش و آسمان را سقف قرار داد ، ثمرات را از زمین برای کسب روزی شما، و از آسمان آبی نازل کرد تا نعمتها بارور گردد در حالیکه به نعمتها آگاهی دارید و از آن استفاده می کنید نباید برای خدا شریک قائل شوید.
الذّی جعل لکم الارض فراشاً و السّماء بناء و انزل من السماء ماءً فاخرج من الثّمرات رزقاً لکم فلا تجعلوا لله انداداً و انتم تعلمون . (۲۲- ۲)

عبد در مرحلهٔ عبودیّت جهل ندارد و برای ادراک ربوبیّت باید شوق پرواز داشته باشد و از عبد بودن خارج نمی شود و همیشه وابسته به اوست و اخلاص در عمل را فراموش نمی کند . وعبادت در مقام بندگی را آویزه گوش خود قرار می دهد.
ما خلقت الجنّ والانس الاّ لیعبدون (۵۶- ۵۱)

اوست خدای شما که برای شما هر آنچه در زمین بود خلق کرد وسپس هفت آسمان را آفرید. کرات و اجرام آسمانی و هر چه در آن است ماده و دلالت بر عظمت خدا دارد . و آنچه قابل رؤیت است جزء آسمان اوّل است، و شش عالم دیگر از دسترس دید ما و ابزارهای ساده علمی بیرون است. آسمان در ابتدا دود و بخار بود ، و خداوند متعال فرمان داد تا آنها با وجود فاصله زیاد بهم پیوسته و گرد آمدند(۱۱- ۴۱). "هفت آسمان همان اختران منظومهٔ شمسی جهان ماست که غیر زمین کرات دیگر است"[۱].مراد از" سموات سبع "طبقات هفتگانه هواست که دانشمندان طبقات هوا را به پنج قسم ت

۱- پرتوی از قرآن

کرده اند. "تروپوستر- سترانسفر – اوزونسفر- یونوسفر – اگزوسفر-"
قرآن می گوید :" السماء بناء" منظورآسمان منظومۀ شمسی است .
هو الّذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً ثّم استوی الی السماء فسّوهنّ سبع سموات و هو بکل شیء علیم(۲-۲۹)

همانا در خلقت آسمانها و زمین و اختلاف شب وروز و کشتی ها که در دریا بسود مردم در جریانند و در آنچه که خدا از آسمان نازل می کند یعنی آبی که با آن زمین مرده وبی حاصل را زنده می سازد و هر جنبنده رادر آن قرار می دهد وبادها و ابرها را میان آسمان وزمین به جریان در می آورد. این این آیات نشانیهایی است برای اندیشیدن.
امام صادق (ع) می فرمایند: "چیزی نه در آسمان و نه در زمین باشد جز با هفت خصلت ؛ مشیّت و اراده و قدر و قضا و اذن و کتاب و اجل،پس کسی که گمان کند که اینها را می تواند نقض کند،کافراست(۱)"
آنچه خداوند خلق کرده حجت توحیدی بر بشر است و اینکه زمین هیچگاه از حجت خالی نمی ماند پس زمین خالی از حجت نیست ودارای امام است که اگر خالی از حجت باشد نظمش بهم می خورد.

انّ فی خلق السّموات و الارض و اختلاف اللیل و النّهارو الفلک التّی تجری فی البحر بما ینفع الناس و ما انزل الله من السّماء من ماء فاحیاء به الارض بعد موتها و بثّ فیها من کلّ دابّة و تصریف الرّیاح والسّحاب بین السّماء و الارض لایات لقوم یعقلون. (۱۶۴- ۲)
همانا هیچ چیز نه در زمین و نه در آسمان بر خدا پوشیده نیست.
انّ الله لا یخفی علیه شیء فی الارض و لا فی السماء (۵- ۳)
اوست خدایی که شما را در رحمها بهر گونه که بخواهد صورتگری می کند. معبودی جزء او نیست و اوست که عزیز و حکیم است.
هو الّذی یصّورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الاّ هو العزیز الحکیم(۶- ۳)
همانا در خلقت آسمان و زمین و اختلاف شب و روز نشانه ای است بر صاحبان خرد و دانشمندان.

۱- اصول کافی کتاب توحید

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: کلمه ی لا اله الا الله تصمیم قطعی ایمان و باز کنندهٔ در نیکی و احسان موجب خشنودی خدای رحمان و دور کنندهٔ شیطان است.(۱)

انّ فی خلق السّموات و الارض و اختلاف اللیّل والنّهار لایات لاولی الالباب(۳- ۱۹۰)

سپاس خدایی را که آسمان و زمین را آفرید و تاریکیها و نور را ایجاد نمود عجب اینکه با همهٔ اینها باز کسانی کافر می شوند و برای پروردگار خود همتا می گیرند.

الحمدالله الّذی خلق السّموات و الارض و جعل الظّلمات و النّور ثّم الّذین کفروا بربّهم یعدلون(۱-۶)

بعد از خلق آسمان و زمین بزرگترین آفرینش خداوند(آدم) از گل و نسل اواز چکیده آبی بی ارزش است و بعد صحبت از اجل معین و مقرّر که برای هر کسی نوشته شده است. پس اجل دو گونه است اجل مبهم و دیگر اجل مسمی یعنی معین که زمانش تغییر نمی کند بخاطر همین لفظ {عنده }را آورده است. و در لوح محفوظ مقدر شده است، پس دیگر جای شک وتردید نیست.

هو الّذی خلقکم من طین ثّم قضی اجلاً و اجل مسمی عنده ثّم انتم تمترون. (۶-۲)

هیچ جنبنده ای در زمین و پرنده ای که با دو بال خود می پرد نیست مگر اینکه آنها نیز مانند شما گروههائی هستند و ما در کتاب از بیان چیزی فرو گذار نکردیم و همه بسوی پروردگار خود محشور می شوند.از بررسی آیات به دست می آید که علاوه بر انسان همه موجودات محشور می شوند و بسوی پروردگار خویش باز می گردند. تا وقتی کلمه احسان و ظلم کاربرد دارد حسابرسی هم برتمام موجودات به نسبت اعمال وجود دارد . حیوانات صاحب شعوراند پس خدا را می شناسند و تسبیح می گو یند.قوه تمیز بین انسان و موجودات دیگر عقل است وعقل میزان سنجش اعمال است . از ابوذر نقل شده که می گوید:ما خدمت پیامبر (ص) بودیم که پیش روی ما دو بز به یکدیگر شاخ زدند پیغمبر فرمود می دانید چرا اینها به یکدیگر شاخ زدند؟ حاضران عرض کردند: نه! پیامبر(ص)فرمودند : ولی خدا می داند چرا؟ و بزودی در میان آنها داوری خواهد کرد.

و ما من دابة فی الارض و لا طائر یطیر بجناحیه الا امم امثالکم و ما فرطّنا فی الکتاب من شیء ثّم الی ربهم یحشرون(۳۸-۶)

خدا شکافنده دانه و هسته است وزنده را از مرده و مرده را از زنده پدید می آورد. اینگونه است خدا پس چگونه و کجا سرگردان می شوید.
دگر گونی و تغییر از حالتی به حالت دیگر و شکافتن دانه و هسته و زنده شدن گیاه مرده وتبدیل شدن گیاه زنده به مرده از نشانه های معاد است و همه در روز قیامت جمع می شوند که حشر این است وجزء این نیست.
انّ الله فالق الحبّ و النّوی یخرج الحّی من المیّت و مخرج المّیت من الحّی ذلکم الله فانّی توفکون (۶-۹۵)
اوست که خورشید و ماه را نورانی کرد و آنرا در جایگاه های معینی به گردش در آورد تا شما عدد سال و محاسبات زمانی را بدانید.خدا این نشانه ها به حق آفرید و آن را برای اهل فهم و درک بیان می کند.
او خدائی است که آسمانها را بدون ستون افرید سپس به عرش پرداخت و خورشید و ماه را تامدتّی معین بخدمت گرفت تا سیر کنند اوست که تدبیر امور می کند تا شما به معاد یقین آورید.
عظمت و بزرگی خداوند سبحان را نباید به اندازه عقل خود سنجید که این هلاکت است.ایجاد شب وروز و حرکت ستارگان در آسمان و خلاصه گردش منظومه شمسی نشاندهنده قدرت خدای واحد است او سرآغاز هستی است پس در عین نزدیکی دور و در عین دوری نزدیک است واز رگ گردن نزدیک تر است.
هو الّذی جعل الشمس ضیاء و القمر نورا و قدّره منازل لتعلموا عدد السّنین والحساب ماخلق الله ذلک الّا بالحق یفصّل الایات لقوم یعلمون(۱۰- ۵)
الله الّذی رفع السّموات بغیر عمد ترونها ثمّ استوی علی العرش و سخّر الشمس و القمر کلّ یجری لاجل مسّمی یدبّر الامر یفصّل الایات لعلکم بلقاء ربّکم توقنون (۱۳-۲)

اوست خدائی که زمین را بگستراند و در آن کوهها و جویها قرار داد و از هرقسم میوه دو صنف قرار دادو شب را به روز پوشاند پس در این شگفتی نشانه هائی است برای تفکر و اندیشیدن .
و هو الّذی مدّ الارض و جعل فیها رواسی و انهار و من کل الثّمرات جعل فیها زوجین اثنین اللیل النهار ان فی ذلک لایات لقوم یتفکّرون (۳-۱۳)

در زمین قطعه هایی پهلوی هم هست و بر همین زمینها باغها و درختانی از انگور و زراعتها و

و نخلها وجود دارد که از یک پایه و ساقه می رویند و گاه از پایه های مختلف که از آب واحد سیراب می شوند که بعضی از این میوه ها را بر بعضی دیگر برتری می دهیم پس در این امور نشانه هائی است برای تعقل و اندیشیدن.
و فی الارض قطع متجاورات و جنات من اعناب و زرع و نخیل صنوان و غیر صنوان یسقی بماء واحدو نفصّل بعضها علی بعض فی الاکل انّ فی ذلک لایات لقوم یعقلون(۴-۱۳)

آیا نمی بینی که ماپیوسته به سراغ زمین می آئیم و از اطراف و جوانب آن کم می کنیم . حکومت و فرمان از آن خداست و هیچ کس را یا رای ردّ احکام او یا جلوگیری از فرمان او نیست.
مطالعه در نظام آفرینش و شگفتیهای عالم خلقت انسان را به تفکر می اندازد و متوجه می کند که جهان تحت سلطهٔ خداست و فرمان از آن خداست و هیچکس یارای ردّ احکام او را ندارد . او در خالقیت واجب الوجود است و در ربوبیت تکوینی کار گردانی جهان را بعهده دارد و در ربوبیت تشریعی و قانونگذاری واجب الاطاعة است و علت العلل جهان است.
او لم یروا انّا ناتی الارض ننقصها من اطرافها و الله یحکم لا معقّب لحکمه و هو سریع الحساب (۱۳-۴۱)

بعد از برشمردن نعمتهای الهی در آسمان و زمین و مسخر کردن شب وروز برای شما و به خدمت گرفتن کشتیها در دریا همه و همه از نعمتهای خداوند است ودر حالیکه انسان قدرت بر شمردن نعمتها ی الهی را ندارد چون انسان همواره ناسپاس و ستم پیشه است.
بر شمردن نعمتهای الهی بینش و تفکر و بینائی می خواهد و انسان غافل قدرت بینائی ندارد چون همواره در غفلت خود سرگردان است .
الله الذی خلق السّموات و الارض و انزل من السماءماءًفاخرجبه من الثمرات رزقا لکم و سخّر لکم الفلک لتجری فی البحر و سخّر لکم الانهار(۱۴-۳۳)
و سخّر لکم الشّمس والقمر دائبین و سخّر لکم اللیل والنّهار(۱۴-۳۳)
و انکم من کلّما سالتموه وان تعّدوا نعمت الله لا تحصوها انّ الانسان لظلوم کفّار(۱۴-۳۴)

برجهائی برآسمان قرارداده و آنرا برای تماشگران زینت کرده و از هرشیطانی حفظ کرده و برای شما خورشید و ماه را مسخّر کرد در حالیکه دائماً در حرکتند. و کوهها را مسخّر شما قرار داد تا

در کوهها طلا و نقره و مس و روی و آهن و قلع و سرمه و زرنیخ و نظائر آ ن را رویاند که جزء با سنگ و پیمان معامله نمی شود.(ابی الجارود از حضرت باقر (ع))
همواره شیاطین به آسمان بالا می رفتند و تجسس می کردند تا آنکه رسول خدا (ص)متولد شدند و در نتیجه از رفتن به همه آسمانها محروم شدند و از آن به بعد شیاطین با نجوم رانده می شدند(معانی الاخباراز ابان از امام صادق(ع))**{تمامی این آیات حاکی از پیشرفت علم و بهره برداری از آنهاست.}**
قدرت مطلقه خدا خزینه هر چیزی است که بخواهد ایجاد کند و بارانی که از آسمان نازل می شود از این دسته است.خداوند متعال به اندازه معلوم نازل می کند و خداوند بر هر چیزی حدّی مقرر کرده و همانگونه که انسان را حدّی است حیوانات را نیز حدّی است.**{قد جعل الله لکل شیء قدرا(۳-۶۵)}**
و لقد جعلنا فی السماء بروجاً و زیّنا ها للناظرین(۱۶- ۱۵)
و حفظنا ها من کلّ شیطان رجیم(۱۷-۱۵)
الّا من استرق السّمع فاتبعه شهاب مبین(۱۸-۱۵)
و الارض مددنا ها و القینا فیها رواسی و انبتنا فیها من کل شیء موزون (۱۹-۱۵)
و ان من شیءالّا عندنا خزائنه و ماننزّله الاّ بقدرمعلوم(۲۱-۱۵)

ای بشر بخاطر داشته باش که از یک قطره آب بی مقدار شکل گرفته ای پس چگونه وقیح و بی شرم هستی و به آیات الهی ونعمتهایش شرک می ورزی.
خلق الانسان من نطفة فاذا هو خصیم مبین(۴-۱۶)
بررسی سوره نحل در سالم سازی اعتقادات و دوری از شرک:
اکثرنعمتهای الهی در آیات سوره نحل بیان شده و خواص آن واستفاده صحیح از نعمتها تذکر داده شده است.هدف از بیان نعمتها و تذکر به آن تقویت ایمان بشر است تا با بصیرت کامل متوجه این شگفتیها باشد و از شرک دور بماند.
اسلام دین تسلیم در برابر حقانیّت حق است پس چون و چرا محل اعرابی ندارد، خداشناسی و خداپرستی یعنی به حق رسیدن و در پناه خدا زیستن.

شما از خون بسته آفریده شده و بعد پاره گوشت وبعد خروج از رحم و مراحل رشد و نمو (بلوغ)وسپس نیرومند شدن اعضا و قوای بدنی و مرحلهٔ دیگر پست ترین وحقیرترین دوران (پیری)است پس دیگر جای شک وشبهه نیست.....

یا ایهاالناس ان کنتم فی ریب من البعث فانّا خلقناکم من تراب ثمّ من نطفة ثمّ من علقة ثمّ من مضعة مخّلقة و غیر مخلقة لنبیّن لکم و نقّر فی الارحام ما نشاء الی اجل مسمّی ثمّ نخرجکم طفلا ثمّ لتبلغوا اشّدکم و منکم من یتوفّی و منکم من یرد الی ارذل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئا.....(۵-۲۲)

هیچ شکی به روز رستاخیز نیست . رستاخیز حق است پس آمدنی است و نباید به آن شک کرد همانطور که خداوند مرده ها را زنده می کند که او خدایی بر حق و قادر بر هر چیزی است.
ذلک بانّ الله هو الحق و انه یحیی الموتی و انّه علی کل شیء قدیر(۶-۲۲)

راه حق را با تعقل واندیشه درنعمت ها دریابید تا ایمان قوی گردد و از مسیر کفر و بی ایمانی جدا شوید. آیات سوره حج نعمتهای بیشمارخداوند را برمی شمارد :آیات(۶۱-۲۲)و (۶۳-۲۲)
آیات سوره مؤمنون(۱۷و ۱۸و۱۹و ۲۱ و۲۲و ۷۹ –سوره۲۲)
اوست که برای شما چشم و گوش و قلب آفرید تا شما شکر گذار باشید در حالیکه کمی از شما شکر گذار هستید.
هو الذی انشا لکم السمع و الابصار و الافئده قلیلا ما تشکرون(۷۸-۲۲)

ابرو فشردگی آن بصورت تگرگ و باران و شعاع برق آن طوری که درختان و میوه ها و زراعتها و حیوانات و انسان از آن در امان نیستند.
الم تر ان الله یزجی سحابا ثّم یولف بینه ثّم یجعله رکاماً فتری الودق یخرج من خلاله و ینزل من السماء من جبال فیها من برد فیصیب به من یشاء و یصرفه عن من یشاءیکاد سنا برقه یذهب بالابصار (۴۴-۴۵)

خدا همه جنبندگان را از آبی آفریده (منظور نطفه است) بعضی از آنها با شکم خویش(مار) و بعضی با دو پا(انسان) بعضی با چهار پا(چهارپایان) راه می روند خداوند هر چه را بخواهد خلق می کند.
والله خلق کل دابة من ماء فمنهم من یمشی علی بطنه و منهم من یمشی علی رجلین و منهم من یمشی علی اربع یخلق الله مایشاء ان الله علی کل شیء قدیر.

دو دریا ی شیرین و شور در کنار یکدیگر هستند در حالیکه برزخی (حائلی)در میان آنها قرار داردگوئی هر یک به دیگری می گوید دور باش و نزدیک نیا.

قدرت خداوند ومظاهرشگفت انگیز ، وشاید شوری و شیرینی رابه کفر و ایمان تشبیه کرده که افراد با ایمان آب عذب و فراتند و افراد بی ایمان آب ملح و اجاجند با دو طرز تفکر و دو نوع عمل که در هم آمیخته نمی شوند ولی وحدت آنها در عین حال حفظ می شود.
و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات و هذا ملح اجاج و جعل بینهما برزخا و حجرا محجورا (۵۳-۲۵)

اوست خدائی که بشر را از آب خلق کرد ونسب وصهر (خویشاوندی از ناحیه مرد واز ناحیه زن)را خلق کرد.
و هو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا و کان ربک قدیرا(۵۴- ۲۵)

اوست خدا ئی که شب و روز را خلق کرد و هر یک را جانشینی برای دیگری قرار داد تا "یذکر و شکور"به معنای واقعی بیان گردد. منظوراز"یذکر"نمازهای واجب است که با حرکت زمین و دگرگونی شب و روز حاصل می گردد. و منظور از "شکور"نمازهای مستحبی است . وظایف ایمانی واعتقادی بنده در این آیه مشخص شده است تا بشر در برابر حق و حقیقت تسلیم گردد.
و هو الذی جعل اللیل و النهّار خلفة لمن اراد ان یذکر او اراد شکورا(۶۲-۲۵)

درسه آیه ذیل مسئله توحید و نفی شرک به وضوح بیان شده و توحید در خالقیت و ربوبیت را نشان می دهد.

قل ارایتم ان جعل الله علیکم اللیل سرمدا الی یوم القیمه .....(۲۸-۷۱)
قل ارایتم ان جعل الله علیکم النهار سرمدا الی یوم القیمة.....(۲۸-۷۲)
و من رحمته جعل لکم اللیل و النهار لتسکنوا فیه و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون(۲۸-۷۳)

ضعیف و قوی ، ضعیف آن نطفه ای است که شکل می گیرد و بعد از قوّت گرفتن تبدیل به طفلی می شود که رشد خود را ادامه می دهد وبه بلوغ می رسد و بعد از این قوّت دو باره ضعیف می شود که این حالت پیری است.او خدای یگانه است و جزء او خدائی نیست.
الله الذی خلقکم من ضعف ثّم جعل من بعد ضعف قوة ثّم جعل من بعد قوة ضعفا و شیبة یخلق ما یشاء و هو العلیم القدیر(۲۸-۵۴)

ستمکاران در گمراهی آشکارند آنان کسانی هستند که مشرک هستند.
هذا خلق الله ماذا خلق الذین من دونه بل الظالمین فی ضلال مبین(۳۱-۱۱)

نعمتهای ظاهری وباطنی از الطاف خدای رحمان است.نعمتهای ظاهری از قبیل حواس ظاهری و سلامتی ورزق طیب و آنچه که محسوس است نعمت باطنی شعور و اراده و عقل است و نیز مقامات معنوی که تنها از راه اخلاص بدست می آید.
الم تروا انّ الله سخرّ لکم ما فی السموات و ما فی الارض و اسبغ علیکم نعمه ظاهره و باطنه و من الناس من یجادل فی الله بغیر علم و لا هدی و لا کتاب منیر.(۳۱-۲۰)

چرا با وجود تمام نعمتهای آسمانی و زمینی که برای گذران زندگی شما مهیا شده بینا نمی شوید و در گمراهی و ضلالت خود شناورید.
اولم یروا انّا نسوق الماء الی الارض الجرز فنخرج به زرعا تاکل منه انعامهم و انفسهم افلا یبصرون (۳۲-۲۷)

کفّار پلنگ دماغ و متکبّرند و روح سرکششان به آنها اجازه نمی دهد که در برابر خدا تسلیم شوند و توبه کنند و به اطاعت روی آورند.آنان آنچه را که در آسمان و زمین مِی بینند ایمان نمی آورند گو اینکه هیچ چیز را نمی بینند پس در برابر سرکشی، عذاب و هلاکت است.
افلم یروا الی ما بین ایدیهم و ما خلفهم من السماء والارض ان نشاء یخسف بهم الارض او نسقط علیهم کسفا من السماءانّ فی ذلک لایة لکل عبد منیب. (۹- ۳۴)

احیاء زمین در این آیه تشبیه به روز قیامت و زنده شدن مردگان شده است که آنها ازقبرها بیرون می آیند و در روی زمین پراکنده می شوند.
والله الذی ارسل الرّیاح فتثیرسحابا فسقناه الی بلد میّت فاحیینا به الارض بعد موتها کذلک النشّور(۹-۳۵)

این همه خلق و آفرینش این همه موجودیت و فنا ،فنائی که در لوح محفوظ مدّتش برای هر کس معین شده است و این برای خدا آسان است چون خدا علیم و قدیر است و اوبرهمه چیز احاطه دارد.
والله خلقکم من تراب ثّم من نطفة ثّم جعلکم ازواجاً و ما تحمل من انثی و لا تضع الا بعلمه و مایعمّر من معمّر و لا ینقص من عمره الّا فی کتاب انّ ذلک علی الله یسیر(۱۱-۳۵)

او خدائی است که نمی گذارد آسمان و زمین فرو ریزد و اگر فرو ریزد احدی بعد از خدا نیست که از ریختن انها جلوگیری بعمل آورد و اوست که حلیم و آفریدگار است.
انّ الله یمسک السموات و الارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهم من احد من بعده انّه کان حلیما غفورا(۴۱-۳۵)

نه خورشید به ماه می رسد و نه ماه به خورشید زیرا هریک از آنها و کواکب دیگر در مسیر خاص خود حرکت می کنندو در فضا شناورند همانطور که ماهی در آب شنا میکند و هر یک از این اجرام آسمانی در برابر مشیت خدا رام است و امر او را اطاعت می کند پس آیا انسانها هم حدو حدود خود را می شناسند ؟ آیا انسانها مطیع اوامر الهی هستند؟ یا همچنان سرکش و در ضلالت شناورند.
لا الشمس ینبغی لها ان تدرک القمر و لا اللیل سابق النّهار و کلّ فی فلک یسبحون (۴۰- ۳۶)

آسمان دنیا را با ستارگان زیبا ساختیم تا آنرا زینت کرده و از شیطان سرکش حفظ کنیم شیطانی که آری از خیر است. خداوند انسان را به تمام نعمتها وزینتها آراسته و از او می خواهد تا شیطان سرکش را سرکوب نماید و با تبعیت از او خود را نابود نسازد همچنانکه خداوند از استراق سمع شیاطین جلوگیری می کند تا آنها از اسرار خلقت و حوادث آینده سر در نیاورند.

انّا زیّنّا السّماءالنیّا بزینةالکواکب و حفظاً من کلّشیطان مارِدٍ(۶و۷-۳۷)

در قرن بیستم و در زمان غیبت ولیعصر(عجل الله تعالی فرجه) مسلمانان باید با بیداری و هوشیاری اسلامی ،خود را به علوم مختلف زینت دهند و از هر شیطان سرکش (داخلی و خارجی-"جاسوس") خود را محفوظ دارند.دشمنان اسلام که از هر طریق استفاده می کنند تا از اخبار غیبی موجود در میان مسلمانان آگاه شوند واجب است که اینها طرد شو ند چون اینها دزدان اسرار هستند همچنانکه شیاطین می خواهند به ملائکه نزدیک شوند و از اسرار خلقت و حوادث آینده سر در آورند و ملائکه آنها را با نوری از ملکوت که شیاطین تاب تحمل آنرا ندارند،دور می سازند. (۱۰-۳۷)

او خدائی است که آسمان و زمین را به حق آفرید و روز را برای تلاش و شب را برای آرامش انسان قرار داد که این شب و روز بطور مستمر و در پی هم جریان دارد تا مدّت معینی که امر خدا واقع گردد. "حق" در قران بعث و قیامت است پس آنچه هست حق است و باطل نیست ،پس وقتی باطل نباشد حسابی و کتابی دارد.لا تبدیل لخلق الله خدا جانشین ندارد این همه آثار و نشانه برای یکتا پرستی است پس پرستش خدا هدف از آفرینش است و در این یکتا پرستی موحّد باش و درست حرکت کن ومسیر تکامل را بسوی خالق هستی از امواج انحرافی دور نگاه دار.

خلق السّموات و الارض بالحق یکورالّیل علی النّهار و یکور النّهار علی اللیّل وسخر الشمس و القمر کلّ یجری لاجل مسمّی(۵-۳۹)

با توجّه به ایات سوره غافر معلوم می گردد که خدا وند تعقل و تدبّر را بر بشر لازم دانسته تا آنها از اندیشه جاهلیّت دور بمانند مثل یهودیان و موضوع دجال که خداوند به حضرت رسول دستور می دهد از فتنه دجال بخدا پناه ببرد.(۵۷و ۶۱و۶۲و۶۴و۸۰ـــ۴۰)

آیا شما به خدائی کافر می شوید که زمین را در دو روز خلق کرد (دو دوره زمانی)و برای او شریک قائل می شوید این خدا پروردگار عالمین است.
قل أئنکم لتکفرون بالّذی خلق الارض فی یومین و تجعلون له اندادأ ذلک ربّ العالمین(۹و۱۰- ۴۱)

همانا آسمان و زمین نشانه ای است برای مؤمنان آنهائی که تسلیم حقّ شدند زیرا که به خالق جهان یقین پیدا کردند .نزول باران از آسمان و در نتیجه زنده شدن زمین مرده و فرستادن بادها نشانه ای است برای عاقلان و خردمندان و دیگر مسخر کردن آنچه که در آسمان و زمین است نشانه ای برای متفّکران است.
انّ فی السّموات والارض لایات للمؤمنین – و فی خلقکم و مایبثّ من دابّة ایات لقوم یوقنون- وسخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض جمیعأمنه انّ فی ذلک لایات لقوم یتفکرون(۳-۴-۵ـــ۴۵)

خداوند در سوره واقعه بعد از برشمردن نعمتهای فراوان و بیشمار خود با استفهام انکاری سؤالی چند را مطرح می کند و بنده را مخاطب قرار می دهد و او را متوّجه نعمتهای خود می کند در حالیکه از او جزء سپاس و شکر گذاری چیز دیگری نمی خواهد و بنده با سپاس و شکر گذاری تصدیق پروردگاررا کرده است. حال شمارش نعمتها در سوره واقعه:
نحن خلقناکم فلا تصدّقون . ما شمارا آفریدیم پس چرا تصدیق نمی کنید؟(۵۷-۵۶)
أفرایتم ما تمنون. شما غیر از ریختن نطفه چه نقش دیگری در جنین دارید؟(۵۸-۵۶)
ء انتم تخلقونه ام نحن الخالقون. آیا شما نطفه را به بشر تبدیل می کنید یا ما خالقیم؟(۵۹-۵۶)
ء انتم تزرعونه ام نحن الزّارعون.آیا شما بذرها رامی رویانید یا ما رویاننده هستیم؟(۶۴-۵۶)
أفرایتم الماء الّذی تشربون. آیا شما خالق آبی که می نوشید هستید یا ما هستیم؟(۶۸-۵۶)
ءانتم انزلتموه من المزن ام نحن المنزلون. آیا شما آن آب شیرین را از ابرها فرود آوردید یا ما بوجود

آورنده هستیم. ایجاد آب گوارا بدست ماست و گرنه همچو آب دریاها شور میشود.(۶۹-۵۶)
أفرایتم النّار الّتی تورون . آیا آن آتش که شعله ور می کنید خود شما چوبش را برای گیراندن تهیه کرده اید یا ما خالقیم؟(۷۱-۵۶)

ءانتم انشاتم شجرتها ام نحن المنشئون . آیا شما درختش را که بعدأ هیزم شد آفریدید یا پدیده آورنده اش مائیم؟حال تصدیق نمی کنید! (استفاده از ضمیر متکلم مع الغیردر کلام پروردگار فضل و بزرگواری او بر بشر است) (۷۲-۵۶)

خدا آسمان را هفت آسمان خلق کرد که منظور از آن هفت عدد کرات آسمانی است و زمین را هفت طبقه خلق کرد که مانند پوست پیاز بر روی یکدیگر قرار دارد.از این خلقت نتیجه می گیریم که خداوند بر هر چیز احاطه علمی دارد پس بر خردمندان مؤمن واجب است که از مخالفت امر او بپرهیزند .
الله خلق سبع سموات ومن الارض مثلهن.....انّ الله علی کل شی قدیر.....(۱۲-۶۵)

خدائی که تمام ملک در دست اوست و بر هر چیز قادر و توانا است. ای بشر به دنیا با دیده بصیرت بنگر .
تبارک الّذی بیده الملک(۱-۶۷)

استفهام توبیخی در آیه هست . ای انسان چه چیز تو را نسبت به پروردگار کریمت مغرور ساخت.پروردگاری که حجت را با تو تمام کرد . نعمتهای فراوان بر تو روا داشت و راههای هدایت را بر تو بر شمرد و بتو گفت اگر شکر بگذاری نعمتت را زیاد میکنم و اگر کفران بورزی عذابم سخت است دراینصورت دیگر عذری نمی ماند.سیاق آیه تهدید است.
یا ایهّاالانسان ما غرّک بربّک الکریم(۶-۸۲)

سخن از تدبیر الهی است . تدبیری که تناسب بقاء در آن است . تناسب و بقاء به اینکه هر عضوی از موجودات و جنبدگان در جای مناسب خودش قرار دارد و سپس بین آنها تناسب و عدل بندی برقرار است. مثلأ در تناسب بین اعضاء لقمه گذاشتن در دهان است بتوسط دستها و دیگر جویدن و حرکت زبان و فعل و انفعالات دیگر بر آن همه و همه از توازن و تعادل خاصی برخوردار است.
الذی خلقک فسّوَاک فعدلک(۷-۸۲)

انسان در رنج و سختی خلق شده است و رنج و مشقّت در تمامی شئون حیات بر انسان احاطه دارد و از طرفی خداوند بر انسان احاطه کامل دارد و در تمامی جهات وشئونات زندگی او تصرف دارد . آیا ای انسان گمان می کنی که احدی بر تو تسلط ندارد و یا از سرمنّت می گوئی مالم را نفله کردم و یا گمان می کنی که ما انفاق تو را نمی بینیم و از آن غافلیم در حالیکه به سّر و خفیّات و آشکارا آگاهیم. راه خیر وشر را بر تو نشان دادیم و گاهی به تو این دو را الهام می کنیم . تو ای بشر دو چشم بینا داری تا دیدنیها را با تمام وسعتش ببینی و دو لب داری تا توانائی سخن گفتن داشته باشی و دیگران را به خیر و شر آگاه سازی و دانستی که انسان در رنج و مشقّت آفریده شده پس چرا بیراهه طی مسیر میکنی و چشم و زبان را در مسیر پاکی و معنویت بکار نمی گیری و خود را از هرزگی زبان و چشم مراقبت نمی کنی.
لقد خلقنا الانسان فی کبد . أیحسب ان لن یقدر علیه احد . یقول اهلکت مالألبدا . أیحسب ان لم یره احد. الم نجعل له عینین . و لسانأ شفتین. و هدیناه النّجدین (۵الی۱۰-۹۰)

خداوند انسان را از نظر جسمی و روحی و عقلی با نظام معتدل و شایسته آفرید با استعدادهای مختلف به گونه ای که او صلاحیت داشته باشد عروج یابد و مقام رفیع را کسب نماید.و اگر از مسیر حق منحرف گردد چنان سقوط می کند که در اسفل سافلین در آید.
لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم. (۴-۹۵)

{پایان بحث عقاید}

بخش دوّم

توحید

شناخت توحید مستلزم شناخت صفات الهی است. صفاتی که عین ذاتش است. اله واحد است چون علم و قدرت و حیات دارد. او عالم است به قدرتش و قادر است به حیاتش و حیّ است به علمش و در صفت حیّ بودن و دیگر صفات ثبوت دارد.او خدائی واحد است و احدی غیر از او نیست. صفات او مخصوص اوست و عین ذاتش است و احدی با او در آن صفات شریک نیست.
الهکم اله واحد لا اله الاّ هو الرحمن الّرحیم(۲-۱۶۳)

هو الحیّ القیّوم. او خدائی است که همواره غالب بر امر خود و مسلط بر خلق خویش است. او درحین حی بودن قیّوم است . خواب بر او مسلط نیست . او مالک آسمان و زمین است . کسی بدون اذن او حق شفاعت ندارد. او به همه چیز احاطه دارد به وسعت آسمان وزمین و آنچه در بین آنهاست . پس عرش و کرسی خدا علمی است که احدی نمی تواند اندازه اش را تقدیر کندو آن علم نامتناهی است و این است معنای آیة الکرسی که در لسان حضرت رسول (ص) به این نام نامیده شد و به هیچ پیغمبری قبل از ایشان داده نشد و آن در هرشب بر زبان حضرت علی(ع) جاری بود.
الله لا اله الاّ هو الحّی القیّوم لا تاخذه سنة و لا نوم.....(۲-۲۵۵)

روز قیامت که شک در آن نیست خداوند یگانه همه را از هر گروه و دینی جمع میکند و در این گفتار خداوند شکی نیست و او راستگو ترین است.
الله لا اله الا هو لیجمعنّکم الی یوم القیمة لا ریب فیه و من اصدق من الله حدیثا (۴-۸۸)

پیروی کن آن چیزها را که از پروردگارت بتو وحی شده و بدان که جز او خدائی نیست و از مشرکین و افکارش اعراض کن و بگذار که آنها مشغول بت پرستی خود شوند و شریک برای خدا قائل شوند.
اتبع ما اوحی الیک من ربک لا اله الّا هو و اعرض عن المشرکین (۶-۱۰۶)

بدان که قرآن به علم خدا نازل شده و خدا یکی است پس چرا تسلیم نمی شوید و ایمان نمی آورید و چرا به اسلام روی نمی آورید.
انمّا انزل بعلم الله و ان لا اله الاّ هو فهل انتم مسلمون(۱۴-۱۱)

بگو اوست پروردگار من و جز او خدائی نیست. توکّل بر او کردم یعنی او را وکیل خود قرار دادم و کارها را به او وا گذاشتم و بسوی او بر میگردم.
قل هو ربی لا اله الّا هو علیه توکّلت و الیه متاب(۳۰-۱۳)

ابلاغ عمومی برای مردم ،سنت الهی ،انذارعمومی،علم و دانش و تقویت اندیشه یعنی قرآن ، پس ثقلین ،یعنی ثقل اکبر و اصغر،کتاب الله و عترته.چه بد فهمیدند کسانی که عقل را معیار قرار ندادند و تفسیربه رای کردند.وبر مبنای تفسیر به رای بدعتها را در دین وارد کردند.و خود و عدّه ای را گمراه کردند.
هذا بلاغ للنّاس و لینذروا به و لیعلموا انّما هو اله واحد و لیذّکرا ولوالالباب(۵۲-۱۴)

انذار توسط ملائکه با روح الهی بسوی بندگان الهی با اذن الهی، و انذار پذیران کسانی هستند که صاحب عقل و خرد اند. موضوع انذار توحید و خداشناسی یعنی فقط او را بپرستید و پرهیزگار باشید و با پرستش او و دوری از شرک مسیر اخلاص را در پیش بگیرید.
ینزل الملائکة بالروح من امره علی من یشاء من عباده ان انذروا انّه لا اله الا انا فاتقّون(۲-۱۶)

خداوند یکتا است ولی کسانی هستند که دلهایشان منکر حقّ است و ایمان به آخرت ندارند آنان مستکبران اند و در برابر حق مستکبرند .
الهکم اله واحد فالذین لا یؤمنون بالاخرة قلوبهم منکرة و هم مستکبرون(۲۲-۱۶)

از مخالفت فرمان من بیم داشته باشید . فایای فارهبون(۵۱-۱۶)
فاتقونٍ. فقط مرا بپرستید و مطیع فرمان من باشید.

صفات او عین ذاتش است .اسماء حسنی متعلق به اوست .اسماء حسنی نامهای نیکوی خداوندی است دارای ترکیب وصفی که نیاز بشر را در فقر خود جبران می کند.
فمن کان یرجوا لقاء ربّه فلیعمل عملاً صالحا و لا یشرک بعبادة ربّه احداً(۱۱۰-۱۸)

پرستش خدا: فقط او را بپرستید و نماز را بشناسید و برای یاد خدا وعبادت او آن را بجا بیاورید اگر نماز گم شود ذکر نیز گم کردد ذکر که گم گردد یاد او هم فراموش میگردد و اگر خداوند را فراموش کنیم خود را فراموش کرده و دین دچار لغزش می شود و انسان حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال خواهد کرد.نماز یعنی قیام و استواری در دین ،نماز یعنی قیام بر واجبات و دوری از محرمات نماز یعنی شناخت حق از باطل، نماز یعنی خضوع و خشوع، نماز یعنی تصویری از عظمت خدا ، نماز یعنی شناخت انبیاء و اولیای الهی ، نماز یعنی قیام بر نابودی استکبار جهانی و شیطان بزرگ.
انا الله لا اله الا انا فاعبدنی و اقم الصلوة لذکری(۱۴-۲۰)

غیر از خدا وند یکتاخدایی دیگر نیست. همه چیز فانی است جز او که باقی است.هر دینی باطل و هلاک شده و بی اثر است جزء دینی که او برای سعادت بشر فرستاده و آن دین توحید است. هر موجودی فنا پذیر است مگر وجه خدا که جهت مطلوب هر چیز است.او دارای حکم و قضا است . تقدیر و تدبیر جهان و تقدیر تک تک موجودات (انسان و غیر انسان) همه بستگی به حکم و قضا و قدر الهی است. پس ای بشر بدان که انتهای کار بازگشت بسوی حقّ است.
و لا تدع مع الله الهاً اخر لا اله الاّ هو کلّ شی هالک الاّ وجهه له الحکم و الیه ترجعون(۸۸-۲۸)

خداوند توبه پذیر است و گناه گناهکار را می بخشد به گونه ای که دیگر به عمل زشت خود باز نگردد پس او غافرالذنب است.او صاحب عقاب است و عقاب او شامل افراد شقی و گنهکار است پس او شدید العقاب است..صفت دیگر او منعم است منعم در نعمتهای طولانی و کوتاه مدّت پس او ذی الطول است.او یکتاست و غیر او خدائی نیست و بازگشت همه بسوی اوست.صفات الهی انگیزه خوف و رجاء را در انسان بیدار می کند خوف از عقاب و امید به ثواب که دل را به سوی عمل صحیح می کشاند.

ربوبیت و مالکیت و الوهیت – رب الناس - ملک الناس- اله الناس

ربوبیت پروردگار در نزدیکترین صفت او با مخلوق که عبد را تحت تربیت خود قرار می دهد . عبد مطیع و فرمانبردار پروردگارش است زیرا عبد مملوک خالق است و باید طبق خواسته او حرکت کند.
قل اعوذ برب الناس – ملک الناس – اله الناس(۱-۳، ۱۱۴)

منزه بودن خدا از والد وولد

تمام عالم و آنچه که در بین آسمان و زمین خلق شده بدون الگو آفریده نشده و دارای اسباب نیست پس همه چیز مملوک اوست و هستی او قائم بذات اوست و او از فرزند داشتن منزه است .یهود می گفت : عزیر پسر خداست. نصاری می گفت :مسیح پسر خداست.
هرکس غیر از او را قبول کند مشرک است "حرم الله علیه الجنة" و خداوند بهشت را بر او حرام کرده است.مشرکین قائلند که"انّ الله ثالث ثلثه" خدا سه تاست "پدر- پسر- روح القدس" این اعتقاد باطل است و کفار خود می دانند ولی سیاست آنان و اهدافشان جزء رواج باطل چیزدیگری نیست.
دیگر اینکه برای خدا بناتی(دختران) قرار می دهند "و یجعلون لله البنات" که وثنی ها و بودائی ها و صائبی و برهمنی که بسیاری از ملائکه و جن را می پرستیدند که به اعتقاد آنان همه ماده بودند. بت پرستان هم ملائکه را که منشاء وجود خیر عالمند و اجنة را که مرجع شرور عالمند الهۀخود پنداشتند و می پرستیدند. همانا شما دروغگویان هستید که دو خدائی و یا فرزند برای خدا قائل هستید "ولد الله و انّهم لکاذبون" (۱۵۳-۳۷)
اگر خدائی دیگر در آسمان و زمین بود هر آینه فساد می کردند پس خداوند منزه است از هر شرک و عقیده"لو کان فیهما الهة الاّ الله لفسد تا فسبحان الله ربّ العرش عمّا یصفون(۱۲۲-۲۱)
پس بگو ای پیغمبر اگر برای خداوند رحمان فرزندی باشد اوّل کسی که او را بپرستد من بودم "قل ان کان للرّحمن ولد فانا اوّل العابدین(۸۱-۴۳)
بگو ای پیغمبر که او یکی است که نزاد و زاده نشده است.
قل هو الله احد – الله الصمد- لم یلد و لم یولد (۱الی۳-۱۱۲)

بخش سوم

صفات خداوند(صفات ذات و صفات فعل)

توحید صفاتی که ما صفاتی را به خداوند نسبت می دهیم که چیزی غیر از ذات خدا نیست.ذات او یکتا ست و شریکی ندارد . خداوند صاحب توحید افعالی است یعنی کارهائی که خدا انجام می دهد برای انجام دادنش نیازی به کمک و یار و یاور ندارد و در انجام هر کاری مستقل است.آیات:

الحمد لله رب العالمین-

حمد مخصوص خداوند است و هرشکر حمد است و هرحمد شکر نیست.

انسانهای منافق وقتی مؤمنان را می بینند می گویند : ما ایمان آوردیم و وقتی با شیاطین خلوت کرده می گویند ،ما با شمائیم. اینجاست که صفت خداوندی بصورت استهزاء می آید . آنها را مسخره می کند و استهزاء خداوند فرورفتن منافق در گرداب کوردلی است.

الله یستهزء بهم و یمدّهم فی طغیانهم یعمهون (۱۵-۲)

آگاهی خدا به سرّ و خفیّات انسانهاست.

او لا یعلمون انّ الله یعلم مایسّرون و مایعلنون (۷۷-۲)

خداوند دشمن کافرین است. فانّ الله عدوّ للکافرین(۹۸-۲)

خداوند یاور و سرپرست شماست شما نمی دانید اگر می دانستید سرگردان نمی شدید.

خداوند بخشنده و رحیم است برای کسانی که توبه کردند و کار نیکو انجام دادند.

الاّالذین تابوا و اصلحوا .....انّاالتواب الرّحیم(۱۶۰-۲)

خداوند انسانهای متجاوز را دوست ندارد و کسانی که از حّد خود تجاوز کنند تجاوز کاران هستند و خداوند بی عدالتی را دوست ندارد.

....و لا تعتدوا انّ الله لا یحبّ المعتدین(۱۹۰-۲)

خداوند فساد در روی زمین را دوست ندارد.فساد اخلاقی ، فرهنگی، اجتماعی، دینی، عرفی.

والله لا یحبّ الفساد(۲۰۵-۲)

خداوند جانفشانی انسانها را برای یکدیگر دوست دارد.

من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله(۲۰۷-۲)

او شدید العقاب است پس هرگز از نعمتهای خدا سوء استفاده نکنید چون عذاب شدید در انتظار است.

فانّ الله شدید العقاب (۲۱۱-۲)

عمل نیک توأم با روح پاک و دلی مطمئن روزی بیشمار خداوندی را در بر دارد.
والله یرزق من یشاء بغیر الحساب(۲۱۲-۲)
بدانید که خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است.
واعلموا انّ الله غنی حمید(۲۶۷-۲)

خداوند انسانهای ناسپاس و گنهکار را دوست ندارد. انسانهائی که بدنبال ربا می روند و هر گونه فساد و ظلم و ستم را در روی زمین برپا می کنند . خداوند ربا رانابود می کند و صدقات را می افزاید .یمحق الله الربوا و یربی الصّدقات والله لا یحب کلّ کفّار اثیم(۲۷۶-۲)

هدایت بشر بسوی صراط مستقیم رحمتی است از سوی خداوند بر بشر چون او بسیار بخشنده است.
ربنّا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنّک رحمة انک انت الوّهاب(۸-۳)
خداوند خلف وعده نمی کند.انّ الله لا یخلف المیعاد(۹-۳)

او همه را جمع میکند و در آن روز هر کس آنچه را از کار نیک انجام داده و آنچه از کار بد انجام داده حاضر می بیند.
یوم تجدّ کلّ نفس ماعملت من خیر محضراًو ماعملت من سوء(۳۰-۳)

خداوند کافران را دوست ندارد زیرا آنان از خداوند و رسولش روی برگردانند..
اطیعوا لله و الرسول فان تولّوا فانّ الله لا یحب الکافرین(۳۲- ۳)

راه مستقیم راه الهی است . راه مستقیم خالی از هر گونه مکر و حیله و یا تجاوز به حقوق دیگران . ای بشر بدانید اگر در بارهٔ یکدیگر مکر کنید مکر بدکاران ، قسم بخدا که لحظهٔ مجازات شما فرا رسیده و تدبیر خداوند بر شما حاکم می شود.همانطور که در حدیبیه میان مشرکین و مسلمانان دست شما را از کفار و دست کفار را از شما باز داشت و شما را پیروز کرد.
و مکروا و مکرالله والله خیر الماکرین(۵۴-۳)

خداوند غیر از اسلام هیچ دینی را قبول نمی کند پس چرا بعد از ایمان و گواهی به حقانیّت رسول مرتد می شوید دیگر برای شما گروه ظالمان هدایتی نیست .
کیف یهدی الله قوماً کفروا بعد از ایمانهم و شهدواانّ الرّسول حق و جاءهم البیّنات والله لا یهدی القوم الظالمین (۸۶-۳)

نیکو کاران و محسنین کسانی هستند که در راحتی و سختی انفاق می کنند و بر خشم خود مسلطّ هستند و از خطای مردم می گذرند و خداوند آنان را دوست دارد.
الّذین ینفقون فی السّراءو الضّراء والکاظمین الغیظ و العافین عن النّاس والله یحبّ المحسنین(۱۳۴-۳)

اگر جراحتی بر مسلمانان رسد بر نقطه مقابل هم همان جراحت میرسد و خداوند ایّام تلخ وشیرین را در میان مردم گردش می دهد که هیچکدام پایدار نیست و سنّت تکامل از لابلای این حوادث آشکار شود و افراد با ایمان شناخته می شوند که لازمهٔ آن شهدا و قربانیانی در راه اسلام است و خداوند ستمگران را دوست ندارد.
و ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم مثله و تلک الایام نداولها بین الناس و لیعلم الله الذین امنوا و یتّخذ منکم شهدا والله لا یحبّ الظالمین(۱۴۰-۳)

ثواب دنیا و آخرت برای محسنین است چون این گروه در تمام سختیها و گرفتاریها روی از خدا بر نمی گردانندو همواره خدا را می خوانند.
فاتاهم الله ثواب الدنّیا و حسن ثواب الاخرة والله یحبّ المحسنین(۱۴۸-۳)

او بهترین یاور وپشتیبان و سرپرست شماست.بل الله مولکم و هو خیرالناصرین (۱۵۰-۳)

توکّل بر خداوند ، بر آنچه رخ می دهد . در سختیها هراسی نداشته باشید و همواره خدا را در نظر داشته باشید و در تصمیم گیری قاطع باشید و بر خدا توکّل کنید که مؤمنان فقط بر ذات خداوند توکّل می کنند چون قدرت او بالاترین قدرت است. و اگر اوشما را یاری نکند چه کسی میتواند شما را یاری دهد.فتوکّل

علی الله انّ الله یحبّ المتوکّلین. پس خداوند برای مؤمنان واقعی و مجاهدان راستین فضل و انعام بزرگی دارد پس خشنودی خدا را بدست آورید و از فرمان او متابعت کنید .
وابتغوا رضوان الله و الله ذو فضل عظیم(۳-۱۷۴)

ایمان به خدا و فرستادگان او و دوری از روش منافقین که آنان گمراه شدند وخدا حمایت و رحمت خود را از آنان برداشت . آنان مایلند که افکار شما را وارونه و واژگون کنند پس مراقب خود باشید و از کتاب خدا وعترت دور نمانید تا ازهدایت پروردگار خود بیش از بیش بهره بگیرید.
فما لکم فی المنافقین فئتین والله ارکسهم بما کسبوا اً تریدون ان تهدوا من اضلّ الله و من یضلّ الله فلن تجد له سبیلا (۴-۸۸)

فقط اوست که از نیِت های درونی افراد خبر دارد پس ظلم نکنید و تهمت نزنید و قلب و زبان وعمل را در مسیر حق بکا رگیرند.و اگر در راه خدا گام بر می دارید تفحص کنید و افراد را بشناسید .
یا ایهاالذین امنوا اذا ضربتم فی سبیل الله فتبینوا و لاتقولوا لمن القی الیکم السّلام لست مؤمناً تبتغون عرض الحیوة الدّنیا فعندالله مغانم کثیرة .....انّ الله کان بما تعملون خبیراً(۴-۹۴)

دشمنان شما بدلیل بی ایمانی امیدی ندارند و نباید موجب نگرانی شما شوند پس شما از تعقیب کار آنان سست نشوید و بدانید همانگونه که شما از آنان در زحمت هستید آنان نیز از شما در رنج هستید .
و لا تهنوا فی ابتغاء القوم ان تکونوا تالمون فانّهم یالمون کما تالمون و ترجون من الله مالا یرجون و کان الله علیماً حکیما(۴-۱۰۴)

کسانی که ایمان دارند و عمل صالح انجام می دهند چون راهشان راه ولایت است و هدفشان رسیدن به حقّ است پس مژده باد آنان را به جزاء و پاداش الهی .وعده خدا حق است و خداوند خلف وعده نمی کند.
والذین امنوا و عملواالصالحات سندخلهم جنّات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابداً وعدالله حقاً و من اصدق من الله قیلاً(۴-۱۲۲)

منافقین فکر می کنند که می توانند خدا را فریب دهند در حالی که خدا آنان را فریب میدهد . اگر برای نماز هم به پا خیزند سر تا پای آنها غرق کسالت و بی حالی است.
انّ المنافقین یخادعون الله و هو خادعهم و اذا قاموا الی الصلوة قاموا کسالی یراؤن الناس و لا یذکرون الله الا قلیلاً (۴-۱۴۲)
خداوند عالم وشاکراست. پس ای انسان مواهب خدا را بشناس وایمان بیاور تا به مقام شکرگذاری برسی.
ما یفعل الله بعذابکم ان شکرتم و امنتم و کان الله شکراً علیماً(۴-۱۴۷)

اگر نیکیها ی افراد را اظهار کنید یا مخفی نمائید و یا از بدیهای افراد در گذرید و آنها را ببخشید بدانید که خداوند با داشتن قدرت بر هر گونه انتقام ،از بندگان صالح و شایسته خود در می گذرد و انتظار دارد که بندگان هم از یکدیگر در گذرند.
ان تبدوا خیراً او تخفوه او تعفوا عن سوء فانّ الله کان عفواً قدیراً(۴-۱۴۹)

خداوند بندگان صالح که ایمان آوردند و تسلیم حق شدند وپیامبران را پیروی کردند و قدردان زحمات آنان بودند و بین آنان تفرقه ایجاد نکردند مورد لطف ورحمت خود قرار می دهد و آنان را می آمرزد.
والذین امنوا بالله و رسله و لم یفّرقوا بین احد منهم اولئک سوف یوتیهم اجورهم و کان الله غفوراً رحیماً(۴-۱۵۲)

ای کسانی که گمراه شدید و امید به هدایت شما نیست خداوند نمی خواهد که دلهای شما پاک شود پس در دنیا شما راخوار و ذلیل و رسوا میکند و در آخرت عذابی دردناک خواهید داشت.
من یرد الله فتنه فلن تملک له من الله شیئاً اولئک الذین لم یرد الله ان یطهّر قلوبهم لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الاخرة عذاب عظیم(۵-۴۱)

ثواب و پاداش برای خداوند و مخصوص نیکوکاران است و عذاب و عقاب مخصوص بدکاران است.
خداوند منتقم است و از بدکاران انتقام می گیرد مگر توبه کنندگان که از حرام دوری جویند.
.....عفاالله عمآ سلف و من عاد فینتقم الله منه والله عزیز ذو انتقام(۵-۹۵)

قیامت که شکی در آن نیست در آن روز همه مردم جمع می شوند و عاقبت هر کس روشن می گردد.
کتب علی نفسه الرّحمة لیجمعنّکم الی یوم القیمة لا ریب فیه (۱۲- ۶)

درسهای پروردگار خود را فراموش نکنید این درسها رحمت و نعمت است تا بشر بیدار شود وراه درست را در پیش بگیرد . ولی با گشودن نعمتها شادمان شده و خدا را فراموش کرده ولی عذاب الهی ناگهان فرا می رسد و نتجه آن جزء خواری برای شما نیست.
فلمّا نسوا ما ذکرّوا به فتحنا علیهم ابواب کلّ شی حتّی اذا فرحوا بما اوتوا اخذنا هم بغتة فاذا هم مبلسون(۴۴-۶)

خداوند ریشه کننده افراد ظالم است و نسل دیگری از آنها را بر پا نمی کند.خداوند را حمد وسپاس گوئید.
فقطع دابر القوم الّذین ظلموا و الحمدلله رب العالمین (۴۵-۶)

خداوند روزی دهنده است پس بخاطر ترس از روزی فرزندان خود را به قتل نرسانید(اشاره به سقط جنین).و لا تقتلوا اولادکم من املاق نحن نرزقکم وایّاهم.(۱۵۱-۶)

تکلیف هر کس به اندازۀ طاقتش است و خداوند تکیف کننده است. لا نکلّف نفساً الاّ وسعها(۱۵۲-۶)

انسان گنهکار که از دستورات الهی سر باز زده در واقع آیات الهی را تکذیب کرده پس بتدریج به گونه ای که نفهمد در دام مجازات الهی گرفتار آید.در اصول کافی از امام صادق(ع):سنستدرجهم در باره بنده ای ایست که گناهی می کند و براثرآن نعمتهای تازه ای به او رو میکند و این نعمتها او را از استغفار از آن گناهش باز می دارد.
والذین کذّبوا بایاتنا سنستدرجهم من حیث لا یعلمون(۱۸۲-۷)

خداوند فرصت کافی برای احیای دل و روح آنان داده ولی آنان کوردلان هستند که راه را تشخیص نمی دهند ولی مکر وعقاب خدا استوار است و آنان را در می یابد.
و املی لهم انّ کیدی متین(۱۸۳-۷)

خداوند رئوف و رحیم است به نسبت توبه شما و انجام عمل نیک.ثمّ تاب علیهم انّه بهم رئوف رحیم (۹-۱۱۷)

شما در انتظار در هم شکستن دعوت حقّ هستید و ماهم در انتظار سرنوشت شوم و دردناکی برای شما همچون سرنوشت اقوام مستکبر پیشین چون نمرود ها و فرعونها و اعوان و انصار آنها.
قل فانتظروا انیّ معکم من المنتظرین(۱۰۲-۱۰)

خداوند منجّی است . منجّی عالم بشریت ،بشری که ایمان آوردند و هدایت یافتند و خود را تسلیم حق کردند و خداوند می فرمایند که این بر ما حق است که مؤمنین را نجات دهیم.
.....کذلک حقاً علینا ننج المؤمنین(۱۰۳-۱۰)
تمام حقایق با تمام محدودهٔ خود در کتاب مبین و لوح محفوظ ثبت است.کلّ فی کتاب مبین (۶-۱۱)

مجازات پروردگار دردناک و شدید است برای آنان که ستمکار و ظالمند و آیات الهی را تکذیب می کنند.....اخذ ربک اذا اخذ القری و هی ظالمة انّ اخذه الیم شدید(۱۰۲-۱۱)

جهنم را از طاغیان و سرکشان جن و انس پر می کنیم.....لاملانّ جهنّم من الجنة و الناس اجمعین(۱۱۹-۱۱)

ای مردم شما فقیر هستید و نیازمند به خدا و انسان فقیر نیازمند خدای غنی و بی نیاز است .خداوند در عین بی نیازی آنقدر بخشنده و مهربان است که شایستهٔ هر گونه حمد وسپاس است.
یا ایهاالناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید(۱۵-۳۵)

خداوند غیب و پنهانیهای زمین را می داند و چنین خدائی مسلماً از آنچه در درون دلهاست آگاه است .
انّ الله عالم غیب السّموات و الارض انّه علیم بذات الصّدور(۳۸-۳۵)

خداوند حاکم بر نظام موجود در آسمان و زمین است تا از نظام خود منحرف نشوند پس اوست نگه دارنده بر آنچه که خلق کرده است.
انّ الله یمسک السموات و الارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انّه کان حلیماً غفوراً(۴۱-۳۵)

خداوند آمرزنده گناه و توبه پذیر است . خداوند مجازاتش سنگین است . او صاحب نعمت فراوان است و هیچ معبودی جز او نیست و بازگشت همه بسوی اوست.
غافرالذنب و قابل التّوب شدید العقاب ذی الطول لا اله الاّ هو و الیه المصیر (۳ – ۴۰)

خداوند دانا و بصیر و شنوا است پس تنها اوست که داوریش حق است. انّ الله هو السمیع البصیر(۲۰-۴۰)

خداوند صاحب پاداش و عقاب و عبد در گرو عمل خود است ، اگر کسی بدی کند به خودش ظلم کرده و اگر کسی عمل صالح انجام داد در حق خودش لطف کرده است.
من عمل صالح فلنفسه و من اساءفعلیها و ما ربّک بظلاّم للعبید(۴۶-۴۱)

کیست که با خداوند سخن گوید و ارتباط پیدا کند. این امر شایستهٔ هیچ انسانی نیست مگر پیامبران از طریق وحی و الهام و شنیدن از پس حجاب و یا فرستادن رسول (جبرئیل(ع))که پیام الهی را ابلاغ نماید.و ما کان لبشر ان یکلّمه الله الاّ وحیاً او من ورای حجاب او یرسل رسولاً فیوحی باذنه ما یشاء انّه علی حکیم(۵۱-۴۲)

درسنت خداوند تغییر و تبدیل رخ نمی دهد.
سنةالله الّتی قد خلّت من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلاً (۲۳-۴۸)

خداوند توبه پذیر و صاحب مغفرت وسیع است. ای کسانی که گناهان کبیره را اجتناب کرده اید ولی از گناهان صغیره دوری نمی جوئید و گناه بر خلاف طبع شماست شاید نیکوکار باشید و قلوب شما همواره پاک باشد بسوی خداوند بیایید و طلب توبه کنید.
الذّین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش الاّ اللّمم انّ ربک واسع المغفرة(۳۲-۵۳)

قرض الحسنه و پاداش مضاعف و تشویق بندگان به قرض دادن .
من ذاالذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له وله اجر کریم (۱۱-۵۷)

خداوند نعمتهای فراوانی برای سعادت بشر آفریده است پس خدا بی نیاز و شایسته ستایش است. وبندگان خدا اگر امید به خدا و روز رستاخیز داشته باشند این اسوه حسنه است و هر کس سرپیچی کند به خودش ضرر رسانده است.
لقد کان لکم فیهم اسوه حسنة لمن کان یرجواالله و الیوم الاخر و من یتّول فانّ الله هو الغنی الحمید (۶-۶۰)
قلوب فاسقان از راه حق منحرف شده است و خداوند آنان را هدایت نمی کند.
فلمّا زاغوا ازاغ الله قلوبهم و الله لا یهدی القوم الفاسقین(۵-۶۱)

پیروزی آن زمان است که خداوند از سر تقصیرات و گناهان ما در گذرد. باغها و جنّات عدن وجریان نهرها از زیر درختان ومسکنهای پاکیزه از آن کسانی است که از درگاه خداوند طلب آمرزش کنند وبخشش الهی بعد از توبه انسان، پیروزی است.
یغفرلکم ذنوبکم و یدخلکم جنات تجری من تحتهاالانهار و مساکن طیّبه و جنّات عدن ذلک الفوز العظیم(۱۲-۶۱)

پیروزی نزدیک است . پیروزی همراه با حق طلبی ، در واقع حق همیشه پیروز است فقط بصیرت می خواهد.
و اخری تحبّونها نصر من الله و فتح قریب و بشّر المؤمنین(۱۳-۶۱)

در نظام الهی و آفرینش او هیچ تفاوت و تضاد و عیبی نمی بینید نگاه کن آیا اختلافی مشاهده می کنید؟
ما تری فی خلق الرّحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور(۱۹-۶۷)

اگر قدرت الهی نباشد آیا پرنده ای می تواند بالهای خود را باز کند و یا جمع کند و یا آنها را بالای سر شما نگه دارد . اگر توجه کنید هر کدام در حرکت دارای برنامهٔ مخصوصی هستند.
او لم یروا الی الطّیر فوقهم صافات و یقبضنّ ما یمسکهنّ الاّ الرّحمن انّه بکل شیء بصیر(۱۹-۶۷)

خداوند یک روز روزی می دهد و روزی باز می ایستد. آیا کسی غیر از او می تواند نیاز شما را برطرف سازد . اگر چنین بیندیشید پس در سرکشی و طغیان خود لجاجت کرده اید.
امّن هذا الّذی یرزقکم ان امسک رزقه بل لجوّا فی عتوٍ ونفور (۲-۶۷)

خداوند به نیاز بنده خود بیناست . به شما گوش و چشم و قلب داد امّا افسوس که شکر گذاران اندک هستند.قل هو الّذی انشأکم و جعل لکم السمع و الابصار و الافئده قلیلاً ما تشکرون (۲۳-۶۷)

رسول خدا با علم الهی پند دهنده و بیم دهنده است . علم به قیامت از صفات الهی است و آن علم نزد پیامبر است.قل انّما العلم عندالله و انّما انا نذیر مبین(۲۶- ۶۷)

ای پیغمبر بگو اگر آبها فرو روند چه کسی آب گوارا و جاری در دسترس شما قرار می دهد.
قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یاتیکم بماء معین(۳۰- ۶۷)

زندگی انسان با خداشناسی ونعمت شناسی و شکر بر نعمت کامل می شود فقط زمانی که انسان با نعمتهای فراوان روبرو میشود آنرا کرامتی از خدا بداند و آگاه باشد که در آزمایش الهی است و نباید مغرور شود که بگوید پروردگار مرا گرامی داشته است.و آن هنگام که با انواع بلا ها او را می آزماید ویا بر او تنگ می گیرد مأیوس نشود و نگوید پروردگارم مرا خوار کرده است.

(نفس در برابر پستی و بلندیها ی زندگی باید به گونه ای تربیت شود که دچار هیجانات نا بهنگام نشود و در برابرکرامت الهی شاکر باشد ودر برابر بلیّات صبر داشته باشد)
فامّاالانسان اذا ماابتلاه ربّه فاکرمه و نعّمه فیقول ربّی اکرمن و امّا اذا ما ابتلاه فقدر علیه رزقه فیقول ربّی اهانن.(۱۵-۸۹)

خداوند به وسیله قلم انسان را تعلیم داد و به انسان آنچه را نمی دانست ،آموخت.
الذّی علّم بالقلم (۴-۹۶) علّم الانسان ما لم یعلم (۵-۹۶)

صفات خدا در قرآن مضاف است یا مفرد . آنچه قابل ذکر است این که مفاهیم صفات منظور نیست بلکه شناخت حقیقی ذات الهی مورد نظر است. و ذات خدا و اوصاف او که عین ذاتش است از راه مفهوم شناخته نمی شود.

صفات مضاف خداوند

رب العالمین(۲-۱) مالک یوم الدین(۴-۱)
ذو الفضل العظیم(۱۰۵-۲)
کن فیکون(۱۱۷-۲)
شدید العذاب(۱۶۵-۲)
سریع الحساب(۲۰۲-۲)
ذوانتقام(۴-۳)
تعّز من تشاء و تذّل من تشاء (۲۶-۳)
خیرالماکرین (۵۴-۳)
خیر الناصرین(۱۵۰-۳)
علّام الغیوب (۱۰۹-۵)
خیرالرّازقین(۱۱۴-۵)
خیرالفاصلین (۵۷-۶)
اسرع الحاسبین(۶۲-۶)

عالم الغيب و الشهادة(۷۳-۶)

فالق الحبّ و النّوى(۹۵- ۶)

فالق الاصباح(۹۶-۶)

ذو الرّحمة(۱۳۳-۶)

سريع العقاب (۱۶۵-۶)

خير الحاكمين(۸۷-۷)

خيرالفاتحين (۸۹-۷)

خيرالغافرين(۱۵۵-۷)

شديد المحال (۱۳-۱۳)

ربّ السموات السبع و ربّ العرش العظيم (۸۶-۲۳)

ربّ العرش الكريم(۱۱۶-۲۳)

نور السموات و الارض (۳۵-۲۴)

ربّ العّزة عمّا يصفون (۱۸۰-۳۷)

غافر الذنب..... (۳-۴۰)

رفيع الدّرجات ذو العرش(۱۵-۴۰)

ذو عقاب اليم(۴۳-۴۱)

ذو القوة المتين (۵۸-۵۱)

واسع المغفرة(۳۲-۵۳)

ذو الجلال و الاكرام(۲۷-۵۵)

ذى المعارج(۳-۷۰)

اهل التقوى و اهل المغفرة (۵۶-۷۴)

باحكم الحاكمين(۸-۹۵)

برّب الفلق(۱-۱۱۳)

برّب النّاس (۱-۱۱۴)

ملک النّاس(۲- ۱۱۴)

اله النّاس (۳-۱۱۴)

صفات مفرد خدا

الرّحمن الرحيّم(۳-۱)

قدير (۲۹-۲)

عليم(۲۹-۲)

العليم الحكيم(۳۲-۲)

التّواب الرّحيم(۳۷- ۲)

بصير(۹۶-۲)

السّميع العليم (۱۲۷-۲)

العزيز الحكيم(۱۲۹-۲)

شاكر عليم(۱۵۸-۲)

غفور رحيم (۱۸۲-۲)

رئوف بالعباد(۲۰۷-۲)

غفور حليم (۲۲۵-۲)

خبير (۲۳۴-۲)

الحىّ القيّوم (۲۵۵-۲)

العلى العظيم(۲۵۵-۲)

غنى حميد(۲۶۷-۲)

انت الوهاب(۸-۳)

رقيباً(۱-۴)

علياً كبيرا(۳۴-۴)

رحيم ودود (۹۰- ۱۱)

عالم الغيب و الشهادة الكبير المتعال(۹- ۱۳)

الواحد القّهار(۱۶-۱۳)

الخلاق العليم(۸۶-۱۵)

الملک الحق(۱۱۴-۲۰)

لقوى عزيز(۴۰-۲۲)

منتقمون (۲۲-۳۲)
الفتاح العلیم (۲۶- ۳۴)
غفور شکور(۳۰-۳۵)
العزیز الغفّار (۶۶-۳۸)
الولی الحمید(۲۸-۴۲)
ذو القوة المتین (۵۸- ۵۱)
البّر الرّحیم (۲۸- ۵۲)
ملیک مقتدر (۵۵- ۵۴)
هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن (۳-۵۷)
الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبّار المتکبّر(۲۳-۵۹)
الخالق البّاری المصّور(۲۴-۵۹)
ربّک الاکرم(۳- ۹۶)
الله – احد- الله الصّمد(۱-۱۱۲)

خداوند – امر- قدرت- قول او بر هر چیز"کن فیکون"

خداوند بدون استفاده از اسبابی ، در خلق آسمان وزمین و هر امر دیگری ،تابع اراده خود است. او اراده می کند که نظام جهان باشد یا نباشد.
بدیع السموات و الارض و اذا قضی امراً فانّما یقول له کن فیکون(۱۱۷-۱)

تولّد مسیح بدون پدر ،و خلق آدم از خاک بدون پدر، هر دو تولّد بدون اسباب که ناشی از اراده خداوندی است و تحت همین اراده که باشند پس خلق گردیدند.
انّ مثل عیسی عندالله کمثل ادم خلقه من تراب ثمّ قال له کن فیکون(۵۹-۳)

پس اراده او بر هر چیز تعّلق می گیرد و هر وقت او بخواهد آن شیء خلق می گردد و باید دانست که امر (قول) و فعل او حقّ است در آنچه که در زمین وآسمان خلق کرده است.
هو الّذی خلق السّموات و الارض بالحق و یوم یقول کن فیکون (۷۳-۶)

انّما قولنا شیء اذا اردناه ان یقول له کن فیکون (۴۰-۱۶)

خداوند فرزندی ندارد پس او از فرزند داشتن منزه است . پس عیسی پسر او نیست پس هر قضا را

او اراده کند کافی است که امر او "کن" باشد و امر او بر اراده او بر موجودیت چیزی تعّلق می گیرد.انّما امره اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون(۸۲-۳۶)

قدرت خداوند بر هر چیز در مقدار و حدودش تعّلق می گیرد .پس برای هر چیزی در خلقش حدّی است و از آن تجاوز نمی کند.
انّا کلّ شیء خلقناه بقدر(۴۹-۵۴)

امرو قول اوهمچون چشم گرداندن و بدون درنگ است. ومaامرُنا الاّ واحدةٌ کلمح بالبصر(۵۰-۵۴)

بخش چهارم

مشیّت خداوند تعالی

جایگاه منافقین در پست ترین موقعیت ، که با مشیّت الهی گوش و چشم آنها از میان می رود و حقایق را نمی بینند و نمی شنوند و این نشانهٔ قدرت الهی است که بر آنها حاکم می شود.
و لو شاء الله لذهب بسمعهم و ابصارهم انّ الله علی کلّ شیء قدیر(۲۰- ۲)

قوم یهود بدلیل حسادت که شیوهٔ اخلاقی آنها بود پشت پا می زد به آن چه که خداوند بر بنده نازل کرده است. ولی مشیّت خداوند مطابق فضل اوست بر هر بنده ای که او بخواهد.
بئسما اشتروا به انفسهم ان یکفروا بما انزل الله بغیاً ان ینزّل الله من فضله علی من یشاء من عباده (۲-۱۰۵)
رحمت الهی اختصاص دارد بر هر بنده ای که او بخواهد (فضل عظیم و رحمت خداوند مسلمانان را در بر گرفت و آن فرستادن پیامبر و کتاب قرآن است)

و الله یختصّ برحمته من یشاء والله ذو الفضل العظیم(۱۰۵- ۲)

مشرق و مغرب ازآن خدا است ومشیّت خداوند برهدایت کسانی تعّلق می گیرد که او بخواهد. (تشویق مردم به انجام فرائض مستحب و واجب)- قل لله المشرق و المغرب یهدی من یشاء الی صراط الی صراط مستقیم(۱۴۲-۲)

مشیّت خداوند در هدایت بشربه راه مستقیم مطابق حکمت الهی برهر که خداوند لایق بداند . مشیّت خدا از هر گونه تبعیض دور است و آمیخته با حکمت اوست و مطابق نیتّها ی پاک و روح تسلیم پذیری بشر است ....والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم (۲۱۳-۲)

مشیّت خداوند بر مشقّت و کلفت شما قرار می گیرد اگر او بخواهد که او توانا وداناست.
و لو شاءالله لاعنتکم انّ الله عزیز حکیم(۲۲۰-۲)

مشیّت خداوند در بخشیدن ملک خویش به هر کس که لیاقت و شایستگی داشته باشد.
والله یوتی ملکه من یشاء والله واسع علیم(۲۴۷-۲)

مشیتّ خداوند بر جوان کم سن وسال و نیرومند چون داوود قرار گرفت و جالوت را کشت و ملک وحکمت را به او داد و او را به هر آنچه که در مشیّتش بود تعلیم داد.
....و قتل داود جالوت و اتاه الله الملک و الحکمة و علّمه مما یشاء.....(۲۵۱-۲)

علم بی پایان گذشته و آینده در اختیار اوست که بطور محدود با مشیّت خودش در اختیار دیگران قرار می دهد .
.....یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من علمه الاّ بما شاء....(۲۵۵-۲)

خداوند به مشیّت خودش حکمت و دانش را در اختیار هر کس که بخواهد می گذارد و آنچه از حکمت و دانائی در اختیار بشر نهاده می شود خیر کثیر است.

یوتی الحکمة من یشاء و من یوت الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً....(۲۶۹-۲)

مشیّت خداوند به هر کس تعلّق بگیرد مسیر هدایت را بخوبی پیموده است.
لیس علیک هداهم و لکنّ الله یهدی من یشاء.....(۲۷۲-۲)

آنچه بشر از خود بروز می دهد و آنچه که دردل پنهان می دارد میزان و سنجش دارد و آن سنجش بصورت مغفرت و بخشش و یا بصورت عقاب بر هر کس که مشیّت خداوند قرار گیرد و مستحق آن باشد شکل می گیرد . در واقع آنچه که نیّت کرده و به عمل رسانده شود اگر نیکو باشد حسنه دارد و اگر بد باشد مجازات دارد .
.... و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله فیغفر لمن یشاء و یعذّب من یشاء و الله علی کلّ شیء قدیر(۲۸۴-۲)

مشیّت خداوند بر شکل گیری بنده در رحمها به هر صورتی که بخواهد از نظر وجهۀ ظاهری و باطنی که تضاد لازمۀ زندگی است.و معنای تولّی و تبّری با عمل کرد افراد گوناگون با چهره های گوناگون صورت میگیرد.
هو الّذی یصّورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم(۶-۳)

عبرت برای خردمندان و اهل بصیرت در تدبیر و مشیّت الهی است .کسانی که با بصیرت کامل در مسیرایمان حرکت می کنند بدانند که نصر و یاری خداوند بدرقۀ آنهاست.
.....و الله یوید بنصره من یشاء انّ فی ذلک لعبرة لاولی الابصار(۱۳-۳)

مشیّت الهی در حکومت ،چون او صاحب حکومت است و هر کس را بخواهد بر مسند حکومت قرار می دهد . او صاحب عزّت است و عزّت را به هرکس که بخواهد، میدهد . و همانطور ذلّت را بر هر کس که مشیّت او قرار گرفته باشد ، می دهد.عزّت برای خداوند نوعی زنده شدن و جان گرفتن است و ذلّت نوعی بی حا صلی و ممات است.قل اللهم مالک الملک توتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و تعزّ من تشاء و تذلّ من تشاء بیدک الخیر(۲۶-۳)

دگرگونی های عالم هستی ، داخل شدن شب در روز و روز در شب و پیدایش حیات در مو جودات بی جان و از بین رفتن حیات در مو جودات زندهّ این همه ناشی از مشیّت الهی است. و در این دگرگونی ها بهره مندی وعطا و بخشش فراوان است بر هر یک که خداوند بخواهد.
تولج اللیل فی النهار و تولج النهار فی اللیل و تخرج الحیّ من المیِت و تخرج المیّت من الحیّ و ترزق من تشاء بغیر حساب (۳-۴۷)

حضرت مریم وقتی بشارت تولّد حضرت عیسی (ع) را شنید گفت: پروردگارا چگونه فرزندی برای من خواهد بود در حالیکه بشری مرا لمس نکرده و همسری نداشته ام و جواب خداوند این بود: خداوند هر چه را بخواهد ومشیّت او قرار بگیرد خلق میکند و فرمان او به موجودیّت خلق خود
فرمانی سریع الاجابة است.قل انّ الفضل بیدالله یو تیه من یشاء(۳-۱۷۳)

پاداش و عقاب بر اعمال بشرمشیّت الهی است.
و لله ما فی السّموات و ما فی الارض یغفر لمن یشاء و یعذّب من یشاء (۳-۱۲۹)

خداوند بنا بر مشیّت خود از میان پیامبران کسانی را انتخاب کرده و گوشه ای از اسرار غیب و اسرار باطنی انسانها را به او نشان میدهد.
.....و ما کان الله لیطلعکم علی الغیب و لکن الله یجتبی من رسله من یشاء..(۳-۱۷۹)

مشیّت الهی بر پذیرش توبه از گمراهی و ضلالت افراد جزء شرک که گناه کبیره است . عفو الهی شایستگی می خواهد.
ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر مادون ذلک لمن یشاء ومن یشرک بالله فقد افتری اثماً عظیماً (۴-۴۸)

خداوند بر طبق مشیّت خود هر کس را بخواهد صاحب نفس زکیّه می کند و به احدی ظلم و ستم نخواهد شد.چون انتخاب راه با شماست.

الم تر الی الذین یزّکون انفسهم بل الله یزکی من یشاء و لا یظلمون فتیلاً(۴۹- ۴)

اگر مشیّت الهی بر نابودی گروهی از مردم قرار بگیرد ، آنها را از بین برده و دیگران را که در راه اطاعت او کوشاتر هستند خلق میکند که او توانائی این کار را دارد.
ان یشاء یذهبکم ایّها الناس و یات باخرین و کان الله علی ذلک قدیرا(۱۳۳-۴)

برای هریک از شما آئین و شریعت و راه و روش خاص قرار دارد و اگر مشیّت او بر امّت واحد قرار می گرفت پس یک آئین برای آنها خلق می کرد ولی خداوند با مشیّت خود بر هر یک از افراد آنها را در آئین خود می آزماید.
....لکل جعلنا منکم شرعة و منهاجاً و لو شاء الله لجعلکم امة واحدة (۴۸-۵)

دست خداوند گشاده است و به هر کس که مشیّت او قرار بگیرد انفاق وبخشش خواهد داشت.
...بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء....(۶۴-۵)

کسانی که تکذیب آیات الهی را بکنند پس کرهستند که حقایق را نشنیده و لال هستند که قدرت بربیان حق ندارند.پس آنان که در ظلمت فرو می روند خداوند با مشیّت خود آنان را گمراه میکند .و آنان که حقایق را می شنوند وآن را بیان میکنند اینان هدایت شدگان هستند و خداوند آنان را با مشیّت خود به راه امامت که راه مستقیم است هدایت می کند.
و الذین کذّبوا بایاتنا صمٌ و بکمٌ فی الظلمات من یشاءالله یضلله و من یشاء یجعله علی صراط مستقیم (۶-۳۹)

ایمان باید با منطق و استدلال پذیرفته شود. ایمان تحمیلی ارزشی ندارد چون با اجبار شخص همراه است.آگر خداوند می خواست همه ایمان می آوردند و کسی مشرک نمی شد ولی باید تفاوتها باشد. و تو ای رسول تو وظیفه نداری که آنها را به زور و اجبار به ایمان دعوت کنی.
و لو شاء الله ما اشرکوا و ماجعلناک علیهم حفیظاً و ماانت علیهم بوکیل.(۱۰۷- ۶)

گروه جاهلان کسانی هستند که هر چه را بسوی آنها بفرستی ایمان نخواهند آورد . حتّی اگر فرشتگان را بر آنها نازل می کردیم و مردگان با آنها صحبت می کردند باز ایمان نمی آوردند مگر خداوند با جبر خود آنها را وادار به داشتن ایمان بکند در این صورت ممکن است با مشّیت الهی ایمان بیاورند ولی بیشتر آنها جاهل هستند.
و لو اننّا نزّلنا الیهم الملئکه و کلّمهم الموتی و حشرنا علیهم کلّ شیء قبلاً ما کانوا لیومنوا الاّ ان یشاءالله و لکنّ اکثرهم یجهلون(۱۱۱-۶)

اگر خدا جبّار بود نمی گذاشت که این جاهلان و بت پرستان اولاد خود را قربانی شرک خود سازند چون بت پرستان این عمل را زینتی برای بتهای خود می دانستند پس به پیامبر دستور داد که آنها را رها کند و به هدایت دلهای آماده بپردازد.
و کذلک زیّن لکثیر من المشرکین قتل اولادهم شرکاؤهم لیردوهم و لیلبسوا علیهم دینهم و لو شاءالله مافعلوه فذرهم و مایفترون(۱۳۷-۶)

خداوند حجت را بر همهٔ بندگان تمام کرده است پس دیگر عذری برای کسی نمی ماند و اگر خدا می خواست مشیّت او بر هدایت تمام بندگان قرار می گرفت.
قل فللّه الحجة البالغة فلو شاء لهدیکم اجمعین(۱۴۹-۶)

سراسر زمین از آن خداوند است و آنرا بنا بر مشّیت خود به هر کس که بخواهد واگذار می کند و شرط آخر این که سرانجام موفقیّت ها برای متقیّن است.
انّ الارض یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین(۱۲۸-۷)

من مالک هیچ گونه ضرر و زیانی در بارهٔ خویش نیستم مگر آنچه خداوند بخواهد و بدانید که اگر من از عالم غیب خبر داشتم خیر را در زندگی خود افزایش می دادم و از زیان دوری می کردم.
قل لا املک لنفسی نفعاً و لا ضراً الاّ ما شاءالله و لو کنت اعلم الغیب لاستکثرت من الخیر و ما مسّنی السّوء(۱۸۸-۷)

خداوند بنا بردانائی و حکمت خود توبه هر کس را بخواهد و مصلحت بداند می پذیرد .
....و یتوب الله علی من یشائ والله علیم حکیم (۱۵-۹)

تمیز بین انسانهای با تقوی و بی تقوی و اهل رجس و پلیدی با خداست "اینان در فرا گیری علم ودانش کوتاهی کرده اند"افراد با تقوی اهل خرد و پرهیز اند.
ما کان لنفس ان تؤمن الاّ باذن الله و یجعل الرجس علی الذین لا یعقلون(۱۰۰-۱۰)

اگر ضرری به شما برسد آن ضرر بنا بر مشیّت الهی از تو بر طرف می شود و اگر خیر و نیکی به تو برسد هیچکس توانائی ندارد که جلو فضل و رحمت او را بگیرد . و او هر کس از بندگان را که اراده کند به نیکی می رساند او بخشنده و مهربان است.
و ان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الاّ هو و ان یردک بخیر فلا رادّ لفضله یصیب به من یشاء من عباده و هو الغفور الرّحیم(۱۰۷-۱۰)

مشیّت الهی بر روزی هر کس ، وسعت روزی و یا تنگ گرفتن روزی.
.....الله یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر(۲۶-۱۳)

گمراهی بنده نتیجه لجاجت ها و تعصبها و جهالت های اوست که مانع از ایمان می شود پس مشیّت او بر گمراهی و یا هدایت بشر است و هدایت را به بنده ای می دهد که توبه و انابه به درگاه خدا داشته باشد. .....قل انّ الله یضلّ من یشاء و یهدی الیه من اناب (۲۷-۱۳)

محو و اثبات و قضا وقدر الهی همه بر مبنای مشیّت اوست ولی شقاوت و سعادت و حیات و موت قابل محو و اثبات نیست.یمحو الله ما یشاء و یثبّت و عنده ام الکتاب(۳۹-۱۳)

خداوند مواهب و نعمتها را بر اساس انتخاب صحیح بنده به او می دهدو سلب مواهب برطبق مشیّت او بر هر کس که باطل را انتخاب کند و شایستگی نداشته باشد.
یثبت الله الّذین امنوا بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا و فی الاخرة و یضّل الله الظالمین و یفعل الله مایشاء

(۱۴-۲۷)
خداوند برای انذار بشر فرشتگان را با روح الهی بسوی هر کس که مشیّت او قرار بگیرد می فرستد.
ینزّل الملئکة بالرّوح من امره علی من یشاء من عباده (۲-۱۶)

مراقبت از اعمال و "پاداش و عقاب" ، پس به نسبت اعمال به شما رحم و مهربانی می شود و یا مورد عذاب واقع می شویدو تو ای پیامبر مامور ابلاغ هستی و اگر ایمان نیاوردند زیان به خود رسانده اند.ربّکم اعلم بکم ان یشاء یرحمکم او ان یشاء یعذّبکم وما ارسلناک علیهم وکیلاً(۵۴-۱۷)

ای بنده به آنچه در آینده مایل به انجام هستی "انشاءالله" بگو تا قدرت انجام آن کار را خداوند به تو بدهد و گرنه تصمیم گیری تو بر اینکه انجام امور را فردا انجام دهی ممکن است درست از آب در نیاید.و لا تقولنّ لشایٍ انّی فاعل ذلک غداًالاّ ان یشاء(۲۳و۲۴-۱۸)

کرامت خداوند بر بنده شامل افراد شایسته می باشد بر طبق مشیّت الهی.
.....و من یهن الله فما له من مکرم انّ الله یفعل ما یشاء(۱۸-۲۲)

فضل و رحمت الهی بربندگان "کتاب و سنت ،عقل، "است و کسانی می توانند از این موهبت استفاده کنند که آماده و مستعد باشند.
....و لو لا فضل الله علیکم و رحمته ما زکی منکم من احدا ابداً و لکن الله یزّکی من یشاء و الله سمیع علیم(۲۱-۲۴)

مثلهای قرآن درس عبرت است برای بندگان وبنا بر مشیّت الهی برهر کس که لیاقت هدایت داشته باشد.... یهدی الله لنوره من یشاء و یضرب الله الامثال للنّاس و الله بکل شیء علیم(۳۵-۲۴)

بلا های طبیعی بنا بر مشیّت الهی و دفع بلا از هر کس بنا بر مصلحت او.
فیصیب به من یشاء و یصرفه عن من یشاء(۴۳-۲۴)

خداوند و خلق مو جودات چهار پا و دوپا وموجودات در فضا و دریا او بر هر چیز تواناست.
...یخلق الله من یشاء الی صراط مستقیم(۴۵-۲۴)

مقام پیامبری و رهبری و قدرت انذار او بنا بر مشیّت الهی برهر امتّی.
.....و لو شئنا لبعثنا فی کل قریة نذیرا (۵۱-۲۵)

خلق انسانها بنا بر مشیّت الهی "ضعف،و قدرت ،وضعف پیری"
الله الّذی خلقکم من ضعف ثمّ جعل من بعد ضعف قوة ثمّ جعل من بعد قوة ضعفاً وشیبة یخلق ما یشاء (۵۴-۳۰)
هدایت اگر جبر باشد ارزشی ندارد و بهشت و جهنم معنا پیدا نمی کند . هدایت بنده رابطه مستقیم با اختیار بشر دارد . دوزخ برای اهل بی ایمان و گناهکار است.
و لو شئنا لاتینا کل نفس هدیها و لکن حق القول منّی لاملانّ جهنّم من الجنة و الناس اجمعین.(۱۳-۳۲)

ای غافلان لجوج پیرامون مسئله معاد تحلیل داشته باشید مگر نمی نگرید به آنچه که پیش رو و پشت سر شماست مگر مشیّت الهی را در نظر نمی گیرید مشیّتی که هر وقت بخواهد زلزله ای ایجاد
می کند و زمین شکاف بر می دارد و شما را در آن دفن می کند و با مشیّت او قطعاتی از آسمان بر شما فرود می آید و تمام اینها نشانه ای است بر ایمان و اعتقاد بنده ای که بسوی او روی آورده است و انابه می کند.
أفلم یروا الی مابین أیدیهم و ما خلفهم من السماء و الارض ان نشاء نخسف بهم الارض او نسقط علیهم کسفاً من السماء انّ فی ذلک لایة لکلّ عبد منیب (۹-۳۴)

ملائکه ،فرشتگان مخلوق خداوند هستند و موکل بر عالم تکوین و تشریع هستند و فرشتگان واسطه بین خدا و بنده هستند با مأموریتهای سنگین و مجهز به جناح(بال)که این بالها برای مأموریتهاست نه بال مرغان.
الحمد الله فاطر السّموات و الارض جاعل الملئکة رسلاً اولی أجنحة مثنی و ثلاث و رباع یزید فی الخلق ما یشاء انّ الله علی کل شیء قدیر(۱-۳۵)

اگر بخواهیم با موج عظیمی کشتی آنها را واژگون می کنیم بطوریکه نه فریاد رس باشد و نه نجات دهنده ای .و ان نشاء نغرقهم فلا صریخ لهم و لا هم ینقذون (۴۳-۳۶)

با مشیّت الهی چشمان مخالفین محو می شود بطوریکه اگر بخواهند بر یکدیگر پیشی گیرند قادر نیستند.و لو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستقبوا الصراط فانّا یبصرون(۶۶-۳۶)

اگر بخواهیم آنها را بر جای خود مسخ می کنیم به گونه ای که نتوانند راه خود را ادامه دهند و یا به عقب باز گردند. و لو لمسخنا هم علی مکانتهم فما استطاعوا مضیاً و لایرجعون(۶۷-۳۶)

سلطنت و رفعت برای خدای تعالی است و روز ملاقات و دیدار فرا خواهد رسید اگر مشیِت خداوند قرار بگیرد و در آن روز حجابها ازبین می رود و آنروز برای همه روشن می شود
که مالک حقیقی خداوند است و ملکی جزء ملک او نیست و در این روز یوم التلاق (قیامت) همه با یکدیگر برخورد می کنند و با حقایق اعمال روبرو می شوند.
رفیع الدرجات ذو العرش یلقی الرّوح من امره علی من یشاء من عباده لینذر یوم التّلاق(۱۵-۴۰)

خداوند بر بندگان آگاه و بیناست و بر اساس حساب دقیق بر بندگان روزی را گسترده و یا تنگ می گیرد چون گاهی بنده بر اثر وسعت رزق سرکش و طغیانگر می شود و اوبنا بر مشیّت خود و مصلحت خود روزی را نازل می کند.
و لو بسط الله الرّزق لعباده لبغوا فی الارض و لکن ینزّل بقدر ما یشاء انّه بعباده خبیر بصیر(۲۷-۴۲)

از نشانه های آفرینش خلق آسمان و زمین و جنبدگان است که در این بین در انواع خود گسترش یافته اند و تنها اوست که قادر است نسل آنها را جمع کرده و منقرض کند.
و من آیاته خلق السّموات و الارض و ما بثّ فیهما من دابة و هو علی جمعهم اذا یشاء قدیر (۲۹-۴۲)

اراده و مشیّت الهی بر آفرینش انسانها دختر و یا پسر.
لله ملک السّموات و الارض یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء اناثاً و یهب لمن یشاء الذّکور(۴۹-۴۲)

به بعضی پسر و به بعضی دختر و به هر که بخواهد هر دو را می دهدو بعضی را عقیم می کند .
او یزّوجهم ذکرانا و اناثاً و یجعل من یشاء عقیماً انّه علیم قدیر(۵۰-۴۲)

جنگها وسیله آزمایش الهی بر بشر است.اگر ما بخواهیم تو می توانی سیمای دو گانه و منافق افراد بی ایمان را با قیافه بشناسی ولی تو براحتی می توانی از طرز سخنان آنها را بشناسی و خداوند تنها کسی است که از اعمال بندگان خود خبر دارد.
و لو نشاء لاریناکهم فلعرفتهم بسیماهم و لتعرفنّهم فی لحن القول و الله یعلم اعمالکم(۳۰-۴۷)

شفاعت از آن خداست.و آن مشیّت الهی است که بر هر کس از بندگان که بخواهد اجازهٔ شفاعت می دهد.و کم من ملک فی السّموات لا تغنی شفاعتهم شیئاً الاّ من بعد ان یأذن الله لمن یشاء و یرضی (۵۳-۲۶)
فضل خداوند عظیم و بزرگ است. و بنا بر شایستگی بنده و مصلحت الهی به بنده داده می شود.
.....ذلک فضل الله یوتیه من یشاء و الله ذو الفضل العظیم(۲۱-۵۷)

با اذن الهی بنده مشغول ذکر می شود و اگر اذن الهی نباشد انسان لحظه ای به ذکر مشغول نمی شود خداوند اهل تقوی و اهل آمرزش است، و از بنده خود نیز چنین توقعی دارد.
و ما یذکرون الاّ ان یشاء الله هو اهل االتقوّی و اهل المغفرة(۵۶- ۷۶)

ای انسانها آنچه از قدرت و قوّت در وجود شما نهفته است همه از آن خداست و برمبنای مشیّت اوست و اگر او بخواهد تمام قوای تو را گرفته و جای آنها را به گروه دیگری می دهد.
نحن خلقناهم و شددنا اسرهم و اذا شئنا بدّلنا امثالهم تبدیلاً(۲۸-۷۶)

حرکت تو بر مبنای مصلحت الهی است و خداوند مصلحت بنده خود را می خواهد.

و ما تشاؤون الاّ ان یشاء الله انّ الله کان علیماً حکیماً (۳۰-۷۶)

هر خیر و برکتی از ناحیهٔ خداوند است. پیامبر آیات و سوره ها را فراموش نمی کند . خداوند آشکار و پنهان بنده خود را می داند و برکت حفظ قرآن را به هر کس بخواهد می دهد.
سنقرئک فلا تنسی – الاّ ما شاءالله انّه یعلم الجهر و مایخفی(۷-۸۷)

بخش پنجم

اسماء الحسنی

برای خداوند نامهای نیکوئی است . خداوند را با همان نامها بخوانید که همان صفات خدااست، صفات کمال نه نقض که صفت نقض صفت الهی نیست . انها که اسماء الهی را تحریف می کنند رها کنید همانند مسیحیان که قائل به تثلیث و خدایان سه گانه هستند و آنها را به زودی به جزای اعمال خویش گرفتار می سازد.
و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها و ذروالذّین یلحدون فی اسمائه سیجزون ما کانوا یعملون (۱۸۰-۷)

خدا را با نام "الله یا "الرّحمن" بخوانید یا با هر یک از اسماء که خواستید خدا را بخوانید . برای خداوند نامهای نیکو بسیار است.
قل ادعوا الله اوادعوا الرّحمن ایّا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی(۱۱۰-۱۷)

"الله " مستجمع جمیع صفات است و می فرماید : فقط او هست و جزء او نیست و برای او صفات و نامهای نیکو است.الله لا اله الاّ هو له الاسماء الحسنی (۸-۲۰)

یحیی و یمیت از اسماء نیکو خداوند است. فعل مضارع و عمومیت دارد و شامل تمام حیات و مرگ مخلوقات الهی است. له ملک السّموات و الارض یحیی و یمیت.....(۲-۵۷)

اوّل و آخر و ظاهر و باطن وصف الهی است . اگر اوّل و آخر است پس ازلیّت و ابّدیت تعبیر لطیفی است برای نشان دادن این صفات و اگر ظاهر و باطن است آغاز عالم هستی و فنای عالم هستی را می توان تعبیر کرد که هیچ یک محدود به زمان نیست.و یا ظاهر است چون نشانه هایش فراوان است و باطن است چون عالم به تمامی خلق خود هست.

هو الاوّل و الاخر و الظاهر و الباطن و هو بکلّ شیء علیم (۳-۵۷)

سورهٔ حشر و اسماء الحسنی الهی:" الله "مستجمع جمیع صفات

لا اله الاّ هو: توحید و یگانه پرستی

عالم الغیب والشهادة: علم به غیب که مخصوص خداست و خداوند در این علم مستقل است که مربوط به گذشته و حال و آینده است.او برتمام انسانها حضور دارد و حضورش علم شهود است شاهد بر اعمال انسانها و حکم بر آنها.

"الرّحمن" توجه به رحمت عامه

"الرّحیم " توجه به رحمت خاصه ویژه مؤمنین

"الملک" توجه به حاکمیت و مالکیت خدا

"القدوس" او بسیار پاک و منزه است.

"السلام" سالم است از هر گونه عیب و نقص و صاحب اسماء الحسنی

"المؤمن" امنیّت بخش و ایمنی دهنده است.

"المهیمّن" مراقب و حافظ همه چیز است.

"العزیز" او قادر است وهیچ چیز بر او ممتنع نیست.

"الجبّار" او ترمیم دهنده و مصلح است.

"المتکبّر" او صاحب کبریاء و عظمت است استفاده از این صفت برای غیر خدا مذموم است.

"سبحان الله عمّا یشرکون" خداوند منزه است از اینکه برای او شریک قائل شوند.

"خالق" خداوند خالق و آفریننده تمام موجودات است.

"بارئٌ" او آفریننده و صورت دهنده است که اشیاء را از عدم به وجود می کشاند.

"مصّور" او صورت دهنده است.

"یسبِّح" آنچه در آسمان و زمین است او را تسبیح می گویند.

هو الله الذی لا اله الاّ هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحّیم . هوالله الذّی لا اله الاّ هو الملک القدّوس السّلام المؤمن المهیّمن العزیز الجبّار المتّکبر سبحان الله عمّا یشرکون . هو الله الخالق البارئُ المصّور له الاسّماء الحسنی یسبّح له ما فی السّموات و الارض وهو العزیز الحکیم.(۲۲الی۲۴-۵۹)

عرش الرحمن

عرش مجموع جهان هستی است و احاطهٔ کامل پروردگار و تسلط او بر تدبیر امور آسمانها و زمین بعد از خلقت است.ثّم استوی علی العرش....(۵۴-۷)

او پروردگار عرش عظیم است. او مقتدر است و با عظمتش جهان هستی را در سیطره خود قرار داده است.....و هو ربّ العرش العظیم(۱۲۹-۹)

جهان هستی در ابتدا از مواد مذّاب و مایع تشکیل شده است و بعد به صورتهای گوناگون در آسمان و زمین شکل گرفته و بعد در ادامه آیه بعد ازسخن گفتن در مورد عرش الهی امتحان بشر را آنیاد آور می شود و نشان می دهد که هدف از آفرینش و خلق انسانها امتحان بزرگ است تا بهترین عمل مشخص شود.
و هو الذّی خلق السّموات و الارض فی ستة ایّام و کان عرشه علی الماء لیبلوکم ایّکم احسن عملاً (۷-۱۱)

پروردگار بعد از اشاره به قدرت خالقیت خود در جهان هستی و مسخر شدن آسمان و زمین و فرمانبرداری آن اشاره دارد به اینکه این نظام هستی ابدی نیست و زمان معینی دارد که از آن زمان فقط خداوند خبر دارد.
.....ثّم استوی علی العرش و سخرالشّمس و القمر کلّ یجری لاجل مسمّی... (۲-۱۳)

اگر با خداوند بزرگ خدای دیگری بود این خدایان راهی بسوی صاحب عرش پیدا می کردند و نزاع بین آنان بر سر قدرت در می گرفت.

قل لو كان معه الهة كما يقولون اذاً لابتغوا الى ذى العرش سبيلاً(۴۲-۱۷)

خداوند صاحب عرش و عظمت ازاين صفات (دو خدائی) دور است.
فسبحان الله ربّ العرش عمّا يصفون (۲۲-۲۱)

خداوند صاحب عرش عظيم است و ملائكه را می بينی كه دور عرش او طواف می كنند و ستايش و تسبيح خدا را دارند.
و ترى الملائكة حافيّن من حول العرش يسبّحون بحمد ربّهم ...(۷۵-۳۹)

ملائكه در اطراف عرش طواف می كنند و حاملان عرش هستند و ضمن تسبيح و ستايش پروردگار برای ايمان آوردندگان استغفار می كنند.
الذّين يحملون العرش و من حوله يسبّحون بحمد ربّهم و يو منون به و يستغفرون للذّين امنوا...
(۴۰ -۷)
پروردگار بالا برنده درجات است در علم و قدرت بلند مرتبه است وصاحب عرش كه سراسر عالم هستی تحت كنترل اوست و روح تحت قدرت اوست.
رفيع الدّرجات ذو العرش يلقى الروح من امره على من يشاء من عباده (۱۵-۴۰)

هشت فرشته حامل عرش است و به نظر مفسران و طبق روايتها دو دسته هستند يک دسته نوح و ابراهيم و موسى و عيسى و دسته ديگر محمّد(ص) و على(ع) و حسن(ع) و حسين(ع)
.....و يحمل عرش ربّک فوقهم يومئذ ثمانية (۱۷-۶۹)

کرسی الرّحمن

دربعضی از روایات ظاهر است که کرسی قائم به عرش است و آنچه در عالم جاری می شوداز عرش به کرسی و از کرسی به عالم می رسد. و بعضی از مفسرین می گویند وسعت کرسی بیشتر از عرش است.ابی عبدالله (ع)در کافی: فضل و فزونی کرسی بر عرش مانند بزرگی بیابان بر یک حلقهٔ آهن است.
...و لا یحیطون بشی من علمه الاّ بما شاء وسع کرسیّه السّموات و الارض(۲۵۵-۲)

خالق

الله خالق الشّمس و القمر و النجوم

خداوند شکافنده صبح است و شب را مایهٔ آرامش قرار داد و حرکت خورشید و ماه حساب شده است میلیونها سال کرهٔ زمین به دور خورشید و ماه به دور زمین گردش می کند و این گردش حساب شده و لحظه ای پس و پیش نمی شود ارتباط این پدیده های آسمانی نتیجه وجود جوّ زمین می باشد.
فالق الاصباح و جعل الّلیل سکناً و الشّمس و القمر حسباناً ذلک تقدیر العزیز العلیم(۹۶-۶)

خورشید را روشنائی و قمر را نور و برای قمر منزلگاهی قرار داد و از این گردش آنچه حاصل می شود تقویم سال است.
هو الّذی جعل الشّمس ضیاءً و القمر نوراً و قدّره منازل لتعلموا عددالسنین و الحساب(۵-۱۰)

مسخر شدن خورشید و ماه و ایجاد پدیده شب وروز در حرکتی دائمی
و سخّر لکم الشمس و القمر دائبین و سخّر لکم اللّیل و النهّار (۳۳-۱۴)

آیا ندیدی که خداوند چگونه سایه را گسترده ساخت سایه ای بعد از طلوع فجر و قبل از طلوع آفتاب

آنگاه سایه را به آهستگی جمع می کند و نظام سایه و آفتاب در قسمتهای مختلف زمین در گردش است و سایه در قسمتی از زمین از بین می رود و در مناطق دیگر به حداقل می رسد و اگر سایه ها یکدفعه از بین می رفت زیان بار بود.
أ لم تر الی ربّک کیف مدّالظّل و لو شاء لجعله ساکناً ثّم جعلنا الشمس علیه دلیلاً- ثّم قبضناه الینا قبضاً یسیراً(۴۵ الی ۴۶-۲۵)

برج های آسمانی و صورت فلکی که خورشید و ماه در هر فصل و موقعی در برابر یکی از آنها قرار می گیرد. تبارک الذّی جعل فی السّماء بروجاً (۶۱-۲۵)

داخل کردن شب در روز و روز در شب ومسخر شدن خورشید و قمر که تماماً تا مدّت معینی حرکت آنها جریان دارد و آن در حکمت الهی است.
الم تر انّ الله یولج اللیل فی النهار و یولج النّهار فی اللیّل و سخّر الشّمس والقمرکّل یجری الی اجلِ مسمّی و انّ الله بما تعملون خبیر(۲۹-۳۱)

شهاب شعله های مخصوص در آسمان که از سوختن سنگهای آسمانی در آسمان بصورت تیر شهاب دیده می شود.این سنگها در فضا پراکنده است و با برخورد با هوای زمین مشتعل و برافروخته
می شود وبه هرموجودی برخورد کند آنرا سوراخ و آتش می زند.
فاتبعه شهاب ثاقب(۱۰-۳۷)

اسرار بزرگ در ستارگان است. والنّجم اذا هوی (۱-۵۳)
ساعت قیامت نزدیک است.اقتربت السّاعة وانشّق القمر(۱-۵۴)
خورشید و ماه با حساب منظم و دقیق در منظومه شمسی.
الشّمس و القمر بحسبان (۵-۵۵)

جایگاه ستارگان و وقوع و سقوط ستارگان در روز قیامت.
فلا اقسم بمواقع النّجوم(۷۵- ۵۶)

سخن از قیامت و وحشت چشم ها. فاذا برق البصر(۷-۷۵)
قیامت و بی نور شدن ماه. و خسف القمر(۸-۷۵)
قیامت و جمع شدن ماه و خورشید(۹-۷۵)
قیامت و محو شدن ستارگان. و اذاالنّجوم طمست (۸-۷۷)
قیامت و درهم پیچیدن خورشید که حرارت خورشید فوق العاده است و باعث تبدیل شدن زمین به مشتی گاز می شود. اذاالشّمس کوّرت(۱-۸۱)

بخش ششم

خداوند و باران رحمت

در آیه ابتدا به ساعت قیامت و سپس نزول باران و در ادامه آیه اشاره به رحمها و آنچه که در تقدیر انسانها ست در روزی و حیات و مرگ که همه دروسعت علم خداوند است و هیچ یک از انسانها از روزی فردا واینکه درچه سرزمینی می میرند خبر ندارند.
انّ الله عنده علم الساعة و ینزّل الغیث و یعلم ما فی الارحام و ما تدری نفس ماذا تکسب غداً و ما تدری نفس بایِ ارضِ تموت انّ الله علیم خبیر(۳۴- ۳۱)

باران رحمت الهی بعد از نا امیدی و مأیوس شدن بنده (گشایش).
و هو الّذی ینزّل الغیث من بعد ما قنطوا و ینشر رحمته(۲۸-۴۲)

فرو فرستادن باران عذاب بر گناهکاران

خداوند بر قوم لوط باران سنگینی از سنگ فرو فرستاد که آنها را در هم کوبید.این عاقبت مجرمان است.و امطرنا علیهم مطراً فانظر کیف کان عاقبة المجرمین(۸۸-۷)
بارانی از سنگ وگِلهای متراکم بر سر قوم لوط.
.....و امطرنا علیها حجارة من سجیلٍ منضود(۸۲-۱۱)

بارانهای غیر معمول و وحشتناک و تند بادهای شدید و نابود کننده . وامطرنا علیهم مطراً فساء مطرالمنذرین(۱۷۳-۲۶)

مسخر کردن باد برای سیر کشتی ها و لقاء درختان

خداوند شما را در دریا و صحرا سیر داد.هو الّذی یسیرکم فی البّر و البحر
با بادهای ملایم و آرام ، سر نشینان را به سوی مقصد حرکت می دهد و همه شاد و خوشحال.
حتّی اذا کنتم فی الفلک و جرین بهم بریحٍ طیبةو فرحوابها.
امّا ناگهان طوفان شدید در می گیرد و امواج از هر سوء به طرف آنها هجوم می آورد.
جاءتها ریحٌ عاصف و جاءهم الموج من کلّ مکان و ظنّوا انّهم احیط بهم.
سر نشینان دست به دعا بر می دارند که: اگر ما از این مهلکه نجات یابیم سپاسگزاریم.
دعو الله مخلصین له الدین لئن انجیتنا من هذه لنکونّن من الشاکرین.(۲۲-۱۰)

باد ونعمتهای فراوان :
۱- بارور کننده (لقاح) ۲- انزال باران(احیاء زمین) ۳- شرب آب ۴- منجمد کردن آب
این ذخیره ها نعمت بزرگی از طرف خداوند است.
و ارسلناه الریاح لواقح فانزلنا من السّماء ماءً فاسقیناکموه و ما انتم له بخازنین(۲۲-۱۵)

مسخر کردن باد برای شکست کفّار و نابودی تعدادی از اقوام بعلّت کفر و عصیان
۱- در جنگ احزاب و یا خندق نابودی دشمن.
اذ جاءتکم جنود فارسلنا علیهم ریحاً وجنوداً لم تروها(۹-۳۳)

۲- نابودی اقوام کافر و عصیانگر مثل قوم عاد و ثمود باتند باد شدید و پر صدا و هول انگیز.
فارسلنا علیهم ریحاً صرصراً فی ایّام نحسات لنذیقهم عذاب الخزیِ فی الحیاة الدنیّا و لعذاب الاخرة اخزی و هم لا ینصرون(۱۶-۴۱)

بادهای عقیم برای نابودی قوم عاد . و فی عادِ اذ ارسلنا علیهم الرّیح العقیم(۴۱-۵۱)

نزول صاعقه

کسانی که سرگردان هستند و قدرت درک حقایق را ندارند در تاریکی و ظلمت غفلت خود سر میکنند قرآن این گروه را به کسانی تشبیه می کند که در شب ظلمانی در صاعقه شدید گام بر می دارند ولی پناهی ندارند و مقصد آنها معلوم نیست در حالیکه انگشت خود را از شدّت صاعقه و ترس از مرگ در گوشهای خود فرو می برند تا آن صدای نهیب و دلخراش را نشنوند.
او کصیّب من السّماء فیه ظلمات و رعدٌ و برقٌ یجعلون اصابعهم فی اذانهم من الصواعق حذر الموت والله محیطٌ بالکافرین (۱۹-۲)

قوم موسی و درخواست آنان از موسی برای دیدن خداوند بصورت آشکارا.و صاعقه آسمانی بر آنها.
.....فقد سالوا موسی اکبر من ذلک فقالوا ارنالله جهرة فاخذتهم الصاعقه بظلم....(۱۵۳-۴)

همه موجودات تسبیح خدا می کنند و رعد نیز تسبیح و حمد خدا می کند و ارسال صاعقه برطبق مشیّت الهی بر کسانی که در بارهٔ خدا ستیز و مجادله می کنند.
و یسبّح الرّعد بحمده و الملائکة من خیفة و یرسل الصّواعق فیصیب بها من یشاء و هم یجادلون فی الله و هو شدید المحال(۱۳-۱۳)

صاعقه نابود کننده بر قوم عاد و ثمود بر اساس انتخاب راه نادرست و گمراهی و کوری آنان در مسیرشان . و امّا ثمود فهدیناهم فاستحبّوا العمی علی الهدی فاخذتهم صاعقة العذاب الهون بما کانوا یکسبون.(۱۷-۴۱)
سر پیچی از فرمان الهی و فرا گرفتن صاعقه در حالیکه مات زده شوند.
فعتوا عن امر ربّهم فاخذتهم الصّاعقه و هم ینظرون(۴۴ -۵۱)

آیات در مورد حب ونوی(دانه و هسته)

فهم معنای معاد

نظام خلق آفرینش و مسئله حیات و موت و شکافتن دانه و هسته و زندگی یافتن و شکوفائی زندگی یک دانه از پوسته خارجی خود که با نور الهی بسوی حقّ قد بر می دارد.

انّ الله فالق الحبّ و النّوی یخرج الحّی من المیّت و مخرج المیّت من الحّی ذلکم الله فانّی تؤفکون (۶-۹۵)

زمین خشک و بی حاصل و مرده با آب باران به حرکت در می آید وهر نوع گیاهی بارور میشود .

.....و تری الارض هامدة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزّت و ربت و انبتت من کلّ زوج بهیج(۵و ۶۳-۲۲)

آب باران از آسمان ورویاندن گیاهان و ثمرات (میوه های مختلف در رنگهای متفاوت).

ألم تر انّ الله انزل من السماء فاخرجنا به ثمراتٍ مختلفاً الوانها....(۲۷-۳۵)

مسئله حیات و زندگی از مهمترین دلائل توحید است . خداوند در قرآن می فرماید : ما در آن زمینهای زنده باغهائی از نخلها و انگور ها قرار دادیم و چشمه ها در آن جاری کردیم.

.....و جعلنا فیها جناتٍ من نخیل و اعنابٍ و فجّرنا فیها من العیون(۳۴الی ۳۶و۸۰-۳۶)

آیا شما آنها را می رویانید یا ما می رویانیم؟

ءانتم تزرعونه ام نحن الزّارعون(۶۳الی۶۵و۷۱،۷۲- ۵۶)

بقیه آیات: (۲۲-۲)-(۵۷-۷)-(۳-۱۳)-(۳۲-۱۴)-(۱۹الی ۲۲-۱۵)-(۱۰-۱۶)-(۵۳و۵۴-۲۰)-(۱۹-۲۳)-(۷و۸-۲۶)- (۶۰-۲۷)-(۴۸،۲۴،۱۹-۳۰)-(۱۰-۳۱)-(۲۷-۳۲)-(۹-۳۵)-(۲۱-۳۹)-(۳۹و۴۷-۴۱)-(۷الی ۱۱-۵۰)-(۱۰الی ۱۲-۵۵)-(۱۴الی۱۶-۷۸)-(۳۰و۳۱-۷۹)-(۲۴الی۳۲-۸۰)-(۴و۵-۸۷) (۱-۹۵)

بخش هفتم

خداوند خالق پرندگان و موجودات زنده

هیچ موجود و جنبنده ای در زمین نیست و هیچ پرندهای نیست مگر اینکه امتی مثل شما باشد.
و ما من دابة فی الارض و لا طائر یطیر بجناحیه الاّ امم امثالکم.....(۳۸-۶)

آیا نمی بینی که آنچه در آسمان و زمین است تسبیح پروردگار خود گوید و هر یک از آنها تسبیح خدا را می داند.ألم تر انّ الله یسبّح له ما فی السموات و الارض و الطیّر صافات کل قد علم صلاته و تسبیحه والله علیم بما یفعلون (۴۲-۲۴)
ایات: (۷۹-۱۶)و (۱۹-۶۷)

خداوند خالق هرموجود زنده از آب است

حیات هر موجود زنده چه انسان و چه حیوان و گیاه همه به آب بستگی دارد و اگر از طین باشد طین هم از آب و خاک تشکیل شده است.
.... و جعلنا من الماء کل شیء حی أفلا یومنون(۳۰-۲۱)
آیات: (۴۵-۲۴)

چهارپایان

هدف از خلقت چهارپایان استفاده از منافع بسیار آن در پوشاک و خوراک و استفاده از لبنیات آن است و الانعام خلقها فیها دف و منافع و منها تاکلون (۵-۱۶)

آیا در خلقت شتر تفکر کرده اید؟ شتر مزایای بسیاری دارد و با صرفه است . شتر در باربری قابل استفاده است . شتر مسافتهای طولانی را می پیماید از نظر تغذیه هزینه او بسیار کم است . خار و خاشاک می خورد و مقاومت او در برابر گرسنگی بسیار است. از گوشت و شیر او میتوان استفاده کرد.أفلا ینظرون الی الابل کیف خلقت(۱۷-۸۸)
آیات: (۱۴۲الی ۱۴۴-۶)-(۵الی ۷و۶۶و۸۰-۱۶)-(۲۸و ۳۶-۲۲)-(۲۱و۲۲-۲۳)-(۷۱الی ۷۳-۳۶)-

(۶-۳۹)-(۷۹و ۸۰-۴۰)- (۱۱-۴۲)-(۱۲-۴۳)

اسب – استر- الاغ

وسائل نقلیه که خداوند آنها را به جهت نیاز بشر خلق کرد و آنها را زینت شما قرار داد .
والخیل والبغال و الحمیر لترکبوها و زینة و یخلق ما لا تعلمون(۸-۱۶)
و سوگند به اسبان دونده که در میدان جهاد نفس زنان پیش می روند و جرقهٔ آتش از برخورد سمهای آنها بر زمین ایجاد می شود.والعادیات ضبحاً(۱-۱۰۰)فالموریات قدحاً(۳-۱۰۰).....
آیات دیگر:(۱۴-۳)-(۳۱الی ۳۳-۳۸)

عسل و خواص درمانی آن

زنبور عسل و خانه و آشیانه او درکوهها و درختان
و اوحی ربّک الی النحل ان اتخذی من الجبال بیوتاً و من الشجر و مما یعرشون(۶۸-۱۶)

خداوند به زنبور عسل وحی می کند که از انواع ثمرات گیاهان (گلها) تناول کند و راههایی برای او تعین کرده و از درون او نو شیدنی مخصوص خارج می کند با رنگهای مختلف وخواص گوناگون که برای درمان دردهای انسان مفید است.
ثّم کلی من کلّ الثمرات فاسلکی سبل ربّک ذللاً یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس انّ فی ذلک لایة لقوم یتفکرون(۶۹-۱۶)

بخش هشتم

خداوند و خلق انسانها

خداوند انسان را در رحمها شکل داد و بنا بر مشیّت خود صورت بندی کرد.
هو الّذی یصوّرکم فی الارحام کیف یشاء(۶-۳)

انسان را از گل آفرید با ترکیبی از آب و خاک و زمان معینی را برای زندگی او در دنیا قرار داد. و آن مدّت معین یا اجل زود رس است و یا اجل مسمّی که مرگ طبیعی است.
و هو الّذی خلقکم من طین ثمّ قضی اجلاً و اجلٌ مسمّی عنده ثمّ انتم تمترون(۲-۶)

خلق شما از یک انسان،با وجود چهره و افکار و تنوع در تمام جنبه ها ی وجودی که جمعی نا پایدار و جمعی پایداردر نطفه.
هو الّذی انشاکم من نفس واحدة فمستقر و مستودع قد فصّلنا الایات لقوم یفقهون (۹۸-۶)

تو را خلق کرد و صورت بندی کرد و از تو خواست که تکبّر نورزی که تکبّر مخصوص شیطان است .آن تکبّر او را از سجده باز داشت و بهانه اش این بود که او از آتش خلق شده و آدم از خاک.
و لقد خلقناکم ثّم صوّرناکم ثّم قلنا للملائکة اسجدوا لادم فسجدوا الاّ ابلیس لم یکن من الساجدین(۱۱-۷)
و قال ما منعک الاّ تسجد اذ امرتک قال انا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین(۱۲-۷)
آیات دیگر : (۶۱-۱۱)-(۲۶و۲۸و۳۳-۱۵)- (۴-۱۶)-(۶۱-۱۷)-(۳۷-۱۸)

شتاب انسان و سفارش قران به اینکه شتاب نکن.خلق الانسان من عجل ساریکم ایاتی فلا تستعجلون (۳۷-۲۱)
اگر از رستاخیز شک دارید بدانید ما انسان را از خاک آفریدیم سپس از نطفه و بعد از خون بسته و مضغه بدون شکل و باشکل در مکانی به نام رحم تا مدت معینی وبعد بصورت نوزاد در دنیا تا مدت معینی ، هدف رشد و بلوغ وکمال عقل است .

یا ایهاالناس ان کنتم فی ریب من البعث فانّا خلقناکم من تراب ثّم من نطفة ثّم من علقة ثّم من مضغة مخلقّة و غیر مخلقّة لنبیّ لکم و نقّر فی الارحام ما نشاء الی اجلِ مسمّی ثّم نخرجکم طفلاً ثّم لتبلغوا اشّدکم و منکم و من یتوفّی و منکم من یرّد الی ارذل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئا(۵-۲۲)

آیات دیگر:(۱۲-و۱۳و ۱۴-۲۳)-(۴۵-۲۴)-(۵۴-۲۵)-(۷و۸ و۹-۳۲)-(۱۱-۳۵) –(۷۷-۳۶)-(۱۱-۳۷)- (۷۱و۷۶-۳۸) –(۶۴و ۶۷-۴۰)- (۳۲و ۴۵و۴۶-۵۳)-(۱۴-۵۵) –(۲۴-۵۹)- (۳-۶۴)-(۱۷-۷۱)- (۳۶الی ۳۹-۷۵)-(۲-۷۶) –(۱۷الی ۲۰-۸۰)- (۷و ۸-۸۲) -(۵الی ۷-۸۶) -(۴-۹۵)-(۲-۹۶)

خداوند بشر را در بهترین صورت ازنظر جسمی ، روحی ، عقلی آفریده و برتوست ای انسان که شایستگی خود را در علم و پیشرفت تحت لوای پرچم توحیدی نشان دهی.تو ای انسان امانت دار هستی.

بخش نهم

ایمان به خدا و ملائکه و پیامبران و قیامت

تقدیر (خیرو شر)

علامت متقیان: ایمان بخدا و رسول و کتاب(قران) و و آنچه که از قبل نازل شده و ایمان به آخرت.

و الذیّن یؤمنون بما انزل الیک و ما انزل من قبلک و بالاخرة هم یو قنون(۴-۲)

تنها نماز و روزه و انجام واجبات و مستحبات عمل نیک نیست . پیام قرآن به انسانها شناخت اصول دین و فروع دین وعمل به قران وسنت و انفاق و ایثار و همدردی با دیگران است.

لیس البّر ان تولّوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب و لکنّ البّر من امن بالله و الیوم الاخر و الملائکة و الکتاب و النبیّین .....(۱۷۷-۲)

خدا به بندگانش نزدیک است. و خدا به پیامبر می فرماید :هنگامی که بندگان از تو در باره من سؤال می کنند. بگو:من از رگ گردن به شما نزدیکترم. مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را.و با ایمان به من راه خود را پیدا خواهید کرد.....

.اجیب دعوةالداع اذا دعان فلیستجیبوا لی و لیومنوا بی لعلّهم یرشدون(۱۸۶-۲)

به دستگیره محکم الهی ونور ایمان چنگ زنید و به شیاطین انس وجن وابسته نشوید هیچ اکراهی در دین نیست با ادامه آیه رشد فکری و عقلی و عملی انسان در"لا اکراه "معنا می گردد.
لا اکراه فی الدین قد تبّین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یومن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لاانفصام لها والله سمیع علیم(۲۵۶-۲)

ایمان به خدا و آنچه برما (کتب) نازل کرده و پیامبرانی که فرقی بین آنها نیست هدف تسلیم شدن انسانها در برابر حق و حقیقت گوئی است.
امن الرسول بما انزل الیه من ربه و المومنون کل امن بالله و ملائکة و کتبه و رسله.....(۲۸۵-۲)
و آیه (۸۴- ۳)

امر به معروف و نهی از منکرراعاملین و بهترین امت احکام الهی انجام می دهند.
کنتم خیر امة اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله (۱۱۰-۳)
آیات دیگر: (۱۷۹-۳)-(۱۹۳-۳)-(۱۳۶-۴)

راسخون در علم کسانی هستند که ایمان به خدا و پیامبران و کتب الهی و روز رستاخیز دارندو تسلیم حق هستند.
لکن الراسخون فی العلم منهم و المؤمنون یومنون بما انزل الیک و ماانزل .....(۱۶۲-۴)
تنها کسانی مساجد را آباد می کنند که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند
انّما یعمر مساجد الله من امن بالله و الیوم الاخر .....(۱۸-۹)
وآیات دیگر:(۱۹-۹)- (۳-۲۷)- (۴۶-۲۹)- (۲۱-۳۴)

آنان که ایمان آورند و پرهیزگار باشند پس رحمت خدا بر آنهاست .رحمتی به همراه نور که با آن نور مسیر حق رامی پیماید. و حُجب ظلمت را از خود دور می سازدو رحمتی دیگر بخشش گناهان عبد است.
یا ایهاالذّین آمنوا اتّقوالله و آمنوا برسوله یوتکم کفلین من رحمته و یجعل لکم نوراً تمشون به و یغفر لکم .....(۲۸-۵۷)-(۷و ۸و ۲۲-۵۷)

جهاد در راه خدا (جهاد اقتصادی) تجارت سود آور در کنار تزکیه نفس –جهاد با مال و جان تا از عذاب الهی دور مانید.یا ایهاالذین آمنوا هل ادلّکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم(۱۰-۶۱)
و(۱۱-۶۱)—(۸-۶۱)

هیچ مصیبتی رخ نمی دهد مگر به ادن خدا. مصیبت بر دو نوع است ؛مصیبتی که ارادهٔ تکوینی خداوند است و بشر نقشی در آن ندارد مانند مرگ و میر و حوادث ناگوار؛و مصیبتی که نتیجهٔ اعمال انسان است و دامن گیر انسان می شود.
ما اصاب من مصیبة الاّ باذن الله و من یومن بالله یهد قلبه والله بکل شیء علیم (۱۱-۶۴)-(۸-۶۴)
(۲۹-۶۷)-(۲۶-۷۰)-

کسی که ایمان به پروردگارش دارد نه از نقصان ترسد و نه از ظلم.
و انّا لمّا سمعنا الهدی امنّا به فمن یؤمن بربّه فلا یخاف بخساً و لا رهقاً(۱۳-۷۲)

کسانی که کافر هستند و حق گرا نیستند نه تصدیق دارند نه عبادت کننده.زیرا نتوانستند به یقین و تصدیق برسند. فلا صدّق و لاصلّی(۳۱-۷۵)

الله عالم غیب و شهادت

علم غیب و شهادت : دو نقطه مقابل هم –عالم ما وراء محسوسات و پنهان(غیبت اما م زمان(عج)-عقیده و ایمان به آخرت ونبوت و امامت)عالم غیب است و عالم شهود عالم محسوسات است.
(۲-۲۵۵)-(۳-۱۷۹)-(۵۹و ۶-۷۳)-(۷-۱۸۷)-(۱۰-۲۰)-(۱۱-۱۲۳)-(۱۶-۷۷)-(۱۷-۸۵)-
(۱۸-۲۶)-(۲۷-۶۵)-(۳۱-۳۴)-(۳۲-۶)-(۳۳-۶۳)- (۳۴-۴۸)-(۳۵-۳۸)-(۳۹-۴۶)-(۴۱-۴۷)-
(۴۳-۸۵)-(۴۹-۱۸) –(۶۴-۱۸)- (۲۶و ۲۷-۷۲)- (۴۲و۴۳و۴۴و۴۵-۷۹)

بخش دهم

کلمات الله

علم خداوند به عالم هستی و خلق کلیه موجودات ، آنقدر گسترده است که اگر دریاها مرکب شوند برای بیان کلمات الهی ، دریاها تمام می شوند قبل از اینکه کلمات تمام شوند و اگر به دریاها اضافه شود قدرت بیان علم نامتناهی خداوند را ندارد چون علم خداوند فعل اوست.

قل لو کان البحر مداداً لکلمات ربّی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربّی و لو جئنا بمثله مدداً(۱۰۹-۱۸)

اگر تمام درختان روی زمین قلم شود ودریا برای آن مرکب گردد و دریاچه های وسیع به آن افزوده شود اینها تمام می شود و کلمات خدا که علم بی انتهای اوست پایان نمی گیرد.

و لو انّ ما فی الارض من شجرة اقلام و البحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله انّ الله عزیز حکیم(۲۷-۳۱)

بخش یازدهم

اجل حتمی و مقدّر

مرگ بنا بر اذن خداست . مرگ در لوح محفوظ برای بشر نوشته شده و کسی نمی تواند از آن فرار کند . شاکر کسی است که دنیا را مزرعه آخرت قرار دهد و دنیا را بخاطر دنیا نخواهد بلکه برای آخرت و رشد معنویات.

و ما کان لنفس ان تموت الاّ باذن الله کتاباً مؤجلاً و من یرد ثواب الدنّیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخرة نؤته منها و سنجزی الشاکرین(۱۴۵-۳)

در شکست جنگ احد خداوند به افراد سست ایمان که می گفتند:

"اگر ما بر حق بودیم سهمی از پیروزی داشتیم و این همه کشته نمی دادیم".فرمودند:در خانه هایشان هم بودند اگر مرگ مقرر می شد.

یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا قل لو کنتم فی بیوتکم لبرزالذّین کتب علیهم القتل الی مضاجعهم.....(۱۵۴-۳)

خداوند شما را از گل آفرید و دو اجل برای انسان قرار داد اجل غیرحتمی (زود رس) وحتمی .
هو الّذی خلقکم من طین ثّم قضی اجلاً و اجلٌ مسمّی نده ثّم انتم تمترون(۲-۶)

برای هر امتی زمان و مدّت معینی در دنیا است پس از آن مدّت مرگ فرا می رسد و لحظه ای تأخیر و تقّدم ندارد. و لکلّ امّة اجل فاذا جاء اجلهم لا یستاخرون ساعة و لا یستقدمون(۳۴-۷)- و آیه:
(۱۰-۴۹)
هلاکت امتهای پیشین بخاطر ظلم و ستم و غفلت وغرور آنها مقدراتی بوده که از پیش تعین شده بود و این در کتاب الهی (لوح محفوظ) ثبت است.
ما اهلکنا من قریة الاّ و لها کتابٌ معلوم(۴-۱۵)-(۵-۱۵)
و آیات:(۵۸-۱۷)-(۴۲و۴۳-۲۳)
هیچ موجودی در آسمان و زمین نیست مگر اینکه در کتاب الهی مقرراتش تعین وثبت شده است.
و ما من غائبة فی السماء و الارض الاّ فی کتابٍ مبینٍ(۷۵-۲۷)

ذره ای در آسمان و زمین از علم بی کران او پنهان نیست و همه در کتاب مبین ثبت وظبط است.
.....لا یعزب عنه مثقال ذرة فی السّموات و لا فی الارض و لا اصغر من ذلک و لا اکبر فی کتابٍ مبین(۳-۳۴)و آیه ،(۱۱-۳۵)
هر کار کوچک و بزرگ در نامۀ اعمال نوشته شده است.
و کلّ صغیرٍ و کبیرٍ مستطر(۵۲و۵۳-۵۴)

تمام حوادث دردناک طبیعی مانند زلزله و سیل و طوفان و چه حوادث نفسی مانند مرگ و میر همه در کتاب الهی ثبت است.انجام این کار برای خدا آسان است.
ما اصاب من مصیبة فی الارض و لا فی انفسکم الاّ فی کتابٍ من قبل ان نبرأها ان ذلک علی الله یسیر (۲۲-۵۷)و آیات (۳-۵۹)- (۳-۶۵)- (۴-۷۱)
کسی جزء خداوند از ساعت قیامت خبر ندارد.وعدۀ قیامت علمی است نزد خداوند.
قل ان ادری أقریب ما توعدون أم یجعل له ربّی امدا(۲۵-۷۲)

بخش دوازدهم

مقدرات رزق

هر کجا باشی روزی درقرارگاه تو بدست تو خواهد رسید .خداوند جایگاه اصلی و سیّار تو را می داند تقسیم ارزاق از خداوند و تلاش ازتو تا به آنچه در کتاب مبین مقدّر گشته برسی.هیچ جنبده ای نیست مگر اینکه رزق او بر خدا واجب است.

و ما من دابّة فی الارض الاّ علی الله رزقها و یعلم مستقرّ ها و مستودعها کلّ فی کتابٍ مبین(۶-۱۱)

گسترش زمین و مستقّر شدن کوهها بر روی آن و رویاندن گیاهان بر روی زمین در حدّ موزون و فراهم کردن معیشّت برای شما و روزی دادن به کسانی که از دایره قدرت شما خارج است همه خزائنی است نزد خدا و برهر کس به مقدار معلوم نازل می شود.

و الارض مددناها و القینا فیها رواسی و انبتنا فیها من کل شیء موزون (۱۹-۱۵)و جعلنا لکم فیها معایش و من لستم له برازقین (۲۰-۱۵) و ان من شیء الاّ عندنا خزائنه و ما ننزّله الاّ بقدرٍ معلوم (۲۱-۱۵)

فقر و ثروت آزمایش الهی است ولی بعضی نعمت خدا را وسیله عجب و سرکشی خود قرار می دهد و دارائی خود را امتیا ز و فضیلت در بین زیردستان می داند واین انکار نعمت خداست.

والله فضّل بعضکم علی بعض فی الرزق فماالّذین فضّلوا برادّی رزقهم علی ما ملکت ایمانهم فهم فیه سواءٌ أفبنمة الله یجحدون(۷۱-۱۶)

خداوند بر هرکس که بخواهد وبر طبق مشیّت او روزی را بر مردم گسترش و یا تنگ می گیرد . وآنچه که تکلیف بر بشر است تلاش و کوشش انسان در امر روزی است تا به مقدرّات الهی برسد.

انّ ربّک یبسط الرّزق لمن یشاء و یقدر انّه کان بعباده خبیراًبصیراً(۳۰-۱۷)

خداوند روزی همه را میدهد حتی اگر جنبنده ای در لانه اش روزی نداشته باشد.

و کاّین من دابة لاتحمل رزقها الله یرزقها و ایّاکم و هو السمیع العلیم(۶۰-۲۹)-(۶۲-۲۹)

آیا به خداوندی که در دو روز زمین را خلق کرد کافر می شوید و شریک قائل می شوید.(۹-۴۱)

خدائی که در زمین کوهها را قرار داد و منافع و برکاتی در آن قرار داد.ومواد گوناگون با خواص متفاوت در چهار فصل به نسبت نیاز بشرمقّدر فرمود.
قل أ ئنّکم لتکفرون بالذّی خلق الارض فی یومین و تجعلون له انداداً ذلک ربُّ العالمین(۹-۴۱)و جعل فیها رواسی من فوقها و بارک فیها و قدّر فیها اقواتها فی اربعة ایّام سواءً للسّائلین(۱۰-۴۱)

خزائن آسمان و زمین در دست خداوند است روزی را تنگ می گیرد و یا می گشاید.
له مقالید السموات و الارض یبسط الرّزق لمن یشاء و یقدر انّه بکل شیء علیم(۱۲-۴۲)-(۱۹-۴۲)

روزی هرکس بنا بر مشیّت الهی وبه اندازه نیازبشر به دست اومی رسد. روزی حساب و کتاب دارد وبیشتر از مقدار تعین شده بدست بشر نمی رسد چون خداوند با آگاهی و بصیرت خود این کار را انجام می دهد تا بشر طغیان نکند.
و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض و لکن ینزّل بقدرٍ مایشاء انّه بعباده خبیرٌ بصیرٌ(۲۷-۴۲)

معیشت دنیا بین شما بندگان تقسیم شده است واین رحمت خدا بر شما است و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا برای برقراری نظام اجتماعی ایده آل با هم تعاون کنند.
أهم یقسمون رحمت ربّک نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوة الدّنیا و رفعنا بعضهم فوق بعضٍ درجات لیتّخذ بعضهم بعضاً سخریاً و رحمتُ ربّک خیرٌ ممّا یجمعون (۳۲-۴۳)

خداوند زمین را رام و مسخر شما قرار داد پس بندگان بر روی زمین قدم بر دارید و برای کسب روزی تلاش کنید و آخرت و حساب و کتاب آن را فراموش نکنید.
هو الّذی جعل لکم الارض ذلولاً فامشوا فی مناکبها و کلوا من رزقه و الیه النشور(۱۵-۶۷)
روزی خداوند حتی در بدترین شرایط به شما می رسد ولی لجاجت و طغیان شما را از حقایق دور می کند.(۲۱-۶۷)

رزق آسمانی

آیات: (۵۷-۲)- (۱۱۲-الی۱۱۵-۵)- (۱۶۰-۷)-(۱۳-۴۰)- (۵-۴)

بخش سیزدهم

هدایت و گمراهی

لطف خداوند بر شما هدایت شما است و اگر شما مورد لطف خداوند قرار نمی گرفتید همواره گمراه بودید. .....واذکروه کما هدیکم و ان کنتم من قبله لمن الضّالین (۱۹۸-۲)

خداوند به پیامبر می فرماید : به مردم بگو ، از هوای نفس پیروی نکنید که گمراهی است. وپرستش غیر خدا را نهی کن همانطور که تو نهی شده ای که اگر هدایت نشوند گمراهی است.
قل انّی نهیت ان اعبد الّذین تدعون من دون الله قل لا اتبع اهواءکم قد ضللت اذا و ما انا من المهتدین(۵۶-۶)
شناسنامه هدایت و گمراهی افراد دست خداوند است.
انّ ربّک هو اعلم من یضلّ عن سبیله و هو اعلم بالمهتدین(۱۱۷-۶)

خداوند با دو حجت خود حجت ظاهری (رسولان و امامان و کتب) و حجت باطنی (عقل و فکر)جای هیچ گونه عذری نگذاشته است. و اگر می خواست همه را در مسیر هدایت قرار میداد، ولی این امر مخالف تکامل است.قل فللّه الحجة البالغه فلو شاء لهدیکم اجمعین(۱۴۹-۶)

مشرکان راه شیاطین را در پیش گرفتند و گمان می کردند با طی مسیر گمراهی راه هدایت را انتخاب کرده اند و گروهی هم که راه صحیح هدایت را در رسیدن به حقّ دانستند.
فریقاً هدی و فریقاً حقّ علیهم الضّلالة انّهم اتّخذوا الشیّا طین اولیاء من دون اللّه و یحسبون انّهم مهتدون (۳۰-۷)
خدا را سپاس که ما را هدایت کرد و اگر او هدایت نمی کرد ما هدایت نمی شدیم.
.....و قالوا الحمد للّه الّذی هدینا لهذا و ما کنّا لنهتدی لو لا ام هَدانَاللّه .....(۴۳-۷)-و آیه دیگر،(۱۷۸-۷)
گمراهان چهارپایانی هستند که چیزی را درک نمی کنند و چشم بینا برای دیدن حقایق ندارند و گوش شنوا هم ندارند اینها جن و انسی هستند که جهنم را پر می کنند.

و لقد ذرانا لجهنم کثیراً من الجن و الانس لهم قلوبٌ لا یفقهونَ بها و لهم اعینٌ لا یبصرون بها و لهم اذانٌ لا یسمعون بها اولئک کالانعام بل هم اضلُّ اولئک هم الغافلونَ(۱۷۹-۷)
آیات دیگر :(۱۱۵-۹)-(۱۰۸-۱۰)-(۲۷-۱۳)

خداوند پیامبر را با زبان قوم خود و برای هدایت آنها فرستاد تا حقایق برای بشر بازگو شود وآنان هدایت شوند.هدایت اولیّه بابنده است بر طبق فطرت پاک انسانی وحجتی که خدا برای او فرستاد و خداوند تکمیل کننده آن هدایت است ، و اگر بنده راه ضلالت و گمراهی را انتخاب کند به همان نسبت خداوند تکمیل کننده آن ضلالت است.
و ما ارسلناه من رسول الاّ بلسان قومه لیبیّن لهم فیضّل الله من یشاء و یهدی من یشاء و هو العزیز الحکیم(۴-۱۴)

ای پیامبرهر چه سعی کنی گروه گمراهان را هدایت کنی هدایت نمی شوند، وهر چه بر هدایت آنها حریص باشی و تلاش کنی فایده ندارد.چون خداوند کسی را که گمراه کرد دیگر هدایت نمی شود.
ان تحرص علی هُداهم فانّ الله لا یهدی من یضلّ و ما لهم من ناصرین. (۳۷-۱۶)-(۹۳-۱۶)

درشیوه هدایت نخست حکمت و دانستن و بعد اندرزهای نیکو که جنبه عاطفی دارد و بعد اگر تشخیص دادی که ذهن طرف از اندرزهای نادرست پرشده مناظره داشته باش تا ذهن لجوج را از مسائل نادرست خالی کرده تا آماده پذیرش حق شود و خداوند ازهر کس بهتر می داند چه کسی گمراه وچه کسی هدایت شده است.
ادع الی سبیل ربّک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالّتی هی احسن انّ ربّک هو اعلم بمن ضلّ عن سبیله و هو اعلم بالمهتدین(۱۲۵-۱۶)

بار گناه هر کس به دوش خودش است نه به دوش دیگری .ای بنده حجت بر تو تمام است اگر هدایت شوی نتیجه اش عائد خودت خواهد شد و اگر گمراهی را انتخاب کردی عواقب شومش دامن خودت را می گیرد.و اگر عذاب الهی حتمی شد خودت مقصر هستی.

من اهتدی فانّما یهتدی لنفسه و من ضلّ فانّما یضلّ علیها و لا تزر وازرة وزرأُخری و ما کنّا معذّبین حتیّ نبعث رسولاً (۱۵-۱۷)
آیات دیگر: (۵۰-۳۴)-(۴۱-۳۹)-(۳۰-۵۳)-(۷-۶۸)

ای پیامبر ، چه کسی تو را مأوی داد زمانیکه یتیم بودی و چه کسی قلب تو را به نور هدایت روشن کرد و در حالیکه از اسرار نبّوت خالی بودی و بر تو رسالت و نبّوت و کتاب فرستاد و حقایق را به تو آموخت تا بشر را از بیراه و گمراهی نجات دهی.
أ لم یجدک یتیماً فَاوی (۶-۹۴) ووجدک ضالاً فهدی(۶-۹۳)

بخش چهاردهم

شفاعت

هیچ کس بدون فرمان پروردگار اجازهٔ شفاعت ندارد زیرا مطلق شفاعت مال خدااست. گناهان دو قسم است صغیره و کبیره . گاهی بنده گناه کبیره انجام نمی دهد ولی در گناه صغیره استمرار دارد و این استمرار تبدیل به گناه کبیره می شود.برای جبران گناهان در قیامت شفاعت به اذن خدا انجام می گیرد و یا از طرف کسی که شخص با او ارتباط فعلی و قولی به حق در زمان حیات داشته باشد.و دیگر شفاعت از طرف ملائکه که واسطه فیض الهی هستند که برانسان توبه کار استغفار می فرستند ولی با اذن الهی و دیگرشفاعت ائمه (ع) و پیامبران الهی و مؤمنین و مؤمنات که بااذن الهی انجام می گیرد.
الله لا اله الاّ هو الحیّ القیّوم لا تأخذه سنة و لا نومٌ له ما فی السّموات و ما فی الارض من ذاالذّی یشفع عنده الاّ باذنه.....(۲۵۵-۲)

کسی که اهل ظلم و طغیان وشرک و نفاق باشد شفاعت شامل حال او نمی شود، ولی اگر انسانی دیگر را به کار نیک وادارد و در انجام کار نیک مصمم باشد سهمی از شفاعت دارد.شفاعت سیئه یعنی نهی از شفاعت را نسبت به اعمال بد خواهد داشت.
من یشفع شفاعة حسنة یکن له نصیبٌ منها و من یشفع شفاعة سیئةً یکن له کفلٌ منها و کان الله علی کلّ شیٍ مُقیتاً(۸۵-۴) آیه دیگر (۳-۱۰)

اذن شفاعت از طرف خدای رحمان است بر کسی که با خداوند عهد و پیمان بسته و در انجام عهد و پیمان خود مصمم است و خود را موظف به اطاعت خدا و ارتباط با مکتب الهی می کند.
لا یملکون الشّفاعة الاّ من اذن له الرّحمن و رضی له قولاً(۱۹-۸۷)

حساب و کتاب قیامت در مورد شفاعت کننده و شفاعت شونده دقیق است.و اذن خدا برای شفاعت شامل کسانی است که خداوند از آنها راضی باشد.
یو مئذٍ لا تنفع الشّفاعة الاّ من اذن له الرّحمن و رضیَ له قولاً (۱۰۹-۲۰)

شفاعت روز قیامت به اذن خداوند وبدون اذن میسّر نیست .شفاعت کننده و شفاعت شونده روز قیامت دچار اضطراب و نگرانی می شوند و این حالت فقط با اذن الهی بر طرف می شود . مجرمان در قیامت از شافعان سئوال می کنند پروردگار شما چه دستوری داد و پاسخ می شنوند که پروردگار حق رابیان کرد .
.و لاتنفع الشفاعة عنده الاّ لمن اذن له حتیّ اذا فزّع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربّکم قالوا الحق و هو العلیُ الکبیرُ(۲۳-۳۴)-(۴۴-۳۹)

"یوم الازفه" قیامت و حساب بندگان در یک چشم بهم زدن ودر آن روز از شدّت هول و ترس جانها به گلوگاه می رسد.تمام وجود آنها پر از اندوه می گردد.وآنان به هرسو نگاه می کنند تا صورت آشنا بیابند ولی به جهت ستمگری شفاعت کننده نمی یابند ونه شفاعت کننده ای که شفاعتش پذیرفته شود.
و انذرهم یوم الازفة اذالقلوب لدی الحناجر کاظمین ما للظّالمین من حمیم و لا شفیع یطاع(۱۸-۴۰)
آیات دیگر : (۸۶-۴۳)- (۲۶-۵۳)- (۳۸-۷۸)

بخش پانزدهم

اطاعت خدا و رسول و اولی الامر و نتایج حاصل از این اطاعت

کسانی که اطاعت خدا و رسول را دارند مورد رحمت خداوند قرار می گیرند و آنان که از اطاعت سر باز می دارند خداوند آنان را دوست ندارد.
قل اطیعوا الله و الرّسول فان تولّوا فانّ الله لا یحبّ الکافرین (۳۲-۳)
اطیوا الله و الرسّول لعلکم ترحمون(۱۳۲-۳)

اولی الامر، امامان معصوم یا نمایندگان آنها در طول تاریخ اسلام است. سرانجام نیکو در دنیا و آخرت در اطاعت از خدا و رسول و امامان و نایبان برحق آنان است. اگر در چیزی اختلاف کردید بهترین روش رجوع به خدا و پیامبر است اگر شما به خدا و قیامت اعتقاد داشته باشید. از ایمان و اعتقاد خود دفاع کنید تا خداوند شما را در راه هدایت و فضیلتهای آن نگهدار باشد.
یا ایّها الّذین آمنوا اطیعو الله و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فرودوه ال الله و الرسول ان کنتم تومنون بالله و الیوم الاخر ذلک خیرٌ و احسن تاویلاً(۵۰-۴)
من یطع الرّسول فقد اطاع الله و من تولّی فما ارسلناک علیهم حفیظاً(۸۰-۴)-(۹۲-۵)

ای کسانی که ایمان به خدا و رسول او دارید احکام الهی به گوش شما می رسد پس درمسیر اطاعت باشید و روی بر نگردانید.
یا ایّها الّذین امنوا اطیوا الله و رسوله و لا تولّوا عنه و انتم تسمعون(۲۰ -۸)-(۱-۸)

ای ایمان آورندگان نزاع و کشمکش را کنار بگذارید وگرنه در درگیری عظمت وهیبت خود را از دست خواهید داد و صبر را شیوهٔ ایمانی خود قرار دهید .
و اطیعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم واصبروا انّ الله مع الصّابرین(۴۶-۸)

پیامبر وا بلاغ فرامین الهی ،و تو ای رسول وظیفه خود را که ابلاغ است آشکارا به همه برسان خواه پند بگیرند و خواه نپذیرند.اگر پذیرفتند در راه اطاعت هستند و اگر قبول نکردند پس آنها مسئول اعمال خود هستند و تو وظیفه خود را انجام داد ه ای.

قل اطیوا الله و الرّسول فان تولّوا فانّما علیه ما حملّ و علیکم ما حملّتم و ان تطیعوه تهتدوا و ما علی الرّسول الاّ البلاغ المبین(۵۴-۲۴)

ای ایمان آورندگان شما کسانی هستید که نماز را برای قرب الهی انجام می دهید. نماز میزان اخلاص شماست هرچه با شکوه تر انجام شود وبا دید اینکه گناهکاری در سجاده عشق قرار گرفته برای شما بهتر است.کسی نماز گذار است که زکات "تزکیه "مال وجان خود را مطابق فرمان خداو رسول بدهد.

و اقیموا الصّلوة و اتوا االّزکوة و اطیعوا الرّسول لعلّکم ترحمون.(۵۶-۲۴)

اطاعت خدا و رسول بر مرد و زن واجب است.و اگر اطاعت نباشد گمراهی آشکار است.

.....و من یعص الله و رسوله فقد ضلّ ضلالاً مبیناً(۳۶-۳۳)-۰(۳۳-۳۳)

اطاعت خدا ورسول به روش صحیح بدون بدعت پس مراقب اعمال خود باشید و آن را باطل نکنید.

یا ایهّاالّذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول و لاتبطلوا اعمالکم (۳۳-۴۷)-(۱۳-۵۸)

مخالفت شما در اطاعت خداو رسول مجازاتهای سخت و کیفر شدید برای بشر دارد.

.....واتقّوا الله انّ الله شدید العقاب(۷-۵۹)

آیات دیگر: (۱۲-۶۴)-(۱۶-۶۴)

نتایج حاصله از اطاعت خداوند ورسول

جایگاه اطاعت از خدا ورسول : مخلّد در بهشت و رستگاری(۱۳-۴)

محشور شدن با انبیاء و صدیّقین (راستگویان در گفتار و زبان) وشهدا (کشته شدگان راه حق و حقیقت) و صالحین (افراد صالح و شایسته که با اطاعت خود درجاتی را کسب کرده اند).(۶۹-۴)

شفاعت رسول و ائمه(ع) و علماء وشهداء و صالحین از کسانی که ترس از روز "آزفة"(روز قیامت وحساب رسی)دارند چون برای ستمکاران دوستی و شفاعت پذیرفته نمی شود . آیات: (۷۱-۹)-(۲۴-۵۲)-(۳۳-۷۱)- (۴۸-۱۷)-(۴۹-۱۴)

بخش شانزدهم

دعا و استجابت

دعا ارتباط بین بنده و خدا است . اگر بندگان در بارهٔ من پرسیدند ای پیامبر به آنان بگو : من نزدیک آنها هستم و زمانی که مرا بخوانند اجابت می کنم ولی باید دعوت مرا پذیرفته باشند و ایمان آورده باشند.
و اذا سأ لک عبادی عنّی فانّی قریب اُجیب دعوة الدّاع اذا دعان فلیستجیبوا لی و لیومنوا بی لعلّهم یرشدون(۱۸۶-۲)
پاداش به کسانی که تقوی را پیش گرفتند ودر مسیر الهی زخمها خوردند ولی باتمام جراحتها چه در جنگ و غیر جنگ خالصانه و با نیّت پاک عمل کردند.الّذین استجابوا لله و الرّسول من بعد ما اصابهم القرح للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجرٌ عظیمٌ(۱۷۲-۳)

استجابت دعا برای کسانی که گوش شنوا به احکام الهی دارند و دعوت پیامبر را لبیک می گویند ، اینان در محّل استجابت قرار می گیرند.انمّا یستجیبُ الّذین یسمعون و الموتی یبعثهم الله ثّم الیه یرجعون(۳۶-۶)
ایمان بندگان و اجابت خداوند :یا ایهّاالذیّن امنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم(۲۴-۸)

کسانی که دعوت حقّ را لبیک نگویند اگر تمام مالکیتهای خود را در روی زمین بدهند سودی ندارد.این گروه حساب سخت و بدی دارند و جایگاه آنان دوزخ است .انتظار اجابت برای آنان نیست.
للّذین استجابوا لربّهم الحسنی و الّذین لم یستجیبوا له انّ لهم ما فی الارض جمیعاً و مثله معه لافتدوا به اولئک لهم سوء الحساب و مأواهم جهنّم و بئس المهاد.(۱۸-۱۳)
آیات دیگر: (۵۰-۲۸)-(۲۶-۴۲)-(۳۸-۴۲)-(۴۷- ۴۲)

بخش هفدهم

توبه و استغفار

خداوند بخشنده و مهربان است بر بنده ای که توبه کرده و اعمال خود را اصلاح کرده و آنچه که بر خود از حقایق پوشانده بود آشکار کرده و مردم را آگاهی دهد . پس این گروه مورد لطف و عنایت خداوند قرار می گیرند و خداوند رحمت قطع شده خود را بر آنها غالب می سازد.

الاّ الّذین آمنوا و اصلحوا و بیّنوا فاولئک اتوبُ علیهم و انا التّوابُ الرحیّم (۲-۱۶۰)

توبه کنندگان پاکان هستند و خداوند آنها را دوست دارد.
.....انّ الله یحب التّوابین و یحبّ المتّطّهرین (۲-۲۲۲)

توبه کنید و اصرار بر گناه نداشته باشید که با انجام کار زشت بر خود ظلم کرده اید کاری کنید که مغفرت شامل حال شما شود.
والّذین اذا فعلوا فاحشةً او ظلموا انفسهم ذکروالله فاستغفروا لذنوبهم و من یغفر الّذنوب الاّ الله و لم یصّروا علی ما فعلوا و هم یعلمون(۳-۱۳۵)

کسانی که عمل بد انجام می دهند و در لحظهٔ مرگ بسوی خدا توبه می کنند، توبه آنان پذیرفته نیست و کفار هم که در حال کفر می میرند توبه بر آنها نیست و برای این دو گروه در قیامت عذابی دردناک است.و لیست التوّبةُ للّذین یعملون السّیئات حتّی اذا حضر احدهم الموتُ قال انّی تبت الان و لا الّذین یموتون و هم کفّار اولئک اعتدنا لهم عذاباً الیماً (۴-۱۸)-(۴-۱۷)-(۴-۶۴)-(۴-۱۰۶)
(۴-۱۱۰)
خداوند مشرکان (مرتد واز دین بر گشتگان) را نمی بخشند ولی کمتر از آن را بر هرکس که بخواهد و مصلحت او باشد می بخشد.انّ الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر مادون ذلک لمن یشاء (۴-۱۱۶)

قرین مؤمنین کسانی هستند که توبه کردند و اعمال خود را اصلاح کردند و به ریسمان هدایت الهی چنگ زدند.و دین و ایمان را خالص کردند اجر و پاداش عظیمی نزد پروردگار خود دارند.
الاّ الذین تابوا و اصلحوا و اعتصموا بالله و اخلصوا دینهم لله فاولئک مع المؤمنین و سوف یوت الله المؤمنین اجراً عظیماً(۴-۱۴۶)

آیات دیگر: (۵-۳۴)-(۵-۳۹)-(۵-۷۴)-(۶-۵۴)-(۷-۱۵۳)- (۸-۳۳)

افرادی هستند که عمل صالح و ناصالح آنها با هم در آمیخته ولی به گناهان خود اقرار دارند و خداوند برای این گروه می فرمایند : امید است که توبهٔ آنها پذیرفته شود.
و آخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملاً صالحاً و آخر سیئاً عسی الله ان یتوب علیهم انّ الله غفورٌ رحیمٌ (۹-۱۰۲)

صدقه مستقیماً به دست خدا می رسد و صدقه کفاره گناهان بنده است . خداوند توبه پذیر است.
أ لم یعلموا انّ الله هو یقبل التوّبة عن عباده و یأخذ الصّدقات و انّ الله هو التّواب الرّحیم(۹-۱۰۴)

بشارت باد بر توبه کنندگان ، عبادت کنندگان ، حمدگویان، شاکران ، روزه داران ، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، و کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند وحافظان حدود الهی.
التائبون العابدون الحامدون السّائحون الرّاکعون السّاجدون الامرون بالمعروف و النّاهون عن المنکر و الحافظون لحدود الله و بشّرالمؤمنین(۹-۱۱۲)

مسلمانانی که در جنگ تبوک پا بر جا بودند و استقامت کردند و فرار نکردند وسختی ها را تحمل کردند لطف و رحمت خدا بر ایشان بود که از گناه آنها در گذشت و توبه آنها قبول کرد.
لقد تاب الله علی النبّی و المهاجرین و الانصار الّذین اتبّعوه فی ساعة العسرة من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم ثّم تاب علیهم انّه بهم رؤف رحیم(۹-۱۱۷)-(۹-۱۱۸)

استغفار و توبه بنده و دوری اواز آلودگیها سبب میشود که خداوند تا مدّت معینی او رااز زندگی سعادتمندانه بهره مند کند که این فضل خدا بر هرصاحب فضیلتی است .
و ان استغفروا ربّکم ثّم توبوا الیه یمتّعکم متاعاً حسناً الی اجلٍ مسمّی و یوت کلّ ذی فضلٍ فضله..... (۳-۱۱)
آیات دیگر: (۱۶-۱۱۹)- (۱۷-۲۵)-(۱۹-۶۰)-(۲۰-۸۲)- (۲۴-۵)- (۲۵-۷۰)- (۲۸-۶۷)- (۳۹-۵۴)- (۳-۴۰)
گناهان را در نظر بیاور و توبه کن که وعده خدا حقّ است و قیام کن به نمازو تسبیح خداوند در صبح و شام و صبر و آرامش داشته باش.

فاصبرانّ وعدالله حقٌّ واستغفر لذنبک و سبّح بحمد ربک بالعشیّ و الابکار(۵۵-۴۰)

راه خداوند راه حق است پس قیام بر هدایت او داشته باشید و مشرک نباشد زیرا غیرازاوخدایی نیست.

قل انّما اما بشرٌ مثلکم یوحی الیّ انّما الهکم اله واحدٌ فاستقیموا الیه واستغفروه.....(۶-۴۱)
آیات دیگر: (۲۵-۴۲)-(۱۹-۴۷) – (۱۷و۱۸-۵۱)- (۴-۶۶)- (۱۰و۱۱و۱۲-۷۱)

توبه نصوح نصیب کسی می شود که دیگر بازگشت به گناه نداشته باشد . پس ای کسانی که ایمان آورده اید بسوی خدا توبه کنید توبهٔ خالص، توبهٔ نصوح که خداوند سیئات شما را بپوشاند و شما را در باغهای بهشت ونهرهای آن داخل کند.
یا ایها الّذین امنوا توبوا الی الله توبة نصوحاً عسی ربّکم ان یکفّر عنکم سیئاتکم و یدخلکم جنّات تجری من تحتها الانهار(۸-۶۶)

نهی از استغفار برای مشرکین و منافقین

برای مشرکین و منافقین استغفار نکن یا اگر استغفار کنی هفتاد بار هم استغفار و طلب آمرزش کنی بدان که هرگز خدا آنها را نمی بخشد.
استغفر لهم او لا تستغفر لهم ان تستغفر لهم سبعین مرّة فلن یغفر الله لهم.....(۸۰-۹)

شایسته نیست که پیغمبر و مؤمنان برای مشرکین طلب آمرزش کنند حتی اگر از نزدیکان آنها باشند زیرا آنها از اهل دوزخ هستند و مخلد در آتش.
ما کان للنبّی و الّذین آمنوا ان یستغفروا للمشرکین و لو کانوا اولی قربی من بعد ما تبیّن لهم انّهم اصحاب الجحیم(۱۱۳-۹)

اگر ابراهیم برای پدرش "آزر" طلب مغفرت کرد بخاطر وعده هائی بود که او به ابراهیم داده بود و زمانی که مشخص شد که "آزر" دشمن خدا است از او برأت جست.

و ما کان استغفار ابراهیم لابیه الاّ عن موعدة وعدها ایّاه فلمّا تبیّن له انّه عدوٌ لله تبّرأ منه انّ ابراهیم لاواه حلیمٌ(۱۱۴-۹)و(۶۳-۹)

توبه فرعون

ایمان آوردن و توبه کردن به هنگام نزول بلا و در چنگال مرگ فر رفتن هیچ گونه ارزشی ندارد مانند فرعون زمانیکه امواج رود نیل او را می بلعید و او فریاد می زد: "من ایمان آوردم به اینکه جز او خدائی نیست . من ایمان آوردم به آنچه که بنی اسرائیل ایمان آورده اند."

.....حتی اذا ادرکه الغرق قال امنت انّه لا اله الاّ الذّی امنت به بنوا اسرائیل و انا من المسلمین (۹۰-۱۰)

خداوند به موسی می گوید که به فرعون بگو: اکنون ایمان می آوری در حالی که قبل از این گردنکش و عصیانگر بودی و از مفسدان در روی زمین بودی.

الان و قد عصیت قبل و کنت من المفسدین(۹۱-۱۰)

بخش هیجدهم

یاس و نا امیدی از رحمت خداوند

ایمان قوی آنگونه است که اگر نعمت از انسان گرفته شود مأیوس نشود وبا بخشیدن نعمت از طرف خدا ،خود و خدای خود را فراموش نکند که کفران و نا سپاسی است.

و لئن اذقنا الانسان منّا رحمة ثّم نزعنا ها منه انّه لیؤسٌ کفورٌ(۹-۱۱)

فقط کافرین و مشرکین از رحمت خدا مأیوس می شوند پس ای برادران یوسف از رحمت خدا مأیوس نباشید بروید دنبال یوسف.

یا بنّی اذهبوا فتحسسّوا من یوسف و اخیه و لا تایئسوا من روح الله انّه لا یایئسُ من روح الله الاّ القومُ الکافرین.(۸۷-۱۲)

از رحمت خدا نا امید نباشید و این رسیدن به حق است .فقط گمراهان از رحمت خدا ناامید می شوند.

قالوا بشّر ناک بالحقّ فلا تکن من القانطین(۵۵-۱۵)-(۵۶- ۱۵)

آیات دیگر: (۲۳-۲۹)- (۳۶-۳۰)-(۵۳-۳۹)

ای انسان از دعا خیرخسته نشو . بدان که رحمت خداوند وسعت دارد . ای انسان از شر و بدی (حوادث ناگوار) ناامید و مأیوس نشو.
لا یسئم الانسان من دعاء الخیر و ان مسّه الشّر فیؤسٌ قنوطٌ(۴۹-۴۱)

بخش نوزدهم

ملائکه و صفات و عبادت آنها

ملائکه فرشتگانی هستند که در عبادت تکبر نمی ورزند و همواره خدا را تسبیح می گویند .
انّ الّذین عند ربّک لا یستکبرون عن عبادته و یسبّحونه و له یسجدون(۲۰۶-۷)

ملائکه فرشتگانی هستند که شب و روز خدا را تسبیح می گویند و در عبادت سستی از خود نشان نمی دهند. یسبّحون اللیّل و النّهار لا یفترون(۲۰-۲۱)و (۱۹-۲۱)

خداوند آسمان و زمین را خلق کرد و ملائکه را رسولانی قرار داد که با دو بال تا چهار بال پیام رسان به انبیاء باشند و مأموریتهای مختلف را انجام دهند.
الحمد لله فاطر السّموات و الارض جاعل الملئکة رسلاً اولی اجنحة مثنی وثلاث و رباع یزید فی الخلق ما یشاء انّ الله علی کل شیء قدیر(۱-۳۵)

ملائکه فرشتگانی هستند با مأموریتهای مختلف که در صف ایستاده اند و آماده خدمت هستند .آنها مردم را از گناه باز می دارند و وسوسه های شیطان را از انسان دور می کنند.
فالزّاجرات زجراً(۲-۳۷)
آنها پی در پی تلاوت دارند. فالتّالیات ذکرا(۳-۳۷)

بت پرستان ملائکه را دختران خدا می پنداشتند و آنها در جواب می گویند : هیچ یک از ما نیست مگر اینکه مقام معلومی داشته باشند.
و ما منّا الاّ له مقام معلوم (۳۷-۱۶۴)
ما در صف ایستاده ایم و منتظر امر پروردگار هستیم.انّا لنحن الصّافون(۳۷-۱۶۵)
ما تسبیح گوی خداوند هستیم .و انّا لنحن المسّبحون (۳۷-۱۶۶)

طواف کنندگان بر گرد عرش ،ملائکه هستند که دائماً خدا را تسبیح و حمد می گویند و اوامر الهی را اطاعت می کنند و بین مردم به حقّ قضاوت می کنند و سپاس خدا را می گویند.
و تری الملائکه حافین من حول العرش یسبّحون بحمد ربّهم و قضی بینهم بالحقّ و قیل الحمدلله ربّ العالمین.(۳۹-۷۵)
آیات دیگر : (۴۰-۷)- (۴۱-۳۸)- (۴۲-۵)
حاملان عرش در روز قیامت هشت فرشته اند{ در روایتی چهار نفر از اوّلین نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و چهار نفر آخر محمد(ص) و علی(ع)و حسن (ع) و حسین(ع) }
.....و یحمل عرش ربّک فوقهم یومئذٍ ثمانیةٍ (۶۹-۱۷)

سوگند به فرشتگانی که بر کشنده شدید جان مجرمان از بدنهایشان هستند . والنّازعات غرقاً(۷۹-۱)
فرشتگانی که روح مؤمنان را با مدارا و نشاط از بدنهایشان جدا می سازند.
و النّاشطات نشطاً(۷۹-۲)

خداوند از فرشتگان رسولانی همچون جبرئیل و از انسانها فرستادگانی همچون پیامبران الهی بر می گزیند. الله یصطفی من الملائکة رسلاً و من النّاس(۷۵-۲۲)

ای انسان به دنبال حیله و مکر نباش زیرا تمام آنچه که تو می اندیشی و بوی توطئه می دهد فرشتگان ثبت و ضبط می کنند و بدانید که خدا از هر کس در چاره اندیشی و طرح نقشه های کوبنده سریعتر و قادرتر است.....قل الله اسرع مکراً انّ رسلنا یکتبون ما تمکرون(۱۰-۲۱)

آیا گمان می کنید که اسرار و نجواهای شما را نمی شنویم ،ولی چنین نیست فرشتگان نزد شما حاضرند و آنچه را که شما می گویید می نویسند.
ام یحسبون انّا لا نسمع سرّهم و نجواهم بلی و رسلنا لدیهم یکتبون(۸۰-۴۳)

دو فرشته یکی سمت راست و دیگری سمت چپ ملازم انسان هستند فرشته طرف راست مأمور ثبت کارهای خوب و فرشته سمت چپ مأمور ثبت کارهای بد است.
اذ یتلقّی المتلقّیان عن الیمین و عن الشّمال قعید(۱۷-۵۰)

هیچ کلامی بر زبان نمی آید جز اینکه فرشته ای آماده است برای ثبت آن.
مایلفظ من قول الاّ لدیه رقیب عتید(۱۸-۵۰)

در روز محشر یک سائق و یک شاهد همراه هر انسانی است. سائق که او را به سمت محشر سوق می دهد و شاهد که گواه بر اعمال اوست.
و جاءت کلّ نفس معها سائق و شهید(۲۱-۵۰) و آیات (۱۰ الی ۱۲-۸۲)

خداوند احاطه علمی بر بندگان خود دارد و بر شما حافظانی می فرستد تا اعمالتان را دقیقاً ثبت کند.
و هو القاهر فوق عباده و یرسل علیکم حفظة .....(۶۱-۶) و (۱۱-۱۳)

خلق آدم و سجده ملائکه بر آدم

خداوند به ملائکه گفت: من در روی زمین خلیفه قرار دادم .ملائکه گفتند : آیا کسی را روی زمین قرار می دهی که فساد و خونریزی کند در حالیکه ما تو را سجده وتقدیس می کنیم.خداوند گفت: من چیزی را می دانم که شما نمی دانید.
و اذ قال ربُک للملائکة انّی جاعل فی الارض خلیفة قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدّماء ونحن نسبّح بحمدک و نقّدس لک قال انّی اعلم ما لا تعلمون (۳۰-۲)

و ایات دیگر(۳۴-۲) و (۱۱-۷) و (۲۸و۳۰و۳۱-۱۵) و (۶۱-۱۷) و (۵۰-۱۸) و (۱۱۶-۲۰) و (۷۱الی ۷۴-۳۸)

فرشتگان قبض روح یا موکلان قبض روح

وقتی فرشتگان قبض روح روح ظالمی را بگیرند به او می گویند : چرا در صفوف کافران قرار گرفتی و با مسلمانان جنگیدی؟

انّ الّذین توفتّهم الملائکة ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم .....(۹۷-۴)

وقتی مرگ فرا رسد فرشتگان قبض ا رواح، روح شخص را می گیرد و آنها در انجام این مأ موریت قصور و کوتاهی و یا افراط ندارند.

.....حتی اذا جاء احدکم الموت توفّته رسلنا و هم لا یفرّطون(۶۱-۶)

مرگ نزد ظالمان و ستمگران و تکذیب کنندگان و شداید مرگ نزد آنان.

.....و لو تری اذالظالمون فی غمرات الموت و الملائکة باسطوا ایدیهم اخرجوا انفسکم....(۹۳-۶) و (۵۰- ۸)

قبض روح انسانهای کافر و مشرک و ندای ملائکه: کجایند خدایانی که می پرستیدید؟

.....حتی اذا جاءتهم رسلنا یتوفّاهم قالوا این ما کنتم تدعون من دون الله.....(۳۷-۷)

عذاب سوزنده توسط ملائکه قبض روح که به صورت و پشت کفّار می زنند.

و لو تری اذ یتّوفی الّذین کفروا الملائکة یضربون و جوههم و ادبارهم و ذوقوا عذاب الله....(۵۰-۸)

تکذیب اعمال توسط ظالمین بهنگام مرگ : ما کار بدی انجام ندادیم .

الّذین تتّوفاهم الملائکة ظالمی انفسهم فالقوا السّلم ما لنّا نعمل من سوء(۲۸-۱۶)و (۳۲-۱۶)

جان دادن پرهیزکاران: انسانهائی که تقوی پیشه کردند و خود را از آلودگیها محفوظ داشتند. برخورد فرشتگان با آنها: سلام بر شما . وارد بهشت شوید بخاطر اعمال نیکوئی که انجام دادید.

الّذین تتوفّهم الملائکة طیّبین یقولون سلامٌ علیکم ادخلوا الجنة بما کنتم تعملون(۳۲-۱۶)

آیات دیگر: (۱۱-۳۲) و (۲۷-۴۷)

امدادغیبی مسلمانان در بعضی غزوات

جنگ بدر و امداد غیبی مسلمانان توسط سه هزار نفر از فرشتگان .
اذ یقول للمؤمنین ألن یکفیکم ان یمدّکم ربّکم بثلاثة الاف من الملائکة منزلین (۱۲۴-۳)

یاری کردن پیامبر توسط مسلمانان با صبر و استقامت و امداد غیبی پنج هزار فرشته با نشانه های مخصوص. بلی ان تصبروا و تتقّوا و یاتوکم من فورهم هذا یمددکم ربّکم بخمسة الاف من الملائکة مسّومین(۱۲۵-۳)
جنگ بدر و رعب و ترس در وجود کافران و ضربه بر آنان توسط امدادهای غیبی و از کارانداختن دست و پای آنان از کار. اذ یوحی ربّک الی الملائکة انّی معکم فثبّتوا الذین امنوا سالقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب فاضربوا فوق الاعناق واضربوا منهم کلّ بنان.....(۱۲-۸)و (۹-۸)

ایمان به ملائکه

نیکوکار کسانی هستند که به خدا و روز رستاخیز فرشتگان و کتابهای آسمانی و پیامبران ایمان بیاورید.....ولکنّ البّر من امن بالله و الیوم الخر و الملائکة و الکتاب و النبیّین .....(۱۷۷-۲)

ملائکه دختران خدا ویا اولاد خدا نیستند

دشمنان دین و قرآن و کافران اهانت عظیمی به ساحت مقدس الهی زده اند . فرشتگان و فرمانبران حق را دختران خدا و یا اولاد او می دانند در حالیکه خود از شنیدن نام دختر ننگ داشتند. آیا خداوند برای شما پسران را آفرید و برای خود دخترانی از فرشتگان برگزید.
أفأصفکم ربّکم بالبنین و أتّخذ من الملائکة اناثاً انّکم لتقولون قولاً عظیماً (۴۰-۱۷) و (۹۸-۲) و (۵۷-۱۶)و (۲۶و۲۷-۲۱) (۱۴۹الی ۱۵۲-۳۷)(۱۹-۴۳)
کافران ایمان به آخرت ندارند و فرشتگان را دختر خدا می دانند.
انّ الّذین لا یومنون بالاخرة لیسمعّون الملائکة تسمیة الانثی(۲۷-۵۳)

ملائکه و خازنهای جهنم ویاران آتش

(۷۱-۳۹)(۴۹-۴۰)(۳۰و ۳۱-۷۴)

جن

خلق جن از آتش

(۲۷-۱۵)(۱۵-۵۵)وآیات دیگر : (۱۰۰-۶)(۱۱۲و ۱۲۸الی ۱۳۰-۶)(۳۸-۷)(۱۱۹-۱۱)(۸۸-۱۷)
(۵۰-۱۸)(۴۱-۳۴)(۱۵۸-۳۷)(۲۵-۴۱)(۲۹الی ۳۲-۴۶)(۵۶-۵۱)(۳۳و۳۹-۵۵)(۱الی ۱۹-۷۲)
(۱الی ۶-۱۱۴)

سلیمان ولشگریان جنّی

سپاه سلیمان از جن و انسان و پرندگان
و حشر لسلیمان جنوده من الجنّ و الانس والطّیرفهم یوزعون(۱۷-۲۷)
سرعت عمل عفریت جنی در حمل ملکه سبا . قال عفریت من الجنّ انا اتیک به قبل ان تقوم من مقامک .....(۳۹-۲۷)

کار و فعالیت جنیها در پیش روی سلیمان بفرمان خدا وعذاب جنیّان در سرپیچی از فرامین.و مرگ سلیمان و افسوس جنیّان که از غیب آگاه نبودند ودر رنج خفت بار بودند.
....ومن االجنّ من یعمل بین یدیه باذن ربّه و من یزغ منهم عن امرنا نذقه من عذاب السعیر(۱۲-۳۴)
(۱۳و ۱۴-۳۴)و (۳۶الی ۳۸-۳۸)

بخش بیستم

شیطان –وجوب پناه بردن به خدا

مؤمنان برای دوری از وسوسه های شیطان باید به خدا پناه ببرند.
و امّا ینزعنّک من الشّیطان نزغ فاستعد بالله انّه سمیعٌ علیمٌ(۲۰۰-۷)

نعمتهای خدا را دائماً یاد آور شوید تا از عواقب شوم وسوسه های شیطان دور بمانید.(۲۰۱-۷)

به هنگام قرائت قران به خدا پناه ببرید. فاذا قرات فاستعذ بالله من الشّیطان الرّجیم(۹۸-۱۶)

شیطان تسلّطی بر ایمان آورندگان و متوکّلین بر خدا ندارد .
انّه لیس له سلطان علی الذّین امنوا و علی ربّهم یتوکّلون(۹۹-۱۶)

گروه کافران و تسلّط شیطان بر آنان ، گروهی که رهبری و سرپرستی او را قبول دارند و این رهبری را دوست دارند وشیطان را شریک خدا در طاعت و بندگی قرار می دهند.
انّما سلطانه علی الذّین یتوّلونه و الذیّن هم به مشرکون (۱۰۰-۱۶)

بگو ای پیغمبر : پروردگارا من از وسوسه های شیطان و حضور اغوا کننده و زیانبار او به تو پناه می برم .
قل ربّ أعوذ بک من همزات الشیاطین(۹۷-۴۳)و اعوذ بک ربّ ان یحضرون(۹۸-۲۳)

خصوصیات شیطان

استکبار شیطان در برابر سجده نکردن به آدم بر اینکه من بهتر از آدم هستم و او از خاک و من از آتش خلق شدم.و اذ قلنا للملائکة اسجدوا لادم فسجدوا الاّ ابلیس ابی و استکبر و کان من الکافرین (۲-۳۴)

اگر به این درخت نزدیک شوید از ظالمین هستید وزمانیکه شیطان آنان را فریفت پس ازبهشت بیرون شدند وتوبه آدم با آموزش خداوند شروع شد و راه هدایت را در هبوط خود به زمین آموخت.
و قلنا یا ادم اسکن انت و زوجک الجنة و کلا منها رغداً حیث شئتما و لاتقربا هذه الشجرة فتکونا من الظالمین(۳۶-۲)(۳۷و۳۸-۲)

تکبر شیطان وراندە شدن او و مهلت خواستن ازخدا تا قیامت و قسم خوردن او بر اغوا بشراز صراط مستقیم از تمام جهات و اخطار خدا به بشر که شیطان شما را نفریبد وگرنه زشتی های شما آشکار می شود .(۱۱الی ۲۷-۷) .
و آیات دیگر: (۳۰ الی ۴۱-۱۵)(۶۱الی ۶۵-۱۷)(۵۰و۵۱-۱۸)(۱۱۶الی ۱۲۳-۲۰)(۷۳الی ۸۵-۳۸)

گامهای شیطان در مسیرهای مختلف زندگی شماست وپیروی شما نابودی حتمی است . از دشمن آشکار پیروی نکنید.
....و لا تتبعوا خطوات الشیّطان انّه لکم عدوٌ مبین (۱۶۸-۲)
شیطان شما را به انواع بدیها و زشتیها دستورمی دهد و شما را وادار می کند که برخدا افتراء ببندید تبعیّت از او انحراف تدریجی است.
انّما یأمرکم بالسوء و الفحشاء و ان تقولوا علی الله ما لا تعلمون (۱۶۹-۲)(۲۰۸-۲)(۲۶۸-۲)

شیطان بد قرینی است سرنوشت خوبی در دنیا و آخرت ندارید.
.....و من یکن الشیطان له قریناً فساء قریناً(۳۸-۴)
شیطان وگمراهی شما.
...و یرید الشیطان ان یضلّلهم ضلالاً بعیداً(۶۰-۴)

کید شیطان و دوستان او و مبارزه شما با او چون کیدش و نقشه هایش ضعیف است.
.....فقاتلوا اولیاء الشّیطان انّ کید الشیّطان کان ضعیفاً(۷۶-۴)

شیطان درصورتهای مختلف و نامهای متفاوت و وسوسه های زیاد با آرزو های دور و زیاد و تشویق انسانها به سمت خرافات که لعنت خدا بر او باد و هرکس شیطان را ولی و دوست خود قرار دهد زیان بسیاری برده است.(۱۱۷الی ۱۲۰-۴)

شراب و قمار و بت پرستی شیوه های شیطان است از آنها اجتناب کنید.
انّما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجسٌ من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلّکم تفلحون (۹۰-۵)

شراب و قمار باعث می شود که بین مردم عداوت و دشمنی ایجاد شود و از یاد خدا غافل شوند.
انّما یرید الشّیطان ان یوقع بینکم العداوة و البغضاء فی الخمر و المیسر و یصّدکم عن ذکر الله و عن الصّلوة فهل انتم منتهون(۹۱-۵)

شیطان زینت گر اعمال بد شماست و در این اعمال زشت به دلیل سخت شدن دلهای شما در برابر بلا ها گریه و زا ری نمی کنید.
فلو لا اذ جاء هم باسنا تضّرعوا و لکن قسّت قلوبهم و زیّن لهم الشّیطان ما کانوا یعلمون (۴۳-۶)
(۱۱۲-۶)
مجادله شما با یکدیگر از وسوسه های شیطان است و اگر تسلیم وسوسه های شیطان شوید در وصف مشرکان قرار خواهید گرفت.
.....وانّ الشّیطان لیوحون الی اولیائهم لیجادلوکم و ان أطعتموهم انّکم لمشرکون (۱۲۱-۶)

تغذیه حلال و دوری از حرام خواری که حرام خواری وسوسه شیطان است.و نباید از گامهای شیطان پیروی کنید که او دشمنی آشکار است.
.....کلوا مّما رزقکم الله و لا تتبعوا خطوات الشّیطان انّه لکم عدٌ مبین(۱۴۲-۶)(۲۰۱-۷)(۴۸-۸)

شیطان یک دعوت کننده بیش نیست . او انسانها را به روش خود دعوت می کند همانطور که در قیامت به هنگام حسابرسی می گوید : وعده خدا حق بود و شما را به حق دعوت کرد من هم به شما وعده دادم ولی تخلف از وعده داشتم . پس من تسّلطی بر شما نداشتم شما با میل خودتان دعوت مرا قبول کردید.پس مرا ملامت و سرزنش نکنید بلکه خویشتن را سرزنش کنید که دعوت مرا پذیرفتند.
پس من فریاد رس شما نیستم و شما هم فریاد رس من نیستید و همانا من می گویم:از آنچه که شما به

آن شرک ورزیدید (طاعت من بر خدا)بیزارم و کافرم.
و قال الشیطان لمّا قضی الامر انّ الله وعدکم وعد الحق .....(۲۲-۱۴)

دامهای شیطان وسائل و اسبابی است که در وسوسه ها از آن استفاده می کند و به لشکریانش دستور می دهد که دائماً بر سرطالب راه خواری و ذلّت بکوبند وآنان را از بدست آوردن مال حلال دور سازند.و دیگر وعده های دروغین شیطان که خطا را به صورت صواب و باطل را بصورت حق جلوه می دهد.وعده های شیطان وعده نیرنگ و خدعه است.

و استفرز من استطعت منهم بصوتک و اجلب علیهم بخیلک و رجلک و شارکهم فی الاموال و الاولاد وعدهم و ما یعدهم الشیطان الّا غروراً(۶۴-۱۷)

تشویق کفّار به کارهای نادرست.

ألم تر انّا ارسلنا الشّیاطین علی الکافرین تؤزّهم ازّا(۸۳-۱۹)

نفوذ شیطان در دلهای بیمار و مریض و سنگدل.

لیجعل ما یلقی الشیّطان فتنه للذّین فی قلوبهم مرض والقاسیة قلوبهم..... (۵۳-۲۲)(۵۲-۲۲)

گامهای شیطان فحشا و کارهای زشت است. ای کسانی که ایمان دارید مراقب گامهای شیطان باشید.

یا ایها الذّین امنوا لا تتبّعوا خطوات الشیّطان و من یتبع خطوات الشیّطان فانّه یأمر بالفحشاء و المنکر(۲۱-۲۴)

شیطان همیشه در حال خوار کردن انسانها است.

.....و کان الشّیطان للانسان خذولاً(۲۹-۲۵)

آیا خبر دهم که شیطان بر چه کسی مسلّط می شود، بر دروغگوی گنهکار. هل انبئکم علی من تنزّل الشیّاطین – تنزّل علی کلّ أفاک اثیم(۲۲۱و۲۲۲-۲۶)و (۲۱۰الی ۲۱۲-۲۶)

(۱۵-۲۸)و (۳۸-۲۹)و (۲۰و۲۲-۳۴)و (۶-۳۵)و (۶۰ الی ۶۲-۳۶)

قرین انسان شیطان است اگر از ذکر خدا غافل شوی و روی گردانی.

و من یعش عن ذکرالرّحمن نقیّض له شیطاناً فهو له قرین(۳۶-۴۳)(۶۲-۴۳)

(۲۵-۴۷)و (۱۰-۵۸)

حزب شیطان زیانبار است . و هر کس یاد خدا را فراموش کند در حزب و گروه شیطان قرار می گیرد.استحوذ علیهم الشّیطان فانساهم ذکر الله اولئک حزب الشّیطان الاّ انّ حزب الشّیطان هم الخاسرون.(۱۹-۵۸)

دوری از نجوا و درگوشی حرف زدن که ضرر برای دیگری باشد ویا خوار کردن دیگری.

انمّا النّجوی من الشیطان لیحزن الّذین امنوا ولیس بضارهم شئیاً الاّباذن الله و علی الله فلیتوکّل المؤمنون(۱۰-۵۸)

و آیات دیگر: (۱۶و۱۷-۵۹)

پناه شما خداوندی است که آفریننده جهان است.مالک انسانها خداوند است نه غیر پس خود را در حزب شیطان وارد نکنید از ترس مردم . در مقام عبودیت وبندگی فقط خداوند را بپرستید.از لغزشها وحقّه ها و نیرنگها و آنچه که وسوسه ایجاد می کند به خدا پناه ببرید.(۱الی۶-۱۱۴)

بخش بیست ویکم

وحی

ای پیغمبر ما به تو وحی دادیم همانگونه که به نوح وانبیاء دیگر وحی دادیم .ابراهیم ، اسماعیل ، واسحاق، .....انّا اوحینا الیک کما اوحینا الی نوح و النبیّین من بعده و اوحینا الی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و الاسباط و عیسی و ایّوب و یونس و هارون و سلیمان و اتینا داود زبورا (۱۶۳-۴)

وحی را قبل از تو بر اشخاصی فرستادیم اگر می خواهی بدانی از اهل ذکر و آگاهان بپرس.
و ما ارسلنا قبلک الاّ رجالاً نوحی الیهم فسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون(۷-۲۱)و(۲۵-۲۱)

انبیاء را امام و رهبر وپیشوا قرار دادیم تا بشر را به فرمان ما در مسیر کارهای نیک و اقامه نماز و ادای زکات هدایت کنند تا مقام عبودیت را کسب کنند.
و جعلنا هم ائمة یهدون بامرنا و اوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة و کانوا لنا عابدین(۷۳-۲۱)
به تو وپیامبران قبلی وحی فرستاده که اگر مشرک شوید و درصف آنان در آیید نخست اعمال شما باطل می شود و دیگر اینکه گرفتار خسران وزیان خواهید شد.(تذکر قران به تمام افراد است)
و لقد اوحی الیک و الی الذّین من قبلک لئن اشرکت لیحبطنّ عملک و لتکوننّ من الخاسرین.(۶۵-۳۹)

توصیه به تمام پیامبران : دین را بر پا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید.
..... ان اقیموا الدّین و لا تتفرّقوا فیه.....(۱۳-۴۲)(۲-۴۲)

طریق ارتباط پیامبر با خداوند : خداوند بزرگ و منزه است و شایسته نیست که او با بشر روبرو شود مگر از طریق وحی و الهام به قلب یا از پس حجاب یا فرستادن رسول (جبرئیل)
و ما کان لبشر ان یکلّمه الله الاّ وحیاً او من ورایء حجاب او یرسل رسولاً فیُوحی باذنه ما یشاء انّه علیٌ حکیمٌ (۵۱-۴۲)

وحی به ملائکه

پروردگار به ملائکه وحی فرستاد که من با شما هستم و ایمان آورندگان را ثابت قدم و تقویت نمائید.
اذ یو حی ربّک الی الملئکة انّی معکم فثبّتوا الّذین امنوا .....(۱۲-۸)

وحی به نوح علیه السلام

ای نوح محزون نباش فقط همان کسانی که ایمان آورده اند هدایت شده و دیگر هیچ کس ایمان نمی آورد.و اوحی الی نوح انّه لن یؤمن من قومک الاّ من قد امن فلا تبتئس بما کانوا یفعلون(۳۶و ۳۷-۱۱)
وحی به نوح و ساختن کشتی و قرار دادن هر جفت از موجودات در آن و فوران آب و غرق شدن از نزدیکان بدون شفاعت. فاوحینا الیه ان اصنع الفلک باعیننا ووحینا فاذا جاء امرنا و فار التّنور فاسلک فیها من کلّ زوجین اثنین و اهلک الاّ من سبق علیه القول منهم و لا تخاطبنی فی الّذین ظلموا انّهم مغرقون(۲۷-۲۳)

وحی به یوسف علیه السلام

وحی به یوسف که تو در آینده برادران را به کارشان آگاه می کنی در حالیکه آنها نمی فهمند .
..... و اوحینا الیه لتنبّئنّهم بامرهم هذا و هم لا یشعرون(۱۵-۱۲)

وحی به موسی و هارون علیهما السلام

وحی به موسی در مقابله با دشمن ظالم و ستمکار و فتنه براانگیز .
و اوحینا الی موسی ان الق عصاک فاذا هی تلقف ما یأفکون (۱۱۷-۷)

وحی به موسی برای رفع تشنگی قوم و زدن عصا بر سنگ و جوشیدن دوازده چشمه.
.....و اوحینا الی موسی اذ استسقه قومه ان اضرب بعصاک الحجر فانبجست منه اثنتا عشرة عیناً (۷-۱۶۰)

وحی به موسی و هارون در ساختن خانه هائی در شهر که محل قبله قرار گیرند برای اقامه نماز و از این احیاء بشارت بهشت را به مؤمنین ده .
و او حینا الی موسی و اخیه ان تبوّا لقومکما بمصر بیوتاً و اجعلوا بیو تکم قبلة و اقیموا الصّلوة و بشّر المؤمنین.(۸۷-۱۰)(۱۳و۱۴-۲۰)

وحی به موسی در نجات قوم خود، راه در دریا را در پیش بگیر که نه از غرق شدن بترسند و نه از فرعون .و لقد اوحینا الی موسی ان اسر بعبادی فاضرب لهم طریقاً فی البحر ییساً لا تخاف درکاً و لا تخشی.(۷۷-۲۰)

وحی به موسی برای نجات قوم:شما مورد تعقیب هستید شبانه حرکت کن.
و اوحینا الی موسی ان اسر بعبادی انّکم متبّعون (۵۲-۲۶)

تبدیل دریا به کوه عظیم: وحی به موسی که عصا را به دریا بزن و.....
فاوحینا الی موسی ان اضرب بعصاک البحر فانفلق فکان کلّ فرقٍ کالطّود العظیم(۶۳-۲۶)

وحی به رسول گرامی اسلام حضرت محمد"صلی الله علیه و اله"

داستان کفالت مریم در اخبار غیبی برای حضرت رسول بصورت وحی.
ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم و ما کنت لدیهم اذ یختصمون(۴۴-۳)

ابلاغ رسالت و انذار مردم ونزول قرآن کریم با وحی.
.....و اوحی الیّ هذا القران لانذرکم به ومن بلغ.....(۱۹-۶)

چرا تفکر نمی کنید ؟ آیا کور و بینا مساوی هستند؟من فقط پیرو وحی هستم و وحی دستوراتی است که از طرف خدا می رسد.....
.ان اتبّع الاّ ما یوحی الیّ قل هل یستوی الاعمی و البصیر افلا تتفکرون(۵۰-۶)

وحی بر رسول، فقط توحید و خداپرستی واز مشرکین دوری کردن.
اتّبع ما اوحی الیک من ربّک لا اله الاّ هو و اعرض عن المشرکین(۱۰۶-۶)

آیات دیگر: (۲۰۳-۷)(۲-۱۰)(۱۵-۱۰)(۱۰۹-۱۰)(۱۲-۱۱) (۴۹-۱۱)(۳-۱۲)(۱۰۲-۱۲)
(۱۰۹-۱۲)(۴۳-۱۶)(۸۴-۱۷)(۲۷و ۱۱۰-۱۸)

ای رسول تعجیل نکن تا وحی تمام شود و دائماً بگو پروردگارا علم مرا زیاد کن.
..... ولا تعجل بالقران من قبل ان یقضی الیک وحیه و قل ربّ زدنی علماً(۱۱۴-۲۰)

ما بوسیله وحی انذار میکنیم تا مردم را انذار دهی فقط کرها نمی شنوند انذار تو را.
قل انِما انذرکم بالوحی و لا یسمع الصّم الدّعاء اذا ما ینذ رون(۴۵-۲۱)

وحی بر رسول برای تلاوت کتاب و اقامه نماز که نماز از کارهای زشت باز می دارد.
اُتلُ ما اوحی الیک من الکتاب و اقم الصلوة انّ الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر.....(۴۵-۲۹)
آیات دیگر : (۲-۳۳)(۵۰-۳۴)(۳۱-۳۵)(۶۹و۷۰-۳۸)

وحی به رسول، این است و جز این نیست ،بگو به مردم که من هم بشری مثل شما هستم . خدای شما یکی است و جزء او نیست پس تمام توجه خود را به او داشته باشید و طلب بخشش از او .
قل انّما انا بشرً مثلکم یوحی الیّ انّما الهکم اله واحدٌ فاستقیموا الیه و استغفروه....(۴۱-۶)

وحی خدا بر رسول بر اینکه قرآن را عربی فرستادیم تا مکه واطراف آن را انذار دهی و هم از سختی آخرت ...و کذلک اوحینا الیک قراناً عربیاً لتنذر امّ القراء و من حولها و تنذر یوم الجمع لا ریب فیه...(۷-۴۲)(۵۲-۴۲)

صراط مستقیم و راه ولایت نه سبیل های گوناگون و تو بر این صراط هستی پس بروحی در این طریق تمسک جوی.فاستمسک بالّذی اوحی الیک انّک علی صراط مستقیم(۴۳-۴۳)
(۹-۴۶)(۴و۵-۵۳)(۱۰و۱۱-۵۳)

قرآن وسخنان بشارت انگیز آن باعث تعجب جنیها شده است.
قل اوحی الیّ انّه استمع نفرٌ من الجن فقالوا انّا سمعنا قراناً عجباً(۱-۷۲)

وحی به ملائکه

پروردگار به ملائکه وحی فرستاد که من با شما هستم و ایمان آورندگان را ثابت قدم کنید و تقویت نمائید.
اذ یوحی ربُّک الی الملائکه انّی معکم فثبّتوا الّذین امنوا.....(۱۲-۸)

وحی به مادر موسی

زمانیکه ما بر مادر موسی وحی فرستادیم ،چنان وحی که باعث نجات موسی از چنگال فرعونیان شد.
اذ اوحینا الی امِّک ما یوحی(۳۸-۲۰)
او را در صندوق بیفکن و در دریا رها کن . دریا مأ مور است آنرا به ساحل بیفکند تا سرانجام دشمن من و دشمن او وی را برگیرد.
ان اقذ فیه فی التّابوت فاقذ فیه فی الیّم فلیلقه الیّمُ بالساحل یأخذه عدُّولی وعدوّ له....
(۳۹-۲۰)
وحی به مادر موسی که موسی را شیر بده.

و اوحینا الی اُم موسی ان ارضعیه.....(۷-۲۸)

وحی به حواریین

ما از آنها خواستیم که به من و پیامبر من (مسیح) ایمان بیاورند آنها دعوت ما را اجابت کردند و گفتند : ما ایمان آوردیم و گواه باش که ما مسلمانان هستیم و در برابر خدا تسلیم هستیم.
و اذ اوحیتُ الی الحّواریون ان امنوا بی و برسولی قالوا امنّا واشهد بانّنا مسلمون (۱۱۱-۵)

وحی به زنبور عسل (بصورت الهام غریزی)

خداوند به زنبور عسل وحی فرستاد که خانه هائی از کوهها و درختان و آنچه که مردم می سازند انتخاب کن.

وحی به زمین

در روز قیامت خداوند به زمین وحی می فرستد که تمام اخبارش را بازگو کند. خوبیها و بدیها و خیر و شر انسانها بر زمین ثبت وضبط است و همه برملا خواهد شد
یکی از شهود انسانی در روز قیامت همین زمین است که ناظر اعمال بشر است.
یو مئذٍ تُحَدّثُ اخبارها (۴-۹۹) بانّ ربّک اوحی لها (۵-۹۹)

وحی شیطانی (وسوسه)

وحی شیطانی جزء وسوسه چیزی نیست. .....و انّ الشّیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلوکم .... (۶-۱۲۱)

ما برای هر نبی شیاطینی از انس و جن قرار دادیم که برخی با برخی دیگر برای اغفال مؤمنان سخنان آراسته و فریبنده اظهار می داشتند و در این امر حکمتی است که اگر خدا می خواست انجام نمی داد.و
کذلک جعلنا لکلّ نبیّ عدّواً شیاطین الانس و الجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غروراً و لو شاء ربّک ما فعلوه فذرهم و ما یفترون (۱۱۲-۶)

وحی به زکریا و آموزش عبادت با ایماء واشاره

زکریا از محراب عبادت خارج شد و به سراغ مردم آمد و با اشاره به آنها چنین گفت: صبح و شام تسبیح پروردگار بگویید.
فخرج علی قومه من المحراب فاوحی الیهم ان سبّحوا بُکرةً و عشیاً (۱۱-۱۹)

حالات وحی

سخن خدا با نبی بصورت وحی و یا از پس حجاب یا بصورت دحلیه کلبی یعنی ارسال رسول.
وما کان لبشرٍان یکلّمه الله الاّ وحیاً او من وراء حجابٍاو یرسل رسولاً فیُوحی باذنه ما یشاء انّه علیٌ حکیمُ (۴۲-۵۱)

ارسال کتب آسمانی

قرآن را بر تو فرستادیم که تصدیق کننده کتبی است که بیش از قرآن برای هدایت بشر نازل شد.
نزّل علیک الکتاب بالحقّ مصّدقاً لما بین یدیه و انزل التّورات و الانجیل من قبل هدیً للنّاس و انزل الفرقان (۳-۳)
و خداوند به عیسی کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموخت.
و یعّلمهُ الکتاب و الحکمة و التوراة و الانجیل...(۴۸-۳)(۵۰-۳)

زبور را به داوود دادیم(۱۶۳-۴)
آیات دیگر: (۴۴و۴۶و۴۷و۱۱۰-۵)(۱۵۴-۶)(۱۱۰-۱۱)(۲-۱۷)(۱۳۳-۲۰)(۴۸-۲۱)(۱۹۶-۲۶)

(۲۳-۳۲)(۵۳-۴۰)(۴۵-۴۱)(۱۶و۱۷-۴۵)(۳۶و ۳۷-۵۳)(۲۶و۲۷-۵۷)(۱۸و۱۹-۸۷)

نزول قرآن بر محمّد صلی الله علیه وآله

لکنّ الله یشهد بما انزل الیک انزله بعلمه و الملائکة یشهدون و کفی بالله شهیداً(۱۶۶-۴)

واسطه نزول

روح القدس(۱۰۲-۱۶)روح الامین(۱۹۳و۱۹۴-۲۶)شدید القوی کسی که قدرت عظیمی دارد.(۵-۵۳)
آن کس که در افق اعلی قرار دارد.هو بالافق الاعلی(۷-۵۳)که نزدیک ونزدیک تر میشود
ثمّ دنا فتدلّی (۸-۵۳)تا آنکه فاصله او با پیامبر به اندازه دو کمان یا کمتر باشد.فکان قاب قوسین او ادنی(۹-۵۳)

کلمات الهی (صحف مکرمه) در الواحی پر ارزش است که سفیران الهی که والامقام و نیکوکار هستند نزول آنرا به عهده دارند.
بایدی سفرةٍ(۱۶-۸۰)کرام بررةٍ(۱۶-۸۰)

نزول اولیّه قرآن

ماه رمضان ماه نزول قرآن.
شهر رمضان الّذی أُنزلَ فیه القرآنُ هدیً للنّاس و بیّنات من الهدی و الفرقان....(۱۸۵-۲)

نزول قرآن در شبی پر برکت ، شبی که بر اساس حکمت الهی هر امری از امور تبین می شود.
انّا انزلناه فی لیلة مبارکة (۳-۴۴) فیها یفرقُ کلُّ امرٍ حکیمٍ(۵-۴۴)
نزول قرآن امری است از طرف ما بر رسول.من عندنا انّا کنّا مرسلینَ(۵-۴۴)

نزول قرآن در شب قدر که شب قدر از هزار شب بهتر ااست.انّا انزلناه فی لیلة القدر و ما ادرئک ما لیلة القدر لیلة القدر خیرُ من الفِ شهرٍ(۱الی ۳-۹۷)

نزول تدریجی قرآن

قرآن که آیات آن را از هم جدا کردیم تا با درنگ بر مردم بخوانی و آنرا بتدریج نازل کردیم .
و قراناً فرقناه لتقرأهُ علی النّاس علی مکثٍ و نزّلناه تنزیلاً (۱۰۶-۱۷)
کافران می گویند:چرا قرآن بر پیغمبر یکجا نازل نشد. و قال الّذین کفروا لو لا نزّل علیه القرآن جملة واحدةً کذلک لنثبّتَ به فؤادَکَ و رتّلناهُ ترتیلاً(۳۲-۲۵)

حفظ قرآن

حفظ قرآن بعد از نزول. انّا نحن نزلّناه الذّکر و انّا له لحافظون (۹-۱۵)
خداوند به پیامبر می فرماید: در خواندن قرآن پیش از تمام شدن وحی عجله مکن و بگو :پروردگارا علم مرا افزون کن. ..... و لا تعجل بالقرآن من قبل ان یُقضی الیک وحیُهُ و قُل ربِّ زدنی علماً (۲۰-۱۱۴)
با عجله زبانت را تکان نده . لا تحّرک به لسانک لتعجل به (۱۶-۷۵) بر ماست جمع و خواندن آن (۱۷-۷۵)هر گاه آنرا خواندیم از خواندن آن پیروی کن. فاذا قرَاناه فاتبع قرانه(۱۸-۷۵)
بیان و توضیح آن با ماست. ثمّ انّ علینا بیانه (۱۹-۷۵)
ما به زودی قرآن را بر تو می خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد. سنُقرئُک فلا تنسی(۶-۸۷)

ناسخ و منسوخ

هیچ حکمی را نسخ نکردیم مگر بهتر از آن یا همانند آن را جانشین می کنیم .
ما ننسخ من آیة اوننسها نات بخیرٍ منها او مثلها ألم تعلم انّ الله علی کلّ شیٍ قدیر(۱۰۶-۲)

محکم و متشابه

خداوند قرآن را بر تو نازل کرد . بخشی از آن آیات محکم که آن ام الکتاب است و بخشی از آن متشابه است که پیچیده است . آنانی که قلوبشان انحراف است متشابه را به رأی خود تفسیر کرده و از آن پیروی می کنند تا فتنه انگیزی کنند در حالیکه تأویل متشابه را جزء خداوند و راسخون در علم کسی نمی داند.
هو الّذی انزل علیک الکتاب منه ایاتٌ محکمات هنّ امُ الکتاب و اُ خر متشابهات فامّاالّذین فی قلوبهم زیغُ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه و ابتغاء تأویله و ما یعلم تأویله الاّ الله و الرّاسخون فی العلم یقولون امنّا به کلّ من عند ربّنا و ما یذّکرُ الاّ اولواالالباب(۷-۳)وآیه محکم(۱-۱۱)

خداوند بهترین سخن را نازل کرده است (احسن الحدیث در قرآن)که دارای آیات مشابه است که هیچ گونه تضادی در آن نیست و دارای آیاتی مکرر(تکرار اندرزها) که از شنیدن آن وجود انسان می لرزد و از پروردگارش می ترسد (در این مرحله او آماده پذیرش احکام الهی می شود) سپس تمام وجودش متوجه ذکر خدا می شود و کلام خدا را به نرمی می پذیرد .
الله نزّل احسن الحدیث کتاباً متشابهاً مثانی تقشعرُّ منه جلودُ الذیّن یخشون ربَّهم ثمَّ تلین جلودهم و قلوبُهم الی ذکرالله(۲۳-۳۹)

تفصیل و بیان قرآن و آیات

فقط خدا ست که کتاب را برای شما فرستاد که بیان کننده همه چیز است.
أفغیر الله ابتغی حکماً و هو الّذی انزل الیکم الکتاب مفصلاً....(۱۱۴-۶)
این کتاب هدایت و رحمت است. (۵۲-۷)

این کتاب تصدیق کتب پیشین است و شکی در آن نیست ووحی از طرف خداست نه غیر خدا.
و ما کان هذاالقرآن ان یفتری من دون الله و لکن تصدیق الّذی بین یدیه و تفصیل الکتاب لا ریب فیه من ربّ العالمین(۳۷-۱۰)و (۱-۱۱)و(۱۱۱-۱۲)

تفصیل قرآن وفهمیدن آن نیاز به علم دارد گر چه به زبان عربی است ولی برای مردمی است که علم داشته باشد،و اگر عربی نبود عربها ایمان نمی آوردند.
کتابٌ فصّلت اياته قرانه عربياً لقوم يعلمون(۳-۴۱)و (۴۴-۴۱)

را قرآن ثابت است و متغیر نیست . آیات بیان کننده حق است و هدایتگر مردم به راه مستقیم ، فقط انسانهای پند پذیر می توانند ثابت و پا بر جا در مسیر هدایت باشند.
و هذا صراط ربّک مستقیماً قد فصّلنا الایات لقوم یذّکّرون(۱۲۶-۲)
(۵۵-۶)و (و ۹۸و۹۷-۶)و (۱۲۶-۶)و(۳۲-۷)و (۱۷۴-۷)و(۱۱-۹)و (۵-۱۰)و (۲۴-۱۰)و (۲-۱۳)و(۲۸-۳۰)

تأویل

تأویل تفسیر نیست و تأویل را خدا و ائمه اطهار (ع) می دانند.
و ما یعلم تأویله الاّ الله و الرّاسخون فی العلم یقولون امنّا به کلُّمن عند ربنّا.....(۷-۳)
و آیات دیگر در این باب: (۵۹-۴)و (۵۳-۷)و (۳۹-۱۰)و (۱۰۱-۱۲)و (۷۸-۱۸)

اسامی قرآن

کتاب:ذالک الکتاب(۲-۲)
فرقان: ....و انزل التّورية و الانجيل من قبل هدیً للنّاس و انزل فرقان(۳-۳)
ذکر : انّا نحن نزّلنا الذّکر و انّا لحافظون(۹-۱۵)
تنزیل : و انّه لتنزیل ربِّ العالمین(۱۹۲-۲۶)
نباء : قل هو نبواُ عظیمُ (۶۷-۳۸)
هدی و موعظه : هذا بیانُ للنّاس و هدیً و موعظة للمتّقین(۱۳۸-۳)
رحمت: هدیً و رحمة و بشری للمسلمین (۸۹-۱۶)

نور : انزلنا الیکم نوراً مبیناً(۱۷۴-۴)

بشری : بشری للمسلمین (۸۹-۱۶)

حکمة : حکمة بالغه (۵-۵۴)

حکیم : یس و القرآن حکیم(۱و۲-۳۶)

مهّیمن : .....مصدقاً لما بین یدیه من الکتاب و مهیمناً علیه (۴۸-۵)

حبل : واعتصموا بحبل الله جمیعاً (۱۰۳-۳)

شفاء : و ماننزّل من القرآن ما هو شفاء و رحمةٌ للمؤمنین(۸۲-۱۷)

قرآن شفاء است برای درمان بیماریهای روحی از قبیل کفر – نادانی گمراهی-کینه...

صراط مستقیم : انّ هذا صراطی مستقیماً –همان قرآن ناطق ائمه (ع) است.

مثانی :الله نزّل احسن الحدیث کتاباً متشابهاً مثانی تقشعرُّ منه جلود....(۲۳-۳۹)

روح : و کذلک اوحینا الیک روحاً من امرنا (۵۲-۴۲)

مجید : ق و القرآن المجید(۱-۵۰)

عزیز : انّه لکتاب عزیز(۴۱-۴۱)

بلاغ : هذا بلاغ للنّاس و لینذروا به(۵۲-۱۴)

برهان : یا ایهاالنّاس قد جاءکم برهان من ربّکم (۱۷۴-۴)

کریم : انّه لقرآن کریم (۷۷-۵۶)

قیماً : قیماً لینذر باساً شدیداً من لدنه (۲-۱۸)

قول : انّه لقول فصل (۱۳-۶۵)

عظیم : عن النباء العظیم (۲-۷۸)

بیان : هذا بیانٌ للنّاس (۱۳۸-۳)

علم : ..... من بعد ما جاءک من العلم (۶۱-۳)

عروة الوثقی : فقد استمسک بالعروة الوثقی (۲۵۶-۲)

صدق : والذّی جاء بالصّدق و صدّق به (۳۳-۳۹)

امر : ذلک امر الله انزله الیکم (۵-۶۵)دستور خدا برای هدایت بنده

مناد : ربنّا انّنا سمعنا منادیاً ینادی للا یمان (۱۹۳-۳)ندا برای اجرای دستورات الهی

صحُف مکرّمه : فی صحف مکرمّه (۱۳-۸۰)

مرفوعة مطهرة : (۱۴-۸۰)
زبور : و لقد کتبنا فی الزبور (۱۰۵-۲۱)
کلام : ....حتی یسمع کلام الله.....(۳۶-۹)
مبین: حم و الکتاب المبیین (۱و۲ -۴۴)

تحدّی به قرآن

اگر بر آنچه نازل شده در شک هستید سوره ای مانند آنرا بیاورید و شاهدان و گواهان خود را دعوت کنید.
و ان کنتم فی ریب ممّا نزّلنا علی عبدنا فأتوا بسورةٍ من مثله و ادعوا شهداءکم من دون الله ان کنتم صادقین (۲۳-۲)

اگر انس و جن با هم جمع شوند هرگز نخواهند توانست که مانند قرآن را بیاورند نه می توانند و نه خواهند توانست هرچند یکدیگر را کمک کنند.
قل لئن اجتمعت الانس والجنّ علی ان یاتوا بمثل هذاالقران لا یاتون بمثله و لو کان بعضهم لبعضٍ ظهراً (۱۷-۸۸)

بخش بیست و دو

قیامت

ترس از قیامت، روزی که هیچ کس از دیگری دفاع نمی کند وشفاعتی پذیرفته نمی شود و غرامت و بدلی قبول نمی شود و کسی یاری داده نمی شود .
واتّقوا یوماً لا تجزی نفس عن نفس شیئاً و لا یقبل منها شفاعة و لا یؤ خذ منها عدلٌ و لا هم ینصرون (۴۸-۲)و (۱۲۳-۲)
بشارت به مؤمنین ،ملاقات خدا در روز قیامت(۲۲۳-۲)

قیامت و انفاق: از روزی خود انفاق کنید قبل از اینکه قیامت فرا رسد.
یا ایهاالذّین امنوا انفقوا ممّا رزقناکم من قبل ان یاتی یومٌ لابیعٌ فیه و لا خلّةٌ و لاشفاعة و الکافرون هم الظالمون(۲۵۴-۲)
انسانهای زیانکار بدانند روز قیامت روز جمع کردن همه مردم است.
....لیجمعنّکم الی یوم القیمة لا ریب فیه الذّین خسروا انفسهم فهم لا یؤمنون (۱۲-۶)
و ایات دیگر : (۱۵-۶)(۱۳۴-۶)
قیامت و برپائی عدالت و مشخص شدن مؤمن از کافر و انسانهای شقی وسعید وجزاء تکذیب کنندگان قیامت.
الیه مرجعکم جمیعاً .....(۴-۱۰)(۳-۱۱)(۱۰۳الی ۱۰۵-۱۱)(۳۱-۱۴)

خداوند می داند چه کسی را عذاب کند و چه کسی را رحم کند
ربُکم اعلم بکم ان یشاء یرحمکم او ان یشاء یعّذبکم و ما ارسلناک علیهم وکیلاً(۵۴-۱۷)

اختلاف احزاب وگروه ها و وای بر کسانی که از راه حق دور شدند در روز بزرگ قیامت.
(۳۷و ۳۸-۱۹)
امر خدا وغفلت کسانی که در دنیا ایمان نیاوردند و وای بر آنان در قیامت.
و انذرهم یوم الحسرة اذ قضی الامر و هم فی غفلة و هم لا یؤمنون (۳۹-۱۹)(۱-۲۲)(۲-۲۲)

قیامت و جدا سازی حق از باطل: بین ایمان آورندگان و دینهای دیگر ،در قیامت داوری خواهد شد.
انّ الذّین امنوا و الذین هادوا و الصائبین و النصاری و المجوس و الذّین اشرکوا انّ الله یفصل بینهم یوم القیمة انّ الله علی کلّ شیٍ شهیدٍ(۱۷-۲۲)(۵۵-۲۲)(۳۷و ۳۸-۲۴)

پیام رسول خدا : من برشما از عذاب روز قیامت که روز بزرگی است می ترسم .
انّی أخاف علیکم عذاب یوم عظیمٍ (۱۳۵-۲۶)
آیات دیگر : (۳۳-۳۱)(۲۵-۳۲)(۴۵-۳۵)(۱۸-۴۰)(۴۷-۴۲) (۲۷-۴۵)(۴۵-۵۰)(۴۹و ۵۰-۵۶)
(۸-۶۲)(۲۴-۷۲) (۱۷و۱۸-۷۳)(۸و۹ و۱۰-۷۴)(۳و۴-۷۵)(۷-۷۶)(۱۰و۲۷-۷۶)(۳۸و ۳۹-۷۸)

(۴ الی ۶-۸۳)(۸الی ۱۰-۸۶)

مؤمنان و ایمان آورندگان

در دنیا آزمایش و در آخرت بهره وری

بهشت از آن مؤمنان با عمل صالح است.

و بشّرالذّین امنوا و عمل الصالحات انّ لهم جنّات تجری من تحتها الانهار .....(۲-۲۵)

ایمان به خدا و حبّ خدا.

.....والذیّن امنوا اشدّ حبّاً لله.....(۲-۱۶۵)

ایمان و جهاد و مهاجرت در راه خدا و امید به رحمت او.

انّ الذّین امنوا و الذّین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله اولئک یرجون رحمت الله و الله غفور رحیم(۲-۲۱۸)

ایمان و انجام فرائض و واجبات. ایمان آورندگان نه حزنی دارند و نه خوفی زیرا نماز بر پا می دارند و زکات جان و مال خود را پرداخت می نمایند.

انّ الذّین امنوا و عملوالصالحات و اقاموالصلاة و اتوالزّکوة لهم اجرهم عند ربّهم و لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون(۲-۲۷۷)

مؤمنان صبور هستند.

ای ایمان آورندگان در برابر مشگلات صبر پیشه کنید ودر برابر دشمن استقامت کنید و از مرزها ی خود مراقبت کنید.رستگاری در پرهیزگاری شماست.

یا ایها الذّین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا الله لعلکم تفلحون(۳-۲۰۰)

مؤمنان و عدالت:

ای کسانی که ایمان آورده اید همواره برای خدا قیام کنید و به حق و باعدالت گواهی دهید و کینه ها و عداوتها ی قومی مانع اجرا عدالت شما نشود .
یا ایهاالذّین امنوا کونوا قوّامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنّکم شنان قوم علی الاّ تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتّقوی .....(۸-۵)

حزب خدا پیروز است . زیرا ولایت خدا و نبوت وامامت را قبول کردند.
و من یتّول الله و رسوله و الذّین امنوا فانّ حزب الله هم الغالبون(۵۶-۵)

مؤمنان و توکل :آنان با یاد خدا دلهایشان ترسان وایمانشان افزوده تر و همواره بر خدا توکّل دارند.
انما المؤمنون الذّین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم ایاته زادتهم ایماناً و علی ربّهم یتوّکلون (۲-۸)

علائم و نشانه های زنان و مردان با ایمان:

زنان و مردان با ایمان دوست و ولی یکدیگر هستند.
آنان مردم را به نیکی دعوت میکنند.
دیگران را از زشتیها باز می دارند.
نماز را بر پا می دارند.
زکات مال و جان خود را پرداخت می کنند.
مطیع پروردگار و پیامبر (ص) هستند.
پس بزودی مشمول رحمت الهی می گردند.
والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و یطیعون الله و رسوله اولئک سیرحمهم الله .....(۷۱-۹)

آنان که خداوند از آنها راضی است و هم آنها از خدا راضی هستند.
مهاجرین و انصار پیشگامان نخستین از نصرت دهندگان و یاری دهندگان و اولین کسانی که اسلام را یاری کردند حضرت خدیجه (س) و حضرت علی (ع)از رستگاران هستند.

والسابقون الاوّلون من المهاجرين و الانصار و الّذين اتّبعوهم باحسان رضى الله عنهم و رضوا عنه و اعدّ لهم جنّات تجرى تحتها الانهار خالدين فيها ابداً.....(۱۰۰-۹)

رستگاری برای زن و مرد مؤمن است.

آنان در نماز خاشع و در پرداخت زکات عامل، و در حیا وعفت صاحب عزّت ،و از فحشاء و کارهای منافی عفت دور ، در امانت و عهد خود مصمّم ، ودر نماز سهل انگار نیستند اوقات نماز را حفظ می کنند و از لغو و سخنان بیهوده پرهیز دارند. اینان وارثان بهشت برین هستند.

قد افلح المؤمنون الّذین هم فی صلاتهم خاشعون و الّذین هم عن اللّغو معرضون و الّذین هم للزّکوة فاعلون.....(۱الی ۱۱-۲۳)

ایمان آورندگان همواره در خشیّت الهی بسر می برند پس مراقب اعمال خود می باشند و به آیات الهی ایمان دارند.

انّ الّذین هم من خشّیة ربّهم مشفقون(۵۷و۵۸-۲۳)

صفات مؤمنان و بندگان خالص خدا:

آنان بندگان خالص خداوند هستند .

توأم با آرامش و بدون تکبر در زمین راه می روند.

اگر جاهلان آنان را مورد خطاب قرار دهند در پاسخ سلام می گویند.

و عباد الرّحمان الّذین یمشون علی الرض هوناً و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً(۶۳-۲۵)

بندگان خاص خدا کسانی هستند که شب را به سجده و قیام می گذرانند.

والّذین یبیتون لربّهم سجّداً و قیاماً(۶۴-۲۵)

دعای آنان دوری از عذاب جهنم است وهمواره از کیفر الهی هراسانند.

والّذین یقولون ربّنا اصرف عنّا عذاب جهنّم انّ عذابها کان غراماً(۶۵-۲۵)

آنان در هنگام انفاق نه اسراف می کنند و نه سخت گیری بلکه اعتدال شیوه آنان است.
و الذّین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً(۶۷-۲۵)

آنان مشرک نیستند و معبود شان خدای یکتاست و به نفوس انسانی احترام می گذارند ونفسی را به قتل نمی رسانند جزء به حق .زنا نمی کنند. اینان به عقوبت و مجازات الهی واقف اند.
والذّین لا یدعون الهاً آخر و لا یقتلون النفس الّتی حّرم الله الاّ بالحق و لا یزنون و من یفعل ذلک یلق اثاماً(۶۸-۲۵)

آنان شهادت به باطل نمی دهند . و هنگامیکه با لغو وکارها و سخنان بیهوده روبرو می شوند بزرگوارانه از آن می گذرند و خود را آلوده نمی کنند. (امر به معروف و نهی از منکر آنان توأم با بزرگواری است و خودشان هم آلوده به گناه نمی کنند.)
و الذّین لا یشهدون الزّور و اذا مرّوا باللّغو مرّوا کراماً(۷۲-۲۵)

بندگان خالص خدا همواره برای همسران و فرزندان خود دعا می کنند .
و الذّین یقولون ربّنا هب لنا من ازواجنا و ذریّاتنا قرّة اعین و اجعلنا للمتّقین اماماً(۷۴-۲۵)

پس ای مؤمنان بدانید بهشت مسکن و مأوای شماست
فانّ الجنّة هی المأوی (۴۱-۷۹)

آیات دیگر: (۲و ۴و۹و۱۰و ۲۶و۱۰۳-۱۰)(۱۱و ۲۳و۱۰۸-۱۱)(۱۸و۲۰الی۲۹-۱۳)(۲۳و۲۷و۳۱-۱۴)(۳۰ الی ۳۲-۱۶)(۹-۱۷)(۲و۳و۳۰و۳۱و۸۸و۱۰۷و۱۰۸-۱۸)
(۶۰ الی ۶۳-۱۹)(۷۵و۷۶-۲۰)(۹۴و۱۰۱الی ۱۰۴-۲۱)(۱۴و۲۳و۲۴و۵۰و۵۶-۲۲)
(۱۰و ۱۱و۵۷الی ۶۲-۲۳)(۳۷و۳۸و۵۱-۲۴)(۱۵و۷۵و۷۶و۱۶-۲۵)(۲و۳-۲۷)
(۶۷-۲۸)(۲و۳و۷و۹و۵۸-۲۹)(۱۵و۴۴و۴۵-۳۰)(۱۵الی ۱۹-۳۲)(۲۳و۲۴و۳۵-۳۳)
(۴۱الی ۴۴-۳۳)(۴و۳۷-۳۴)(۷و۳۲الی ۳۵-۳۵)(۱۱-۳۶)(۴۰ الی ۴۹-۳۷)
(۱۷و۱۸-۳۹)(۷الی ۹-۴۰)(۸و۱۸و۳۰و۳۱و۳۲-۴۱)(۲۲و۲۳-۴۳)(۶۸و۶۹و۷۰ الی ۷۳-۴۳)

(۴۶الی۷۷-۵۵)(۱۰الی ۹۱-۵۶)(۱۲و۱۹-۵۷)(۲۲-۵۸)(۱۰الی ۱۳-۶۱)(۲۲-۳۴-۷۰).....

بخش بیست و سه

منافقون

گروهی مسلمان نما ادعای ایمان دارند ولی اعتقاد به خدا و آخرت ندارند.
و من النّاس من یقول امنّا باللّه و بالیوم الاخرة و ما هم بمؤمنین(۸-۲)

فریبکار و نیرنگ باز هستند ولی نمی دانند که ضرر این خدعه برای خودشان است.
یخادعون اللّه و الّذین امنوا و مایخدعون الاّ انفسهم و ما یشعرون(۹-۲)

در دلهایشان مرض و بیماری خاص است.وخدا مرض آنها را می افزاید وعذابی دردناک بجهت تکذیبشان خواهند داشت.
فی قلوبهم مرضٌ فزادهم اللّه مرضاً و لهم عذابٌ الیمٌ بما کانوا یکذبون(۱۰-۲)

ادعای اصلاح طلبی : به آنها گفته می شود که در زمین فساد نکنید می گویند ما اصلاح طلب هستیم.
و اذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انّما نحن مصلحون(۱۱-۲)

منافقین مؤمنین را سفیه و خود را دانا و با ایمان می دانند. وقتی به آنها گفته می شود ایمان بیاورید می گویند:ایمان بیاوریم مانند سفیهان و نادانان،ولی نمی دانند که سفیه خودشان هستند.
و اذا قیل لهم امنوا کما امن النّاس قالوا أنومن کما امن السفهاء الا انّهم هم السفهاء و لکن لا یعلمون(۱۳و۱۲-۲)

منافقین دو رو هستند وقتی با مؤمنان باشند می گویند :ما با شما هستیم و از شما جدا نمی شویم و اگر با طاغوت و شیاطین خلوت کنند می گویند : ما با شمائیم و اگر با آنها هستیم جزء مسخره بازی چیز دیگری نیست.
و اذا لقواالّذین آمنوا قالوا امنّا و اذا خلوا الی شیاطینهم قالوا انّا معکم .....(۱۴-۲)

ولی نمی دانند که خدا آنان را مسخره می کند و در طغیان خود نگه می دارد .
الله یستهزء بهم و یمُدُّهم فی طغیانهم یعمهون(۱۵-۲)

آنان ضلالت وگمراهی را به هدایت ترجیح می دهند.
اولئک الّذین اشتروا الضلالة بالهدی.....(۱۶-۲)

آنان از شکست شما خشنود واز رضایت و خشنودی شما غمگین و ناراحت می شوند.در مصیبت شما ادعا می کنند که ما از قبل پیش بینی می کردیم.
ان تصبک حسنة تسؤهم و ان تصبک مصیبةٌ یقولوا قد اخذنا امرنا من قبل و یتولّوا و هم فرحون (۵۰-۹)
آنان کافر به خدا و رسولش هستند و انفاق آنها مقبول نیست.
.....ان تقبل منهم نفقاتهم الاّ انّهم کفروا بالله و برسوله....(۵۴-۹)

آنان نماز نمی گذارند مگر از روی کسالت و ناراحتی .....
و لایأتون الصلوة الاّ و هم کسالی.....(۵۴-۹)

انفاق نمی کنند مگر از روی کراهت و اجبار.
و لا ینفقون الاّ و هم کارهون(۵۴-۹)

منافقین پیامبر را آزار می دهند و می گویند او آدم خوش باوری است.
و منهم یؤذون النّبی و یقولون هو اذن.....(۶۱-۹)

منافقین برای ایجاد نفاق بین مؤمنین مسجد ضرار ساختند تا کفر را بین آنها ایجاد کنند. ولی وحی الهی به پیامبر او را متّوجه توطئه کرد و ایشان مسجد را به آتش کشاندند.
والّذین اتّخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً بین المؤمنین و ارصاداً لمن حارب الله و رسوله من قبل و لیحلفنّ ان اردنا الاّ الحسنی و الله یشهد انّهم لکاذبون(۱۰۷)

منافقین مغرور و جاه طلب هستند و خداوند هرگز فاسقین را نمی بخشد و برای آنها هر چقدر استغفار و طلب مغفرت کنی فایده ندارد.
سواء علیهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم لن یغفرالله لهم انّ الله لا یهدی القوم الفاسقین(۶-۶۳)

وظیفه پیامبر در برخورد با منافقین

ای پیامبر با کافران و منافقین جهاد کن و به آنها سخت بگیر که جایگاه آنها دوزخ است.
یا ایّهاالنّبی جاهد الکفّار و المنافقین و اغلظ علیهم و مأواهم جهنّم و بئس المصیر(۷۳-۹)

ای پیامبر بر منافقین نماز میّت نخوان و در کنار قبر آنها برای طلب مغفرت توقّف نکن چون کافر و فاسق از دنیا رفتند.
و لا تصلّ علی احد منهم مات ابداً و لا تقم علی قبره انّهم کفروا بالله و رسوله و ماتوا وهم فاسقون (۸۴-۹)
تقریبا حدود (۱۵۰)آیه در باره منا فقین است.

مشرکان(مروری در آیات قرآن)

مشرکان حریص ترین مردم برای ادامهٔ حیات در دنیا هستند. هر کدام از آنها دوست دارند که هزار سال عمر کنند ولی عمر طولانی آنها را از عذاب الهی دور نمی دارد.
و لتجّدنهم احرص النّاس علی حیوة و من الذّین اشرکوا ایودّ احدهم لو یعمّر الف سنة و ما هو بمزحزحه من العذاب ان یعمّر و الله بصیرٌ بما یعملون(۹۶-۲)

مشرکان قسمی از چهار پایان و زراعت را بر خود ممنوع می کردند بدلیل اینکه آنها را مخصوص بتها و سهم آنها می دانستند مگر آن قسمی که خود برخود حلال می کردند.و دیگر اینکه سوار شدن بر

چهارپایان را حرام کردند و هنگام ذبح اسم بت را می بردند نه اسم خدا،واین افتراء بر خدا بود که بزودی جزاء افتراء بستن خود را خواهند دید.

و قالوا هذه انعامٌ و حرثٌ حجرٌ لا یطعمها الاّ من نشاء بزعمهم و انعامٌ حُرّمت ظهورها و انعامٌ لا یذکرون اسم الله علیها افتراء علیه سیجزیهم بما کانوا یفترون(۱۳۸-۶)

طواف کعبه در دوران جاهلیّت:
در زمان جاهلیت طواف مشرکان عریان و برهنه با سوت کشیدن و کف زدن همراه بود و می فرمایند :بچشید عذاب شدید الهی را بخاطر کفرتان.
و ما کان صلاتهم عند البیت الاّ مُکاءً و تصدیّةً فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون(۳۵-۸)

اعلام برائت و بیزاری از مشرکان:
ورود مشرکان به خانهٔ خدا برهنه و عریان ممنوع شد و آنها حقّ شرکت در مراسم حج را نداشتند و عهد وپیمان آنها با خدا ورسول از هم گسیخته شد و ملغی شد.
براءةٌ من الله ورسوله الی الّذین عاهدتم من المشرکین(۱-۹)

مشرکان را هر کجا یافتید (اهل توطئه) به قتل برسانید در غیر از چهار ماه حرام آنها را اسیر کرده و در محاصره خود قرار دهید و راهها را بر آنان ببندید و اگر توبه کردند و نماز بر پا داشتند و زکات دادند آنها را رها سازید.
فاذا نسلخ الاشهر الحُرُمُ فاقتلوا المشرکین حیثُ وجدتموهم و خذوهم و احصروهم و اقعدوا لهم کلَّ مرصدٍ فان تابوا و اقاموا الصّلوة و اتوالزّکوة فخلّوا سبیلهم انّ الله غفورٌ رحیمٌ(۶-۹)

در خواست پناهندگی مشرکان:
اگر مشرکی از تو پناه خواست او را پناه بده تا کلام خدا را بشنود.
و ان احدٌ من المشرکین استجارک فأجره حتیّ یسمع کلام الله....(۶-۹)

مشرکان تجاوز کارند:
مشرکان در بارهٔ هیچ فرد مؤمنی ،هیچ عهد و پیمانی را ملاحظه نمی کنند.
لا یرقبون فی مؤمن الاّ و لا ذمةً و اولئک هم المعتدون(۱۰-۹)

مشرکان حق آباد کردن مساجد مسلمین را ندارند.
و ما کان للمشرکین ان یعمروا مساجدالله.....(۱۷-۹)

ای مؤمنان مشرکین نجس هستند پس نباید نزدیک مسجد الحرام شوند .
یا ایّها الّذین امنوا انمّا المشرکون نجسٌ فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا.....(۲۸-۹)

مشرکین معتقدند که فرشتکان دختران خدا هستند و می گویند :برای شما پسران.
ام له البنات و لکم البنون(۳۹-۵۲)

بخش بیست وچهار

صفات مشرکین و کافرین

مشرکان ایمان نمی آورند چه انذار کنی و چه انذار نکنی برای آنها یکسان است.
انّ الذیّن کفروا سواءُ علیهم ء أنذرتهم ام لم تنذرهم لا یؤمنون(۶-۲)

دلهای آنها و گوشهایشان مهر نهاده شده و پرده ای بر چشمان آنها ست که حقایق را نمی بیند.
ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوة و لهم عذابٌ عظیمٌ(۷-۲)

کور و کر وگنگ هستند و اینها هرگز از راه خود باز نمی گردند.
صمٌ بکمٌ عمیٌ فهم لا یرجعون(۱۸-۲)

حضرت داوود و عیسی بن مریم نبینا و آله (ع)کافران از بنی اسرائیل را لعن و نفرین می کردند زیرا از حدّ خود تجاوز کرده و نافرمانی پروردگار را داشتند.

لعن الّذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داوود و عیسی ابن مریم ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. (۵-۷۸)
آیات الهی را تکذیب می کردند. "آیات الهی را تکذیب نکنید"
و الّذین کذبّوا بایاتنا یمسّهم العذاب بما کانوا یفسقون(۴۹-۶)

اکثر کافرین و مشرکان نعمت خدا را می شناسند ولی بعد از شناخت انکار می کنند. (در عمل می مانند و کوتاهی می کنند)
یعرفون نعمت الله ثمّ ینکرونها و اکثرهم الکافرون(۸۳-۱۶)

اعراض از ذکر خدا و یاد خدا زندگی و معیشت انسان سخت میشود.و قیامت کور محشور می شود.
و من اعرض عن ذکری فانّ له معیشةً ضنکاً و نحشرهُ یوم القیمة اعمی (۱۲۴-۲۰)

ای مشرکان چه چیز شما را مخلد در جهنم کرد؟
مؤمنان بهشتی از اهل دوزخ سؤال می کنند چه چیز شما را در دوزخ وارد ساخت؟
مشرکان و مجرمان چهار گناه خود را بر می شمارند:
ما از نماز گزاران نبودیم (توحید را قبول نداشتند)
اطعام مسکین نمی کردیم.
همنشینی با اهل باطل داشتیم.
قیامت را قبول نداشتیم.
و خداوند در آخر می فرماید: شفاعت شامل این گروه نمی شود ودر عذاب الهی مخلد هستند.
فی جنّات یتسائلون(۴۰-۷۴)عن المجرمین (۴۱-۷۴)ما سلککم فی سقر(۴۲-۷۴)قالوا لم نک من المصّلین(۴۳-۷۴)و لم نک نطعم المسکین (۴۴-۷۴)و کنّا نخوضُ مع الخائضین (۴۵-۷۴)
و کنّا نکذّب بیوم الدّین (۴۶-۷۴)حتّی آتانا الیقین (۴۷-۷۴)فما تنفعهم شفاعة الشّافعین(۴۸-۷۴)

مشرکان گور خرانی هستند که از شیر می گریزند.
کانّهم حمرّ مستنفرةٌ(۵۰-۷۴)فرّت من قسورة(۵۱-۷۴)

سرنوشت کافران و مشرکین:

زنجیر و غلها و شعله ی آتش که برای عذاب آنها مهیّا شده است.

انّا اعتدنا للکافرین سلاسل و اغلالاً وسعیراً(۲۱-۷۸)

جهنم کمینگاه بزرگی برای آنهاست. انّ جهنم کانت مرصاداً(۲۱-۷۸)

جهنم جایگاهی است برای طغیانگران. وللطّاغین ماباً(۲۲-۷۸)

توقف در جهنم مدتّهای طولانی. لا بثین فیها احقاباً(۲۳-۷۸)

نوشیدنی گوارا وتسکین دهنده در آن وجود ندارد.

لا یذوقون فیها برداً و لاشراباً(۲۴-۷۸)

آبی سوزان و مایعی از چرک و خون.

الاّ حمیماً و غساقاً.(۲۵-۷۸

مجازات و جزاء اعمال موافق حالشان است.

جزاءً و فاقاً(۲۶-۷۸)

آیات مشرکین و کافران در قرآن بیش از آنچه است که در اینجا گفته شده است.

بخش بیست وپنج

برزخ

تقاضای باز گشت: وقتی مرگ کافران و منافقان فرا میرسد .آنان فریاد بر می آورند که"ای پروردگار ما را برگردان"

حتیّ اذا جاء احدهم و الموت قال رب ارجعون(۹۹-۲۳)

تا قیامت در برزخ خواهند بود و ادعا دارند که شاید جبران ما فات را بکنیم.

لعلّی اعمل صالحاً فیما ترکت کلاّ انّها کلمةٌ هو قائلها و من ورائهم برزخٌ الی یوم یبعثون(۹۹-۲۳)

قیامت و اسماء آن

اسماء قیامت غالباً با یوم شروع شده است و بیش از یک سوم قرآن در بیان قیامت است.
یوم الدین(۴-۱)الاخرة (۴-۲)یوم القیامة (۸۵- ۲) الدار الاخرة (۹۴-۲)الیوم الاخرة (۷۷-۲)
الساعة(۳۱-۶) یوم الحسرة(۳۹-۱۹)یوم البعث(۵۶-۳۰)یوم الفصل(۲۱-۳۷)یوم ا لتلاق(۱۵-۴۰)
یوم الازفة(۱۸-۴۰)یوم الحساب(۲۷-۴۰)یوم التناد(۳۲-۴۰)یوم الجمع(۷-۴۲) یوم الوعید(۲۰-۵۰)
یوم الخلود (۳۴-۵۰) یوم الخروج(۴۲-۵۰) الواقعه(۱-۵۶) التغابن(۹-۶۴) الحاقه (۱و۲و۳-۶۹)
القارعة (۴-۶۹) الطامة الکبری (۳۴-۷۹) الصّاخة (۳۳-۸۰) الغاشیة (۱-۸۸)

نفخه فی الصّور –الصیحه

دو یا سه بار نفخه فی الصّور ۱- در پایان دنیا ۲- با نفخه همه می میرند ۳- برپائی قیامت و زنده شدن مردگان
اوست مالک و هر وقت او اراده کند قیامت بر پا میشود.
و هو الّذی خلق السّموات و الارض بالحق و یوم یقول کن فیکون قوله الحق و له الملک یوم ینفخ فی الصبور .....(۷۳-۶)

دمیدن در صور وبر پائی قیامت و جمع شدن انسانها:
و ترکنا بعضهم یومئذٍ یموج فی بعض و نفخ فی الصّور فجمعناهم جمعاً (۹۹-۱۸)

نفخه فی الصّور و جمع شدن گناهکاران در حالی که بدنشان کبود و تیره است.
یوم ینفخ فی الصّور و نحشر المجرمین یومئذٍ زرقاً(۱۰۲-۲۰)

نفخه فی الصّور روزی که نه خویشاوندی بدرد می خورد و نه کمک دیگران
فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم یومئذٍ و لا یتسائلون(۱۰۱-۲۳)

نفخه اوّل در پایان جهان است که هر چه و هرکس در آسمان و زمین است در وحشت فرو می رود مگر کسانی که خدا بخواهد و آنها در پیشگاه پروردگار حاضر می شوند.
و یوم ینفخ فی الصّور ففزع من فی السّموات و من فی الارض الاّ من شاء الله و کلّ اتوه داخرین (۸۷-۲۷)

زمانیکه نفخه بر پا شود هر کس که مشغول کاری است گرفتار می شود اگر چه که درجنگ و درگیری باشند.
ما ینظرون الاّ صیحةٌ واحدة تأخذهم و هم یخصّمون (۴۹-۳۶)

آنچنان سرعت دارد که مردم قادر نیستند خود را جمع کنند و یا وصیت کنند ویا مراجعت به سوی خانواده کنند.
و نفخ فی الصّور فاذاهم من الاجداث الی ربّهم ینسلون (۵۱-۳۶)(۵۳-۳۶)(۶۸-۳۹)(۲۰-۵۰)(۴۲-۵۰)(۱۳-۶۹)(۸و۹-۷۴)
ونفخه فی الصّور و گروه گروه آمدن مردم.
یوم ینفخ فی الصّور فتاتون افواجاً (۱۸-۷۹)

در آن روز زلزله های وحشتناک همه چیز را به لرزه در می آورد.(نفخه اوّل) و بدنبال آن حادثه بر پائی محشر (نفخه دوم)
یوم ترجف الرّاجفة (۶-۷۹) تتبعها الرّادفة (۷-۷۹)

حشر

حشر جمع شدن و گرد آمدن مردم . ای مردم تقوی پیشه کنید و بدانید که شما بسوی او محشور می شوید.
.....واتقوالله واعلموا انّکم الیه تحشرون(۲۰۳-۲)

چه مرگ طبیعی و چه کشته شدن بسوی او محشور می شوید(باز گشتن)

و لئن متّم او قتلتم لالی الله تحشرون(۱۵۸-۳)

چه شمائی که استکبار ورزیدید از عبادت خدا و او را اطاعت و بندگی نکردید.
.....و من یستنکف عن عبادته و یستکثر فسیحشرهم الیه جمیعاً(۱۷۲-۴)

روز قیامت روزی است که به تمام مشرکین گفته می شود : کجاست معبودهای ساختگی که می پرستید؟
و یوم نحشرهم جمیعاً ثمّ تقول للذّین اشرکوا این شرکاءکم الذّین کنتم تزعمون(۲۲-۶)

روز قیامت روز جمع شدن مردم و تمام موجودات زنده است هیچ یک از موجودات چه در زمین و چه در آسمان نیستند مگر همه امتی مثل شما. ما در این کتاب از هیچ چیز کوتاهی نکردیم پس بدانید که تمام شما روز رستاخیز جمع خواهید شد و همه مسئول اعمال خود خواهند بود.
و ما من دابة فی الارض و لا طائر یطیر بجناحیه الاّ امم امثالکم ما فرطّنا فی الکتاب من شیٍ ثمّ الی ربّهم یحشرون(۳۸-۶)(۷۲-۶)(۱۲۸-۶)

بدانید که خدا بین شخص و قلبش است(از نیت های شما خداوند خبر داردپس مرقب خود باشید)که بزودی به سوی او بر می گردید.
.....واعلموا انّ الله یحول بین المرء و قلبه و انّه الیه تحشرون(۲۴-۸)
(۲۸-۱۰)(۴۵-۱۰)(۲۵-۱۵)(۹۷-۱۷)(۴۷-۱۸)

قسم بخدا که ما روز قیامت شما وشیاطین وسوسه گر را جمع می کنیم در حالیکه در اطراف جهنم بزانو در آمده اند.
فو ربکّ لنحشرنّهم و الشّیاطین ثمّ لنحضرنهم حول جهنّم جثیاً(۶۸-۱۹)

پرهیزگاران روز محشر به سوی خداوند رحمان محشور می شوند.
یوم نحشرالمتقیّن الی الرّحمن وفداً(۸۵-۱۹)

کسانی که از یاد پروردگار اعراض کنند زندگانی آنها سخت می شود و در روز قیامت کور محشور می شوند.
و من اعرض عن ذکری فانّ له معیشةً ضنکاً و نحشره یوم القیمة اعمی(۱۲۴-۲۰)

کوران سئوال می کنند ما که در دنیا کور نبودیم چرا حال کور شده ایم.
قال ربّ لم حشرتنی اعمی و قد کنت بصیراً(۱۲۵-۲۰)

خداوند پاسخ می دهد: تو آیاتی را که بسوی تو آمد فراموش کردی و اکنون وقت فراموشی توست.
قال کذلک اتتک ایاتنا فنسیتها و کذلک الیوم تنسی (۱۲۶-۲۰)-(۱۷-۲۵)-(۸۳-۲۷)-(۴۰-۳۴)
(۲۲و۲۳و۲۴-۳۷)(۴۴-۵۰)(۲۴-۶۷)

حال مردم در روز قیامت

روز قیامت روزی است که مال و فرزند منفعت نمی رساند.
یوم لاینفع مالٌ و لا بنون (۸۸-۲۶)

روز قیامت روزی است که عذرخواهی ظالمین چاره ساز نیست و منفعت ندارد و توبهٔ آنها پذیرفته نمی شود . فیومئذ لاینفع الذیّن ظلموا معذرتهم و لا هم یستعتبون(۵۷-۳۰)
روز قیامت روز آگاهی از اعمال پیش فرستاده است.
ینبؤا الانسان یومئذٍ بما قدّم و اخرّ(۱۳-۷۵)

روز قیامت روزی است که کسی قادر به دفاع و سخن گفتن نیست. و اجازه عذر خواهی داده نمی شود.
هذا یوم لا ینطقون (۳۵-۷۷)و لا یؤذن لهم فیعتذرون (۳۶-۷۷)

روز قیامت روزی است که انسان از برادر خود و مادر و پدرش و همسرش و فرزندانش می گریزد و هر کس وضعی دارد در شأن خود که به آن مشغول است.
یوم یفّرالمرء من اخیه (۳۴-۸۰)و امّه و ابیه (۳۵-۸۰)و صاحبته و بنیه (۳۷-۸۰) لکلّ امریٍ منهم یومئذٍ شان یغنیه (۳۷-۸۰)
(۱۵و۱۶و۱۷-۸۳)(۲۲الی۲۶و۳۴الی ۳۶-۸۳)

روز قیامت و تقسیم شدن خلق

روز قیامت مردم به سه گروه تقسیم می شوند: اصحاب سعادتمندو اصحاب شقی و پیشگامان.
کنتم ازواجاً ثلثه(۷-۵۶) فاصحاب المیمنة ما اصحاب المیمنة(۸-۵۶) فاصحا ب المشئمه ما اصحاب المشئمه(۹-۵۶) والسّابقون السّابقون(۱۰-۵۶)و ادامه سوره واقعه.....

روز قیامت وروز حساب و جزاء

خداوند در روز قیامت بین آنچه که اختلاف کرده اید قضاوت می کند و حکم صادر می کند.
..... فلله یحکم بینهم یوم القیمة فیما کانوا فیه یختلفون (۱۱۳-۲)

روز قیامت روزی است که هر کس نتیجه اعمال خود را می بیند اگر کار خیر و نیک انجام داده آنرا در نزد خود حاضر می بیند و نیز هر چه از کار بد انجام داده است .

یوم تجد کلّ نفس ما عملت من خیرٍ محضراً و ما عملت من سوءٍ تودّ لو انّ بینها امداً بعیداً و یحذّرکم الله نفسه والله رؤفٌ بالعباد (۳۰-۳)

روز قیامت روز سفیدی وسیاهی روی هاست. و سیاهی برای کسانی است که بعد از ایمان راه کفر را می پیمایند و عذاب را به سبب کفرشان باید بخشید.

یوم تبیضّ وجوه و تسوّد وجوه فامالذّین اسودت وجوهم أکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون(۱۰۶-۳)

بهشت

باغهائی با جریان آبهای دائمی:
جنّات تجری من تحتها الانهار.....(۲۵-۲)

میوه ها از نظر خوبی و زیبائی همانند ند و یکی بر دیگری ترجیح ندارد....اوتوا به متشابهاً
همسران بهشتی پاک و مطّهر هستند.....لهم فیها ازواجٌ مطهّرهٌ.....(۲۵-۲)

وسعت بهشت به پهنهٔ آسمانها و زمین است.....و جنةٌ عرضها السّموات و الارض....(۱۳۳-۳)

وسعت باغهای بهشت با میوه های دائمی و همیشگی با سایه های همیشگی ومخلد بودن پرهیزگاران در بهشت. .....تجری من تحتها الانهار اُ کلها دائمٌ و ظلُّها تلک عقبی الذیّن اتقّوا..... (۳۵-۱۳)

سلامتی از هر گونه ناراحتی جسمی و روحی و تحیّت پرهیزگاران در آنجا ، بصورت سلام است.
.....تحیّتهم فیها سلامٌ (۲۳-۱۴)

هرگز خستگی و تعب به آنها نمی رسد و آنها هرگز از این باغها خارج نمی شوند . لا یمسّهم فیها نصبٌ و ما هم منها بمخرجین(۴۸-۱۵)

لباسهای بهشتیان از حریر و دستبد هایشان از طلا و مروارید.
.....یحلّون فیها من اساور من ذهب و لُولُواً و لباسهم فیها حریرٌ(۲۳-۲۲)

شراب بهشتی گوارا و لذّت بخش و نشاط آور است و خالی از هر گونه فساد و گناه و بیهودگی است.

پرهیزگاران اهل بهشت جامهای شراب طهور را از یکدیگر می گیرند.
یتنازعون فیها کاساً لا لغوٌ و لا تأثیمٌ (۲۳-۵۲)

بهشت جایگاه لغو و دروغ نیست بلکه جایگاه درود و تحیّت و سلام است.
لا یسمعون فیها لغواً و لا کذاباً (۳۵-۷۸)

چهره ها در آن روز شاداب و با طراوت هستند. این چهره ها از سعی و تلاش خود خشنودند .سخن لغو و بیهوده در آن نیست. وجوهٌ یومئذٍ ناعمةٌ – لسعیها را ضیةٌ- لا تسمعُ فیها لاغیة(۸ الی ۱۱-۸۸)

در آن چشمه ای جاری است . تختهای زیبای بلندی در آن است. در آن بالشها و پشتیهای به صف در آمده است،و فرشهای فاخر گسترده زینت گر آن است.(۱۲ الی ۱۶-۸۸)
آیات بهشتی در قرآن فراوان است" رجوع به المعجم المفهرس"

اسامی بهشت

جنّات النعیم(۶۵-۵)
دارالسلام(۱۲۷-۶)
جنّات عدن(۷۲-۹)
دارالمتقّین(۳۰-۱۶)
جنات الفردوس(۱۰۷-۱۸)

جنة الخلد (۱۵-۲۵)
جنّات المأوی (۱۹-۳۲)
دارالمقامة (۳۵-۳۵)
المقام الامین(۵۱-۴۴)
" این الفاظ در قرآن تکرار دارد رجوع به المعجم المفهرس "

النّار- جهنم

جهنم بد جایگاهی برای کافران است.....و تحشرون الی جهنّم و بئس المهاد(۱۲-۳)
تکذیب کنندگان آیات الهی را بزودی در آتش وارد می کنیم. پوستهای تن آنها بریان می شود وبعد پوستهای دیگر جای آن قرار می دهیم تا عذاب را بچشند.
انّ الّذین کفروا بایاتنا سوف نصلیهم ناراً کلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غیرها لیذوقوا العذاب.. (۴-۵۶)
کیفر زراندوزان و بخیلان: روزی فرا می رسد که سکّه ها در آتش سوزان دوزخ داغ و گداخته شده و پیشانی و پهلو و پشتشان را با آن داغ می کنند.
یوم یحمی علیها فی نار جهنّم فتکوی بها جباههم و جنوبهم و ظهورهم هذا ماکنزتم لأنفسکم....(۳۵-۹)

هیزم جهنّم: شما و آنچه از غیر خدا می پرستیدید آتشگیره های جهنّم هستند.
انّکم و ما تعبدون من دون الله حصبُ جهنّم انتم لها واردون (۹۸- ۲۱)

جهنمیان در برابر معبودها یشان در جهنّم فریاد می زنند و ناله های دردناک دارند و آنها در جهنم چیزی نمی شود.لهم فیها زفیرٌ و هم فیها لا یسمعون (۱۰۰-۲۱)

جزای کافران لباسهائی از آتش و مایع سوزان و جوشان دوزخ که بر سر آنها ریخته می شود .
فالّذین کفروا قطعت لهم ثیابٌ من نارٍ یصّب من فوقها رؤسهم الحمیم (۱۹-۲۲)

هم درونشان ذوب می شود و هم بیرون آنها. یصهرُ به ما فی بطونهم و الجلود(۲۰-۲۲)

گرزهایی از آهن سوزان ....و لهم مقامع من حدید(۲۱-۲۲)

مجرمان از گیاه زقوم می خورند .....ام شجرة الزّقوم (۶۲-۳۷)

گیاهی است در قعر جهنّم . انّها شجرةٌ تخرجُ فی اصل الجحیم(۳۷-۶۴)

شکوفهای آن سرهای شیاطین است. طلعها کانّه رؤس الشّیاطین (۳۷-۶۵)
مجرمان از آن می خورند و شکم خود را پر می کنند. فانّهم لاکلون منها فمالئون منها البطون (۳۷-۶۶)
برای رفع تشنگی از آن آب داغ متعفن می نوشند.ثمّ انّ لهم علیها لشوباً من حمیم. (۳۷-۶۷)

جهنم کمینگاهی بزرگ است. انّ جهنّم کانت مرصاداً (۷۸-۲۱)
محلّ بازگشتی برای طغیانگران. للطّاغین ماباً(۷۸-۲۳)
مدّت طولانی در آن می مانند. لابثین فیها احقاباً(۷۸-۲۳)
نوشیدنی گوارا ندارند و مایع از چرک و خون دارد. لایذوقون فیها برداً و لا شراباً (۷۸-۲۴)
الاّ حمیماً و غساقاً(۷۸-۲۵)

غذای آنها خار خشک تلخ و بدبو است.لیس لهم طعامٌ الاّ من ضریعٍ (۸۸-۶)
غذایی که آنها را فربه نمی کند و از گرسنگی نمی رهاند.لا یسمن و لا یغنی من جوع(۸۸-۷)

اسامی جهنّم

النّار (۲-۲۴)
جحیم(۲-۱۱۹)
جهنم(۲-۲۰۶)
سعیر(۴-۱۰)
لظی(۷۰-۱۵)
سقر(۵۴-۴۸)
الهاویه (۱۰۱-۸)
الاخرة(۳۹-۹)

بئس القرار(۲۹-۱۴)
بئس المهاد (۲۰۶- ۲)
بئس الورد المورود (۹۸-۱۱)
بئس المصیر (۱۲۶-۲)
الحافره(۱۰-۷۹)
دارالبوار(۲۸-۱۴)
دارالخلد(۲۸-۴۱)
دارالفاسقین(۱۴۵-۷)
الساهره(۱۳ الی ۱۴-۷۹)
سعیر (۱۰- ۴)
السّموم (۲۷-۵۲)
سوءالدار(۲۵-۱۳)
السّوای(۱۰-۳۰)
لظی (۱۵-۷۰)

بخش بیست وشش

ارکان اسلام

رکن اوّل - شهادتین

خدا را گواه می گیریم که همانا او یکی است و جز او نیست.شهدالله انّه لا اله الاّ هو....(۱۸-۳)
فاعلم انّه لا اله الاّالله (۱۹-۴۷)
رسول خدا رسول هدایت و بیان دین حق است تا اینکه آنچه در آن است برای مردم بیان کند وخدا در این امر شاهد است.
هو الّذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحقّ لیظهره علی الدین کلّه و کفی بالله شهیداً(۲۸-۴۸)
محمّد رسول خداست.....(۲۹-۴۸)

رکن دوّم – طهارت

دوری از نجاسات و حدثها

بر طرف کننده نجاسات-آب

بر شما از آسمان آب فرو فرستادیم تا بوسیله آن خود را تطهیر کنید.

.....و ینزّل علیکم من السّماء ماءً لیُطهرِّ به.....(۱۱-۸)

اگر آب طاهر و پاک نیافتید با خاک پاک تیمو کنید.....فلم تجدوا ماءً فتیمّموا صعیداً طیباً(۶-۵)

خدا توبه کنندگان و انسانهای پاک ومطهر را دوست دارد.....انّ الله یحبُّ التّوابین و یحبّ المتطّهرین (۲۲۲-۲)وثیابک فطّهر (۴-۷۴)

نجاسات

حیوانات حرام گوشت: مردار و خونی که از بدن حیوانات بیرون می ریزد و یا گوشت خوک همه رجس و ناپاک حرام است، ویا هنگام ذبح نام غیر خدا بر آنها برده شده باشد.

قل لا اجدُ فی ما اوحی الیّ محّرماً علی طاعم یطعمه الاّ ان یکون میتة او دماً مسفوحاً او لحم خنزیر فانّهُ رجسٌ او فسقاً اُهلَّ لغیر الله به.....(۱۴۵-۶)

ختنه

روش ابراهیم حنیف را پیروی کنید تا از مشرکان نباشید. (۱۲۳-۱۶)

شراب و قمار و دیگر چیزهای حرام

شراب وقمار و بتها و بلیط های بخت آزمائی پلید و رجس است ، و از عمل شیطان است. از آنها دوری کنید تا رستگار شوید.

یا ایُها الّذین امنوا انّما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجسٌ من عمل الشّطان فاجتنبوه لعلّکم تفلحون(۹۰-۵)

حیض

حیض زیان آور است. پس از زنان در این حالت کناره گیری کنید و آمیزش نکنید تا پاک شوند.
و یسئلونک عن المحیض قل هو اذیً فاعتزلوا النسء فی المحض و لا تقربوهنّ حتیّ یطهرن... (۲-۲۲۲)

بول و غائط

اگر یکی از شما را غائط (قضاء حاجت) آمد.
.....او جاء احدٌ منکم من الغائط.....(۴-۴۳)

انجام واجبات

وضو

زمانیکه مؤمنین نماز را بر پا می دارند صورت خود را بشویند و دستها را تا آرنج بشویند، و قسمتی از سر خود و پا را (تا برآمدگی) مسح کنند.
یا ایّها الّذین امنوا اذا قمتم الی الصّلوة فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق وامسحوا برُؤسکم و ارجلکم الی الکعبین.....(۶-۵)

غسل

از زنان در حال حیض کناره بگیرید و به آنها نزدیک نشوید تا پاک شوند.
.....فاعتزلواالنساءَ فی المحض و لا تقربوهنّ حتیّ یطهرن....(۲-۲۲۳)

جنب نماز ندارد تا غسل کند. و درسفر زمانیکه جنب هستید و آب نیافتید تا غسل کنید تیمو کنید.
.....و لا جنباً الاّ عابری سبیلٍ حتیّ تغتسلوا.....(۴-۴۳)

اگر جنب هستید غسل کنید.....وان کنتم جنباً فاطّهّروا ....(۶-۵)

اذان

هنگامی که اذان گفته می شود آن را به استهزا و بازی نگیرید(به نماز اوّل وقت اهمّیت دهید)
و اذا ناديتم الی الصّلوة اتّخذوُا هزواً و لعباً.....(۵۸-۵)

چه کسی خوش گفتار تر است از آن کس که دعوت به سوی خدا می کند.(اذان گو)
و من احسنُ قولاً ممّن دعا الی الله.....(۳۳-۴۱)

قبله

رو به سوی قبله (آیه تحویل قبله):
ما نگاههای انتظار آمیز تو را بسوی آسمان می بینیم پس تو را به سوی قبله ای که از آن راضی خواهی بود برمی گردانیم،پس هر کجا هستید رویت را به سمت مسجد الحرام برگردان .
قد نری تقّلبُّ وجهک فی السّماء فلنُوَلینّک قبلة ترضها فولّ وجهک شطرالمسجد الحرام و حیثُ ما کنتم فولّوا وجوهکم شطره.....(۱۴۴-۲)

مشرق و مغرب از آن خداست هر کجا روی خود را بر گردانید پس آنجا خداست.
اشاره به انجام مستحبات در سفر است.
و لله المشرق و المغربُ فاینما تُوَلُّوا فثَّم وجه الله.....(۱۱۵-۲)

انجام فرائض پنجگانه و اوقات آن (نماز)

وقتی حالت خوف از شما زائل گشت نماز را بر پا دارید همانا نماز بر مؤمنین دارای وقت ثابتی است.....فاذا اطماننتم فاقیموا الصّلوةَ انّ الصّلوة کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً (۱۰۳-۴)

اوقات نماز را محفوظ دارید و تأکید بر حفظ نماز وسطی (ظهر) با خضوع و خشوع برای خدا به پا خیزید. حافظوا علی الصّلوات و الصّلوة الوسطی و قوموا لله قانتین(۲۳۸-۲)

بر نمازهایتان مراقبت داشته باشید. .....وهم علی صلاتهم یحافظون (۹۲-۶)
نماز گزاران کسانی هستند که نمازهایشان استمرار دارد.الّذین هم علی صلاتهم دائمون(۲۳-۷۰)

نماز اولّ وقت

پیشی جوئید در خیرات و نیکیها بر یکدیگر ،هر کجا که باشید. (نماز اوّل وقت)
.....فاستبقوا الخیرات این ما تکونوا یأت بکمُ الله جمیعاً.....(۱۴۸-۲)
افراد با ایمان در خیرات ونیکی برای خود (نماز اوّل وقت) پیشی می گیرند.
.....و یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین.(۱۱۴-۳)

فضیلت متقدمین در صف نماز وجهاد

نماز برای رسیدن به آمرزش الهی است پس بر یکدیگر سبقت بگیرید، تا بهشتی که پهنای آسمانها و زمین را دارد جایگاه شما بعد از توبه قرار گیرد که این بهشت برای متّقین و پرهیزکاران آماده شده است. و سارعوا الی مغفرة من ربّکم و جنةٌ عرضها السّمواتُ و الارضُ أُعدّت للمتّقین(۱۳۳-۳)

کلمهٔ مستقدمین پیشگامان هستند یا در کارهای خیر و یا در جهاد و یا در نماز جماعت و مستأخرین شامل متأخرین در زمان می شود. و لقد علمنا المستقدمین منکم و لقد علمنا المستاخرین(۲۴-۱۵)

قیام در نماز و نهی از کلام بیجا در نماز

قیام در نماز با خضوع و خشوع بدون کلام بجا همراه باشد تا بخاطر خداوند قیام کرده باشید و این عمل مطیعانه باشد. .....و قوموا لله قانتین(۲۳۸-۲)

التفات و توجه در نماز

خداوند را خلصانه عبادت کنید . وقتی نماز را بر پا می دارید و در جایگاه عبادت قرار می گیرید رو به سمت قبله ، محل سجده گاه خود را به عبادت تنها معبود اختصاص دهید نه غیر او ، و بیاد داشته باشید که آغاز خلقت شما در دو گروه کافر و مؤمن بود و به همان صورت که متولّد شدید بهمان صورت بسوی او بر می گردید.

.....و اقیموا وجوهکم عند کلّ مسجدٍ وادعوا مُخلصین له الّدین کما بدأکم تعودون (۲۹-۷)

تکبیرةالاحرام و تکبیرات در نماز

پس خداوند خود را بزرگ بدان هم در اعتقاد و هم در عمل و هم در سخن با او ، با صفات ثبوتیه و اوصاف جمال و منزه از هر گونه عیب و نقص او را یاد کن . منظور از" فکبّر" یاد خداوند بلند مرتبه است با گفتن "الله اکبر" در نماز. و ربّک فکبّر (۳-۷۴)

قرائت

نماز را با سوره حمد شروع کنید که قسمت اول آن توحید و صفات الهی است و قسمت دوم آن دعا بنده استدر حق خودش.

بسم الله الرّحمن الّرحیم الحمدلله ربّ العالمین .....(۱-۱)

زمانیکه قرآن تلاوت می شود ، گوش دهید و ساکت شوید تا مشمول رحمت خدا قرار گیرید .

و اذا قُری القران فاستمعوا له و انصتوا لعلّکم ترحمون (۲۰۴۷)

فاذا قرات القرآن فاستعذ بالله من الشّیطان الرّجیم (۹۸-۱۶)

صدایت را در نماز بلند مکن و زیاد هم آهسته نخوان و راه اعتدال را در پیش بگیرید .

..... و لا تجهر بصلاتک و لا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلاً (۱۱۰-۱۷)
قرآن را با دقّت و تدبّر بخوان (رعایت نکات تجویدی و اداء حروف از مخارج و توجه به معنای آیات در نماز).....و رتل القرآن ترتیلاً(۴-۷۳)

خواندن قرآن به مقداری که میسور است. شاید کسانی بعلت بیماری و گرفتاری و جهاد نتوانند قرآن بخوانند ولی آن مقدار که خوانده می شود باید با صفای دل و خشوع قلب و نشاط روح همراه باشد.
.....فاقرؤا ما تیسّر من القرآن .....فاقرؤا ما تیسّر منه.....(۲۰-۷۳)

رکوع وسجود

ای کسانی که ایمان آوردید رکوع و سجود نمائید و به پرستش پروردگار خودتان مشغول شوید و کار خیر انجام دهید زیرا این برای شما رستگاری است.
یا ایّها الّذین امنوا ارکعوا و اسجدوا و اعبدوا ربّکم وافعلوا الخیر لعّلکم تفلحون (۷۷-۲۲)
پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح کن . مفسران بعد از این گفته اند: در رکوع بگو :" سبحان ربّی العظیم. "
فسبّح باسم ربّک العظیم (۹۶-۵۶)
منزه شمار نام پروردگار بلند مرتبه خود را که مفسران می گویند: "سبحان ربی الاعلی "که در سجده است. سبّح اسم ربّک الاعلی (۱-۸۷)

قرار گرفتن هفت عضو به هنگام سجده بر روی زمین

در آن روز همهٔ مردم در برابر خداوند "حیّ و قیوم" کاملاً خاضع می شوند و زیانکار کسی است که بار ظلم و ستم را بر دوش دارد.(نهایت خضوع = سجده)
و عنت الوجوه للحّی القیّوم و قد خاب من حمل ظلماً(۱۱-۲۰)عنت از عنوه ، نهایت ذلّت بنده در برابر پروردگار قادر است.
مکانهائی که در آنجا برای خدا سجده می شود و جزء ذکر حق در آنجا چیز دیگری نیست.

و انّ المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً (۱۸-۷۲)

آیات مربوط به تشهد و صلوات بر رسول (ص)

پس بر خویشتن سلام کنید که سلام و تحیّتی از سوی خداست سلامی پر برکت و پاکیزه .
.....فسلّموا علی انفسکم تحیّة من عنداه مبارکةً طیبةً..(۶۱-۲۴)

خداوند و فرشتگان بر نبی و پیامبر درود و رحمت می فرستند و ای کسانی که ایمان آوردید بر او درود بفرستید و سلام بگوئید و در برابر فرمان او تسلیم شوید.
انّ الله و ملائکة یصّلون علی النبّی یا ایّهاالذّین امنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیماً(۵۶-۳۳)

بدانید که جزء او خدائی نیست .فاعلم انّه لا اله الاّ الله .....(۱۹-۴۷)
محمّد رسول الله.....(۲۹- ۴۸) محمّد صلی الله علیه و اله فرستادهٔ خداست.

گریه از خشیّت خدا در نماز

زمانیکه آیات الهی خوانده می شود سجده کنید و بر خاک بیفتید در حالیکه از ترس خداوند اشک می ریزید(سجده واجب قرآن).....اذا تتلی علیهم ایات الرّحمن خرّوا سجداً و بکیاً (۱۹-۵۸)

عمل قلیل در هنگام نماز نماز را باطل نمی کند

زکات دهید در حالیکه رکوع کننده هستید.....و یؤتون الزکوة و هم راکعون (۵۵-۵)

بیماران و نماز آنان

خردمندان کسانی هستند که خدا را در حال ایستاده و نشسته و آنگاه که بر پهلو خوابیده اند یاد

می کنند و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند.
الّذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و یتفّکرون فی خلق السّموات و الارض .....
(۳-۱۹۱)
ای کسانی که ایمان آورده اید و عمل صالح انجام می دهید متوجه باشید که هیچ کس را جز به اندازه توانائیش تکلیف نمی کنیم.به بندگان خدا هیچ ظلمی نمی شود چون نزد ما کتابی است که به حق سخن می گوید و هیچ کس را به جزء مقدار توانائیش تکلیف نمی کنیم.
و لا نکلّف نفساً الاّ وسعها و لدینا کتابٌ ینطق بالحق و هم لا یظلمون (۶۲-۲۳)

نماز در خانه

خانه هایتان را مکان نماز قرار دهید و رو به قبله نماز بر پا دارید این بشارتی است برای مؤمنین و ایمان آورندگان. .....واجعلوا بیوتکم قبلة و اقیموالصّلوة و بشّرالمؤمنین (۸۷-۱۰)

نماز جماعت

ای کسانیکه ایمان آورده اید صبور باشید و در برابر مشگلات صابر باشید و با صبر و استقامت در برابر دشمن قیام کنید و از مرزهای خود مراقبت کنید و برای رستگاری تقوی پیشه کنید و پرهیزگار باشید.یا ایّهاالّذین امنوا اصبروا و صابروا ورابطوا واتقّوا الله لعّلکم تفلحون (۲۰۰-۳)

خداوند اذن داده تا دیوار های خانه هایتان را مرتفع سازید ولی در آن ذکر نام خدا و یاد خدا را داشته باشید و خانه را در صبح و شام محلّ تسبیح خداوند قرار دهید.
فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسبّح له فیها بالغدوّ و الاصال(۳۶-۲۴)

افرادی هستند که نه تجارت و نه خرید و فروش آنها را از ذکر خدا باز نمی دارد .آنها نماز را برپا می دارند و زکات مال و جان را می دهند و از روزی ،ترسان هستند که در آن روز دل وچشم آنها دگرگون

و زیرو رو شود. (آیات اشاره به قرار دادن مکانی ساده و پا برجا و دائم بربرپائی نماز جماعت و ذکر خداوند است).
رجالٌ لا تلهیم تجارةٌ و لا بیعٌ عن ذکر الله و اقام الصلوة و ایتاء الزّکوة یخافون یوماً تتقلّب فیه القلوبُ و الابصارُ(۳۷-۲۴)

نوافل

نافله صبح دو رکعت قبل از نماز صبح

به هنگام شب خدا را تسبیح کن و به هنگام پشت کردن ستارگان (طلوع فجر).
و من اللیل فسبّحه و ادبار النجوم(۴۹-۵۲)

نافله مغرب (دو رکعت بعد از نماز مغرب)

به هنگام فرا رسیدن شب پس خدا را تسبیح نمائید. بین نماز مغرب و عشاء نافله های مغرب.
و من اللیّل فسبّحه و ادبار السّجود. (۴۰-۵۰)

نافله شب افضل از نافله روز است

مسلّماً نماز و عبادت شبانه پا بر جا تر و با استقامت تر است.
انّ ناشئة اللیّل هی اشّدُ وطاً و اقومُ قیلاً (۶-۷۳)

انواع صلاة

نماز عید قربان

نماز گذار برای خدا قربانی کن. فصّل لرّبک وانحر (۲-۱۰۸)

نماز عید فطر

هرکس خود را تزکیه کرد رستگار است. نام پروردگارت را یاد کن و نماز بگذار.
قد افلح من تزّکّی . وذکّر اسم ربّه فصلی (۱۴و۱۵-۸۷)

نماز شب

کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می کنند.
والذّین یبیتون لربّهم سجّداً و قیاماً(۶۴-۲۵)

پهلو هایشان از بسترها دور می کنند و به هنگام شب رو به خداوند می آورند و پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند و از آنچه که روزی کرده ایم انفاق می کنند.
تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربّهم خوفاًو طمعاًو ممّا رزقناهم ینفقون(۱۶-۳۲)

کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول می شود بحال سجده و قیام از آخرت می ترسد و امید به رحمت پروردگار دارد.
امّن هو قانتٌ اناء اللّیل ساجداً و قائماً یحذرالاخرة و یرجوا رحمة ربّه(۹-۳۹)

آنها کمی از شب را می خوابند و درسحرگاهان استغفار می کنند.
کانوا قلیلاً من اللیّل ما یهجعون(۱۷-۵۱)و بالاسحار هم یستغفرون(۱۸-۵۱)

در شبانگاه برای او سجده کن و مقدار طولانی از شب او را تسبیح گویو
ومن اللیّل فاسجد له و سبّحهُ لیلاً طویلاً (۲۶-۷۶)

نماز برمیّت

خویشاوندان نسبت به یکدیگر و دراحکامی که خداوند بر بندگانش مقرر داشته اولویت دارند.
.....و اولوالارحام بعضهم اولی ببعضٍ فی کتاب الله انّ الله بکّل شیٍ علیٌم (۷۵-۸)

نماز کسوف و خسوف

از نشانه های خالقیّت خداوند شب وروزوماه است و برای خورشید و ماه سجده نکنید . برای خدائی که شما را آفریده است سجده کنید اگر می خواهید او را عبادت کنید.
ومن ایاته اللیّل و النّهار .....(۳۷-۴۱)

نماز استسقاء(طلب باران)

بیاد آورید زمانیکه موسی برای قومش تقاضای باران کرد به او دستور دادیم عصایش را بر آن سنگ بزند ، پس ناگهان از آن ، آب جوشیدن گرفت و دوازده چشمه آب از آن جاری شد.
و اذاستسقی موسی لقومه فقلنا اضرب بعصاک الحجر فانفجرت منه اثنتاعشرة عیناً.....(۶۰-۲)

از پروردگار خود طلب مغفرت کنید (باران معنوی):
فقلتُ استغفروا ربّکم انّه کان غفاراً (۱۰-۷۱)
بارانهای پی درپی و پر برکت آسمان بر شما فرود می آید.
یرسل السّماء علیکم مدراراً (۱۱-۷۱)

نهی از نماز برجنازه کافران و منا فقان

از کافران هریک از آنها مردند بر آنها نماز نگذارید و بر سر قبر های آنها برای آمرزش توقف نکنید.و لا تصّل علی احدٍ منهم مات ابداً و لا تقم علی قبره.....(۸۴-۹)

نماز توبه

کسانی که کار زشت انجام داده اند (گناهان صغیره و کبیره) و یا به خود ستم وظلم کرده اند برای گناهان خود آمرزش طلبند زیرا فقط خداست که گناهان آنها را می بخشد البتّه اگر اصرار بر گناه نداشته باشند.
والذّین اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذکروالله فاستغفروا لذنوبهم و من یغفر الذّنوب الاّ الله و لم یصّروا علی ما فعلوا و هم یعلمون . (۱۳۵-۳)

انجام نماز مستحبی بهنگام مصیبت و گرفتاری

از صبر و نماز یاری جوئید و این کار سنگینی است مگر بر خاشعین.سفارش به استقامت و شکیبائی در برابر مشگلات و دیگر انجام نماز و دعا به هنگام گرفتاری که نماز راه پیروزی بر مشگلات است.واستعینوا بالصبّر و الصّلوة و انّها لکبیرة الاّ علی الخاشعین. (۴۵-۲)

نماز و آیات مربوط به نماز

کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح و نیک انجام می دهند و نماز را بر پا می دارند و زکات را می پردازند اجر عظیمی نزد خداوند دارند و خوف و حزنی بر آنها نیست.
انّ الذّین امنوا و عملوا الصالحات و اقاموا‌الصّلوة و اتواالزکاة لهم اجرهم عند ربّهم و لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون (۲۷۷-۲)

الف- نماز در حال مستی و باطل بودن آن

آنان که ایمان دارند در حال مستی به نماز نزدیک نمی شوند زیرا باید بدانند که چه می گویند.

یا ایّها الّذین امنوا لا تقربوا الصّلوة و انتم سکاری حتیّ تعلموا ما تقولون...(۴۳-۴)

ب- نماز و ولایت

همانا ولی شما خداوند و رسول او و آنان که نماز را بر اساس ایمان برپا می کنند ودر حال رکوع زکات می دهند.

انّما ولیُّکم الله و رسوله و الّذین امنوا الّذین یقیمون الصلوة و یُوتون الزّکاة و هم راکعون.(۵۵-۵)

ج- **چه کسانی مساجد خدا را آباد می کنند:**

کسانی که ایمان به خدا و روز قیامت دارند و نماز بر پا می دارند و زکات می پردازند و جزء خدا از کسی نمی ترسند پس امید است که ایشان از هدایت یافتگان باشند.

انّما یعمرُ مساجدالله من امن بالله والیوم الاخر واقام الصّلوة و اتی الزّکوة و لم یخش الاّ الله فعسی اولئک ان یکونوا من المهتدین (۱۸-۹)

چ- **اهل خود را به نماز دعوت کن:**

اهل و خانواده خود را به نماز امر کن و خود بر نماز شکیبا باش (طمأنینه نماز خواندن)ما از تو روزی نمی خواهیم ،ما خودمان تو را روزی می دهیم. عاقبت و سرانجام نیک مخصوص متّقین است.و امر اهلک بالصّلوة و اصطبر علیها لا نسئلک رزقاً نحن نرزقک و العاقبةُ للتّقوی(۱۳۲-۲۰)

ح- **دلهای ترسان چه کسانی هستند:**

کسانی که ذکر خداوند را در دل دارند دلهایشان ترسان است به جهت اعمالشان و درعین حال در مصیبتها و حوادث دردناک صابر هستند و استقامت می کنند و نماز را برپا می دارند و از روزی خود انفاق می کنند.

الّذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم و الصّابرین علی ما اصابهم و المقیمی الصّلوة و ممّا رزقناهم ینفقون . (۲۲-۳۵)

خ- **یاران خداوند چه کسانی هستند:**

کسانی را در روی زمین قدرت دادیم که نماز را بر پا می دارند و زکات را می پردازند و امر به معروف و نهی از منکر رااز وظایف خود می دانند وعاقبت به خیری از آن خداست.

الّذین ان مکّنا هم فی الارض اقاموا الصّلوة و اتُواالزّکوة و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبةُ الامور.(۴۱-۲۲)

۱۲۷

د- **نماز و مولا شناسی:**

قیام بر نماز و پرداخت زکات و چنگ به ریسمان خدا در مبارزات اسلامی و بر پائی آئین اسلامی همه در زمانی محقق می شود که شما ولی خود را بشناسید که چه مولای وسرپرست خوبی دارید.

فاقیموالصّلوة و اتواالزکوة و اعتصموا بالله هو مولئکم فنعم المولی و نعم النصیر(۷۸-۲۲)

ذ- **رستگاری برای مؤمنان است:**

آنان که در نماز خشوع دارند. الّذین هم فی صلاتهم خاشعون (۲-۲۳)

ر- **نماز و دوری از فحشاء ومنکر:**

نماز را بر پا دارید . نماز شما را از کارهای زشت و زننده باز می دارد . ذکر خدا بالا تر است و خدا بر کارهای شما آگاه است .

و اقم الصّلوة انّ الصّلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر و لذکر الله اکبر و الله یعلم ما تصنعون.(۵ ۴-۲۹)

ذ- **معرفی اهل بیت(ع):**

بعد از نماز و زکات و اطاعت خدا و رسول(ص) و ائمه (ع) معرفی اهل بیت را در آیه می بینیم .

خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از اهل بیت دور کند و کاملاً پاک سازد.

.....و اقمن الصّلوة و اتین الزّکوة و اطعن الله و رسوله انّما یریدالله لیذهب عنکم الرّجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً(۳۳-۳۳)

ر- دین پایدار چه دینی است؟

پرستش خدا" مخلصانه "بردینداران حنیف است. دین حنیف دین کامل است و دین حنیف بر پا کننده نماز است و اعطاء کننده زکات ، دین حنیف دین قیّم و پایدار است.

و ما اُمروا الاّ لیعبُدوا الله مخلصین له الدّین حنفاء و یقیموا الصّلوة و یوتواالزّکوة و ذلک دین القیّمة (۵-۹۸)

سستی و بیحالی در نماز

منافقین زمانیکه به نماز بر می خیزند غرق کسالت و بی حالی هستند و ریاکارانه عمل نیک انجام می دهند و ذکر نمی گویند و اگر ذکر بگویند ذکر آنها قلیل است.

..... و اذا اقاموا الی الصّلوة الاّ قاموا کسالی یراؤن النّاس و لا یذکرون الله الاّقلیلاً. (۱۴۲-۴)

آنهائی که نماز را بر پا می دارند از روی کسالت و بی حالی و انفاق می کنند از روی کراهت.

..... و لا یاتون الصّلوة الاّ و هم کسالی و لا ینفقون الاّ و هم کارهون (۵۴-۹)

نسلهای بعد نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی کردند و بزودی نتیجهٔ گمراهی خود را خواهند دید.

فخلف من بعد هم خلفٌ اضاعوُا الصّلوةَ واتبعوا الشّهوات فسوف یلقونَ غیاً (۵۹-۱۹)

وای بر نماز گزاران ، آنهائی که در انجام نماز سهل انگار هستند. (به اوقات نماز وشرایط نماز و آداب نماز اهمیّت نمی دهند).فویلٌ للمصّلین - الذّین هم عن صلاتهم ساهون (۴و۵-۱۰۷)

نماز رحمتی است از طرف خدا
و دعا است از طرف مخلوق

رحمت خدا شامل حال کسانی است که بدنبال انحرافات اخلاقی نیستند و راه اخلاص و بندگی را در پیش گرفته اند . اولئک علیهم صلوات من ربّهم و رحمةٌ و اولئک هم المهتدون (۱۵۷-۲)

همانا خداوند و فرشتگان او بر نبی درود می فرستند که ای ایمان آورندگان بر محمّد (ص) درود بفرستید و تسلیم فرمان الهی شوید .
انّ الله و ملائکةُ یصّلون علی النبّی یا ایّهاالذیّن امنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیماً(۵۶-۳۳)

بخش بیست و هفتم

دعا

سلاحی بنام دعا و نیایش:
ای پیغمبر زمانیکه بندگان از من سؤال می کنند بگو من نزدیک آنها هستم . من دعای دعا کننده را هنگامی که مرا می خواند اجابت می کنم.
و اذا سألک عبادی عنّی فانّی قریبٌ اُجیبُ دعوةَ الدّاع اذا دعان .....(۱۸۶-۲)

در خواست شما از فضل او باشد . (خدا را به فضلش سوگند دهید)
.....و سئلوا الله من فضله.....(۳۲-۴)
ای کسانیکه ایمان آورده اید تقوی پیشه کنید و در راه او وسیله ای بجوئید (منظور از وسیله ،فریضه های واجب و غیر واجب و ائمه (ع) است) و در راه او مبارزه کنید شاید رستگار شوید.
یا ایّها الّذین امنوا اتقّوا الله و ابتغوا الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیله لعّلکم تفلحون(۳۵-۵)

فقط او را بخوانید وشریکهائی که برای خدا درست کرده اید همه را فراموش کنید.
بل ایّاه تدعون فیکشف ما تدعون الیه ان شاء و تنسون ما تشرکون (۴۱-۶)

ای پیامبر کسانی که صبح وشام پروردگار خود را می خوانند و جزء ذات پاک او نظری ندارند هرگز رد مکن.
و لا تطرد الّذین یدعون ربّهم بالغدوة و العشیّ یریدون وجهه.....(۵۲-۶)

ای پیامبر بگو : چه کسی شما را از تاریکیها ی دریا و خشکی (معنوی و روحی) نجات می دهد . او را تضرعاً و گاهی پنهانی بخوانند.
قل من ینجیکم من ظلمات البّر و البحر تدعونه تضرعاً و خفیة...(۶۳-۶)

آیا کسی است که دعای مضطررا اجابت کند ودرد و گرفتاری او را بر طرف سازد .
أمن یجیبُ المضطرَّ اذا دعاه و یکشفُ السّوء....(۶۲-۲۷)

کسانی که نیمه شب از خواب بیدار می شوند و به پا بر می خیزند و پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند.....
تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربّهم خوفاً و طمعاً .....(۱۶-۳۲)

خداوند را بخوانید و یاد کنید و دین برای مخلصان است . هر چند کافران نا خشنود باشند.
فادعوا الله مخلصین له الدّین و لو کره الکافرون(۱۴- ۴۰)

بگو : مرا بخوانید تا اجابت کنم. قال ربّکم ادعونی استجب لکم.....(۶۰-۴۰)

ادعیه در قرآن

ربنّا

خدایا ما را به راه مستقیم هدایت فرما. راه انبیاء واولیاء نه راه گمراهان و غضب شدگان (۵الی آخر سوره-۱)
ربنّا تقبّل منّا.....(۱۲۷-۲)
ربّنا اتنا فی الدنیا حسنة و فی الاخرة حسنة وقنا عذاب النّار. (۲۰۱-۲)
.....ربنّا افرغ علینا صبراً و ثبت اقدامنا وانصرنا علی القوم الکافرین (۲۵۰-۲)
.....سمعنا و اطعنا غفرانک ربّنا و الیک المصیر(۲۸۵-۲)

ربنّا لا تواخذ نا ان نسينا او اخطاناً ربنّا و لاتحمل علينا اصراً كما حملتهُ على الذّين من قبلنا ربنّا و لا تحمّلنا ما لا طاقة لنا به.....(۲۸۶-۲)

ربنّا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا و هب لنا من لدنک رحمة انّک انت الوهّاب(۸-۳)

ربّنا انّک جامع النّاس ليوم لا ريب فيه انّ الله لا يخلف الميعاد(۹-۳)

ربنّا اننّا امنّا فاغفرلنا ذنوبنا وقنا عذاب النّار (۱۶-۳)

و بقيه آيات مربوط به ربّنا-(۵۳-۳)-(۱۴۷-۳)-(۱۹۱الی ۱۹۴-۳)-(۷۵-۴)- (۲۳-۷) (۴۷-۷)-(۱۲۶-۷)-(۱۵۱-۷)-(۱۵۶و۱۵۷-۷)-(۸۵-و ۸۶-۱۰)- (۱۰۱-۱۲)- (۴۰و۴۱-۱۴)-(۸۰و۲۴-۱۷)-(۱۰-۱۸)-(۲۵و۲۶و۱۱۴-۲۰) – (۸۳و۸۷و۸۹-۲۱)(۲۹و ۹۷و۱۰۹و۱۱۸-۲۳) (۶۵و ۷۴-۲۵)- (۱۹-۲۷)- (۱۶-۲۸)- (۱۲- ۴۴)- (۱۵-۴۶)- (۱۰ -۵۹)-(۴و۵ ۶۰)-(۸-۶۶)-(۲۸-۷۱)

ذکر در قرآن

مرا ياد كنيد تا شما را ياد كنم.....فاذكرونى اذكركم.....(۱۵۲-۲)

ذكر كثير و ياد خدا در شب و روز.....و اذكر ربّک كثيراً و سبّح بالعشى و الابكار(۴۱-۳)

ذكر مطمئنه كه دلها با ياد خدا آرامش می گيرد. .....الا بذكر الله تطمئنُ القلوب (۲۸-۱۳)

ذكر خدا شما را از غفلت نجات می دهد.اموال و اولاد انسان را از ذكر خدا دور می سازد و از زيانكاران قرار می دهد.يا ايهّاالذّين امنوا لا تلهكم اموالكم و لا اولادكم عن ذكر الله ئو من يفعل ذلک فاولئک هم الخاسرون.(۹-۶۳)بقيه آيات: (۱۰۳-۴)-(۲۰۵-۷)-(۲۴-۱۸)-(۲۲۷-۲۶)-(۴۵-۲۹)-(۲۱و ۳۵و۴۱-۳۳) (۱۰-۶۲)(۸-۷۳)(۲۵-۷۶)

شكر در قرآن

شكر گزار باشيد و كافر نشويد.....واشكروا لی و لا تكفرون (۱۵۲-۲)

فقط او را بپذيريد و شكر گزار باشيد.(۱۷۲-۲)

پاداش شاکرین.....و سنجزی الشاکرین(۱۴۵-۳)
خداوند شاکر و عالم است.....و کان الله شاکراً علیماً(۱۴۷-۴)
اگر شکر گزار باشید نعمت را می افزایم ....لئن شکرتم لازیّدنّکم (۷-۱۴)
کسی که شکر کند به سود خودش شکر می گذارد.....و من شکر فانّما یشکر لنفسه.....(۴۰-۲۷)
فضل خدا بر شماست فقط آنرا در یابید . خدائی که شب وروز را از رحمت خود قرار داد تا شما آرامش یابید شاید شکر گزار شوید.(۷۳-۲۸)
رزق وروزی دست خداست نه غیر خدا که غیر خدا چیزی در بساط ندارد که رزق شما باشد.برای روزی خود فقط شکر گزار او باشید که بازگشت شما بسوی اوست.
.....انّ الّذین تعبدون من دون الله لا یملکون لکم رزقاً فابتغوا عندالله الرّزق واعبدوه واشکروا له الیه ترجعون(۱۷-۲۹)

خداوند جریان هستی را با رحمت خود می گرداند . باد که از رحمت الهی نعمتهائی را به شما می چشاند و حرکت کشتیان همه فضل خداستشاید شما شکر گزار باشید.
و من ایاته ان یرسل الرّیاح مبشّرات و لیذیقکم من رحمته ولتجری الفلک بامره و لتبتغوا من فضله و لعلّکم تشکرون (۴۶-۳۰)
آیات دیگر: (۱۲-۳۱)(۱۴-۳۱)(۳۱-۳۱)(۱۲-۳۵)(۷-۳۹)(۶۶-۳۹)(۳۳-۴۲)(۲۳-۶۷)

مساجد

مسجدالحرام و مسجدالاقصی

اولیّن خانه ای که برای مردم بنا شد (بکة مبارک) مکه و محلّ هدایت وبرای جهانیان پر برکت است.
انّ اوّل بیت وضع للنّاس للّذی ببّکة مبارکاً و هدی للعالمین(۹۶-۳)
نشانه های خداوند در آنجاست مقام ابراهیم و کسی که داخل آنجا می شود در امان است. و حج خانهٔ خدا برای مردم ، گروهی که استطاعت دارند و کسی که ترک حج کند با توانائی که دارد کافر است. همانا خداوند از عالمیان بی نیاز است.

فیه آیات بیّنات مقام ابراهیم و من دخله کان امناً و لله علی النّاس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً و من کفر فانّ الله غنیٌ عن العالمین (۹۷-۳)

خداوند منزّه است که شبانگاه بنده خود را از مسجدالحرام بسوی مسجد الاقصی سیر داد .ما اطرافش را پر برکت کردیم تا بخشی از آیات خود را به او نشان دهیم.

سبحان الّذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصا الّذی بارکنا حوله لنریه من ایاتنا.....(۱-۱۷)

مسجدالنّبی

مسجدی که شالوده اش از ابتدا بر تقوی گذارده شده شایسته است که در این مسجد قیام کنید و گروهی دوست دارند پاکیزه در آن وارد شوند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد .

.....لمسجد اسس علی التقوّی من اول یوم احق ان تقوم فیه فیه رجالٌ یحبّون ان یتطهّروا و الله یحب ا لمطّهّرین(۱۰۸-۹)

زینت در مساجد

ای مردم زینت معنوی و ظاهری (لباس مرّتب و پاک و تمیز و شانه زدن مو وبکار بردن عطر زینت ظاهری است و زینت معنوی ملکات و صفات اخلاقی است) این ها را بهنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید.

یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کلّ مسجدٍ(۳۱-۷)

آبادانی مساجد

آبادانی مساجد بر کسانی است که توحید شناس و معادشناس اند و نماز را بر پا می دارند و زکات را می پردازند و تقوی دارند و جزء خدا از کسی نمی ترسند امید است که از هدایت شدگان باشند.

انّما یعمر مساجد الله من امن بالله و الیوم الاخر و اقام الصلوة و اتی الزّکوة و لم یخش الاّ الله فعسی اولئک ان یکونوا من المهتدین (۱۸-۹)

مسجد خانه ای است که خدا آنرا ارجمند شمرده و روز وشب در آن ذکر گفته می شود .

فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمه یسّح له فیها بالغدو و الاصال(۳۶-۲۴)

مساجد کسانی را می خواهد که خرید و فروش و تجارت آنها را از اقامه نماز باز ندارد و همیشه مراقب باشند که اسیر هوی و هوس نشوند که چشم و دلشان منقلب گردد.
رجلٌ لا تلهیهم تجارةٌ و لابیعٌ عن ذکر الله و اقام الصلوة و ایتاء الزّکوة یخافون یوماً تتقلّب فیه القلوب و الابصار(۳۷-۲۴)

بخش بیست و هشت

زکات

زکات عامل پاکی و پاکیزگی فرد در جامعه است.
بگیر از اموال آنها صدقه تا پاک شوند و نّمو یابند و برای آنها دعا کن ودرود بفرست که دعای تو مایهٔ آرامش آنهاست.خداوند شنوا و داناست.
خذ من اموالهم صدقة تطّهرهم و تزّکیهم بها و صلّ علیهم انّ صلاتک سکن لهم و الله سمیعٌ علیمٌ (۹-۱۰۳)

زکات میوه

خداوند درختانی از میوه با طعم های گوناگون آفرید .زیتون و انار میوه های مشابه و غیر مشابه از میوه آنها که به ثمر نشست بخورید ولی فراموش نکنید که به هنگام چیدن حق آن را باید ادا کنید.اسراف نکنید زیرا خداوند مسرفان را دوست ندارد.
.....مختلفاً اکله و الزّیتون و الرّمان متشابها و غیر متشابه کلوا من ثمره اذا اثمر و اتوا حقّه یوم حصاده و لا تسرفوا انّه لا یحبّ المسرفین (۱۴۱-۶)

زکات فطر

رستگار شد کسی که خود را پاک و تزکیه کرد.قد افلح من تزکی (۱۴-۸۷)

مصارف زکات

مصارف زکات در هشت مورد در آیه:

۱- فقرا ۲- مساکین ۳- عاملان و جمع آوری کنندگان زکات ۴- کسانی که برای جلب محبّت آنها اقدام می کنند ۵- در راه آزاد سازی بردگان ۶- کسانی که مدیون هستند بدون تقصیر و جرم ۷- در راه خدا ۸- کسانی که در راه مانده اند این فریضهٔ الهی است و خداوند دانا و حکیم است.

انّما الصّدقات للفقراء و المساکین و العاملین علیها و المؤلّفة قلوبهم و فی الرّقاب و الغارمین و فی سبیل الله وابن السّبیل فریضة من الله والله علیمٌ حکیمٌ(۶۰-۹)

خمس

هر گاه غنیمتی نصیب شما شد یک پنجم آن ، از آن خدا و پیامبر و ذی القربی (امامان اهل بیت(ع)) و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از خاندان پیامبر)می باشد.

واعلموا انّما غنمتم من شیء فانّ لله خمسه و للرّسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل.....(۴۱-۸)

خداوند نیازمند سهم نیست و منظور از سهم خدا اهمیّت روی مسالهخمس و تأکید و تثبیت ولایت در اسلام است. در هفت چیز خمس واجب است : منفعت ، کسب ، معدن ، گنج، مال حلال مخلوط به حرام ، جواهر صید شده و غنیمت در جنگ و زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد .مصرف خمس یک سهم سادات دارد مخصوص سید فقیر و سید یتیم و سیدی که در راه مانده با اجازه مجتهد جامع الشرایط ونصف دیگر سهم امام است که با نظر مجتهد جامع الشرایط در راهی که او اجازه بدهد مصرف می شود.

انفاق در راه خداو صدقه

ای کسانی که ایمان آورده اید از آنچه روزی گرفته اید انفاق کنید.

یا ایّهاالذّین امنوا انفقوا ممّا رزقناکم.....(۲۵۴-۲)

از مال خدا که به شما داده انفاق کنید.
.....و اتوهم من مال الله الّذی اتکم.....(۲۴-۳۳)
در اموال شما حقی برای فقرا و محرومین است.
و فی اموالهم حقٌّ للسّائل و المحروم (۱۹-۵۱)

شما هرگز به حقیقت برّ و نیکی نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید و آنچه که اانفاق می کنید خداوند به آنها آگاه است.
لن تبالوا البّر حتیّ تنفقوا ممّا تحبّون و ما تنفقوا من شیء فانّ الله به علیمٌ (۹۲-۳)

تا می توانید پرهیزگار باشید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است و کسانی که از بخل و حرص خود را حفظ کنند رستگار ند.
فاتقوالله مااستطعتم واسمعوا و اطیعوا و انفقوا خیراً لانفسکم و من یوق شحّ نفسه فاولئک هم المفلحون (۶۴-۱۶)

اعتدال در انفاق

آیات برگزیده در انفاق و صدقه

در راه خدا انفاق کنید ولی خود را به هلاکت نکشانید.
و انفقوا فی سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التّهلکه.....(۱۹۵-۲)

حق نزدیکان را بپردازید و همچنین حق مسکین و در راه مانده را بدهید ولی تبذیر نداشته باشید .
و اتِ ذاالقربی حقِه و المسکین وابن السبیل و لا تبذّر تبذیراً..(۱۷-۲۶)

هرگز دستت را برگردنت زنجیر مکن و ترک انفاق مکن و بیش از حد دست خود را مگشای تا مورد سرزنش قرار گیری و از کار فرو مانی.
و لا تجعل یدک مغلولة الی عنقک و لا تبسطها کلّ البسط فتقعد ملوماٌ محسوراً (۲۹-۱۷)

انفاق کنندگان کسانی هستند که انفاق می کنند و اسراف نمی کنند و سخت گیر نیستند و اعتدال را در پیش می گیرند.
و الّذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواماً(۶۷-۲۵)

مال خود را با تمام علاقه خود ، به خویشاوندان و یتیمان و مساکین وو واماندگان در راه و سائلین و بردگان دهید.
و اتی المال علی حبّه ذوی القربی و الیتامی و المساکین وابن السّبیل ووالسائلین والرّقاب...(۱۷۷-۲)
۱۳۷
کسانی که بخدا و در راه خدا مال خود را قرض می دهند (وام می دهند) خداوند آن مال را مضاعف و چندین برابر می کند.
من ذاالّذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له اضعافاً کثیره ....(۲۴۵-۲)

انفاق کنندگان منّت نگذارند. آزار نرسانند . پاداش آنان نزد خداوند است نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند.
الّذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله ثمّ لا یتبعون ما انفقوا مناً و لا اذیً لهم اجرهم عند ربّهم و لا خوف علیهم و لا یحزنون(۲۶۲-۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید صدقات خود را با منّت و آزار ندهید که باطل است.
یا ایهّاالذین امنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی...(۲۶۴-۲)

اگر صدقات را آشکارا سازید خوب است اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید برای شما بهتر است.ان تبدوا الصّدقات فنعمّا هی و ان تخفوا ها و توتوها الفقراء فهو خیرٌ لکم و یکفّر عنکم من سیاتکم .....(۲۷۱-۲)
خداوند ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد و خداوند ربا خواران را دوست ندارد.
یمحق الله الرّبوا و یربی الصّدقات و الله لا یحب کل کفّاراثیم.(۲۷۶-۲)

سیمای پرهیزگاران : آنهائی که در راحتی و بهنگام ضرر و زیان مال خود را انفاق می کنند و کسانی که بر خشم خود مسلّط هستند و از خطای مردم می گذرند.
الذّین ینفقون فی السّراء و الضّراء و الکاظمین الغیظ و العافین عن النّاس ....(۱۳۴-۳)

صدقه کفارهٔ گناهان است. آیا نمی دانید که تنها خداوند توبه را از بیندگان خود می پذیرد . خداوند نه تنها توبه پذیر است بلکه صدقات را از شما می پذیرد.
ألم یعلموا انّ الله هو یقبل التوبة عن عباده و یأخذ الصّدقات ...(۱۰۴-۹)
مؤمنین چه کسانی هستند. ۱- صابرین ۲- راست گویان و درست کرداران ۳- خاضعین و فروتنان ۴- انفاق کنندگان و سحر خیزان که توبه کنندگان هستند.
الصّابرین و الصادقین و القانتین والمنفقین والمستغفرین بالاسحار(۱۷-۳)

بخش بیست و نه

روزه

همانطور که بر امتهای قبل از شما روزه نوشته شده بود بر شما نیز نوشته شده است شاید شما رستگار شوید.
یا ایهّاالذّین امنوا کتب علیکم الصّیام کما کتب علی الذّین من قبلکم لعلّکم تتّقون (۱۸۳-۲)
چند روز معدود را روزه بگیرید . ایّاماً معدودات.....(۱۸۴-۲)

شهر الصیام- ماه روزه

ماه رمضان ماه نزول قرآن ، قرآنی که مایهٔ هدایت مردم و دارای نشانه های هدایت و معیارهای سنجش حق و باطل است.
شهرُ رمضان الذّی أنزل فیه القرآن هدیً للنّاس و بیّنات من الهدی و الفرقان .....(۱۸۵-۲)

کسانی که حضور در مکان دارند پس روزه بگیرند.....فمن شهد منکم الشّهر فلیصمه .....(۱۸۵-۲)

تعداد روزه های ماه رمضان را کامل کنید و این بجهت بزرگ شمردن پروردگار است که شما را هدایت کرد شاید شکر نعمتهای او را بجا آورید .....ولتکملوا العّدة و لتکبّروالله علی ما هدیکم و لعلّکم تشکرون(۱۸۵-۲)

اسامی ماه رمضان: شهر صبر – شهر مواساة – شهر القرآن – شهر الدعاء- سیّدالشهور- شهر انابه و توبه- شهر المغفرة – شهر البرکة- شهر الصحة – شهر الضیافة

زمان امساک و زمان افطار

بخورید و بیاشامید تا سپیده صبح از رشته سیاه شب برای شما آشکار شود.(تافجر) سپس روزه را تا شب تکمیل کنید.....و کلوا واشربوا حتّی یتبیّن لکم الخیط الابیض من الخیط الاسود من الفجر ثمّ اتّموا الصّیام الی اللیل.....(۱۸۷-۲)

اجازه افطار برای بیمار و مسافر

اگر کسی از شما بیمار بود یا مسافر در ایام دیگری روزه بگیرید.....فمن کان منکم مریضاً او علی سفرٍ فعدّة من ایّام اخر.....(۱۸۴-۲)

روزه گرفتن برای شما بهتر است اگر فلسفه روزه را بدانید.....و ان تصوموا خیرلکم ان کنتم تعلمون (۱۸۴-۲)

کفاره روزه

کسانی که روزه گرفتن برای آنها با مشّقت همراه است (بیماران و سالخوردگان) لازم نیست روزه بگیرند . بجای آن کفاره بدهند و مسکین را اطعام کنند.

.....و علی الّذین یطیقونه فدیة طعام مسکین.....(۱۸۴-۲)

آن کس که مایل باشد بیش از این در راه خدا اطعام کند برای او بهتر است.فمن تطّوع خیراً فهو خیرٌ له.....(۱۸۴-۲)

روزه برای همه

همانا برای زنان مسلمان و مردان مسلمان..... و روزه گیران مرد و زن .....خداوند اجر و پاداش عظیم و مغفرت و آمرزش مهیا ساخته است.

انّ المسلمین و المسلمات.....و الصائمین و الصائمات .....اعدّ الله لهم مغفرةٌ و اجراً عظیماً(۳۵-۳۳)

آیات دیگر : (۱۸۳ الی ۱۸۵ و۱۸۷-۲)

زکات فطر

قد افلح من تزکّی – وذکر اسم ربّه فصلّی(۱۴و۱۵-۸۷)

اثبات ابتدا ماه رمضان و انتها

.....فمن شهد منکم الشّهر فلیصمه.....(ثابت شدن ماه)(۱۸۵-۲)

.....و لتکملوا العّده و لتکبّروا الله علی ما هدیکم و لعّلکم تشکرون .(پایان ماه مبارک رمضان) (۱۸۵-۲)

شب قدر

قرآن را در شب قدر نازل کردیم، شب قدر بهترین شب است که تو درک نمی کنی.

انّا انزلنا فی لیلة القدر ، و ما ادراک ما لیلة القدر ، لیلة القدر خیرٌ من الف شهر(۱۴و ۱۵و-۸۷)

بخش سی
فریضهٔ حج

برای خدا بر مردم است که آهنگ خانهٔ او کنند ، آنها که توانائی رفتن به سوی آن را دارند .
.....و لله علی النّاس حجّ البیت من استطاع الیه سبیلاً ....(۹۷-۳)

حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید. .و اتمّوا الحّج و العمرة لله.....(۱۹۶-۲)

زمان حج

حج در ماههای معین است.(شوال – ذی القعده-ذی الحجه)
الحّج اشهر معلومات.....(۱۹۷-۲)

هلال ماه حج

از تو در بارهٔ هلال ماه سئوال می کنند، بگو: اینها بیان اوقات طبیعی برای مردم و حج است.
یسئلونک عن الاهلة قل هی مواقیت للنّاس و الحجّ.....(۱۸۹-۲)

نیّت و تلبیه

آنها که حج را بر خود واجب دانسته اند (احرام بستن)..... فمن فرض فیهّن الحّج (۱۹۷-۲)

نهی در حج

پاک بودن محیط حج از گناهان (آمیزش جنسی – فسق- جدال- خشونت)

.....فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج.....(۱۹۷-۲)

بهترین زاد و توشه در سفر حج

زاد و توشه تهیه کنید که بهترین زاد وتوشه در سفر حج تقوی و پرهیزگاری است.

.....و تزوّد وا فانّ خیرٌ الزّاد التقّوی.....(۱۹۷-۲)

طواف خانه خدا

به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجود کنندگان (نماز گزاران) پاکیزه دارند.

.....و عهد نا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهّرا بیتّی للطّائفین و العاکفین و الرّکعّ السّجود(۱۲۵-۲)

پاکیزه گردان خانهٔ مرا برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجود کنندگان ...

....و طهرّ بیتی للطائفین و القائمین و الرّکّع السّجود.(۲۶-۲۲)

حرم امن

زمانیکه خانهٔ خدا را مثابه (محل بازگشت و توجّه) برای مردم قرار دادیم و مرکز امن الهی ..

واذ جعلنا البیت مثابة للنّاس و امناً.....(۱۲۵-۲)

دو رکعت نماز طواف

از مقام ابراهیم نماز گاهی بگیرید.

.....و اتّخذوا من مقام ابراهیم مصلّی.....(۲-۱۲۵)

صفا و مروه

صفا و مروه از شعائر و نشانه های خداوند است.

انّ الصّفا و المروه من شعائر الله.....(۲-۱۵۸)

سعی صفا و مروه در حج و عمره

کسی که حج خانهٔ خدا یا عمره را بجا آورد گناهی بر او نیست که این دو طواف را انجام دهد.

.....فمن حجّ البیّت او اعتمر فلا جناح علیه ان یطّوّف بهما...(۲-۱۵۸)

حج و عمره را برای خدا انجام دهید و به پایان برسانید.

و اتمّوا الحجّ و العمرة لله.....(۲-۱۹۶)

اقتصاد در حج

بر شما گناهی نیست که از فضل پروردگارتان بر خوردار شوید (از منافع اقتصادی استفاده کنید)

لیس علیکم جناحٌ ان تبتغوا فضلاً من ربّکم.....(۲-۱۹۸)

هنگامی که از عرفات کوچ کردید بسوی مشعر روید و خدا را در مشعرالحرام یاد کنید.

فاذا افضتم من عرفات فاذکروا الله عند المشعرالحرام.....(۲-۱۹۸)

کوچ از مزدلفه به منّا

از مشعرالحرام بسوی منی کوچ کنید.ثمّ افیضوا من حیث افاض النّاس.....(۱۹۹-۲)

تکبیر در ایّام تشریق و رمی الجمرات

در ایّام معینی خدا را یاد کنید و کسانی که تعجیل کنند و در دو روز ذکر خدا را انجام دهند هیچ گناهی بر آنها نیست و کسانی که تأخیر و این مدّت را طولانی کنند بر پرهیزگاران هیچ گناهی نیست.پرهیزگار باشید و بدانید که بسوی او محشور خواهید شد.

و اذکروا الله فی ایّام معدودات فمن تعّجل فی یومین فلا اثم علیه و من تأخّر فلا اثم علیه لمن اتّقی و اتقّوا الله و اعلموا انّکم الیه تحشرون.(۲۰۳-۲)

قربانی در حج

کسانی که عمره را به حج تمام کردند آنچه میّسر است از قربانی ، ذبح کنند. پس کسانی که قربانی ندارند ، سه روز روزه بگیرند در حج و به هنگام برگشت هفت روز روزه بگیرید (ده روز) و این برنامه برای کسانی است که خانواده او نزد مسجد الحرام نباشد. پرهیزگار باشید و تقوی پیشه کنید و بدانید که خداوند عقاب و کیفرش شدید است.

.....و فمن تمتّع بالعمره الی الحج فمااستیسر من الهدی فمن لم یجد فصیام ثلاثة ایّام فی الحجّ و سبعة اذا رجعتم تلک عشرة کاملة ذلک لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام و اتقّو الله و اعلموا انّ الله شدید العقاب.....(۱۹۶-۲)

منافع قربانی

آن چهار پا را که مسلمانان در نظر داشتند آنرا قربانی کنند ، می توانستند قبل از قربانی از منافع آن چون شیر و یا سواری بر آن استفاده کنند . و هیچ محدودیتی برای آنها نبود . و در آیه می فرمایند: در آن حیوانات منافعی برای شماست تا زمان معینی تا رسیدن آن به محلّ قربانی (مکة)
لکم فیها منافع الی اجلِ مسّمی ثمّ محلّها الی البیت العتیق. (۳۳-۲۲)

قربانی کردن شتر

شترها را برای شما جزء شعائر الهی قرار دادیم. در آن خیر و برکت است پس نام خدا را یاد کنید (در زمان ذبح) در حالیکه به صف ایستاده اید . زمانیکه پهلویشان آرام گرفت از آن گوشت بخوریدو مستمندان و فقیران قانع را اطعام کنید.
وابدن جعلنا ها لکم من شعائر الله لکم فیها خیرٌ فاذکروا اسم الله علیها صوآف فاذا وجبت جنوبها فکلوا منها و اطعموا القانع و المعترّ کذالک سخّرنا ها لکم لعلکم تشکرون (۳۶-۲۲)

فلسفه قربانی

از قربانی چیزی به خدا نمی رسد ولکن تقوی و پرهیزگاری شماست که به او می رسد. اینگونه خداوند حیوانات را مسخر شما کرد تا اورا بزرگ شمارید و تکبیر گوئید برای اینکه شمارا هدایت کرده است.
لن ینال الله لحومها و لا دمائُها و لکن یناله التقّوی منکم کذلک سخّرها لکم لتُکّبروا الله علی ما هدئکم و بشّرالمحسنین (۳۷-۲۲)

فدیه یا کفاره در حج

کسی اگر بیمار شد یا ناراحتی در سر داشت و مجبور بود زودتر از موعد مقّرر سر را بتراشد باید کفاره برای خود قرار دهد.که کفاره آن یا روزه است یا صدقه و یا قربانی.

.....فمن كان منكم مريضاً او به اذىً من رأسه ففديةٌ من صيام او صدقةٍ اونسک....(۱۹۶-۲)

تقصیر بعد از قربانی

سر خود را نتراشید تا قربانی شما به محلّش برسد (ذبح شود) .....و لا تحلقوا رؤسکم حتّی یبلغ الهدیُ محّله .....(۱۹۶-۲)

وقتی وارد مسجدالحرام می شوید در نهایت امنیت در حالیکه سرهایتان تراشیده شده ویا از تقصیر شدگان باشید، هیچ ترس و وحشتی بر شما نیست.

لتدخلّن المسجد الحرام ان شاء الله امنین محلّقین رؤسکم و مقصرّین لا تخافون.....(۲۷-۴۸)

کفاره صید کردن در حال احرام

ای کسانیکه ایمان آورده اید در زمان احرام صید نکنید و کسی که عمداً صیدی را به قتل برساند باید کفاره ای همانند آن از چهارپایان بدهد این قربانی باید زیر نظر دو نفر از افراد عادل انجام پذیرد و قربانی اهداء به کعبه شود و به سرزمین مکّه برسد و یا اگرقربانی نباشد بلکه معادل آن اطعام مسکین یا روزه باشد .....

یا ایّهاالذّین امنوا لا تقتلوا الصّید و انتم حرمُ و من قتله منکم متعمّداً فجزاءٌ مثلُ ما قتل من النّعم یحکم به ذوا عدل منکم هدیاً بالغ الکعبه او کفارةٌ طعام مساکین او عدلٌ ذلک صیاماً.....(۹۵-۵)

بخش سی ویک

جهاد

جنگ بر شما حتمی و قطعی است در حالی که از آن کراهت دارید . چه بسا از آنچه که اکراه دارید آن برای شما خیر است و چه بسا اینکه چیزی را دوست دارید در حالیکه آن برای شما شر است و خدا می داند و شما نمیدانید.

کتب علیکم القتال و هو کرهٌ لکم و عسی ان تکرهوا شئیاً و هو شرّ لکم والله یعلم و انتم لا تعلمون (۲۱۶-۲)

آیا افراد در میدان جنگ با یکدیگر مساوی هستند؟ گروهی از شرکت در جنگ خودداری می کنند در حالیکه بیماری خاصی ندارند و گروهی دیگر مجاهدانی هستند که در راه خدا و اعلای کلمهٔ حق و سربلندی اسلام با مال و جان خود مبارزه می کنند پس این دو گروه مساوی نیستند و گروهی که با مال و جان خود مبارزه می کنند خداوند این مجاهدان را برتری عظیمی می بخشد. ولی برای هر دو دسته وعدهٔ نیک داده شده است.

لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضّرر و المجاهدون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم فضّل الله و المجاهدون باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجة و کلاً وعدالله الحسنی و فضّل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً(۹۵-۴)

سه اصل مهم:"ایمان –هجرت – جهاد"

کسانی که ایمان آورده اند و هجرت کرده اند و جهاد در راه خدا داشته اند آنها امید به رحمت خدا داشته اند .....

انّ الّذین امنوا و الّذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله اولئک یرجون رحمت الله والله غفورٌرحیمٌ (۲-۲۱۸)

کسانی که ایمان آورده اند و هجرت کرده اند و جهاد در راه خدا با مال و جان داشته اند و کسانی که پناه دادند و یاری کردند آنها را بعضی بر بعضی هم پیمان و مدافع قرار دادیم.

انّ الّذین امنوا و هاجروا و جاهدوا باموالهم و انفسهم فی سبیل الله و الّذین اووا و نصروا اولئک بعضهم اولیاء بعض....(۷۲- ۸)
ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن بر آنها سخت بگیر جایگاه آنها در جهنم است که بد جایگاهی است.
یا ایّها النبّی جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم و ما وائهم جهنم و بئس المصیر(۷۳-۹)

در راه خدا جهاد کنید از ملامت کسی هراس نداشته باشید زیرا فضل خدا برای شماست .
.....یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومة لائم ذلک فضل الله یو تیه من یشاء .....(۵۴-۵)

جهاد با دشمن و جهاد با جهل

شایسته نیست که مؤمنان همگی بسوی میدان جنگ گوچ کنند. گروهی باید از هر فرقه در شهر بمانند و معارف کسب کنند و انذار و پند بدهند قومشان را که از جنگ برگشتند تا شاید پند بگیرند و دستورات الهی را مطیع باشند.
ما کان المؤمنون لینفروا کافة فلو لا نفر من کلّ فرقه منهم طائفة لیتفقّهوا فی الدین و لینذر قومهم اذا رجعوا الیهم لعّلهم یحذرون (۱۲۲-۹)

معافیت از جهاد

کسانی که ضعیف و ناتوان هستند و نیز بیماران و فقرای جنگی که وسیلهٔ لازم برای شرکت در جنگ ندارند بر آنها ایرادی نیست . منظور انسانهائی که جان فشانی کنند و از هیچ گونه خدمتی دریغ نکنند و همواره خدمتگذار مخلص در راه خدا و رسول باشند.
لیس علی الضعفاء و لا علی المرضی و لا علی الّذین لا یجدون ما ینفقون حرج اذا نصحوا لله و رسوله ما علی المحسنین من سبیل.....(۹۱-۹)

اگر وسیله و مرکبی برای رسیدن به میدان جنگ نبود حرجی بر شما نیست . کسانی خدمت پیغمبر آمدند تا وسایلی بگیرند و خود را به میدان جنگ برسانند . حضرت فرمودند : مرکبی در اختیار ندارم تا شما را بر آن سوار کنم . پس برگشتند در حالیکه چشمان آنها اشکبار بود از حزن و اندوه و اینکه نتوانستند در راه خدا انفاق داشته باشند.

و لا علی الّذین اذا ما اتوک لتحملهم قلت لا اجد ما احملکم علیه تولّوا و اعینهم تفیض من الدمع حزناً الاّ یجدوا ما ینفقون(۹۲-۹)

بر نابینا و لنگ و بیمار گناهی نیست اگر در میدان جهاد شرکت نکنند.

لیس علی الاعمی حرج و لا علی الاعرج حرج و لا علی المریض حرج....(۱۷-۴۸)

تجهیزات دشمن شما را به وحشت نیاندازد

در برابر دشمنان هر قدر توانایی دارید از نیرو ی قدرت و مرکبهای ورزیده استفاده کنید.(سلاحهای گرم امروز) تا دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید.ودشمنان دیگر را که خدا می شناسد و شما نمی شناسید.

و اعدّوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدوّالله و عدّوکم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم و الله یعلمهم.(۶۰-۸)

امداد غیبی در جنگ

هم اکنون خداوند به شما تخفیف داده و دانست در میان شما افرادی ضعیف وسست است پس در این حال اگر از شما صدنفر سرباز با استقامت باشند بر دویست نفر غلبه می کنند و اگر هزار نفر باشند بر دو هزار نفر بفرمان خدا پیروز می شوند و خداوند با صابرین است.

الان خفّف الله عنکم و علم انّ فیکم ضعفاً فان یکن منکم مائة صابرة یغلبوا مائتین و ان یکن منکم الفٌ یغلبوا الفین باذن الله و الله مع الصابرین (۶۶-۸)

در پی تقاضای کمک پیامبر از خداوند: من شما را با یک هزار نفر از فرشتگان که پشت سرهم فرود می آیند کمک و یاری می کنم.
اذیستغیثون ربّکم فاستجاب لکم انّی ممدّکم بالف من الملائکة مردفین(۹-۸)

صناعات در جنگ

لباس بعنوان یک وسیله دفاعی: پیراهنهائی که به هنگام جنگ حافظ شماست .خداوند نعمت را بر شما تمام کرده است.
آموزش زره در جنگ: ما به او ساختن زره را تعلیم دادیم تا شما را در جنگها حفظ کند.
و علمّناه صنعة لبوس لکم لتحصنکم من باسکم.....(۸۰-۲۱)

علامتهای جنگ: ما به داود از فضل خود نعمتی دادیم . ای کوهها و ای پرندگان با داود هم صدا شوید و ما آهن را برای او نرم کردیم.
و لقد اتینا داود منّا فضلاً یا جبال اوّ بی معه و الطیّر و النّا له الحدید.(۱۰-۳۴)

شهیدان زنده اند

کسانی که در راه خدا کشته شده اند نگوئید مردگانند بلکه زندگانند و نزد پروردگار روزی می خورند و شما نمی دانید.
و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتٌ بل احیاءٌ و لکن لا تشعرون (۱۵۴-۲)

ای پیامبرهرگز گمان مکن که آنها در راه خدا کشته شدند بلکه زنده اند و نزد خدا روزی داده می شوند.
و لا تحسبنّ الذّین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاءٌ عند ربّهم یرزقون(۱۶۹-۳)

آنها شادمان هستند از فضلی که خداوند به آنها داده و هم از نعمت خداوند شادمان هستند.

يستبشرون بنعمة من الله و فضل و انّ الله لا يضيع اجر المؤمنين (۱۷۱-۳)

اُسرا

و هنگامی که با کافران در میدان جنگ روبرو شدید با تمام قدرت گردن هایشان را بزنید و دشمن را در هم بکوبید و اسیران را محکم ببندید. سپس منّت گذارده یا بدون عوض آزادشان کنید و یا در برابر آزادی از آنها فدیه و غرامت بگیرید . انقدر بجنگید نا جنگ بار خود را بر زمین نهد.
فاذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرّقاب حتیّ اذا اثختموهم فشدّوا الوثاق فامّا منّا بعد و امّا فداء حتی تضع الحرب اوزارها....(۴-۴۷)

در مسجد الحرام کشتارحرام است . کافران را هر کجا یافتید ، بکشید ولی درمسجدالحرام پیکار حرام است. مگر آنها اقدام به قتل شما کنند.اگر از شما کشتند شما هم بکشید که جزا کافران است.
واقتلوا هم حیثُ ثقفتموهم و اخرجوهم من حیث اخرجوکم و الفتنة اشدّ من القتل و لا تقاتلوهم عند المسجد الحرام حتّی یقاتلوکم فیه .....(۱۹۱-۲)

اطعام اسرا

غذای خود را با تمام علاقهٔ خود به آن ، به مسکین و یتیم و اسیر بدهید.
و یطعمون الطعام علی حبّه مسکیناً و یتیماً و اسیراً(۸-۷۶)

برأت از مشرکین

اعلامی از خدا و پیامبرش به عموم مردم در حج اکبر که خدا وند و رسولش از مشرکان بیزارند .
و اذان من الله و رسوله الی النّاس یوم الحجّ الاکبر انّ الله بریٌ من المشرکین و رسوله.....(۳-۹)

چهار ماه حرام

دوازده ماه نزد خدا در کتاب است که چهار ماه آن حرام است. (ذی القعده و ذی الحجه و محرم و رجب،)

انّ عدة الشّهور عندالله اثنا عشر شهراً فی کتاب الله .....منها اربعة حرُم.....(۳۶-۹)

غنائم و انفال

(۱و ٤١و ٦٩و -۸)و (۱۵و۱۹و۲۰-٤٨) ای رسول ما) امت از تو حکم انفال را سؤال کنند (یعنی غنایمی که بدون جنگ از دشمنان به دست مسلمانان آید و زمینهای خراب بی‌مالک، معادن، بیشه‌ها، فراز کوهها، کف رودها، ارث کسی که وارث ندارد، قطایع ملوک، خلاصه ثروتی که بی‌رنج مردم حاصل شود) جواب ده که انفال مخصوص خدا و رسول است (که رسول و جانشینانش به هر کس و هر قدر صلاح دانند ببخشند) پس شما مؤمنان باید از خدا بترسید و در رضایت و مسالمت و اتحاد بین خودتان بکوشید و خدا و رسول او را اطاعت کنید اگر اهل ایمانید.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ ۖ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ ۖ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ(۸-۱).

بخش سی و دو

غزوات

سر آغاز هجرت:

زمانیکه پیامبر درخطر جانی بود ند و دشمنان می خواستند اورا به زندان بیفکنند و یا به قتل برسانند و یا تبعید کنند . جبرئیل بر حضرت فرو د آمد و به ایشان فرمود که شب را در رختخواب نخوابد . شبانه پیامبر بسوی غار (ثور)حرکت کرد ند و حضرت علی (ع) در بستر ایشان خوابیدند. خداوند تدبیر می کند و دشمنان مکر و خدعه می کنند. خداوند بهترین مدّبران است.

و اذ یمکربک الّذین کفروا لیثبتوک او یقتلوک او یخرجوک و یمکرون و یمکر الله و الله خیرٌ الماکرین(۳۰-۸)

هجرت نبی اکرم(ص) به مدینه

پیامبر به فرمان خداوند شبانه از مکّه به سوی مدینه حرکت کرد و دشمنان از یافتن ایشان مأیوس شدند .
پیامبر زمانیکه به مدینه رسیدند فصل تازه ای در تاریخ اسلام آغاز شد . اگر او را یاری نکنید خداوند او را یاری می کند در آن هنگام که کافران او را بیرون کردند و قصد کشتن او را داشتند.
ألا تنصروه فقد نصره الله اذ اخرجه الّذین کفروا ثانی اثنین اذ هما فی الغار.....(۴۰-۹)

لیلة المبیت

هجرت پیامبر و فداکاری حضرت علی(ع):
از میان مردم کسانی هستند که جان خود را در برابر خشنودی خدا می فروشند و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است.
و من النّاس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رئوفٌ بالعباد.(۲۰۷-۲)

قتال در ماههای حرام

پیش از جنگ بدر ، پیامبر اسلام به عبدالله ابن جحش نامه ای داد و به او گفت: بعد از دو روز نامه را بگشا. او بعد از دو روز نامه را گشود . پس قریش را زیر نظر گرفت. ولی بین مکه و طائف به آنها حمله برد و حضرمی را کشت و قافله را با دو نفر نزد پیامبر فرستاد. پیامبر فرمود ند: من به شما دستور ندادم که در ماههای حرام نبرد نکنید.
یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتالٌ فیه کبیرٌ و صدّ عن سبیل الله (۲۱۷-۲)

نبرد بدر

(ایه انتخابی از آیات بیشمارغزوهٔ بدر)
جنگجویان بدر "۳۱۳" نفر بودند با هفتاد شتر و دو اسب و تجهیزات نا کافی که بر لشکر دشمن که بیش از هزار نفر وتجهیزات کافی بودند غالب شدند و با پیروزی کامل به مدینه مراجعت کردند.
خداوند هر کس را که بخواهد با یاری خود تقویت می کند و این عبرتی است برای صاحبان خرد و بینش.قد کان لکم ایةٌ فی فئتین التقتا فئةٌ تقاتلُ فی سبیل الله و اُخری کافرةٌ یرونهم مثلهم رأی العین و الله یؤیّدُ بنصره من یشاء انّ فی ذلک لعبرةً لاولی الابصار(۱۳-۳)
(۱۳-۳) (۵الی۱۹-۸)(۴۱الی۴۹-۸) (۶۵الی۶۷-۸)(۴۵-۵۴)

نبرد بنی قینقاع

حضرت رسول بعد از درگیری با کفار قریش ، فاتحانه به مدینه برگشت و یهودیان مدینه را در بازار قینقاع جمع کرد و به آنها فرمودند: از خدا بر حذر باشید تا به چنین سرنوشتی دچار نشوید . ولی این گروه از کار خود راضی بودند و خود را مرد کارزار معرفی کردند که آیه نازل شد.
خداوند به پیامبر فرمودند: به کافران بگو، به زودی مغلوب خواهید شد.(در دنیا خوار و در قیامت بسوی جهنم محشور و رانده خواهند شد)
قل للّذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنمّ و بئس المهاد(۱۲-۳)

نبرد احد

بخاطر بیاور ای پیامبر آن روز را که صبحگاهان از مدینه از میان بستگان و اهل خود بیرون آمدی تا برای مؤمنان پایگاههائی برای نبرد با دشمن آماده سازی و خداوند شنوا و داناست.
و اذ غدوت من اهلک تبوئُ المؤمنین مقاعد للقتال و الله سمیعٌ علیمٌ(۱۲۱-۳)
(۱۲۱الی۱۲۸-۳)(۱۳۹الی ۱۴۵-۳)(۱۴۹الی ۱۶۰-۳) (۱۶۴الی ۱۷۱-۳)

نبرد حمراءالاسد

لشکر ابوسفیان در پایان جنگ احد پس از پیروزی به سرعت راه مکه را در پیش گرفتند و هنگامی که به سرزمین "روحاء "رسیدند از کار خود سخت پشیمان شدند و تصمیم گرفتند به مدینه باز گردند و بقیه مسلمانان را نابود کنند . ولی با برخورد با مشرکی بنام "معبد خزاعی " ناگهان روحیهٔ آنها ضعیف شد زیرا او گفت: محمد(ص) را دیدم با لشکر انبوهی در تعقیب شماست.

پس لشکر ابو سفیان عقب نشینی کرد ه ولی ساکت ننشست و به پیامبر خبر داد که ابو سفیان و بت پرستان قریش با لشکر انبوهی به سوی مدینه می آیند تا بقیهٔ یاران پیامبر را از پای در آورند .

آیه می فرماید : آنهائی که بعد از جراحات روز احد دعوت خدا ورسول را اجابت کردند از میان این افراد برای آنها که نیکی کردند و تقوی پیش گرفتند یعنی خالصانه در میدان جنگ شرکت کردند پاداش بزرگی خواهد بود.

الّذین استجابوا الله و الرّسول من بعد ما اصابهم القرح للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجرٌ عظیمٌ(۱۷۳-۳)

نبرد بنی النضیر

در سرزمین مدینه سه گروه از یهود زندگی می کردند " بنی نضیر –بنی قریظه- بنی قینقاع"

ولی بر خلاف اشتیاقی که برای دیدن حضرت رسول داشتند و بخاطر همین موضوع به مدینه آمده بودند با دشمنان حضرت متحّد شده و بر ضد محمد(ص) حرکت کردند.

او خدایی است که گروه کافران اهل کتاب را از خانه هایشان بیرون راند (در نخستین برخورد با مسلمانان) . شما گمان نمی کردید که آنها خارج شوند چون خودشان گمان می کردند که صاحب دژ محکمی هستند که آنها را از عذاب الهی مانع می شود.

ولی خداوند به گونه ای که گمان نمی کردند به سراغشان آمد و در دلهایشان رعب ووحشت انداخت بطوریکه خانه های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان (یاری ملائکه) ویران کردند پس عبرت بگیرید ای صاحبان بینش و خرد.

هو الّذی اخرج الّذین کفروا من اهل الکتاب من دیارهم لاوّل الحشر ما ظننتم ان یخرجوا و ظنّوا انهّم ما نعتهم حصونهم من الله فاتاهم الله من حیث لم یحتسبوا و قذف فی قلوبهم الرّعب یخرجون بیوتهم بایدیهم و ایدی المؤمنین فاعتبروا یا اولی الابصار (۲-۵۹) (۳الی ۵-۵۹)(۱۱الی ۱۴-۵۹)

نبرد خندق

نبرد احزاب یا خندق که در آن مسلمانان برای پیروزی به کندن خندق در اطراف مدینه مشغول شدند و این جنگ به پیروزی مسلمانان تمام شد با آنکه لشکر اسلام سه هزار نفر و لشکر کفر ده هزار نفر بودند. ای کسانیکه ایمان آورده اید نعمت بزرگ خدا را بر خود یاد آورید در آن هنگام که لشکر هایی عظیم به سراغ شما آمدند ما دو طوفان سختی بر آنها فرستادیم و نیز لشگریانی را که آنها نمی دیدند و خداوند بر آنچه انجام می دهد بینا بوده است.

یا ایهاالّذین امنوا اذکروا نعمة الله علیکم اذ جاءتکم جنودٌ فارسلنا علیهم ریحاً و جنوداً لم تروها و کان الله بما تعملون بصیرا(۹-۳۳) آیات دیگر:(۱۰الی۲۵-۳۳)

نبرد بنی قریظه

بعد از بیست ویک شب محاصره یهودیان بنی قریظه ،تصمیم گرفته شد که به آنها پیشنهاد صلح شود و آنها مدینه را ترک کرده و بسوی شام بروند .

اما حضرت نپذیرفتند و لی حکمیت سعد بن معاذ را قبول داشتند . یهودیان می گفتند ما باید با" ابولبابه" مشورت کنیم چون تمام مال و اموال و خانواده او نزد آنها بود . او با بنی قریظه سابقه دوستی داشت .

ابو لبابه " خیانتی به خدا و پیامبر کرد که بعداً پشیمان شد بطوریکه خود را با طنابی به یکی از ستونهای مسجد پیامبر بست و هفت شبانروز نه غذا خورد و نه آب نوشید تا به زمین افتاد . خدا توبه اورا پذیرفت.

ای کسانیکه ایمان آورده اید به خدا و پیامبر ، و امانات خود خیانت نکنید در حالیکه می دانید این گناه بزرگی است. یا ایّهاالّذیّن امنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون(۲۷-۸)

آیات دیگر : (۵۶و۵۷-۸) (۲۶و ۲۷-۳۳)

صلح حدیبیه و بیعت رضوان

فتح بزرگ ، فتح المبین و یا صلح حدیبیه که نصیب پیامبر و یارانش شد.

انّا فتحنا لک فتحاً مبیناً (۱-۴۸)

صلح حدیبیه در سال ششم هجرت در ماه ذی العقده در سفر پیامبر به سوی مکّه رخ داد .در نزدیکی "عسفان" پیغمبر متوجه شد که قریش می خواهد از ورود او به مکه جلوگیری کند.او در زیر درختی با یارانش تجدید بیعت نمود (بیعت رضوان) و بعد از آمدن نماینده پیامبر از مکه و شور ومشورت با اشراف قریش پیمان صلحی منعقد شد که این پیمان عدم تعرض همه جانبه بود که به جنگهای مسلمانان و مشرکان پایان می داد.

آیات سوره فتح (۱الی ۲۶-۴۸)

نبرد خیبر

هنگامی که پیامبر از حدیبیه بر گشت . خداوند مسلمانان شرکت کننده در حدیبیه را به فتح خیبر مژده داد و تصریح فرمود که آنها فقط در جنگ شرکت کنند و غنائم نیز برای آنهاست ولی متخلّفان حدیبیه از جریان آگاه می شوند و از موقعیت سوء استفاده می کنند.

هنگامی که شما برای بدست آوردن غنائمی حرکت کنید متخلفان می گویند : بگذار ما هم در پی شما بیاییم و در این جهاد شرکت کنیم . آنها قصد دارند کلام خدا را تغییر دهند .

ای پیامبر به آنها بگو: شما هرگز نباید به دنبال ما بیایید و حقّ شرکت در این میدان را ندارید. خداوند غنائم جنگ را ویژه اهل حدیبیه می داند . ولی متخلفان دست بر نمی دارند و می گویند اینطور نیست شما به ما حسد می ورزید.خداوند در قرآن می فرماید: اینها چیزی نمی فهمند جزء اندکی . "ریشهٔ تمام نادانی و بدبختی آنها در جهلشان است که به ثروت دنیا اهمیت می دهند و تکذیب خدا و رسول را دارند.

سیقول المخلّفون اذاانطلقتم الی مغانم لتاخذوها ذرونا نتبعکم یریدون ان یبدّلوا کلام الله قل لن تتبعونا کذالکم قال الله من قبل فسیقولون بل تحسدوننا بل کانوا لا یفقهون الا قلیلاً(۱۵-۴۸)(۱۶-۴۸)

نبرد تبوک

جنگ تبوک یک وضع استثنایی داشت توام با مقدماتی پیچیده و مشگل که قران مؤمنین را به جهاد تشویق می کند و مسامحه کاران را سرزنش می کند.

همگی به سوی میدان جهاد حرکت کنید خواه سبکبار باشید یا سنگین بار و در راه خدا با اموال و جانها جهاد کنید این به نفع شماست اگر بدانید.

انفروا خفافاً و ثقالاً و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله ذلکم خیرٌ لکم ان کنتم تعلمون (۴۱-۹)و بقیه آیات (۴۱الی ۱۱۸-۹)

فتح مکّه

رؤیای صادقانه پیامبر (ص) که جریان فتح مکه را در بر داشت و ایشان آن را برای یاران خود تعریف کرد. زمانیکه پیامبر (ص) در حدیبیه بود مشرکان راه مکه را بر روی او و یارانش بستند وهمه در مورد خواب پیامبر مردّد بودند.

قرآن می فرماید: خداوند آنچه را که صدق بود در رؤیا به پیامبر نشان داد و همانا البتّه همه شما بخواست خدا به مسجد الحرام وارد می شوید در حالیکه سر های خود را تراشیده یا ناخنهای خود را کوتاه کرده (تقصیر) و از هیچ کس ترس ندارید . خداوند چیزهائی می داند که شما نمی دانید و به غیر از این خداوند فتح نزدیکی برای شما قرار داده است.

لقد صدق الله رسوله الرّویا بالحق لتدخلنّ المسجد الحرام ان شاء الله امنین محلقین روسکم و مقصّرین لا تخافون فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلک فتحاً قریباً (۲۷-۴۸)

نبرد حنین و طائف

خداوند شما را در میدان های بسیاری یاری کرد و در روز حنین شما را یاری نمود . فزونی و کثرت شما باعث تعجب شد و لی هیچ مشکلی را برای شما حلّ نکرد و سودی نبردید . زمین به آن فراخی بر شما تنگ شد وهمه رو به فرار نهادید . آنگاه خدای قادر مطلق وقار وآرامش خود را بر رسول خود و

بر مؤمنان نازل فرمود و سپاهیانی از فرشتگان که شما نمی دیدید به کمک شما فرستاد و نصیب کافران عذاب و ذلّت شد این است کیفر کافران.
لقد نصرکم الله فی مواطن کثیرة و یوم حنین اذ اعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً و ضاقت علیکم الرض بما رحبت ثمّ ولیّتم مدبرین (۲۵-۹)
ثمّ انزل الله سکینة علی رسوله و علی المؤمنین و انزل جنوداً لم تروها و عذّب الّذین کفروا و ذلک جزاءالکافرین(۲۶-۹)

بخش سی و سه

جرائم

قتل نفس و عقوبتهای آن

قصاص:

ای کسانیکه ایمان آورده اید حکم قصاص در برابر کشته شدگان بر شما نوشته شده است .
آزاد در برابر آزاد ، برده در برابر برده ، و زن در برابر زن (اولیای مقتول حق دارند نسبت به قاتل همان را انجام دهند که او مرتکب شده یعنی مساوات را رعایت کنند)و اگر کسی از ناحیهٔ برادر دینی خود مورد عفو قرار گرفت (حکم قصاص با رضایت طرفین به خونبها تبدیل شود)پس باید از روش پسندیده ای پیروی کند و دیه را به نیکی پرداخت کند. این تخفیف و رحمتی است از ناحیهٔ پروردگارتان
پس کسی که از حد خود تجاوز کند عذاب دردناکی در انتظار اوست.
یا ایها الّذین امنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی الحّر بالحّر و العبد بالعبد و الانثی الیه باحسان بالانثی فمن عفی له من اخیه شیء فاتباع بالمعروف و اداءٌ الیه باحسان ذلک تخفیفٌ من ربّکم و رحمةٌ فمن اعتدی بعد ذلک فله عذابٌ الیمٌ (۱۷۸-۲)

ای خردمندان قصاص مایهٔ حیات است باشد که تقوی پیشه کنید.
و لکم فی القصاص حیوةٌ یا اولی الالباب لعّلکم تتقون (۱۷۹-۲)

هر گاه کسی انسانی را بدون ارتکاب قتل و بدون فساد در روی زمین به قتل برساند چنان است که گویا همهٔ انسانها را به قتل رسانده است و کسی که انسانی را از مرگ نجات دهد گویا همهٔ انسانها را از مرگ نجات داده است.

.....انّه من قتل نفساً بغیر نفس او فساد فی الارض فکانّما قتل النّاس جمیعاً و من احیاها فکانّما احیا النّاس جمیعاً و لقد جاءتهم رُسُلنا بالبیّنات .....(۳۲-۵)

قانون قصاص در کتب آسمانی : ما در تورات قانون قصاص را مقرر داشتیم .اگر کسی عمداً بیگناهی را به قتل برساند اولیای مقتول می توانند قاتل را در مقابل اعدام نمائید ؛ چشم در مقابل چشم ،گوش در مقابل گوش ، دندان در مقابل دندان . هر جراحتی به دیگری قصاص دارد . ولی اگر از قصاص بگذرد و عفو کند (یعنی از حق خود بگذرد) کفاره ای برای گناهان او محسوب می شود . کسانی که بر طبق حکم خداوند داوری نکند ، ستمگرند.

و کتبنا علیهم فیها انّ النّفس بالنّفس و العین بالعین و الانف بلانف و الاذن بالاذن والسّن بالسّن و الجروح قصاص فمن تصّدق به فهو کفّارةٌله و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الظّالمون(۴۵-۵)

در مجازات از حق و حقوق خود تعدی نکنید اگر شکیبائی از خود نشان دهید این برای شما بهتر است.

و ان عا قبتم فعاقبوا بمثل ما عو قبتم به و لئن صبرتم لهو خیرٌ للصّابرین.(۱۲۶-۱۶)

جزای بدی بدی است مگر کسی عفو کند و امور را اصلاح کند اجر او با خدا است همانا خداوند ظالمین را دوست ندارد. (۴۰-۴۲)

قتل عمد

هر کس فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند مجازات او جهنم است که مخلد در آن است و خداوند بر او غضب می کند و از رحمت خود دور می سازد و عذابی عظیم برای او آماده می سازد.

و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤهُ جهنّم و خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعدّ له عذاباً عظیماً

(۴-۹۳)

قتل غیر عمد

برای هیچ مؤمنی مجاز نیست که فرد با ایمانی را جز از روی خطا به قتل برساند و کسی که مؤمنی را از روی خطا به قتل برساند باید یک برده مؤمن را آزاد کند و خونبهایی به کسان او بپردازد مگر اینکه خاندان مقتول با رضایت خاطر از دیه بگذرند.اگر خانواده مقتول مؤمن از خاندانی باشد که با مسلمانان خصومت دارند در این حال آزاد کردن بردهٔ مسلمان کفارهٔ قتل خطا است . و اگر خاندان مقتول از کفّاری باشند که با مسلمانان عهد و پیمان یکسو دارند در این صورت به احترام پیمان هم برده مسلمان آزاد کنند و هم خونبها را به بازماندگان او بپردازند. اگر امکان آزاد کردن برده نبود دو ماه پی در پی روزه بگیرند خداوند دانا و حکیم است و بر طبق حکم خود عمل می کند و این تخفیف (دو ماه روزه) توبهٔ الهی است.
ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الاّ خطاً و من قتل مؤمناً خطاً فتحریر رقبةِ مؤمنةِ و دیةٌ مسلمةٌ الی اهله الاّ یصّدقوا فان کان من قومِ عدوٌ لکم و هو مؤمن فتحریر رقبة مؤمنةِ و ان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیةٌ مسلّمةٌ الی اهله و تحریر رقبةِ مؤمنةِ فمن لم یجد فصیامُ شهرین متتابعین تو بةً من الله و کان الله علیماً حکیماً (۴-۹۲)

تحریم قتل نفس مگر به حق

خداوند نمی خواهد دستهای شما به خون بی گناه آلوده گردد اینها اموری است که خداوند به شما توصیه کرده تا آنرا در یابید.
..... ولا تقتلوا النفس التّی حرّم الله الاّ بالحقّ ذلکم وصّاکم به لعّلکم تعقلون (۶-۱۵۱)

کسی را که خدا خونش را بر شما حرام کرده نکشید مگر به حق و کسی که مظلومانه به قتل رسیده برای ولی او سلطه قرار دادیم ولی او نباید بیش از حد مطالبه کند و در قتل اسراف نماید چرا که مورد حمایت است.
و لا تقتلوا النّفس التّی حرّم الله الاّ بالحقّ و من قُتل مظلوماً فقد جعلنا لولیّه سلطاناً فلا یُسرف فی القتل انّه کان منصوراً(۱۷-۳۳)

نهی از انتحار

خودکشی نکنید خداوند نسبت به شما مهربان است.

.....و لا تقتلوا انفسکم انّ الله کان بکم رحیماً(۲۹-۴)

نهی از کشتن فرزندان
از ترس فقریا سقط جنین

کسانی که فرزندان خود را از روی سفاهت و جهل کشتند ویا سقط کردند زیان کردند . و آنچه را که خداوند روزی آنها کرد حرام کردند و بر خدا افترا زدند آنها مسلما گمراه شدند و آنها هیچ گاه در مسیر هدایت قرار نگرفته بودند.

قد خسر الّذین قتلوا او لادهم سفهاً بغیر علم و حرمّوا ما رزقهم الله افتراءً علی الله قد ضلّوا و ما کانوا مهتدین(۱۴۰-۶)(۱۵۱-۶)(۱۲-۶۰)

نهی از کشتن دختران

دختر داشتن در زمان جاهلیت عیب و ننگ بشمار می آمد.

زمانیکه به یکی از آنها بشارت داده می شود که خداوند به تو دختری داده است آنچنان چهره درهم می کردند که سیاهی در صورتش نمایان می شود و مملو از خشم و غضب متواری شده از قوم خود از این مژده بد ، و با ناراحتی دائما از خود می پرسد ، او را نگهدارم یا زنده به گور کنم . چه بد حکم می کنند.

و اذا بشّر احدهم بالانثی ظلّ وجههُ مسوداً و هو کظیم (۵۸-۱۶)

یتواری من القوم من سوء ما بشّر به أیمسکه علی هون ام یدسّهُ فی التّراب الا ساء ما یحکمون(۵۹-۱۶)

شراب و نهی از آن

از تو در بارهٔ شراب و قمار سئوال می کنند بگو این دو گناه بزرگی است و منافعی ظاهری برای مردم دارد ولی گناه آنها از نفعشان بیشتر است.
یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثمٌ کبیرٌ و منافع للنّاس و اثمهما اکبرُ من نفعهما..... (۲۱۹-۲)

ای کسانیکه ایمان آورده اید به نماز نزدیک نشوید در حالیکه شما مست هستید تا بدانید چه می گوئید.
یا ایّها الّذین امنوا لا تقربوا الصلوة و انتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون ....(۴۳-۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید شراب و قمار و بتها و ازلام (نوعی برد و باخت) پلیدند و از عمل شیطان است برای اینکه رستگارشوید از آنها دوری فرمائید.
یا ایّهالذّین امنوا انّما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجسُ من عمل الشیطان فاجتنبوهُ لعّلکم تفلحون(۹۰-۵)

شیطان می خواهد اینکه بین شما عداوت و دشمنی بپاشد از طریق شراب و قمار و شما را از یاد خدا باز دارد. آیا شما خوداری خواهید کرد!
انّما یریدُ الشیطان ان یوقع بینکم العداوةَ و البغضاء فی الخمر و المیسر و یصّدکم عن ذکر الله و عن الصّلوة فهل انتم منتهون (۹۱-۵)

عقوبت زنا

زنا عمل بسیار زشتی است و نزدیک آن نشوید.
و لا تقربوا الزّنا انّه کان فاحشةً و ساء سبیلاً (۳۲-۱۷)

هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید که در دین رأفت به آندو وارد نشده اگر ایمان به خدا و روز آخرت دارید گروهی از مؤمنان را در مجازات آندو شاهد بگیرید.

الزانية و الزانی فاجلدوا کلّ واحدٍ منهما مائةَ جلده و لا تأخذکم بهما رأفةٌفی دین الله ان کنتم تومنون بالله و الیوم الاخر و لیشهد عذابهما طائفةٌمن المؤمنین (۲-۲۴)

کسانی که برای خدا شریک قائل نیستند و انسانی را جز به حق به قتل نمی رسانند و زنا وعمل زشت و بی عفتی ندارند ولی اگر به انجام این امور مبادرت کنند مجازات آنرا خواهند دید.
والذیّن لا یدعون مع الله الهاً اخر ولا یقتلون النّفس التّی حرّم الله الّا بالحقّ و لا یزنون و من یفعل ذلک یلق اثاماً(۶۸-۲۵)

عقوبت لواط

اگر از زنان شما مرتکب زنا شدند چهار نفر از مسلمانان را به عنوان شاهد بر آنها بیاورید . اگر گواهی به زنا دادند پس زنان را در خانه های خود حبس کنید تا مرگ آنها فرا رسد (حبس ابد برای زنان شوهر دار که عمل منافی عفت دارند)و یا راه نجاتی را خداوند برای آنها قرار دهد (توبه) .
و اللاّتی یاتین الفاحشة من نسائکم فاستشهدوا علیهّن اربعةً منکم فان شهدوا فامسکوهنّ فی البیوت حتّی یتو فّهنّ الموت او یجعل الله لهنّ سبیلاً(۱۵-۴)

آنهائی که عمل منافی عفت را انجام می دهند و همسر ندارند هر دو را مجازات کنید.اگر توبه کردند و خودشان را اصلاح کردند و عمل گذشته را جبران کنند از مجازات آنها صرفنظر کنید زیرا خداوند توبه پذیر و مهربان است.

و اللّذان یاتیانها منکم فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما انّ الله کان توّاباً رحیماً (۱۶-۴)

سرنوشت دردناک قوم لوط ، لوط زمانیکه به قوم خودش گفت : آیا عمل زشت و ننگین لواط را انجام می دهید که احدی از جهانیان تا کنون مرتکب آن نشده اند.
و لوطاً اذ قال لقومه أتاتون الفاحشة ما سبقکم بها من احدٍ من العالمین(۸۰-۷)

شما از روی شهوت بسراغ مردان می روید و از زنان صرف نظر می کنید . شما قومی هستید که از حدود الهی پا را فراتر گذاشته و در انحراف افتاده اید.
انّکم لتاتون الرّجال شهوةً من دون النساء بل انتم قومٌ مسرفون (۸۱- ۷)

قوم جواب لوط را دادند : لوط و پیروانش را از شهر بیرون کنید زیرا آنها مردمی پاکند و گناه نمی کنند. و ما کان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوهم من قریتکم انّهم اُناسٌ یتطّهرون (۸۲-۷)

حکم الهی بر ستمگری قوم لوط و نابودی آنها : ای لوط ما فروستادگان پروردگار توایم آنها هرگز دسترسی به تو پیدا نخواهند کرد . تو شب هنگام در دل تاریکی خانواده ات را با خود بردار و از این سرزمین بیرون برو، ولی هیچ یک از شما به پشت سرش نگاه نکند.
تنها کسی که از این دستور تخلّف خواهد کرد و به همان بلایی که به قوم گناهکار می رسد دچار می شود همسر معصیت کار توست، لحظّ عذاب صبح است مگر صبح نزدیک نیست.
قالوا یا لوط انّا رسل ربّک لن یصلوا الیک فاسر باهلک بقطع من اللّیل و لا یلتفت منکم احدٌ الا إمرَأتک انّه مصیبها ما اصابهم انّ موعدهم الصبح ألیس الصبح بقریب(۸۱-۱۱)

زمانیکه فرمان ما فرا رسید آن سرزمین را زیرو رو کردیم و بارانی را از سنگ و گل های متراکم بر روی هم بر سر آنها فرو آوردیم.
فلمّا جاء امرنا جعلنا عالیها سافلها و امطرنا علیها حجارةً من سجیلٍ منضود(۸۲-۱۱)

تهمت به زنان محصنه

کسانی که زنان پاکدامن را متهم به عمل منافی عفت می کنند و سپس چهار شاهد بر مدعای خود نمی آورند آنها را هشتاد تازیانه بزنید.هرگز شهادت آنها را نپذیرید و آنها همان فاسقانند.مگر توبه کنند وکار خود را اصلاح کنند.

و الّذين يرمون المحصنات ثّم لم ياتوا باربعة شهداء فاجلدوهم ثمانين جلدة و لا تقبلوا لهم شهادة ابداً و اولئک هم الفاسقون (۴- ۲۴) الا الذين تابوا من بعد ذلک و اصلحوا فان الله غفورٌ رحيمٌ (۵-۲۴)

کسانی که دوست می دارند زشتيها و گناهان قبيح در ميان افراد اشاعه يابد عذاب دردناکی در دنيا و آخرت دارند.
انّ الّذين يحبّون ان تشيع الفاحشة فی الذين امنوا لهم عذابٌ اليمٌ فی الدنيا و الاخرة (۱۹-۲۴)

آنهائی که نسبتهای ناروا به زنان پاکدامن و مؤمن و پاک ازهر آلودگی می دهند در دنيا وآخرت از رحمت خداوند بدور هستند و عذابی بزرگ و عظيم در انتظار آنهاست.
انّ الذين يرمون المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا فی الدنّيا و الاخرة و لهم عذابٌ اليمٌ
(۲۳-۲۴)(۲۴و۲۵-۲۴)

جريمه سرقت وعقوبت آن

دست زن ومرد سارق را قطع کنيد. (در روايات اهل بيت (ع) استفاده می شود که تنها چهار انگشت از دست راست بريده شود نه بيشتر) اين کيفر اعمالی است که انجام دادهاند و مجازاتی است از طرف خدا و خداوند حکيم و تواناست.
و السّارق و السّارقة فاقطعوا ايديهما جزاءً بما کسبا نکالاً من الله و اللهُ عزيزٌ حکيمٌ(۳۸-۵)

مجازات مرتدين

هر کس از شما از دين خود برگردد(مرتد شود) بميرد در حاليکه کافر است تمام اعمال نيک او در دنيا و آخرت بر باد می رود و آنها اهل دوزخ اند و درآن جاودان هستند.
.....من ير تدد منکم عن دينه فيمُت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم فی الدنيا و الاخرة و اولئک اصحاب النّار هم فيها خالدون(۸۵-۳)

هر کس غیر از اسلام آیینی برای خود انتخاب کند از او پذیرفته نیست و در آخرت از زیانکاران هستند.و من یبتغ غیر الاسلام دیناً فلن یُقبل منهُ و هو فی الاخرةِ من الخاسرین.(۸۵-۳)

لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسانی باد که بعد از ایمان و شهادت به حقانیت رسول و شناختن بینّه های الهی کافر شدند و جمعیت ستمکاران را خدا هدایت نمی کند.
کیف یهدی الله قوماً کفروا بعد ایمانهم و شهدوا انّ الّرسول حقّ و جاءهم البیّنات و الله لا یهدی القوم الظالمین (۸۶- ۳)
جزای آنها لعنت خدا و ملائکه و جمیع مردم را به دنبال دارد.
اولئک جزاؤهم انّ علیهم لعنة الله و الملائکة و النّاس اجمعین (۸۷-۳)

کسانی که بعد از ایمان کافر شدند و سپس بر کفر خود بیافزایند هیچ گاه توبه آنها قبول نمی شود و ایشان راه خدا و راه توبه را گم کرده اید.
انّ الذّین کفروا بعد ایمانهم ثّم ازدادوا کفراً لن تقبل توبتهم و اولئک هم الضّالون(۹۰-۳)

کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند اگر تمام روی زمین پر از طلا باشد و آنرا به عنوان "فدیه "بپردازند هرگز از آنها پذیرفته نخواهد شد.
انّ الذّین کفروا و ماتوا و هم کفارٌ فلن یقبل من احدهم ملُ الارض ذهباً و لو افتدی به اولئک لهم عذابٌ الیمٌ و مالهم من ناصرین (۹۱-۳)

کسی که بعد از ایمان کافر شود (غیر از آن دسته که از روی اجبار اظهار کفر کرده اند در صورتی که قلبشان مطمئن و مملو از ایمان است) چنین افرادی سینهٔ خود را برای کفر گشوده و غضب خدا بر آنهاست و عذابی عظیمی در انتظارشان است.
من کفر بالله من بعد ایمانه الا من اکره و قلبه مطمئنٌ بالایمان و لکن من شرح بالکفر صدراً فعلیهم غضبٌ من الله و لهم عذابٌ عظیمٌ (۱۰۶-۱۶)

بخش سی و چهار
نکات اخلاقی
اطاعت از والدین

اطاعت والدین بعد از یکتا پرستی در قرآن:
از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که خداوند یگانه را پرستش کنید و به پدر و مادر نیکی کنید.
و اذ اخذ نا میثاق بنی اسرائیل لا تعبدون الا الله و بالوالدین احساناً.....(۸۳-۲)

خداوند را بپرستید و مشرک نشوید و به والدین نیکی کنید.
و اعبدوا الله و لا تشرکوا به شیئاً و بالوالدین احسانا (۳۶-۴)

آنچه که خداوند حرام کرده یکی شرک است و دیگر احسان نکردن به والدین .
قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم الا تشرکوا به شیئاً و بالوالدین احساناً (۱۵۱-۶)

پروردگارت فرمان داده که جز او را نپرستید و به والدین احسان کنید و هر گاه یکی از آنها و یا هر دو آنها نزد تو به سن پیری و شکستگی برسند حتی" اف" به آنها نگوئید وبر سر آنها فریاد نزنید بلکه با گفتار سنجیده و لطیف و بزرگوارانه با آنها سخن بگوئید.
و قضی ربّک الا تعبدوا الا ایّاه و بالوالدین احساناً امّا یبلغنّ عندک الکبر احدهما او کلاهما فلا تقل لهما افّ و لا تنهر هما و قل لهما قولاً کریما (۲۳-۱۷)
در برابر والدین نهایت فروتنی را نشان بده و بالهای تواضع خود را در برابر شان با محبّت و لطف فرود آر و بگو ، پروردگارا آنها را مشمول رحمت خویش قرار ده همانگونه که در کودکی مرا تربیت کرده اند.
واخفض لهما جناح الذّل من الرحمة و قل ربّ ارحمهما کما ربیّانی صغیراً. (۲۴-۱۷)

ما به انسان سفارش کردیم که به پدر ومادر نیکی کند.
ووصیّنا الانسان بوالدیه احساناً(۱۵-۴۶)

بقیه آیات: (۸-۲۹)(۱۴و۱۵-۳۱)

صله ارحام و نهی از قطع صله

همانطور که در برابر هر کاری پرهیزگاری دارید و خدا را می نامید قطع صله نکنید ...
.....و اتقوالله الّذی تساءلون به و الارحام انّ الله کان علیکم رقیبا (۱-۴)

امر خدا به عدل و احسان و سفارش بخشش به نزدیکان.
انّ الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتای ذی القربی ....(۹۰-۱۶)

اگر از راه خدا جدا شوید و برگردید و در زمین فساد کنید و صلهٔ ارحام را قطع کنید آیا امیدی دیگر بر ای شما می ماند.
فهل عسیتم ان تولیتم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم(۲۲-۴۷)

نیکی کردن بر همسایه

به خویشاوندان نیکی کنید و حق یتیمان را بپردازید و به آنها نیکی کنید و مسکین و مستمند را یاری دهید. و در حق همسایگان حتّی آنها ئی که دور هستند نیکی کنید و به دوستان و همنشینان و واماندگان در راه و بردگان احسان کنید.
.....و بذی القربی و الیتامی و المساکین والجار ذی القربی و الجار الجنب و الصاحب بالجنب و ابن السبیل و ما ملکت ایمانکم.....(۳۶-۴)

تحیت و سلام و وجوب سلام به آن

زمانیکه کسی به شما تحیّت گوید پاسخ آنرا بهتر بدهید یا لااقل بطور مساوی پاسخ دهید . خداوند حساب همه چیز را می داند.

و اذا حییّتم بتحیة فحیّوا باحسن منها او ردّوها انّ الله کان علی کلّ شیء حسیباً (۸۶-۴)

چون وارد خانه ای شدید بر خویشتن سلام کنید سلام و تحیّتی از سوی خداوند ، سلامی پر برکت و پاکیزه.
.....و اذا دخلتم بیوتاً فسلّموا تحیّة من عندالله مبارکةً طیبة.....(۶۱-۲۴)

اجازه ورود

ای کسانی که ایمان آورده اید در خانه ای غیر از خانه خود بدون اجازه وارد نشوید بعد بر اهل خانه سلام کنید . این برای شما بهتر است شاید متذکّر شوید.
یا ایّهاالّذین امنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتیّ تستانسوا و تسّلموا علی اهلها ذلکم خیرّ لکم لعلّکم تذکّرون (۲۷-۲۴)

اگر کسی را در خانه نیافتید وارد آنجا نشوید تا به شما اجازه دهند . و اگر گفتند باز گردید پس باز گردید که برای شما بهتر و پاکیزه تراست.و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.
و ان لم تجدوا فیها احداً فلا تدخلوا ها حتیّ یؤذن لکم و ان قیل لکم و ارجعوا فارجعوا هو ازکی لکم و الله یعلم بما تعلمون علیم(۲۸-۲۴)

خداوند آیات خود را برای شما تبین وروشن می کند .زمانیکه کودک شما به سن بلوغ رسید پس باید اجازه بگیرد همچنانکه کسانی قبل از ایشان اجازه می گرفتند.
و اذا بلغ الاطفال منکم الحلم فلیستاذنوا کما استأذن الّذین من قبلهم کذلک یبیّن الله لکم ایاته و الله علیمُ حکیمُ(۵۹-۲۴)

جا دادن به دیگران در مجالس

ای کسانیکه ایمان آورده اید زمانیکه در مجالس به شما گفته می شود :جا دهید ! پس وسعت دهید تا خدا به شما وسعت دهد.و زمانیکه به شما گفته می شود بر خیزید ، بر خیزید که خداوند درجات علمی ایمان آورندگان و مطیعان را می افزاید.

یا ایّهاالذین امنوا اذا قیل لکم تفسّحوا فی المجالس فافسحوا یفسح الله لکم و اذا قیل انشزوا فانشزوا یرفع الله الذیّن امنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات.....(۱۱-۵۸)

خوش زبانی در گفتار

بامردم به نیکوئی سخن بگوئید.....و قولوا للنّاس حسناً.....(۸۳-۲)

آنهائی که بر خود مسلط هستند و خشمگین نمی شوند و سخن زشت بر زبان نمی آورند و با مردم مدارا می کنند و از خطای آنان در می گذرند اینها محسنین و نیکو کارانند و خداوند آنها را دوست دارد.

.....و الکاظمین الغیظ و العافین عن النّاس و الله یحبّ المحسنین (۱۳۴-۳)

مردم را به راه پروردگارتان فرا خوانید ۱- با آموختن حکمت ۲- با اندرزهای نیکو ۳-با مخالفان به طریقی که نیکو تر است به مناظره بپردازید.

ادع الی سبیل ربّک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالّتی هی احسن (۱۲۵-۱۶)

به بندگان من بگو که سخن نیکو و آنچه را که بهتر است بگویند .شیطان بین آنها فتنه بر می انگیزد اگر کلامشان با خشونت همراه باشد که شیطان برای انسان دشمنی آشکار است.

و قل لعبادی یقولوا التّی هی احسن انّ الشیطان ینزع بینهم انّ الشیطان کان للانسان عدواً مبیناً(۵۳-۱۷)

بدی را به بهترین راه و روش دفع کن (نه در برخورد با دشمن)ما آگاهتریم به آنچه که توصیف می کنند.

ادفع بالّتی هی احسن السیئة نحن اعلم بما یصفون(۹۶-۲۳)

بندگان خاص خداوند رحمان کسانی هستند که روی زمین بی تکبر راه می روند و زمانیکه جاهلان آنها را مورد خطاب قرار می دهند حلم و بردباری دارند . در پاسخ آنها سلام می گویند .(سلامی نه از روی محبّت و پیوند دوستی و نه از سوی بی اعتنائی)
و عباد الرّحمن الّذین یمشون علی الارض هوناً و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً(۶۳-۲۵)

با اهل کتاب مجادله نکنید مگر به روشی که از همه بهتر است(صدا را بلند نکنید لحن صدا دوستانه باشد بدور از خشونت و هتک حرمت) مگر کسانی که مرتکب ظلم و ستم شدید شدند و بگوئید ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده است ایمان داریم و معبود ما و شما یکی است و ما تسلیم شدگان هستیم.
و لا تجادلوا اهل الکتاب الا بالّتی هی احسن الا الّذین ظلموا منهم و قولوا امنّا بالّذی انزل انزل الینا و انزل الیکم و الهنا و الهکم واحدٌ و نحن له مسلمون (۴۶-۲۹)

ای کسانیکه ایمان آورده اید پرهیزگار باشید و تقوی پیشه کنید و گفتارتان حق باشد تا جلوی سخنان بیهوده و باطل را بگیرید.
یا ایّها الذین آمنوا اتقّو الله و قولوا قولاً سدیداً (۷۰-۳۳)

هرگز نیکی و بدی مساوی نیست . بدی را با نیکی دفع کن همانگاه که بین تو و بین او دشمنی است گویی که دوستی گرم و صمیمی است.
و لا تستوی الحسنة و لا السیئة ادفع بالّتی هی احسن فاذا الّذی بینک و بینه عداوة کانّه ولّی حمیمٌ (۴۱-۳۴)

پرهیز از لغو گویی

بندگان خاص خدا کسانی هستند که از سخنان لغو و بیهوده اعراض می کنید.(۳-۲۳)

آنها کسانی هستند که هرگز شهادت به باطل نمی دهند (در مجالس باطل شرکت نمی کنند و از موسیقی اعراض دارند) و زمانیکه با لغوی روبرو می شوند بزرگوارانه از کنار آن می گذرند.
والذین لا یشهدون الزوّر و اذا مرّوا بالغو مروّا کراماً(۷۲-۲۵)

بندگان خاص خداوند کسانی هستند که زمانیکه لغوی را شنیدند از آن اعراض می کنند و به آنها می گویند :اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن شماست . درود بر شما ما طالب جاهلان نیستیم.
(۲۸-۵۵)

استقامت

در انجام طاعت الهی و وظایف الهی و پیاده کردن تعلیمات قرآن استقامت کن و آنهائی که همراه تو شده اند از توبه کنندگان اند . خداوند از اعمال شما آگاه است پس طغیان نکنید.
فاستقم کما امرت و من تاب معک و لا تطغوا انّه بما تعملون بصیر.(۱۱۲-۱۱)

بگو ای پیامبر من بشری مثل شما هستم و خدا یکی است و غیر آن نیست و این بر من وحی شده پس تمام توجه خویش را به این معبود یکتا کنید و از گناهان شرک آمیز طلب مغفرت کنید.
قل انّما انا بشرٌ مثلکم یوحی الیّ انّما الهکم اله واحدٌ فاستقیموا واستغفروه (۶-۴۱)

هوای نفس را پیروی نکن پس انسانها را بسوی این آئین واحد دعوت کن و استقامت بر دین داشته باشید همچنانکه به شما دستور داده شده است.
فلذلک فادع و استقم کما امرت و لا تتّبع اهوائهم.....(۱۵-۴۲)

معنای صبر وصابران

از صبر و نماز یاری جوئید و این برای خاشعان سنگین و گران است. (در گرفتاریها بسوی نماز روی آورید و صبر داشته باشید)

نماز اوج معرفت است پس باید خضوع و خشوع را در آن فراموش نکرد وتمام حواس ظاهری و باطنی باید معطوف به آن باشد.
و استعینوا بالصّبر و الصلوة و انّها لکبیرةٌ علی الخاشعین (۴۵-۲)

ای ایمان آورندگان از صبر و نماز یاری جوئید همانا خداوند با صابران است . هر آینه شما را به ترس و گرسنگی و ضرر در مال و جان و کمبود میوه ها می آزمائیم و بشارت ده صابران و پایداران را.
....و لنبلوّنکم بشی من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثّمرات وبشّرالصّابرین (۱۵۵-۲)
متّقیان و پرهیزگاران کسانی هستند که در هنگام محرومیت و فقر و بیماری وجنگ با دشمن صبر و استقامت به خرج می دهند.
.....و الصّابرین فی الباساء و الضّراء و حین البأس اولئک الذّین صدقوا و اولئک هم المتّقون (۱۷۷-۲)
صابرین صبر و استقامت دارند . راستگو هستند . خاضع و فروتن هستند . در راه خدا انفاق کننده هستند. و سحرگاهان از استغفارکنندگان هستند.
الصّابرین و الصّادقین و القانتین و المنفقین و المستغفرین بالاسحار.(۱۷-۳)

صابرین ایمان دارند و در برابر حوادث و مشگلات ایستادگی دارند و در برابر دشمن صبر و استقامت دارند و از مرزهای خود دفاع می کنند و از پرهیزگاران اند.
یا ایهّالذّین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوالله لعلّکم تفلحون(۲۰۰-۳)

اطاعت خدا و پیامبر واجب است پس از نزاع بپرهیزید که شما را سست و ضعیف می کند و قوّت شما را از بین می برد صابر باشبد و استقامت کنید که خداوند با صابرین است.
و اطیعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا انّ الله مع الصابرین (۴۶-۸)

اگر بر شما تعّدی کردند به همان مقدار مجازات کنید نه بیشتر ولی اگر صبر کنید این برای شما بهتر است.
و ان عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به و لئن صبرتم لهو خیرٌ للصّابرین(۱۲۶-۱۶)

لقمان به پسرش بعد از سفارش به اقامه نماز و دعوت مردم به نیکیها و بازداشتن مردم از اعمال زشت و زننده شکیبائی شکیبائی را در برابر مصیبّتها که یکی از کارهای مهّم است می آموزد.
یا بنّی اقم الصلوة وامر بالمعروف وانه عن المنکر واصبر علی ما اصابک انّ ذلک من عزم الامور.(۱۷-۳۱)
اجر و پاداش برای صابرین:
.....انّما یوفّی الصّابرون اجرهم بغیر حساب(۱۰-۳۹)
صبر در برابر حکم پروردگار داشته باش و از هیچ گناهکار و کافری اطاعت مکن.
فاصبر لحکم ربّک و لا تطع منهم اثماً او کفوراً(۲۴-۷۶)
بقیه آیات: (۱۳۰-۲۰)(۳۴و۳۵-۲۲)(۵۹-۲۹)
(۱۰-۳۹)(۳۵-۴۱) (۲۱-۸۵) (۱۷-۹۰) (۳-۱۰۳)

صدق و راستی

آنهائی که در رنجها و ضررها وبهنگام نا امیدی دربرابردشمن صبر واستقامت بخرج می دهند همان پرهیزگاران و راستگویان اند.
.....و الصّابرین فی البأساء و الضّرّاء و حین البأس اولئک الّذین صدقوا و اولئک هم المتّقون(۱۷۷-۲)

راستگویان شک و ریب بخود راه نمی دهند و بخدا ورسول ایمان دارند و با اموال و جانهای خود در راه خدا مجاهده می کنند.

انّما المؤمنون الّذين امنوا بالله و رسوله ثمّ لم يرتابوا و جاهدوا باموالهم و انفسهم فی سبيل الله اولئک هم الصّادقون (۱۱۹-۹)
ای کسانی که ایمان آوردید پرهیزگار باشید و تقوی پیشه کنید و با راستگویان باشید.
یا ایهّا الّذين امنوا اتقّوالله و کونوا مع الصّادقين (۱۱۹-۹)

مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان راستگو و زنان راستگو که خداوند برای آنها آمرزش فراهم کرده که پاداش عظیمی است.
انّ المسلمين و المسلمات ....والصّادقين والصّادقات .....اعدّ الله لهم مغفرة و اجراً عظيماً(۳۵-۳۳)

عفو و گذشت

شما کافران را عفو کنید و گذشت نمائید تا خدا فرمان خودش را بفرستد. خداوند بر هر کاری قادر است.
.....فاعفوا واصفحوا حتّی ياتی الله بامره انّ الله علی کل شیء قدير(۱۰۹-۲)
خداوند نیکو کاران را دوست دارد. آنهایی که بر خشم خود مسلّط اند و از خطای مردم می گذرند .
.....والکاظمين الغيظ و العافين عن النّاس والله يحبّ المحسنين (۱۳۴-۳)

فرمان عفو عمومی :
بر کسانی که توبه واقعی کردند و تصمیم گرفتند که قاطع باشند و توکّل بر خدا کنند.پس دستور می دهد که از تقصیر آنها بگذرد و آنها را مشمول رحمت و عفو خود قرار بده و طلب آمرزش برای آنها کن و در کارها با آنها مشورت کن و نظر آنها بگیر چون خداوند متوکلّین را دوست دارد.
.....واعف عنهم واستغفر لهم و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکّل علی الله انّ الله يحبّ المتوکّلين (۱۵۹-۳)

شما می توانید نیکیهای افراد را اظهار کنید و یا مخفی نمائید مانعی ندارد ولی بدیها را بپوشانید و آشکار نکنید (جز در موارد استثنائی) و آنها که با شما بدی کردند از آنها در گذر و بدان که خداوند قادر است که بندگان شایسته را در امور مختلف بیامرزد با اینکه قدرت انتقام گیری دارد.
ان تبدوا خیراً او تخفوه او تعفوا عن سوء فانّ الله کان عفواً قدیرً(۱۴۹-۴)

یهودیان هر روز به خیانت تازه ای مشغول می شوند مگر دسته ای از آنها که قلیل هستند و به این امور توجه نمی کنند و از خیانت و جنایت دوری می کنند و تو می توانی از این گروه قلیل بگذری که این نیکوکاری است و خداوند نیکو کاران را دوست دارد.
.....ولا تزال تطلع علی خائنة منهم الا قلیلاً منهم فاعف عنهم واصفح انّ الله یحب المحسنین(۱۳-۵)

از کارهای زشت دوری کنید و بدنبال گناه کبیره نروید زیرا خداوند برای گناهان کبیره مجازات سنگینی قرار داده ، پس بر نفس خود تسلط یابید و از خشم و غضب دوری کنید و با عفو و مغفرت دل خود را پاک کنید و دنبال کینه ورزی نباشید و مغفرت را جانشین کینه توزی کنید و این حقیقت جز در پرتو ایمان و توکّل بدست نمی آید.
والّذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش و اذا ما غضبوا هم یغفرون (۳۷-۴۲)

بخشش بسیار پسندیده است . از کینه توزی بپرهیزید و از صفت انتقامجوئی دوری نمائید و این صفات را در خود پرورش ندهید زیرا کیفر بدی مجازاتی همانند آن است. و اجر بخشنده بر عهده خداوند است زیرا خدا ستمکاران را دوست ندارد.
و جزاؤا سیئة سیئةٌ مثلها فمن عفا و اصلح فاجرُهُ علی الله انّه لا یحبُ الظالمین(۴۰-۴۲)

اراده محکم شما عزم راسخ شماست وبا چنین عزم راسخی صبر داشته باشید و با گذشت زندگی کنید.
و لمن صبر و غفر انّ ذلک لمن عزم الامور(۴۳-۴۲)

اموال و فرزندان وسیله آزمایش شماست گاهی فرزندان و همسران دشمنان شما هستند یعنی شما را از کار نیک و شایسته باز می دارند زیرا متوجه فیض الهی نیستند و اینکه دنبال منافع شخصی خود هستند

ولی اگر در مسیر الهی با شما همراه شدند پس آنها را عفو نمائید و از کارهای قبلی آنها در گذرید تا خداوند شما را مشمول لطف و رحمت خود قرار دهد که خداوند بخشنده و مهربان است.
یل ایّهاالذین امنوا انّ من ازواجکم و اولادکم عدوّاً لکم فاحذروهم و ان تعفوا و تصفحوا و یغفروا فانّ الله غفورٌ رحیمٌ(۱۴-۶۴)

امر به معروف و نهی از منکر

امتی از شما مسلمانان باید مردم را به نیکیها دعوت کنند و از بدیها باز دارند و چنین افرادی رستگار هستند . و لتکن منکم امةٌ یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون (۳-۱۰۴)
بهترین امت مؤمنانی هستند که امر به معروف (دعوت به حق) و نهی از منکر (مبارزه با فساد) می کنند.(۳-۱۱۰)
کنتم خیرٌ امّة اُخرجت للنّاس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله....(۳-۱۱۰)
(۳-۱۱۴)
از نقشه های شوم دوری کنید ! جلسات خود را با توصیه به صدقه و کمک به دیگران و انجام کار نیک و اصلاح بین مردم بر قرار سازید وگرنه جلسات مخفیانه شما با نقشه های شیطنت آمیز خیر و سودی ندارد.
لا خیرٌ فی کثیر من نجواهم الا من امر بصدقة او معروف او اصلاح بین النّاس.....(۴-۱۱۴)

اگر می خواهید از بدیها و زشتیها دوری کنید و بسوی معروف دعوت شوید از پیامبری اطاعت کنید که هم نبی است و هم رسول که مقام رسالت و دعوت به حق را بعهده دارد . پیامبری که امی و درس نخوانده و کانون اصلی توحید است که از سرزمین مکه طلوع کرده است و آثار و نشانه های او را در تورات و انجیل مشاهده می کنید.
الذّین یتّبعون الرّسول النّبی الامّیّ الذّی یجدونه مکتوباً عندهم فی التّوراة و الانجیل یأمرهم بالمعروف و ینهم عن المنکر.....(۷-۱۵۷)

مردان و زنان مؤمن آنها دوست و یاور یکدیگر ند و مردم را به نیکی و کارهای شایسته دعوت می کنند و از کارهای زشت و ناپسند باز می دارند .
والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر... (۷۱-۹)

نسبت به خانواده مهربان باشید و شیوهٔ پسندیده و نیکی را حاکم بر خانواده قرار دهید . مشاوره با خانواده را فراموش نکنید و اگر حتّی در مورد شیر دادن به توافق نرسیدید شیوه دیگری را برای شیر دادن خود انتخاب کنید تا بین خانواده عطوفت و مهربانی حاکم شود و نزاع و درگیری پیش نیاید.
.....وائتمروا بینکم بمعروف و ان تعاسرتم فسترضع له اُخری (۶-۶۵)

سفارش لقمان به فرزندش در امر به معروف:
ای پسرم نماز را بپا دار و مردم را به کارهای نیک دعوت کن و از کارهای زشت و ناپسند دور کن و شکیبا باش در برابر مصائبی که به تو می رسد و بدان که صبور بودن بهترین کار است.
یا بنی اقم الصلوة وامر بالمعروف وانه عن المنکر واصبر علی ما اصابک انّ ذلک من عزم الامور (۱۸-۳۱)
با مردم متواضع و فروتن و خوشرو باش به مردم بی اعتنائی نکن ومغرورانه راه مرو و خداوند هیچ متکبّر مغروری را دوست ندارد.
و لا تصّعر خدّک للنّاس و لا تمش فی الارض مرحاً انّ الله لا یحّب کلّ مختال فخور.(۱۸-۳۱)

اعتدال درراه رفتن سفارش لقمان به پسرش است و اینکه با صدای بلند صحبت نکن چرا که زشت ترین صداها صدای خران است .
واقصد فی مشیک واغضض من صوتک انّ انکر الاصوات لصوت الحمیر(۱۹-۳۱)

چنگ زدن به ریسمان خداوند

اتحاد: آیات و نشانه ها ی خداوند بر شما روشن است .صراط مستقیم راه خدائی راه ائمه اطهار راهی بدون ضلالت و گمراهی است پس چگونه کافر می شوید در برابر این راه روشن؟

و کیف تکفرون و انتم تتلی علیکم ایات الله و فیکم رسوله و من یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم (۳-۱۰۱)

همگی به ریسمان خداوند چنگ بزنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بیاد داشته باشید نعمتی که اخوت و برادری میان شما ایجاد کرد در حالیکه دشمن یکدیگر بودید.

واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفّرقوا واذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداءً فالّف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً.....(۳-۱۰۳)

آنانی که دین خود را خالص برای خدا کردند و بندۀ مخلص خدا شدند .زیرا آنان توبه کنندگان بودند و خود را اصلاح کردند و به دامن لطف پروردگار چنگ زدند پس آنها اهل نجات و با مؤمنان قرین هستند و پاداش عظیم نزد خداوند دارند.

الاالذین تابوا و اصلحوا واعتصموا بالله و اخلصوا دینهم لله فاولئک مع المؤمنین و سوف یؤت الله المؤمنین اجراً عظیماً (۴-۱۴۶)

ای رسول تو مأمور رسالت هستی که آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شد به مردم برسانی و اگر کوتاهی کنی رسالت را انجام نداده ای و خداوند تو را از خطرات انسانها حفظ خواهد کرد و تو هیچ گونه اضطراب و نگرانی نداشته باش.

یا ایها الرسول بلّغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلّغت رسالته والله یعصمک من النّاس .....(۵-۶۷)

از ریسمان خداوند جدا نشوید پس نماز را بپا دارید و زکات را بدهید که بهترین مولی و سرپرست و یار شما پروردگار است.

.....فاقیموا الصّلوة و اتوالزکوة و اعتصموا بالله هو مولکم فنم المولی و نعم النصیر(۲۲-۷۸)

آنچه از آن نهی شده

موارد تحریم:

شراب و بت و قمار بازی

ای رسول از تو در بارهٔ شراب و قمار سئوال می کنند بگو آن دو گناه بزرگی است و منافعی هم دارد ولی گناه آنها از نفع آن بیشتر است.
یسئلونک عن الخمر والمیسر قل فیهما اثمٌ کبیرٌ و منافع للنّاس و اثمهما اکبر من نفعهما.....(۲۱۹-۲)

آنچه برای بتها ذبح می شود و یا چیزی را با برد و باخت تقسیم می کنند تمام این اعمال فسق است و حرام و خارج شدن از حدود الهی است.
.....و ما ذُبح علی النصب و ان تستقسموا بالازلام ذلکم فسقٌ.....(۳-۵)

از چیزهای پلید و شیطانی دوری کنید:
ای کسانی که ایمان آورده اید شراب و برد وباخت (قمار) پلید و از عمل شیطان است. از آنها دوری کنید یا ایهاالذُین امنوا انّما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجسٌ من عمل الشیّطان فاجتنبوا لعّلکم تفلحون (۹۰-۵)

شیطان با شراب و قمار می خواهد بین شما عداوت و دشمنی راه بیاندازد و شما را از یاد خدا ونماز باز دارد بنابراین آیا شما از این عمل خود داری خواهید کرد.
انّما یرید الشیطان ان یوقع بینکم العداوة والبغضاه فی الخمر والمیسر و یصّدکم عن ذکر الله و عن الصّلوة فهل انتم منتهون (۹۱-۵)

آیا ندیدی کسانی را که نصیبی از کتاب داشتند ولی به طغیانگران اظهار ایمان نمودند و بعد هم از خود تعریف می کنند و می گویند: اینان از کسانی که ایمان آورده اید هدایت یافته ترند.
الم تر الی الذّین اوتوا نصیباً من الکتاب یومنون بالجبت والطّاغوت و یقولون للّذین کفروا هؤلاء اهدی من الذّین امنوا سبیلاً(۵۱-۴)

سرنوشت این گروه را خدا نشان می دهد که اینان کسانی هستند که خدا آنها را از رحمت خود دور می سازد و هیچ یاوری هم برایشان نخواهد بود.
اولئک الّذین لعنهم الله و من یلعن الله فلن تجد له نصیرا(۵۲-۴)

انسانهائی که عاقل نیستند افتراء بر خدا می بندند زیرا جاهل هستند اینان بتهائی را به اسمهای گوناگون پرستیدند.
ما جعل الله من بحیرة و لا سائبةٍ و لا وصیلةٍ و لا حامٍ ولکنّ الّذین کفروا یفترون علی الله الکذب و اکثرهم لا یعقلون(۱۰۳-۵)

کشته باد دروغگویان کسانی که غرق در جهل ونادانی هستند وهر روز برای فرار از حق سخن بی اساس می گویند.
قُتل الخراصّون (۱۰-۵۱)

سحر کفر است(نهی از آن)

سحر را شیاطین به مردم آموختند و پیامبران سحر را به مردم نیاموختند و یهودیان از شیاطین پیروی کردند و سلیمان هرگز کافر نشد و شیاطین کافر بودند که به مردم سحر را آموختند.
وابتغوا ما تتلوا الشّیاطین علی ملک سلیمان و ما کفر سلیمان و لکنّ الشّیاطین کفروا یعلّمون النّاس السّحر.....(۱۰۲-۲)

نهی از تغیر خلقت خدا

کسی را به غیر از خدا ، خالق قرار ندهید که زیانی آشکار است:

شیطان قسم یاد کرده که افرادی که در اراده و ایمان ضعیف هستند با آرزوهای دورو دراز و رنگارنگ گمراه می سازد و آنها را به اعمال خرافی دعوت می کند . آنان به فرمان شیطان حتی گوشهای چهارپایان را بریده و مقصدشان این است که آفرینش خدا را تغییر دهند و هر کس که شیطان را ولی

خود قرار دهد و توجه به خدا نداشته باشد زیان آشکار کرده است.
و لاضّلنّهم و لامنیّنهم و لامرنهّم فلیبتکنّ اذان الانعام و لامرّنهم فلیغیرنّ خلق الله و من یتّخذالشیطان ولیاً من دون الله فقد خسر خسراناً (۱۱۹-۴)

از صفات زشت دوری کنید

سخریه ، سوءظن، تجسس در کار مردم، غیبت

ای مؤمنان قوم یا گروهی از مردان وزنان را مسخره نکنید شاید که از شما بهتر باشند زیرا مسخره کردن دلیل بر حس برتری جوئی و کبر و غرور است . یکدیگر را مورد طعن و عیبجوئی قرار ندهید . با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید . چقدر بد است که بر کسانی که ایمان آورده اند نسبت فسق و کفر دهید و اگر از چنین کارهائی توبه نکنید پس جزء ستمکاران و ظالمین هستید.
یا ایهّالذّین امنوا لا یسخر قوم من قوم عسی ان یکونوا خیراً منهم ولانساءٌ من نساء عسی ان یکن خیراً منهنّ و لا تلمزوا انفسکم ولاتلمزوا انفسکم و لا تنابزوا بالالقاب بئس الاسم الفسوق بعد الایمان و من لم یتب فاولئک هم الظالمون(۱۱-۴۹)

ای مؤمنان بد گمان نباشید چرا که بعضی از گمان ها گناه است و هرگز در کار دیگران تجسس نکنید و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند مگر دوست دارید که گوشت برادر مرده خود را بخورید در صورتی که همهٔ شما از این کار کراهت دارید خداوند بخشنده و مهربان است پس تقوی و پرهیزگاری را پیشه کنید.
یا ایّهاالذّین امنوا اجتنبوا کثیراً من الظّنّ انّ بعض الظّنّ اثمٌ و لا تجسّسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً أیحبّ ُ احدکم ان یأکل لمم اخیه میتاً فکرهتموه و اتقّو الله انّ الله توابٌ رحیمٌ(۱۲-۴۹)

نمامی و طعن زدن به مردم و عیب جوئی

از هر کسی که زیاد سوگند میخورد که عملی پست است اطاعت مکن.
و لا تطع کلّ حلاّف مهین (۱۰-۶۸)
از کسی که نمامی و سخن چینی ویا بسیار عیب جوئی می کنند دوری جوئید.
همازٍ مشّاءٍ بنمیم (۱۱-۶۸)
زمانیکه بد کاران از کنار مؤمنان می گذرند با اشاره و علامت ، دین و شأنیت آنها را به استهزاء می کشانند.
و اذا مروّا بهم یتغامزون(۳۰-۸۳)

وای بر هر عیب جوی مسخره کننده ای.
ویلٌ لکّل همزةٍ لمزةٍ(۱-۱۰۴)

تحریم کارهای زشت، تجاوز به حقوق دیگران

خداوند اعمال زشت و قبیح را چه آشکارا و چه پنهان و تجاوز به حقوق دیگران را حرام کرده است.
قل انّما حرّم ربّی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الاثم و البغی بغیر الحقّ.....(۳۳-۷)

کسانی که به مردم ظلم می کنند و به حقوق دیگران تجاوز می کنند عذاب دردناکی در انتظار آنها ست.
انّما السبیل علی الذّین یظلمون النّاس و یبغون فی الارض بغیر الحقّ اولئک لهم عذابٌ الیمٌ.(۴۲-۴۲)
(۹۰-۱۶)(۳۹-۴۲)

نهی از باور کردن خبر غیر موثق

ای مؤمنان اگر شخص فاسقی بدون تحقیق و حدس و گمان چیزی را برای شما آورد فحص کنید و جستجو کنید زیرا ممکن است به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و بعد از کردهٔ خود پشیمان شوید. یا ایّهاالذّین امنوا ان جاءکم فاسقٌ بنبإٍ فتبیّنوا ان تصیبوا قوماَ بجهالةٍ فتصحبوا علی ما فعلتم نادمین
(۴۹-۶)

دوری از بخل

افرادی که بخل می ورزند در برابر آنچه که خدا از فضل خودش به آنها داده و امتناع از بخشش می کنند تصوّر نکنید که به سود آنها ست بلکه به ضرر آنهاست. روز قیامت آنچه را که نسبت به آن بخل ورزیدند همانند طوقی در گردنشان می افکنند . خداوند وارث تمام آسمان و زمین است و به آنچه شما عمل می کنید آگاه است.
و لا تحسبنّ الّذین یبخلون بما اتاهم الله من فضله هو خیراً لهم بل هو شرٌ لهم سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمة ولله میراث السّموات و الارض والله بما تعملون خبیرٌ(۱۸۰-۳)

انسانهای متّکبر و خود خواه کسانی هستند که بخل می ورزند و مردم را به بخل دعوت می کنند و فضل خدا را که به آنها عنایت شده کتمان می کنند پس برای کافرین و آنهائی که حقایق را می پوشانند عذابی خوار کننده مهیّا ساخته ایم.
الّذین یبخلون و یأمرون النّاس بالبخل و یکتمون ما اتاهم الله من فضله و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً
(۴-۳۷)
بعضی از منافقان با خداوند عهد می بندند که اگر بما از فضل خود عطا کنی ما قطعاً به نیازمندان کمک می کنیم و از نیکو کاران خواهیم بود. پس چون فضل خدا شامل آنها شد بخل ورزیده و سرپیچی می کنند و روی بر می گردانند.

و منهم من عاهد الله لئن اتانا من فضله لنصّدّقنّ و لنكوننّ من الصّالحين (۷۵-۹)فلمّا اتاهم من فضله بخلوا به و تولّوا و هم معرضون(۷۶-۹)(۳۶و ۳۷و ۳۸-۴۷)(۲۴-۵۷)(۸و۹و۱۰-۹۲)

نهی از پرده دری

خداوند دوست ندارد که بدگوئی شود و عیوب واعمال زشت اشخاص با سخن برملا شود مگر کسی که مظلوم واقع شده است خداوند شنونده و داناست.
لا یحبّ اللهُ الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و کان الله سمیعاً علیماً (۱۴۸-۴)

نهی از بهتان

هر کس خطا و گناهی را مرتکب شود و آن را به گردن بیگناهی بیفکند بهتان و گناه آشکاری را انجام داده است.
و من یکسب خطیئةً او اثماً ثم یرم به برئیاً فقد احتمل بهتاناً و اثماً مبینا(۱۲-۴)

کافران به سبب کفرشان حرفهای ناحق و بهتان و تهمت بزرگی را به مریم زدند.
و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتاناً عظیماً(۱۵۶-۴)

چرا هنگامی که شایعه را شنیدید نگفتید : ما حق نداریم به این سخنان تکلّم کنیم . خداوندا منزهی تو ، که این سخنان بهتانی بزرگ است.
و لو لا اذ سمعتموه قلتم ما یکون لنا ان نتکلم بهذا سبحانک هذا بهتان عظیم (۱۶-۲۴)

خداوند کسانی را که به افراد پاک بهتان می زدند، پند می دهد که اگر مؤمن هستید دنبال شایعه نروید و آنرا رد کنید و قبول نکنید و اشاعه ندهید که اتهام بزرگی است.
یعظکم الله ان تعودوا لمثله ابداً ان کنتم مؤمنین(۱۷-۲۴)

کسانی که زنان و مردان مؤمن را آزار دهند بخاطر کارهائی که انجام نداده اند تهمت و بهتان می زنند گناه بزرگ و آشکاری را انجام داده اند.
والّذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات بغیر ما اکتسبوا فقد احتملوا بهتاناً و اثماً مبیناً(۵۸-۳۳)

نهی از یاری کفار

ای پیامبر این کتاب رحمتی است از طرف پروردگار بر تو به شکرانهٔ این نعمت بزرگ هرگز از کافران پشتیبانی نکن.
و ما کنت ترجوا ان یلقی الیک الکتاب الا رحمة من ربّک فلا تکوننّ ظهیراً للکافرین(۸۶-۲۸)

افراد با ایمان نباید غیر از مؤمنان ، کافران را دوست و ولی و حامی خود انتخاب کنند و هرکس اینکار را بکند رابطهٔ خود را با پروردگارش گسسته است.
لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین ومن یفعل ذلک فلیس من الله فی شیء الا ان تتقوا منهم تقة و یحذرکم الله نفسه و الی الله المصیر (۲۸-۳)

ای مؤمنین غیر از هم مسلک خود با کسی دیگر دوست نشوید . طرح دوستی با بیگانگان نبندید و آنها را از رازهای خود مطّلع نسازید . آنها دوست دارند که شما در رنج باشید و آثار بغض و دشمنی از لابلای سخنان آنها آشکار است و آثار دشمنی آنها با شما در سینه هایشان به مراتب بیشتر از زبانشان است در این مورد فکر کنید زیرا شما را آگاه کردم.
یا ایّهاالّذین امنوا لا تتخذوا بطانة من دونکم لا یالونکم خبالاً و دوّا ماعنتم قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر قد بیّنا لکم الایات ان کنتم تعقلون(۱۱۸-۳)

شما ای مسلمانان آنها را دوست دارید در حالیکه آنها شما را دوست ندارند و کتاب آسمانی شما را قبول ندارند وقتی با شما ملاقات می کنند می گویند : ما ایمان داریم و آئین شما را تصدیق می کنیم و چون تنها

شوند از شدّت کینه و عداوت و خشم سر انگشتان خود را به دندان می گیرند. ای پیامبر بگو با همان خشم خود بمیرید همانا خداوند داناست.
ها انتم اولاء تحبوّنهم و لا یحبّونکم و تومنون بالکتاب کلّه و اذا لقوکم قالوا امنّا و اذا خلوا عضّوا علیکم الانامل من الغیظ قل موتوا بغیظکم انّ الله علیمٌ بذات الصّدور (۱۱۹-۳)

آنها کسانی هستند که اگر فتح و پیروزی و پیشامد خوبی برای شما رخ دهد آنها ناراحت می شوند و چنانچه حادثه ناگواری برای شما رخ دهد خوشحال می شوند . ولی اگر در برابر کینه توزیها ی آنها صبر کنید و تقوی پیشه کنید آنها نمی توانند بوسیله نقشه های خائنانه خود به شما لطمه وارد کنند زیرا خداوند به آنچه می کنید آگاه است.
ان تمسسکم حسنة تسؤهم و ان تصبکم سیئةٌ یفرحوا بها و ان تصبروا و تتّقوا لا یضرّکم کیدهم شیئاً انّ الله بما یعملون محیطٌ (۱۲۰-۳)

اخطار:
اگر دنبال رو کافران باشید ضرر جبران ناپذیری را بدست آورده اید. آنها شما را به عقب بر می گردانند یا
ایّها الّذین امنوا ان تطیعوا الّذین کفروا یردّونکم علی اعقابکم و تنقلبوا خاسرین (۱۴۹-۳)
(۱۳۸و ۱۳۹-۴)(۱۴۴-۴)

ای مؤمنان یهود و نصاری را هم پیمان و دوست خود قرار ندهید آنها با یکدیگر سازگارند و با شما سازگار نیستند و اگر با آنها ارتباط دوستانه بر قرار سازید جزء آنها محسوب می شوید و بدانید که خداوند ستمکاران را که بخود و خانواده و جامعه خود خیانت کرده دوست ندارد.
یا ایّهاالّذین امنوا لا تتخذوا الیهود و النصاری اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتوّلهم منکم فانّه منهم انّ الله لا یهدی القوم الظالمین (۵۱-۵)

کسانی که با کافران طرح دوستی می ریزند ضعیف هستند . آنهائی که سعی دارند طرح دوستی با کافران بر قرار کنند از روزی می ترسند که دایره قدرت دست آنها قرار گیرد و گرفتار شوند. ولی اینها منافق هستند

زیرا امید است که خداوند مسلمانان را پیروز کند و قدرت را بدست آنها دهد و این منافقین از آنچه در دلهای خود پنهان کرده اند پشیمان شوند.

فتری الّذین فی قلوبهم مرضٌ یسارعون فیهم یقولون نخشی ان یصیبناً دائرةٌ فعسی الله ان یاتی بالفتح او امر من عنده فیصحبوا علی ما اسّروا فی انفسهم نادمین(۵۲-۵)

(۵-۵۷)(۸۰و۸۱-۵)

ای مؤمنان پدران و برادران خود را که به سمت کافران تمایل دارند و آنها را دوست خود قرار می دهند یار ویاور و ولی خود قرار ندهید و کسانی که از شما آنها را به یاری و دوستی بر گزیدند ستمگرند. یا ایّها الّذین امنوا لا تتخذوا اباءکم و اخوانکم اولیاء ان استحبّوا الکفر علی الایمان و من یتوّلهم منکم فاولئک هم الظالمون (۹-۲۳) .

آیات دیگر: (۱۶-۹) (۱۴و ۱۵و ۱۶و ۱۷و۱۸و۱۹و۲۲-۵۸)(۱الی ۹-۶۰)(۱۳-۶۰)

نهی از پیروی هوای نفس

ای مؤمنین قیام بر عدالت کنید انحراف بخود راه ندهید و شهادت را بخاطر خدا دهید اگر چه که به زیان شخص شما یا پدرو مادر و یانزدیکان باشد خداوند به بندگان خود آگاه تر است اگر آن شخص فقیر باشد یا ثروتمند به حق باید شهادت بدهد اگر چه که به ضرر آنها باشد.از هوای نفس پیروی نکنید اگر خواهان اجرای عدالت هستید و اگر مانع رسیدن حق به حقدار شوید ویا حق را تحریف نمائید و یا پس از آشکار شدن از آن اعراض کنید خداوند از اعمال شما آگاه است.

یا ایّها الّذین امنوا کونوا قوّامین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم اوالوالدین و الاقربین ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما فلا تتبّعوا الهوی ان تعدلوا و ان تلوا او تعرضوا فانّ الله کان بما تعملون خبیراً

(۴-۱۳۵)

ای پیامبر اگر هدایت تو را نپذیرفتند و از انوار هدایت تو بهره نگرفتند بدان که از هوسهای نفس خود پیروی می کنند . و چه کسی گمراه تر از آن کس که پیروی هوی نفس را می کند و همانا خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی کند.

فان لم یستجیبوا لک فاعلم انّما یتبعون اهواءهم و من اضلّ ُ ممّن اتبع هوئه بغیر هدیً من الله انّ الله لا یهدی القوم الظالمین (۵۰-۲۸)

پیروان هوای نفس ظالم هستند و هیچ منطقی ندارند آنها بدون علم از هوای نفس خود پیروی می کنند پس چه کسی می تواند آنها را که درمرحلهٔ گمراهی خدا بعد از هدایت نشدن قرار گرفته اند هدایت کند.مسلماً کسانی که رها شده اند هیچ یارو یاوری ندارند.
بل اتبّع الّذین اهوائهم بغیر علم فمن یهدی من اضلّ الله و مالهم من ناصرین(۲۹-۳۰)

ای داوود تو را خلیفه روی زمین قرار دادیم پس با عدالت بین مردم رفتار کن و بحق داوری کن و هوی نفس را پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد.
یا داود انّا جعلناک خلیفةً فی الارض فاحکم بین النّاس بالحقّ و لا تتّبع الهوی فیضلک عن سبیل الله....(۲۶-۳۸)

بخش سی و پنج
ازدواج وطلاق

غلامان و کنیزان(پسران و دختران) و بندگان صالح و درستکار تان را تزویج نمائید اگر فقیر باشند خداوند آنها را مورد لطف خود قرار می دهد و از فضل خود بی نیاز می کند. خداوند وسعت دهنده و دانا است.
وانکحوا الایامی منکم والصّالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسعٌ علیمٌ(۳۲-۲۴)
اگر می ترسید که با ازدواج با یتیمان حق و عدالت را رعایت نکنید از ازدواج با آنها چشم پوشی کنید و به سراغ زنان دیگر بروید . دو نفر یا سه نفر یا چهار نفر را به همسری خود انتخاب کنید و اگر می ترسید عدالت را بین این تعداد رعایت نکنید تنها به یک همسر اکتفا کنید یا بجای همسر دوم از کنیزکان خود استفاده کنید.
و ان خفتم ألاّ تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی وثلث و رباع فان خفتم ألا تعدلوا فواحدةً او ما ملکت ایمانکم.....(۳-۴)

غیر از زنان شوهر دار و کنیزکان مالک دار برای شما حلال است که با پرداخت مهریه یا وجه برای مالک شدن کنیزکان آنها را اختیار کنید و از زنا دوری جوئید.و اگر نیاز به متعه دارید انجام دهید ولی مهر آنها را به عنوان یک واجب بپردازید و اگر طرفین عقد با رضایت خود بر آنچه که تعین کردند تغیراتی به آن بدهید مانعی ندارد.

.....و اُحلّ لکم ما ورائه ذلکم ان تبتغوا باموالکم محصنین غیر مسافحین فمااستعتم به منهنّ فاتوهنّ

اجورهنّ فریضةً و لا جناح علیکم فیما تراضیتم به من بعد الفریضة انّ الله کان علیماً حکیماً(۲۴۰۴)-(۴-۱۲۷)

ترغیب به ازدواج

ای مردم تقوی پیشه کنید و فطرت وجودی خود را سالم نگه دارید و از خدائی که همهٔ شما را از نسل آدم آفرید بپرهیزید . آن خدائی که زوجی را برای او آفرید و خداوند از آدم و همسرش مردان و زنان بسیاری را آفرید.

یا ایّها النّاس اتقوا ربّکم الذّی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجالاً کثیراً و نساءً.....(۱-۴)

خدائی که شما را از یک نسل آفرید زوجی را برای شما قرار می دهد تا در کنار او بیاسائید.

هو الذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها لیسکن الیها....(۱۸۹- ۷)

خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و همسرانی که مایهٔ آرامش شما و بقاء نسل هستند (فرزندان و نوادگان) و روزی شما را از پاکیزه ها قرار داد.

والله جعل لکم من انفسکم ازواجاً و جعل لکم من ازواجکم بنین و حفدة ورزقکم من الطیّبات....(۷۲-۱۶) و(۲۱-۳۰)(۸۷-۵)(۳۳-۲۴)

زنانی که ازدواج با آنها حرام است

با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده اند ازدواج نکنید. که این عمل زشت و موجب تنفر است.
و لا تنکحوا ما نکح اباؤکم من النساء الا ما قد سلف انّه کان فاحشةً و مقتاً و ساء سبیلاً(۲۲-۴۹)
زنانی که ازدواج با آنها حرام است: ولادت (ارتباط نسبی)- از طریق ازدواج (ارتباط سببی و مصاهره)
از طریق شیر دهی(ارتباط رضاعی)
حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم و اخواتکم وعمّاتکم و خالاتکم و بنات الاخ و بنات الاخت و امهّاتکم اللاّتی ارضعنکم و اخواتکم من الرضّاعة و امّهات نسائکم و ربائبکم .....(۲۳-۴)

جمع بین دو خواهر حرام است.
.....و ان تجمعوا بین الاختین الا ماقد سلف انّ الله کان غفوراً رحیماً(۲۳-۴)

چهار زن دائمی

بیشتر از چهار زن با عقد دائم نداشته باشید.
ازدواج کنید با زنان پاکیزه ، دو زن یا سه زن یا چهار زن و اگر عدالت را بر پا نتوانستید بکنید و می ترسید یک زوجه کافی است.
....وانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلث و رباع فان خفتم الاّ تعدلوا فواحدة (۳-۴)

عِدّه

درعقد نکاح باید منتظر باشید تا عدّه بسر آید.
..... و لا تعزموا عقدة النکاح حتّی یبلغ الکتاب اجله واعلموا انّ الله یعلم ما فی انفسکم فاحذروه واعلموا انّالله غفورٌ حلیمٌ(۲۳۵-۲)

ازدواج با مشرکین حرام است

با زنان مشرک و بت پرست ازدواج نکنید مادامیکه ایمان نیاورده اند. کنیزان با ایمان از زنان مشرک بهتر ند هر چند زیبائی او شما را به اعجاب وا دارد . و غلام مؤمن بهتر از یک مرد آزاد بت پرست است هر چند شما را به اعجاب وادارد. مشرکان شما را به سوی آتش دعوت می کنند در جائی که خدا شما را دعوت به بهشت و آمرزش می کند و آیات خود را برای شما روشن می سازد تا پند بگیرید.
و لا تنکحوا المشرکات حتیّ یومنّ و لامةٌ مؤمنةٌ خیرٌ من مشرکة و لو اعجبتکم و لا تنکحوا المشرکین حتّی یومنوا و لعبدٌ مومنٌ خیرٌ من مشرک و لو اعجبکم اولئک یدعون الی النّار والله یدعوا الی الجنّة والمغفرة باذنه و یبیّن ایاته للنباس لعّلهم یتذّکرون(۲۲۱-۲)-(۱۰و ۱۱-۶۰)

تحریم ازدواج زن و مرد زناکار قبل از توبه

مرد و زن زناکاریا مشرک با هم ازدواج کنند ومرد وزن مؤمن وپاک با یکدیگر ،زیرا زنان ناپاک برای مردان ناپاک و زنان پاک و طیّب برای مردان پاک و طیّب.
الزانی لا ینکح الا زانیةً او مشرکةً و الزانیةُ لا ینکحها الا زانٍ او مشرکٌ و حرّم ذلک علی المؤمنین (۳-۲۴)-(۲۶-۲۴)

زوج و زوجه باید پاک باشند
رفیق باز نباشند(آشکارا و پنهان)

زنان پاکدامن را انتخاب کنید که مرتکب زنا نشوند و دوست پنهانی نداشته باشند.حتّی کنیزانی را انتخاب کنید که پاک باشند و از مالک اذن بگیرید و مهرشان را بخودشان پرداخت کنید.
....وانکحوهنّ باذن اهلهنّ و اتوهنّ اجورهنّ بالمعروفِ محصناتٍ غیر مسافحاتٍ و لا متّخذاتِ اخدانٍ.... (۴-۲۵)

خواستگاری

گناهی بر شما نیست که از روی کنایه از زنان خواستگاری کنید یا در دل تصمیم داشته باشید و خدا می داند شما به یاد آنها خواهید افتاد ولی با آنها به صراحت وعدِ ازدواج نگذارید مگر آنکه بصورت شایسته ای به آنها اظهار دارید.

و لا جناح علیکم فیما عرّضتم به من خطبة النسّاء او اکننتم فی انفسکم علم اله انّکم ستذکرونهنّ و لکن لا تواعدوهنّ سراً الا ان تقولوا قولاً معروفاً(۲۳۵-۲)

مهریه

مهریه زنان را بپردازید بعنوان یک عطّیه و اگر زنان چیزی از مهر خود را بر شما بخشیدند بر شما گوارا باد.

و اتوالنساء و صدقاتهنّ نحلةً فان طبن لکم عن شیء منه نفساً فکلوه هنیاً مرئیاً(۴-۴)

اگر همسر دیگری خواستید بجای همسر اول اختیار کنید و مال فراوانی به همسر اول پرداخته اید از او چیزی پس نگیرید و برای پس گرفتن بهتان و تهمت نزنید در حالیکه گناه بزرگی انجام داده اید.

و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و اتیتم احداهنّ قنطاراً فلا تأخذوا منه شیئاً أتاخذونه بهتاناً و اثماً مبیناً (۴-۲۰)

شما که در موقع ازدواج پیمان محکم بین خود بسته بودید چطور جرأت می کنید آنچه را که داده اید پس بگیرید.

و کیف تأخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض و اخذن منکم میثاقاً غلیظاً(۴-۲۱)

متعه

اگر زنان را متعه (ازدواج موقت)کردید مهریه آنان را بپردازید.این امری واجب است.

.....فما استعتم به منهنّ فاتوهنّ اجورهنّ فریضة.....(۴-۲۴)

ازدواج با همسر پسر خوانده

هنگامی که زید (پسر خوانده رسول الله (ص))همسر خود زینب را طلاق داد و نیازش تمام شد پس او را به همسری تو آوردیم تا برای مؤمنین مشگلی نباشد در ازدواج با همسران پسر خوانده و فرمان خدا انجام شدنی است.

.... فلمّا قضی زیدٌ منها وطراً زوّجنا کها لکی لا یکون علی المؤمنین حرج فی ازواج ادعیائهم اذا قضوا منهّن وطراً و کان امر الله مفعولاً(۳۷-۳۳)

قیمومیت مردان

مردان سر پرست زنان و خانواده هستند این است که خداوند بعضی را بر بعضی دیگر برتری داد و این امتیاز بجهت نفقه ای است که آنها بر عهده دارند.

الرجال قوامون علی النساء بما فضّل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم ...(۳۴-۴)

حق شیر دهی

مادران دو سال فرزندان خود را شیر دهند و این دوران شیرخوارگی را تمام کنند و بر مرد واجب است خوراک و پوشاک مادران را بطور شایسته فراهم کنند و هیچ کس موظف نیست به بیش از مقدار توانائی خود.

و الوالدات یرضعن اولادهنّ حولین کاملین لمن اراد ان یتمّ الرّضاعة و علی المولود له رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف لا تکّلف نفسٌ الا وسعها.....(۲۳۳-۲)

نشوز زن و مرد

نشوز اطاعت نکردن از روی تکبر و مراد از خوف نشوز علائم و نشانه های آن است.
زنانی را که از سرکشی و طغیان آنها می ترسید پند و اندرز دهید اگر اثر نکرد بستر ها را جدا کنید و راه دیگر اینکه آنها را تنبیه بدنی کنید (شدت عمل بیشتر) تا اطاعت کنند و مطیع گردند. پس اگر شما را اطاعت کردند راهی برای تعدی برآنها مجوئید زیرا خداوند بلند مرتبه وبزرگ است.
.....والآتی تخافون نشوزهنّ فعظوهنّ واهجروهنّ فی المضاجع واضربوهنّ فان اطعنکم فلا تبغوا علیهنّ سبیلاً انّ الله کان علیاًکبیراً(۳۴-۴)

اگر زنی از سرکشی شوهرش و اعراض او ترسید پس مانعی ندارد که صلح کنند یعنی بهتر است که صلح کنند صلح بخاطر حفظ حریم زوجیّت و آن گذشتن از بسیاری از حقوق می باشد.ولی سرچشمه بسیاری از ریشهٔ اختلافات خانوادگی بخل است . و تواضع بهترین روش زندگی است.

و ان امراةٌ خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً فلا جناح علیها ان یصلحا بینهما والصّلح خیرٌ واحضرت الانفس الشّح.....(۱۲۸-۴)

حق زوج بر زوجه

برای زنان همانند وظیفه شان به نسبت شایسته ای حقوقی در برابر مردان است و برای مردان نیز به نسبت به زنان حقوقی است. خداوند عزیز وحکیم است.
.....و لهنّ مثلُ الذّی علیهنّ بالمعروف و للرّجال علیهنّ درجةٌ و الله عزیزٌ حکیمٌ(۲۲۸-۲)

دوری جستن از زنان در ایام ماهانه

از تو در بارهٔ حیض سؤال می کنند . بگو: چیز زیانباری است. در آن هنگام از زنان دوری جوئید و به آنها نزدیک نشوید تا اینکه پاک شوند و غسل کنند و آنگاه از طریق شایسته که همان طریقی که خدا به شما فرمان داده با آنها آمیزش داشته باشید که خداوند توبه توبه کنندگان و پاکان را دوست دارد.
و یسئلونک عن المحیض قل هو اذیً فاعتزلوا النساء فی المحیض و لا تقربوهنّ حتی یطهرن فاذا تطّهّرن فاتوهنّ من حیث امرکم الله انّ الله یحبّ التوّابین و یحبّ المتطّهرین (۲۲۲-۲)

زنان شما محل بذر افشانی شما هستند هر زمانی که بخواهید می توانید با آنها آمیزش نمائید . پیش بفرستید برای خودتان آنچه که مفید است و پرهیزگار باشید.
نسائُکم حرث لکم فاتوا حرثکم انّی شئتم و قدّموا لانفسکم واتقو الله.....(۲۲۳-۲)

طلاق

شما می توانید زنان را بعد از عقد و قبل از عمل زناشوئی و وجوب مهریه طلاق دهید و برای جبران روحیهٔ از دست رفته در زنان بهتر است که هدیه ای مناسب با توانائی خود به او بدهید که این حقّی است برنیکوکاران.
لا جناح علیکم ان طلّقتم النساء ما لم تمسّوهنّ او تفرضوا لهنّ فریضةً و متعوهنّ علی الموسع قدره و علی المقتر قدره متاعاً بالمعروف حقاً علی المحسنین(۲۳۶-۲)

اگر آنان را قبل از زناشوئی طلاق دادید پس در صورت تعین مهریه ، لازم است که نصف آن مهر را به او بدهید، مگر اینکه آنها خود از مهر خود بگذرند یا آن کسی که گره ازدواج بدست اوست آنرا ببخشد عفو و گذشت شما به پرهیزکاری نزدیکتر است و نیکوکاری را در بین خود فراموش نکنید که خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست.

و ان طلقتموهنّ من قبل ان تمسوهنّ و قد فرضتم لهنّ فريضةً فنصف ما فرضتم الاّ ان يعفون او يعفو الّذی بيده عقدةُ النّكاح و ان تعفو اقرب للتقّوی و لاتنسوا الفضل بينكم انّالله بما تعملون بصير(۲۳۷-۲)

حقوق زن بعد از جدائی وطلاق

زنان را در هركجا که خودتان سكونت داريد سكونت دهيد به آنان زيان نرسانيد كار را بر آنان تنگ نكنيد.و اگر حملی دارند نفقه را بدهيد تا وضع حمل كنند و پاداش شيردهی را به آنها بپردازيد . و در بارۀ فرزندان مشاوره شايسته با يكديگر داشته باشيد و اگر مسئله شيردهی مشگل است از كسی ديگر برای شيردهی استفاده كنيد.

اسكنوهنّ من حيث سكنتم من وجدكم و لا تضاروهنّ لتضيّقوا عليهنّ و ان كنّ اولات حملٍ فانفقوا عليهنّ حتیّ يضعن حملهنّ فان ارضعن لكم فاتواهنّ اجورهنّ و ائتمروا بينكم بمعروف و ان تعاسرتم فستُرضع له أُخری.(۶-۶۵)(۷-۶۵)

اگر مادران تصميم گرفتند كه دو سال كامل فرزندان را شير دهند بر شما مردان است كه سهم شير دهی همسرانتان را از پوشش و غذا تأمين كنيد به گونه ای شايسته و با در نظر گرفتن توانائی خود.

والوالدات يرضعن او لادهنّ حولين كاملين لمن اراد ان يتّم الرّضاعة و علی المولود له رزقهنّ و كسوتهنّ بالمعروف لا تكّلف نفسٌ الا وسعها.....(۲۳۳-۲)

رفتار پسنديده بين زوجين

در آن زمان همسران خود را نگه می داشتند تا آنها بميرند و اموالشان را مالک شوند . ای مؤمنان برای شما حلال نيست كه ارث از زنان خود ببريد از روی اكراه و ديگر اينكه بر زنان خود تنگ نگيريد تا آنچه را كه به آنها پرداختيد مالک شويد مگر اينكه عمل نا شايست انجام دهند. و با آنها بطور شايسته معاشرت كنيد و

اگر از زنان خود رضایت نداشته باشد بدانید که خداوند در چیزی که شما نمی پسندید خیر وبرکت و سود فراوانی قرار داده است.
یا ایّها الذّین امنوا لا یحّل لکم ان ترثوا النساء کرهاً و لا تعضلوهنّ لتذهبوا ببعض ما اتیتموهنّ الاّ ان یأتین بفاحشةٍ مبینّةٍ و عاشروهنّ بالمعروف فان کرهتموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل الله فیه خیراً کثیراً(۱۹-۴)

طلاق رجعی

به محض جاری شدن صیغه طلاق زنان را از خانه ها بیرون نکنید!
ای پیامبر هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید زمان عده را حفظ کنید. در برابر پروردگار خود پرهیزگار باشید و آنها را از خانه خارج نکنید و نه آنها بیرون روند مگر کار زشت آشکاری را انجام دهند .این حدود الهی است و کسی که حدود الهی را رعایت نکند بخودش ظلم کرده است. نمی دانید شاید خداوند در اجرای این حکم بخواهد اصلاحی یا وضع تازه ای را بوجود آورد.
یا ایّهاالنبیّ ُ اذا طلّقتم النّساء فطلّقوهنّ لعدّتهنّ و احصوا العدّةالله واتّقوالله ربّکم لا تخرجوهنّ من بیوتهنّ و لا یخرجنّ الاّ ان یاتین بفاحشة مبیّنةٍ و تلک حدود الله و من یتعّد حدود الله فقد ظلم نفسه لا تدری لعلّ الله یحدث ُ بعد ذلک امراً(۱و۲-۶۵)

زمانیکه عده بسر آمد آنها را بطرز شایسته ای نگه دارید یا جدا شوید و هنگام طلاق و جدائی دو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید.و شهادت را برای خدا بر پا دارید و این پند برای کسانی است که ایمان به خدا و روز قیامت دارند. و هر کس از خداوند بپرهیزد و ترک گناه کند خداوند راه نجاتی برای او قرار می دهد.
هرگز بخاطر ضرر زدن و تعّدی کردن آنها را نگه ندارید و هر کس چنین کند بخود ظلم کرده و آیات الهی را به استهزاء گرفته است.نعمت خدا و حکمت او را همیشه بیاد داشته باشید.پرهیزگار باشید و بدانید که خداوند بر همه چیز داناست.
و اذا طلّقتم النساء فبلغن اجلهنّ فامسکوهنّ بمعروف اوسرّحوهنّ بمعروف و لا تمسکوهنّ ضراراً لتعتدوا و من یفعل ذلک فقد ظلم نفسه و لا تتّخذوا ایات الله هزواً واذکروا نعمت الله علیکم و ما انزل علیکم من الکتاب و الحکمة یعظکم به و اتقو الله و اعلموا انّ الله بکل شیءٍ علیمٌ(۲۳۲-۲)

اگر زنان را طلاق دادید و عده آنان به پایان رسید مانع ازدواج مجددّ آنها با همسرسابقش نشوید تا رضایت به طرز پسندیده ای حاصل شود و این پندی است به شما مؤمنان که عقیده بخدا و روز رستاخیز دارید.
و اذا طلّقتم النساء فبلغن اجلهنّ فلا تعضلوهنّ ان ینکحن ازواجهنّ اذا تراضوا بینهم بالمعروف ذلک یوعظ به من کان منکم یومن بالله و الیوم الاخرة(۲۳۲-۲)

طلاق بائن

طلاق دو بار است. (رجوع) یا همیشه از همسر خود جدا شوید و آنها را به نیکی رها کنید و یا آنها را بطور شایسته نگاهداری کنید تا آشتی شود. و آنچه که به آنها داده اید بر شما پس گرفتن حلال نیست. مگر بترسید از اینکه در ادامهٔ زندگی حدود الهی را رعایت نکنید. بخاطر همین ترس است که زن
می تواند فدیه ای بپردازد و طلاق بگیرد (طلاق خلع).هیچ گناهی در اینجا نیست. رعایت حدود الهی بسیار مهم است پس از آن تجاوز نکنید زیرا رعایت نکردن حدود الهی ظلم است و تجاوزکنندگان ظالم هستند.
الطلاق مرّتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان و لا یحلّ لکم ان تاخذوا ممّا اتیتموهنّ شیئاً الاّ ان یخافا حدود الله فان خفتم ان لا یقیماً حدود الله فلا جناح علیهما فیما افتدت به تلک حدود الله فلا تعتدوها و من یتعّد حدود الله فاولئک هم الظالمون(۲۲۹-۲)
اگر بعد از طلاق و رجوع بار دیگر همسر را طلاق دادید دیگر رجوع بر شما حلال نیست و شما باید همسر دیگری اختیار کنید (ازدواج دائم و آمیزش جنسی) و اگر او شما را طلاق داد گناهی ندارد بر شما دو نفر که رجوع کنید (همسر اوّل)و آنچه که مهم است حفظ حدود الهی است که باید محترم شمرده شود و تنها آگاهان می توانند حافظ حدود الهی بین خود باشند.
فان طلّقها فلا تحّل له من بعد حتیّ تنکح زوجاً غیره فان طلّقها فلا جناح علیها ان یتراجعا ان ظناً ان یقیما حدودالله و تلک حدود الله یبینّها لقوم یعلمون(۲۳۰-۲)

وجوب شاهد در طلاق و رجوع

هنگام طلاق و جدائی دو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید و شهادت را برای خدا بر پا دارید .
.....واشهدوا ذوی عدلٍ منکم و اقیموا الشّهادة لله .....(۲-۶۵)

حکم سه طلاق

اگر زن را طلاق دادید (دو طلاق و رجوع) و بعد بار دیگر او را طلاق دهید زن بر او بعد از آن حلال نمی شود. مگر اینکه همسری دیگر به ازدواج دائم او در آید (محلّل)و با او آمیزش داشته باشد و اگر او را طلاق داد کناهی بر او نیست ، هر دو می توانند رجوع کنند. مشروط به حفظ حدود الهی.
فان طلّقها فلا تحلّ له من بعد حتیّ تنکح زوجاً غیره فان طلقّها فلا جناح علیها ان یتراجعا ان ظناً ان یقیماً حدود الله و تلک حدود الله یبیّنها لقومٍ یعلمون(۲-۱۳۰)

مدّت ایلاء و طلاق ایلاء

کسانی که سوگند یاد می کنند با همسر خود همبستر نشوند باید چهار ماه انتظار بکشند.
للذّین یولون من نسائهم تربُّص اربعة اشهر.....(۲-۲۲۶)
و اگر تصمیم به جدائی گرفتید خداوند شنوا و داناست. مرد نباید در این قسم زن را بلا تکلیف قرار دهد باید وضع او را به طلاق و جدائی یا ادامه زناشوئی مشخص کند و گرنه در غیر این صورت حاکم شرع دخالت می کند. و ان عزموا الطلاق فانّ الله سمیعٌ علیمٌ(۲-۲۲۷)

ظهار و حکم ظهار

کسانی که به زنانشان می گویند: انت علیّ کظهر امی ، تو نسبت به من به منزله مادرم هستی، که آنها هرگز مادرانشان نیستند و مادرانشان آنهائی هستند که آنان را بدنیا آورده اند . پس آنان سخنی زشت و منکر می گویند که سخن آنها کفاره دارد و خداوند بخشنده و مهربان است.

الّذین یظاهرون منکم من نسائکم ما هنّ امّهاتهم ان امّهاتهم الاّ اللائی و لدنهم و انّهم لیقولون منکراً من القول و زوراء و انّ الله لعفوّ غفورٌ(۲-۵۸)

کفاره ظهار

باید بعد از بازگشت از سخن خود و قبل از آمیزش جنسی برده ای را آزاد کنند و این پندی است برای شما .
و الّذین یظاهرون من نسائهم ثمّ یعودون لما فتحریر رقبةٍ من قبل ان یتماسّا ذلکم توعظون به .....(۳-۵۸)

اگر توانائی آزاد کردن برده را ندارید پس دو ماه پیاپی قبل از آمیزش روزه بگیرید واگر قادر بر انجام روزه و تزکیه نفس نبودید شصت مسکین را اطعام کنید(یک مد طعام معادل ۷۵۰گرم)و این پندی است برای شما در حدود الهی..(۴-۵۸)
فمن لم یجد فصیام شهرین متتابعین من قبل ان یتماسّافمن لم یستطیع فاطعام ستیّن مسکیناً ذلک لتومنوا بالله و رسوله و تلک حدود الله.....(۴-۵۸)

لعان

مجازات تهمت به همسر

کسانی که همسران خود را متهم به عمل منافی عفت کنند و جز خودشان شاهدی نداشته باشند هر یک از آنها چهار بار سوگند یاد می کنند که از راستگویان باشند.
و الذین یرمون ازواجهم و لم یکن لهم شهداء الاّ انفسهم فشهادةُ احداهم اربع شهادات بالله انّه لمن الصادقین(۶-۲۴)

و در پنجمین بار می گوید که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان است.
و الخامسةُ انّ لعنت الله علیه ان کان من الکاذبین (۷-۲۴)

زن می تواند کیفر زنا را از خود دور کند به این طریق که چهار بار بخدا شهادت می دهد که همسرش

از دروغگویان است.
و یدرؤا عنها العذاب ان یشهد اربع شهداتٍ باللہ انۂ لمن الکاذبین(۸-۲۴)

زن در مرتبه پنجم می گوید که خشم وغضب خدا بر او باشد اگر مرد از راستگویان باشد .
و الخامسة انّ غضب الله علیها ان کان من الصّادقین(۹-۲)

زمان حمل و شیردهی

مادران فرزندان خود را دو سال شیر می دهند و این برای کسانی است که می خواهند دوره شیر دهی را کامل کنند و بر کسی که فرزند برای او متولد شده لازم است خوراک و پوشاک مادر را بپردازد و هیچ کس موظف نیست بیش از مقدار توانائی خود بپردازد.

و الوالدات یرضعن اولادهنّ حولین کاملین لمن اراد ان یتّم الرّضاعة و علی المولود له رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف لا تکلّف نفسٌ الاّ وسعها (۲۳۳-۲)

ما به انسان نسبت به والدینش سفارش کردیم و سپس آنها را به مادران سفارش می کنیم که با تمام رنج و سختی آنها را حمل کرده اند و دوران شیرخوارگی او که در دو سال پایان می یابد . اینکه برای من و پدر و مادرت شکر به جا آور که بازگشت شما بسوی من است.

و وصیّنا الانسان بوالدیه حملته امّهٗ وهناً علی وهن و فصاله فی عامین ان اشکر لی و لوالدیک الیّ المصیر(۱۴-۳۱)

ای انسان به پدرو مادر خود نیکی کن مادری که با سختی اورا حمل کرد و حمل خود را با سختی به زمین گذاشته و دوران حمل و از شیر گرفتن او سی ماه است.

ووصیّنا الانسان بوالدیه احساناً حملته امّه کرهاً ووضعته کرهاً و حملهُ و فصالهُ ثلاثون شهراً....

(۱۵-۴۶)بقیه آیات نکاح و طلاق و عده و شیردهی:(۲۲۱الی۲۳۷و۲۴۰الی۲۴۱-۲)(او۴و۱۹الی۲۵-۴)(۳۲الی۳۵و ۱۲۷الی۱۳۰-۴)(۵و۸۷-۵)(۸۷-۵)(۳الی۹-۲۴)(۲۸و۲۹و۳۳و۳۷و۴۹و۵۰-۳۳)(۲الی۴-۵۸)(۱الی۷-۶۵)

اجرت شیردهی

اگر خواستید دایه ای بر فرزندان خود بگیرید گناهی بر شما نیست پس به نحو شایسته ای حق شیر دهی مادر را بپردازید.

.....وان اردتم ان تسترضعوا اولادکم فلاجناح علیکم اذا سلّمتم ما اتیتم بالمعروف....(۲۳۳-۲)

اجرت برای حضانت

حقوق زن بعد از جدائی و حکم بادار بودن او و حق او در این مرحله.

اگر زن باردار است نفقه او را بپردازید تا وضع حمل کند.زیرا زن مادامیکه وضع حمل نکرده در حال عدّه است و نفقه و مسکن بر همسر واجب است.و اگر فرزند شما را شیر می دهد پس مزد او را بدهید و در بارهٔ سرنوشت فرزندان خود مشاورهٔ شایسته ای انجام دهید.
....و ان کنّ اولات حملٍ فانفقوا علیهنّ حتیّ یضعن حملهُنّ فان ارضعن لکم فاتوهنّ اُجورهنّ وائتمروا بینکم بمعروف ....(۶-۶۵)

دایه

اگر هر کدام بر دیگری سخت گرفتید و به توافق نرسیدید زن دیگری شیر دادن آن بچه را به عهده بگیرد تا کشمکشها ادامه نیابد. .....وان تعاسرتم فسترضع له اُخری. (۶-۶۵)

ستر عورت

حجاب

ای فرزندان آدم ما برای شما لباس فرو فرستادیم که اندام شما را از زشتیها بپوشاند و در عین حال زینت شما باشد و گذشته از این برای اینکه خود را فراموش نکنید و حد الهی را رعایت کنید و از حدود الهی خارج نشوید لباس تقوی که بهترین لباس است برای شما قرار دادیم. امید است که با یادآوری آن، خود را پند دهید .

یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یواری سواتکم و ریشاً و لباسُ التقّوی ذلک خیرٌ من آیات الله لعلهم یذّکرون (۷-۲۶)

لباس وسیله ای برای توسعه شهوات

لباس وسیله ای برای توسعه تقوی

شعار دلت با خدا باشد شعار نیکوئی است ولی این شعار باید ابراز گردد تا تأثیرش بر روح و روان شخص و دیگران هویدا گردد.زینت تقوی در باطن و اثر آن در ظاهر به یکرنگ است و قابل تبدیل نیست پس با اعتقاد قلبی شخص حرکت می کند تا شناخت معرفت الهی را در مسیر زندگی به تکامل برساند.واگر این شعار فقط لفظ باشد ونه معنی ، خطر بزرگی اسلام را تهدید می کند وجامعه رنگ شیطانی بخود می گیرد وفساد و شهوات بیداد می کند مانند جامعه فعلی که عمل را در نیّت خلاصه کرده وبه این طریق دین گریزی و بی غیرتی را ترویج کرده است.

ای فرزندان آدم فریب شیطان را نخورید!

ای فرزندان آدم شیطان شما را فریب ندهد همانگونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون ساخت و لباس آنان را از اندامشان بیرون کرد تا عورت و زشتیها را به آنها نشان دهد . همانا شیطان و گروهش شما را می بیند به گونه ای که شما آنها را نمی بینید. ما شیاطین را اولیاء و سرپرستان افراد بی ایمان قرار دادیم.

یا بنی آدم لا یفتننّکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیریهما سواتهما انّه یریکم هو و قبیله من حیث لا ترونهم انّا جعلنا الشّیاطین اولیاء للذّین لا یومنون.(۲۶-۷)

ای مردان چشم چرانی نکنید!

ای رسول به مؤمنان بگو چشمهای خود را فرو ببندند و عفاف خود را حفظ کنند و به نامحرمان نگاه نکنند این برای شما بهتر است و همانا خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.

قل للمؤمنین یغضّوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم انّ الله خبیرٌ بما یصنعون(۳۰-۲۴)

حجاب زنان

ای زنان مؤمن چشمهای خود را فرو ببندید و عفت را حفظ کنید و زینتهای خود را آشکار نسازید (استفاده از وسایل زینتی و نمایش بی حیائی و بی عفتی) خود را بپوشانید مگر آن حدّی را که خداوند بلا مانع می داند و طبیعتاً ظاهر است(گردی صورت و دو دست تا مچ) و مقنعه های خود را بر گردن ها بزنید تا گردن و سینه های شما محفوظ بماند.

{حجاب زیباست . حجاب ارزش ملی و دینی برای یک زن است. حجاب آزادگی است. حجاب بردگی نیست زیرا بی ارزشی بردگی است. حجاب آفت بی بند و باری است . حجاب اسلام را احیاء می کند .

حجاب پیامش مبارزه با تهاجم فرهنگی است. حجاب ذلّت و خواری نیست . حجاب معضلات را می شناسد و یقین را در شناخت خداوند معنا می دهد. حجاب یعنی عقل و اراده که با جهل مبارزه می کند.حجاب تیری بر قلب دشمن درونی و بیرونی است. حجاب دشمن شناس است پس چه کسی می تواند این همه معنا را در باطن و ظاهر خود نمایان سازد؟}

قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهنّ و یحفظن فروجهنّ و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ.....(۳۱-۲۴)

ای رسول به زنان خود و دختران خود و زنان مؤمنین بگو که از پو ششهای اسلامی یعنی پوشش سر تا سری استفاده کنند (چادر یا مانتو های بلند و گشاد) این برای آنها بهتر است و بدین وسیله شناخته و اذیّت نمی شوند و خداوند بخشنده و مهربان است.

یا ایّها النبّی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً (۵۹-۳۳)

لباس زینت انسان

ای فرزندان آدم زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود ببرید زینتهای ظاهری مانند لباس تمیز و خوشبو بودن و غیره و زینت اخلاقی مانند خوش اخلاقی و صفات نیکو و پسندیده در روح ملکوتی.

یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کلِ مسجدٍ .....(۳۱-۷)

بگو ای پیامبر چه کسی زینتهای خداوند را حرام کرده ،زینتها و روزیهای پاکیزه را که خداوند برای بندگانش آفریده است.

قل من حرّم زینة الله الّتی اخرج لعباده و الطیبّات من الرّزق .....(۳۲-۷)

زینتهای خود را فقط برای محرمان خود نگهدارید

محرم برای زنان شوهرانشان ،پدرانشان ،پدر شوهرانشان ،پسرانشان ، پسران همسرشان ، برادرانشان ، پسر برادرانشان ، پسر خواهرانشان و یا زنان هم کیش آنها یا بردگان و مردانی که تمایل به زن ندارند.

کودکانی که از امور جنسی زنان آگاه نیستند.

.....و لا یبدین زینتهنّ الا لبعولتهنّ او ابائهنّ او اباء بعولتهنّ او ابنائهنّ او ابناء بعولتهنّ او اخوانهنّ او بنی اخوانهنّ او بنی اواتهنّ او نسائهنّ او ما ملکت ایمانهنّ او التابعین غیر اولی الاربة من الرجال او الطفل الذّین لم یظهروا علی عورات النساء .....(۳۱-۲۴)

صدای خلخال زنان به گوش مردان نرسد

به هنگام راه رفتن پاها را به زمین نزنید تا خلخال ها و زینتها آشکارشود (طریق امروز، پاهای برهنه و راه رفتن با کرشمه ،برهنگی زنان ، آرایشهای تند ، که فساد را در جوامع بشری روز افزون کرده و از زن عروسکی بی روح ساخته که بازیچه دست استکباراست.)

در پایان خداوند مرد و زن را به توبه دعوت کرده زیرا او توبه پذیر است و خواهان رستگاری برای مؤمنین است.

.....و لا یضربن بارجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ و توبوا الی الله جمیعاً ایّه المومنون لعلکم تفلحون (۳۱-۲۴)

زنان سالخورده که امیدی به ازدواج آنها نیست

زنان پیر و باز نشسته از ازدواج و سالخورده که امیدی به ازدواج آنها نیست گناهی ندارند که جامهٔ خود را بگذارند ولی بهتر این است که عفاف را در پیش بگیرند و از این کار خوداری کنند و خداوند شنوا وداناست.

و القواعد من النساء اللاتی لا یرجون نکاحاً فلیس علیهنّ جناحٌ ان یضعن ثیابهنّ غیر متبّرجات بزینةٍ

و ان یستعففن خیرٌ لهنّ والله سمیعٌ علیمٌ(۶۰-۲۴)

زنان مانند جاهلیّت نخستین رفتار نکنند!

ای زنان مانند جاهلیت نخستین خود نمائی نکنید و در خانه های خود بمانید. (اگر امروز حضرت رسول (ص) بود این دین و اسلام را نمی شناخت . دینی که هر منکری برایش عادی باشد که دین نیست . امروز فرهنگ اسلام به خوبی نمایش داده می شود پس با پیشرفت علم جای هیچ شک و شبه ای نمی ماند.فقط عقل که حجت خدا است باید انسان را از نفس اماره بسوء نجات دهد.

...و قرن فی بیوتکنّ و لا تبرجن تبرج الجاهلیّة الاولی(۳۳-۳۳)

بخش سی و شش

مرگ- جنازه – وصیة – واجبات ارث

منکر خدا شدن نمک نشناسی است.

شما بدنهای بی روحی بودید و اوشما را زنده کرد ، سپس خداوند شما را می میراند و باز زنده می کند و بسوی او بازگشت می کنید پس چگونه به پروردگار خود کافر می شوید.

کیف تکفرون بالله و کنتم امواتاً فاحیاکم ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم ثمّ الیه ترجعون(۲۸-۲)

آنهائی که در جنگ احد شرکت کرده بودند گاهی چیزی را می گفتند که نباید می گفتند:اگر ما بر حق بودیم و سهمی از پیروزی برای ما بود این همه کشته در اینجا نمی دادیم. خداوند پاسخ داد،بگو: اگر در خانه های خود بودید آنهائی که کشته شدن برای آنها مقرر شده بود قطعاً بسوی آرامگاه خود بیرون می آمدند و آنها را به قتل می رساندند.

قل لو کنتم فی بیوتکم لبرزالذّین کتب علیهم القتل الی مضاجعهم.....(۱۵۴-۳)

تمام زندگان طعم مرگ را خواهند چشید و پاداش اعمال بطور کامل در روز قیامت خواهد بود.

کلّ نفس ذائقة الموت و انّما توفّون اجورکم یوم القیمة.....(۱۸۵-۳)

هر کجا باشید مرگ به سراغ شما می آید و بالاخره روزی شما را در کام خود فرو خواهد برد حتّی اگر در برجهای محکم باشید.

این ما تکونوا یدرککم الموت و لو کنتم فی بروج مشّیدّه...(۷۸-۴)

همه می میرند وهیچ کس جاودان نمی ماند ما برای هیچ بشری قبل از تو زندگی جاویدان قرار ندادیم.

و ما جعلنا لبشر من قبلک الخلد.....(۳۴-۲۱۹)

هر انسانی طعم مرگ را می چشد وشما را با بدیها و خوبیها آزمایش می کنیم و سرانجام بسوی ما باز گردانده می شود و نتیجه کارهای خوب و بد خود را می بیند.

کلّ نفس ذائقة الموت و نبلوکم بالشّروالخیر فتنةً و الینا ترجعون(۳۵-۲۱)

همه شما می میرید.

ثمّ انّکم بعد ذلک لمیتّون (۱۵-۲۳)

همه چیز نابود می شود جزء ذات پاک او ،حکومت مخصوص اوست و همه بسوی او باز می گردند.

.....کلّ شیء هالک الا وجهه له الحکم و الیه ترجعون(۸۸-۲۸)

تو می میری و آنها نیز خواهند مرد.

انّک میت و انّهم میتون۳۰-۳۹)

سپس روز قیامت شما نزد پروردگارتان مخاصمه می شوید.(۳۱-۳۹)

بهشتیان هیچ مرگی را جز همان مرگ اول نخواهند چشید و آنها را خدا از عذاب دوزخ حفظ کرده است.

لا یذوقون فیها الموت الا الموتة الاولی ووقهم عذاب الجحیم(۵۶-۴۴)

همه کسانی که روی زمین هستند فانی می شوند تنها ذات ذوالجلال وگرامی پروردگار باقی می ماند.

کلّ من علیها فان ویبقی وجه ربّک ذوالجلال والاکرام(۲۶-۵۵)

ما در میان شما مرگ را مقدر کردیم و کسی برما سبقت نمی گیرد.

نحن قدّرنا بینکم الموت و ما نحن بمسبوقین....(۶۰-۶۳)

از مرگ فرار نکنید! ای رسول بگو : مرگی که از آن فرار می کنید همانا با شما ملاقات خواهد کرد.

قل انّ الموت الّذی تفرّون منه فانّه ملاقیکم.....(۸-۶۲)

خداوند هر گز مرگ کسی را زمانی که اجلش فرا رسد به تأخیر نمی اندازد و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.

و لن یؤخر الله نفساً اذا جاء اجلها والله خبیرٌ بما تعملون(۱۱-۶۳)

سکرات موت

سرانجام سکرات مرگ به حق فرا می رسد (سستی بدن ، پریدگی صورت) درحالیکه خانواده خویش را می بیند و صدای آنها را می شنود ولی قادر نیست حرف بزند.

و جاءت سکرةُ الموت بالحقّ ذلک ما کنت منه تحید.(۱۹-۵۰)

آیه استرجاء : کسانی که مصیبتی به آنها می رسد می گویند :همانا ما برای خدا هستیم بسوی او باز می گردیم.

الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انّا الیه راجعون (۱۵۶-۲)

صابران کسانی هستند که لطف ورحمت خدا ودرود الهی بر آنهاست و ایشان هدایت یافتگان هستند.

اولئک علیهم صلوات من ربّهم و رحمةٌ و اولئک هم المهتدون (۱۵۷-۲)

غسل میّت

آبی را از آسمان برشما فرو فرستاد تا شما بوسیله آن پاکیزه بشوید.

.....و ینزّل علیکم من السماء ماء لیطهّرکم به .....(۱۱-۸)

اشاره به بستن پا در جان دادن

ساق پا ها را از سختی جان دادن بهم بپیچید.

والتفّت السّاق بالسّاق (۲۹-۷۵)

میسر انسانها در آن روز به سوی پروردگارش است.

الی ربّک یومئذٍ المسّاق(۳۰-۷۵)(۱۴-۴۳)

وجوب دفن میّت

خداوند زاغی را برای قابیل بعد از کشتن هابیل فرستاد تا چگونگی دفن را به قابیل نشان دهد. آن زاغ خاکهای زمین را کنار زد و طعمه خود را پنهان کرد . وای بر من که من مثل این زاغ هم نمی توانم باشم تا بتوانم برادرم را دفن کنم پس از این عمل از کرده خود پشیمان شد.

فبعث الله غراباً فی الارض لیریه کیف یواری سواة اخیه قال یا ویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب فاواری سواة اخی فاصبح من النادمین.(۳۱-۵)

آیا ما زمین را مرکز اجتماع انسانها قرار ندادیم؟ زمین مکانی است برای زندگی و بر طرف کردن تمام حوائج و نیازمندیهای موجودات زنده و هم محلّی است برای دفن مردگان آنها. أ لم نجعل الارض کفاتاً (۲۵-۷۷) احیاءً و امواتاً (۲۶-۷۷)

سپس می میراند او را پس دفن می کند او را در قبر. ثمّ اماته فاقبره (۲۱-۸۰)

وصیّت

زمانی که مرگ هریک از شما فرا می رسد بر شما نوشته می شود که بهتر است وصیّتی برای والدین و نزدیکان خود بکنید (از مال حلال = خیراً) و این حقّی است بر ذ مّه پرهیزگاران.

کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت ان ترک خیراً الوصیة للوالدین و الاقربین بالمعروف حقاً علی المتّقین (۲-۱۸۰)

وصیت را تغییر ندهید:

کسی که وصیت را بعد از شنیدن آن تغییر دهد ،این گناه است بر کسانی که آنرا تغیر داده اند همانا خداوند شنوا و داناست.

فمن بدّله بعد ما سمعه فانّما اثمه علی الّذین یبّدلونّه انّ الله سمیعٌ علیمٌ(۱۸۱-۲)

اصلاح وصیّت گناهی ندارد!

هر گاه وصی بیم انحرافی در وصیّت کننده داشته باشد می تواند آنرا اصلاح کند و گناهی بر او نیست. و خداوند بخشنده و مهربان است.

فمن خاف من موصٍ جنفاً او اثماً فاصلح بینهم فلا اثم علیه انّ الله غفورٌ رحیمٌ (۱۸۲-۲)

وجود دو شاهد در هنگام نوشتن وصیّت!

ای مؤمنان زمانیکه مرگ هر یک از شما فرا می رسد گواه طلبید دو نفر عادل را از خودتان هنگام وصیّت یا دو نفر غیر مسلمان را در جائیکه دسترسی به مسلمان ندارید. اگر به هنگام ادای شهادت در صدق آنها شک کردید آنها را بعد از نماز نگاه می دارید و وادار می کنید تا سوگند یاد کنند که ما حاضر نیستیم حق را به چیزی بفروشیم و اگر چه در مورد خویشاوندان ما باشد ما شهادت الهی را کتمان نمی کنیم که آنگاه از گناهکاران خواهیم بود.

یا ایها الذیّن امنوا شهادةٌ بینکم اذا حضر احدکم الموت حین الوصیّة أثنان ذوا عدل منکم او اخران من غیرکم ان انتم ضربتم فی الارض فاصابتکم مصیبة الموت تحبسونهما من بعد الصّلوة فیقسمان بالله ان ارتبتم لا نشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی و لانکتم شهادة الله انّا اذا لمن الاثمین(۱۰۶-۵)

اگر متوجه شدید آن دو مرتکب گناه و جرمی شده اند و حق را پایمال می کنند پس دونفر دیگر را انتخاب کنید .آنها بخدا سوگند یاد کنند که گواهی ما از گواهی آن دو نفر شایسته تر است. و اگر ما حق را پایمال کنیم از ظالمین هستیم .

فان عثر علی انّهما استحّقا اثماً فاخران یقومان مقامهما من الذین استحّق علیهم الاولیان فیقسمان بالله لشهادتنا احقّ من شهادتهما و ما اعتدینا اانّا اذاً لمن الظالمین(۱۰۷-۲)

شهود باید بخاطر خدا و ترس از خلق خدا کار را انجام دهند مبادا سوگند هایی جای سوگند های آنها را بگیرد . گوش به فرمان الهی دهید و تقوی را پیشه خود سازید و بدانید خداوند جمعیّت فاسقان را هدایت نمی کند.

ذلک ادنی ان یاتوا بالشّهادة علی وجهها او یخافوا ان تردّ ایمان بعد ایمانهم و اتقوالله واسمعوا والله لا یهدی القوم الفاسقین (۱۰۸-۵)

با وصیّت به ورثه خود ضرر نرسانید!

.....غیر مضارٍ وصیّة من الله.....(۱۲-۴)

پرداخت دیّون !

اگر میّت وصیّتی را کرده باید نخست به آنها عمل کرد ولی دیّون میّت را ابتدا پرداخت کنید.

.....من بعد وصیّةٍ یوصی بها او دین.....(۱۱-۴)

.....من بعد وصیّةٍ یوصین بها او دین .....(۱۲-۴)

.....من بعد وصیّةٍ توصون بها او دین.....(۱۲-۴)

.....من بعد وصیّةٍ یوصی بها او دینٍ.....(۱۲-۴)

وصّیت برای دوستان غیراقارب!

خویشاوندان نسبت به یکدیگر بنا بر آنچه خدا مقّرر داشته ارث می برند و بعد از این خداوند بر ارث بردن دوستان و کسانی که مورد علاقهٔ انسان هستند می فرمایند : اگر نسبت به دوستان خودتان بخواهید نیکی کنید و سهمی از اموال خود را به آنها بدهید و این حکم در کتاب الهی نوشته شده است.

.....الا ان تفعلوا الی اولیائکم معروفاً کان ذلک فی الکتاب مسطوراً (۶-۳۳)

واجبات ارث

برای مردان نصیبی از ارث است از آنچه که پدر ومادرشان و نزدیکان بر جا می گذارند و برای زنان نیز نصیبی این چنین است خواه آن مال کم باشد یا زیاد و این سهمی است واجب و لازم الاداء.

(تساوی حقوق زن و مرد در کیفیّت حقوق)

للرّجال نصیبٌ ممّا ترک الوالدان و الاقربون و للنّساء نصیبٌ ممّا ترک الوالدان و الاقربون ممّا قلّ منه او کثُر نصیباً مفروضاً (۷-۴)

وقتی خویشاوندان ویتیمان و مستمندان در مجلس حاضر بودند سهمی از ارث به آنها بدهید وبه شایستگی با آنها صحبت کنید .

و ادا حضر القسمة اولوالقربی و الیتامی و المساکین فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً(۸-۴)

سهم پسران دو برابر دختران:

اگر یک دختر باشد نصف مجموع مال از آن اوست. برای هریک از پدر ومادر یک ششم ارث . فرزندی برای متوفی نیست پس سهم مادر یک سوم مال وبقیه از آن پدر است.سهم مادر تغییر می کند در جائی که متوفی فرزند ندارد و برادر داشته باشد و سهم مادر یک ششم می شود . اینها تماماً بعد از وصیّت و ادای دین میّت است که باید دیون میّت را نخست پرداخت کرد . شما نمی دانید پدرانتان و فرزندانتان کدام به نفع شما هستند و این فریضه وواجبی است از طرف پروردگارتان همانا خداوند دانا وحکیم است.

یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثین فان کنّ نساء فوق اثنتین فلهنّ ثلثا ما ترک و ان لم یکن له ولدٌ وورثه ابواه فلاُمّهِ الثّلثُ فان کان له اخوةٌ فلامّة السُدُس من بعد وصیّة یوصی بها او دین اباؤکم و ابناؤکم لا تدرون ایّهم اقرب لکم نفعاً فریضةً من الله انّ الله کان حلیماً حکیماً(۱۱-۴)

سهم ارث زوجین:

اگر شما فرزندی ندارید سهم ارث شما از یکدیگر نصف میراث است و اگر فرزندی داشته باشید سهم ارث شما (یک –چهارم) می گردد که اینها بعد از پرداخت دین وصیتهای مالی اوست.

برای زنان شما یک چهارم میراث است اگر فرزندی نداشته باشند و اگر فرزندی داشته باشید سهم زنان به یک هشتم می رسد و اجرای این وصیت هم بنا بر ادای دین متوفی است. اگر مردی از دنیا برود و برادر و خواهر داشته باشد و یا زنی از دنیا برود و برادر وخواهر داشته باشد هر یک از آنها یک ششم مال را به ارث می برند. اگر برادر و خواهر بیش از یکی باشد ثلث مال را شریک هستند و آنرا باید تقسیم کنند این در صورتی است که وصیت قبلاً انجام گیرد و دیون از آن خارج شود بشرط آنکه به آنها (ورثه) ضرر نزند و خداوند دانا و بردبار است.

و لکم نصف ما ترک ازواجکم ان لم یکن لهنّ ولد فان کان لهنّ ولد فلکم الرّبع ممّا ترکن من بعد وصیةٍ یوصین بها او دین و لهنّ الرّبع ممّا ترکتم ان لن یکن لکم ولدٌ فان کان لکم ولدٌ فلهنّ الثمُن ممّا ترکتم من بعد وصیّةٌ توصون بها او دین و ان کان رجلٌ یورثُ کلالةً او امراةٌ و له اخٌ او اختٌ فلکلّ واحدٍ منهما السُدُس فان کانوا اکثر من ذلک شرکاءُ فی الثُلث من بعد وصیّةٍ یوصی بها او دینٍ غیر مضارٍ وصیّةً من الله والله علیمٌ حلیم (۱۲-۴)

ای مؤمنان برای شما حلال نیست اینکه از زنان از روی اکراه ارث ببرید .

یا ایّها الّذین امنوا لا یحّل لکم ان ترثوا النّساء کرهاً (۱۹-۴)

کلاله: کسب فتوی از پیغمبر در بارهٔ ارث برادران و خواهران:

اگر کسی از دنیا برود و دو خواهر از او به یاد بماند دوثلث از میراث را می برد و اگر ورثه چند برادر و خواهر باشند میراث بین آنها تقسیم می شود و برای هر برادر دو برادر خواهر است. خداوند این حقایق را برای شما بیان می کند تا گمراه نشوید و راه سعادت را بیابید او بر هر چیز دانا ست.

یستفتونک قل الله یفتیکم فی الکلالة ان امرٌوا هلک لیس له ولد و له اختٌ فلها نصف ما ترک و هو یرثها ان لم یکن لها ولد فان کانتا اثنتیّن فلهما الثلثان ممّا ترک و ان کانوا اخوةٌ رجالاً و نساءً فللذّکر مثلُ حظ الانثین یبّین الله لکم ان تضلوا والله بکل شیءٍ علیمٌ(۱۷۶-۴)

اموال یتیمان

اموال یتیمان را به آنها بدهید و اموال ناپاک خود را با اموال پاک یتیمان عوض نکنید و اموال آنها را نخورید در حالیکه مخلوط با اموال شما است که گناهی بزرگ است.

و اتوا الیتامی اموالهم و لا تتبّدلوا الخبیث بالطیّب و لا تأکلوا اموالهم الی اموالکم انّه کان حوباً کبیراً

(۴-۲)

بلوغ یتیمان :

از بلوغ یتیمان آگاه شوید وقتی به حد بلوغ رسیدند و اگر در آنها رشدی را مشاهده کردید اموالشان را به آنها باز گردانید . اموال آنها را در زمان نگه داری نخورید ، اسراف نکنید و هرکس از شما غنی است از اموال آنها صرف نظر کند و اگر فقیر باشد با رعایت عدل و انصاف حق الزحمة خود را خارج کنید و برای سپردن اموال آنها به دستشان باید شاهد بگیرید زیرا بهترین حسابگر خداوند است .

وابتلوا الیتامی حتیّ اذا بلغوا النّکاح فان انستم منهم رشداً فادفعوا الیهم و لا تأکلوا اسرافاً و بداراً ان یکبروا و من کان غنیاً فلیستعفف و من کان فقیراً فلیأکل بالمعروف فاذا دفعتم الیهم اموالهم فاشهدوا علیهم و کفی بالله حسیباً(۴-۶)

ای مردم بترسید از اذیت کردن یتیمان همانگونه که اگر فرزندان ناتوانی از خود به یادگار گذاشته اید و از آیندهٔ آنان می ترسید پس با یتیمان به نیکی رفتار کنید با سخن ملایم.

و لیخش الّذین لوترکوا من خافهم ذریةً ضعافاً خافوا علیهم فلیتقوالله و لیقولوا قولاً سدیدا ً(۴-۹)

کسانی که اموال یتیمان را به ناحق تصرّف می کنند در شکمها یشان آتش می خورند و بزودی وارد آتشی می شوند که آنها را بشّدت می سوزاند.

انّ الذّین یأکلون اموال الیتامی ظلماً انمّا یأکلون فی بطونهم ناراً و سیصلون سعیراً (۴-۱۰)

حقوق زنان یتیم:

ای پیامبر در بارۀ حقوق زنان از تو می پرسند بگو: خداوند به شما فتوی می دهد ازدواج با دختران یتیم در حالیکه حقوق آنها را ندهید یک عمل ظالمانه است.و دیگر اینکه حقوق ضعیفان را بدهید (کودکانی که صغیر هستند از ارث محروم نکنید) و دیگر اینکه با یتیمان با عدل و داد رفتار کنید هر گونه عمل نیکی از شما سرزند از دیدگاه علم خداوند مخفی نمی ماند و خداوند به آن عالم است.

و یستفنونک فی النساء قل الله یفتیکم فیهنّ و ما یتلی علیکم فی الکتاب فی یتامی النساء اللاّتی لا توتونهنّ ما کتب لهنّ و ترغبون ان تنکحوهنّ و المستضعفین من الولدان و ان تقوموا للیتامی بالقسط و ما تفعلوا من خیراً فانّ الله کان به علیماً(۱۲۷-۴)

به عهد خود در بارۀ یتیمان وفا کنید:

به اموال یتیمان نزدیک نشوید تا به سن بلوغ برسند مگر به طریقی که بهترین شیوه است به عهد خود وفا کنید زیرا عهد شما مسئول است و از آن سئوال می شود.

و لا تقربوا مال الیتیم الاّ بالّتی هی احسن حتیّ یبلغ اشده و اوفوا بالعهد انّ العهد کان مسئولاً (۳۴-۱۷)

سخن نیکو با یتیمان:

با یتیمان بطور شایسته سخن بگوئید ملاحظۀ روح و جسم آنها را بکنید . به سفیهان و نادانان اموالتان را نسپارید اموالی را که خداوند در اختیار شما گذاشته است . یتیمان را تأمین کنید و بطور شایسته با آنها صحبت کنید.

و لا تؤ تُوا السُّفهاء اموالکم التّی جعل الله لکم قیاماً و ارزقوهم فیها واکسوهم و قولوا لهم قولاً معروفاً (۴-۵)

بخش سی و هفت

معاملات

تجارت – بیع – کسب

تجارت در حج بر شما حرام نیست:

منافع اقتصادی در حج، گناهی بر شما نیست که از فضل خدا برخوردار شوید.

لیس علیکم جناحٌ ان تبتغوا فضلاً من ربّکم.... (۱۹۸-۲)

بیع مثل ربا نیست:

این برای کسانی است که گفتند: جزء این نیست که بیع مثل ربا ست و تفاوتی بین آنها نیست در حالیکه خداوند بیع را حلال کرده و ربا را حرام.

.....ذلک بانّهم قالوا انّما البیع مثل الرّبوا و احلّ اللهُ البیع و حرّم الرّبوا(۲۷۵-۲)

تنظیم اسناد در معاملات:

ای مؤمنان زمانی که بدهی مدتّ دار دارید آنرا بنویسید و باید نویسنده ای عادل آنرا بنویسد همانطور که خداوند به او تعلیم داده باید بنویسد و از آن خودداری نکند و آن کس که حقّ بر عهده اوست باید املاء کند و چیزی کم نگذارد اگر پرهیزگار است.و اگر کسی که حقی بر گردن اوست سفیه یا مجنون و ضعیف و یا لال باشد و قادر بر نوشتن نباشد ولی او باید املاء کند ولی باید عادل باشد و علاوه بر ان دو شاهد از مردان بگیرد واگر دو مرد نبود یک مرد و دو زن را شاهد بگیرند از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما باشند و آن دو زن به اتفّاق یکدیگر شهادت بدهند اگر یکی انحراف یافت دیگری یاد آور باشد.وقتی شهود دعوت می شوند خودداری ننمائید و از نوشتن بدهی کوچک و یا بزرگ مدّت دار خسته وملول نشوید.

این در نزد خدا به عدالت نزدیکترو برای شهادت قوام بیشتری دارد و برای جلو گیری از شک و تردید بهتر است . مگر تجارتی باشد که بین خودتان جریان دارد پس گناهی بر شما نیست.خرید و فروش نقدی را شاهد بگیرید و هیچگاه نویسنده سند و شهود را مورد آزار و ضرر قرار ندهید و این عمل فسق و گناه است . پرهیزگار باشید و خداوند به شما تعلیم می دهد آنچه را که به آن نیاز دارید.

یا ایهاالذین امنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتبوه و لیکتب بینکم کاتب بالعدل و لا یاب کاتب ان یکتب کما علّمه الله فلیکتب و لیملل الذی علیه الحق.....(۲۸۲-۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید از طریق باطل امرار معاش نکنید و به دنبال را ه حلال باشید و از حرام خودداری کنید تجارت شما باید پاک و مورد رضایت طرفین باشد.

یا ایّهاالذیّن امنوا لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الاّ ان تکون تجارةً عن تراضٍ منکم....(۲۹-۴)

تجارت در خانه خدا:

کسانی که برای خشنودی و رضای خدا و زیارت خانۀ او حرکت می کنند و بدنبال سود تجاری هستند آسایش آنها را بر هم نزنید.

.....ولا آمین البیت الحرام یبتغون فضلاً من ربّهم و رضواناً.....(۲-۵)

خداوند دریا را مسخر شما کرد تا از آن گوشت تازه بخورید و برای تجارت شما مروارید قرار داد و حرکت کشتیها بر روی آب که آنها هم بدنبال فضل خدایند تا از فضل خدا برای تجارت بهره بگیرید . امید است که شکر خداوند را فراموش نکنید.

و هو الّذی سخر البحر لتأکلوا منه لحماً طریاً و تستخرجوا منه حلیةً تلبسونها و تری الفلک مواخر فیه و لتبتغوا من فضله و لعلّلکم تشکرون.(۱۴-۱۶)

تلاش برای زندگی در حساب سال:

حرکت شب وروز بدنبال هم برای کسب فضل خدا تا عدد سالها و حساب آن را بدانید و در این حرکت تلاش برای زندگی را پی بگیرید.

.....و جعلنا اية النّهار مبصرةٌ لتبتغوا فضلاً من ربّكم و لتعلموا عدد السنّين والحساب.....(۱۲-۱۷)

مؤمنان ایمان خود را فدای تجارت خود نمی کنند:

مردانی که تجارتشان و معاملاتشان آنها را از یاد خدا دور نمی کند و همواره نماز را بر پا می دارند و زکات را فراموش نمی کنند زیرا آنها از روزی می ترسند که دلها و دیده ها در آن دگرگون و زیرو رو شود.

رجالٌ لا تلهيم تجارةٌ و لا بيعٌ عن ذكر الله و اقام الصّلوة و ايتاء الزّكوة يخافون يوماً تتقلّب فيه القلوب و الابصار.(۲۴-۳۷)

نماز جمعه را بر تجارت ترجیح دهید:

وقتی منادی ندای نماز جمعه کرد بسوی نماز جمعه بشتابید و تجارت را رها کنید و بعد از نماز به تجارت بپردازید و فضل خدا را بجوئید.

.....اذا نُودی للصّلوة من يوم الجمعه فاسعوا الى ذكر الله و ذروالبيع.....(۹-۶۲)

فاذا قضيت الصّلوةُ فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله.....(۱۰-۶۲)

رهن – وثیقه – تنظیم اسناد تجاری

اگر در سفر بودید و معامله ای خواستید انجام دهید نویسنده ای نیافتید گرو بگیرید و اگر به یکدیگر اطمینان دارید و ثیقه نمی خواهد ولی شما که مورد وثوق هستید باید بموقع بدهی خود را پرداخت کنید و از پروردگار خود بپرهیزید.

و ان کنتم علی سفرٍ و لم تجدوا کاتباً فرهانٌ مقبوضةٌ فان امن بعضکم بعضاً فلیُؤَد الّذی اوتمن امانته و لیّتق الله ربّه.....(۲۸۳-۲)

در برابر بدهکار صبور باشید:

اگر بدهکار نتوانست به موقع خود را از دِین خارج کند و دارای سختی و گرفتاری است او را تا هنگام توانائی مهلت بده.

و ان کان ذو عسرةٍ فنظرةٌ الی میسرةٍ....(۲۸۰-۲)

با یکدیگر دشمنی نکنید:

با وسائل مختلف در صدد انتقام گیری نباشید . با اتحاد و تقوی و نیکیها با یکدیگر زندگی کنید. با دشمنی و گناه و تعدی بر یکدیگر زندگی نکنید. و بیاد داشته باشید که خداوند مجازات و کیفرهای سختی دارد پس خداوند را پرهیزگاری باشید.

..... و تعاونوا علی البّر و التقّوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان واتقوالله انّ الله شدیدُ العقاب.(۲-۵)

ربا وتحریم آن

رباخواران به زمین میخورند و گاهی می ایستند . تعادل ندارند . گوئی شیطان با تماس با او ،او را دیوانه کرده است . ربا خواران دیوانگان در دنیاهستند و در آخرت نیز دیوانه محشور می شوند زیرا عقیده دارند که بیع مثل ربا است و تفاوتی ندارد در حالیکه خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام . هر کس اندرز الهی به او رسد و از رباخواری خودداری کند سود هائی که در سابق بدست آورده مال اوست و کار او بخدا واگذار می شود وامّا کسانی که همچنان به گناه ادامه دهند پس آنها اهل آتش هستند و در ان مخلد.

الذّين يأكلون الربوا لا يقومون الا كما يقوم الذى يتخبّطه الشيطان من المسّ ذلک بانّهم قالوا انّما البيع مثل الرّبوا و احلّ الله البيع و حرّم الرّبوا فمن جاءه موعظةٌ من ربّه فانتهى فله ما سلف و امرهُ الى الله و من عاد فاولئک اصحاب النّار هم فيها خالدون(۲۷۵-۲)

خداوند ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد. و خداوند انسانهای ربا خوار را دوست ندارد.

يمحق الله الرّبوا و يربى الصّدقات والله لا يحبّ ُ كلّ كفّار اثيمٍ(۲۷۶-۲)

ای مؤمنین ربا را رها کنید اگر واقعاً مؤمن هستید.

يا ايّهاالذين امنوا اتقّوالله و ذروا ما بقى من الربّوا ان كنتم مؤمنين (۲۷۸-۲) (۲۸۰-۲)(۱۳۰-۳)

اگر از راه سعادت و تقوی دوری جوئید بدانید به جنگ با خدا و رسول نزدیک شده اید و اگر توبه کنید سرمایه های شما از آن شماست نه ستم می کنید و نه ستمی بر شما می شود.

فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله ورسوله و ان تبتم فلكم رؤسُ اموالكم لا تَظلمون و لا تُظلمون (۲۷۹-۲)

پیمانه – وزن

تا هنگام بلوغ نزدیک مال یتیم نشوید مگر قصد اصلاح داشته باشید و کم فروشی نکنید و حق پیمانه و وزن را با عدالت ادا کنید . تکلیف هر کس به اندازه توانائی اوست.

و لا تقربوا مال اليتيم الا بالّتى هى احسن حتىّ يبلغ اشده و اوفوا الكيل و الميزان بالقسط لا نكلّف نفساً الا وسعها (۱۵۲-۶)

کم فروشی نکنید:

دلایل روشنی از طرف خدا بر شما است پس پیمانه و وزن را وفا کنید و کم نگذارید.

.....قد جاءتکم بینةٌ من ربّکم فاوفوا الکیل و المیزان و لا تبخسوا النّاس اشیاءهم....(۸۵-۷)

(۸۳-۱)

پیمانه را کم نگذارید من خیر خواه شما هستم . از عذاب که روزی شما را در بر می گیرد هراسانم.

.....و لا تنقصواالمکیال و المیزان انّی اراکم بخیرٍ و انّی اخافُ علیکم عذاب یوم محیط.(۸۴-۱۱)

کم نگذارید . میزان شما با قسط و عدل باشد نه زیانبار.

الاّ تطغوا فی المیزان و اقیموا الوزن بالقسط و لا تخسروا المیزان(۸و۹-۵۵)

کم فروشان چه کسانی هستند؟

آنهائی که وقتی برای خود پیمانه می کنند حق خود را بطور کامل می گیرند و امّا هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند کم می گذارند . گویا گمان ندارند که برانگیخته می شوند در روز بزرگ ، روزی که در پیشگاه خداوند می ایستند.

الذیّن اذا اکتالوا علی النّاس یستوفون (۲-۸۳)

و اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون(۳و ۴و۵و۶-۸۳)

حق وحقوق

دایه:

اگر خواستید دایه ای برای فرزندان خود بگیرید گناهی بر شما نیست که حقّ مادر را کوتاهی نکنید.

.....وان اردتم ان تسترضعوا اولادکم فلا جناح علیکم اذا سلّمتم ما اتیتم بالمعروف.....(۲۳۳-۲)

مزد زحمت:

یکی از آن دو دختر که با حیا بود و با حیا و عفت گام بر می داشت به موسی گفت: پدرم از تو دعوت می کند تا مزد و پاداش آبی را که از چاه برای گوسفندان ما کشیدی به تو بدهد.

فجاءته احداهما تمشی علی استحیاء قالت انّ ابی یدعوک لیجزیک اجر ما سقیت لنا.....(۲۵-۲۸)

شعیب به موسی گفت: می خواهم یکی از آن دو دخترم را به همسری تو در آورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی و اگر هشت سال را به ده سال تکمیل کنی محبّتی کرده ای.

قال انّی اُرید ان اُنکحک احدی ابنتیّ َ هاتین علی ان تأجرنی ثمانی حجج فان اتممت عشراً فمن عندک ....(۲۷-۲۸)

رضایت طرفین در عقد

ای مؤمنان اموال خود را بطریق باطل معامله نکنید و مال باطل نخورید از طریق نا مشروع.

یا ایّها الذین امنوا لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل.....(۲۹-۴)

وکالت

یوسف(ع) به ملک گفت:

مرا در رأس خزانه داری این سرزمین قرار ده که من نگهدار خوب و دانائی هستم.

قال اجعلنی علی خزائن الرض انّی حفیظٌ علیمٌ(۱۲-۵۵)

اصحاب کهف و وکالت:

وکالت بعد از بیداری از یک خواب طولانی. سکه ای را که با خود دارید به دست یکی از نفرات خود بدهید و او را به شهر بفرستید تا برود و بیند کدامین فروشنده غذای پاک تری دارد و به مقدار روزی و نیاز برای شما بیاورد باید دقت کند و هیچ کس را از وضع شما آگاه نسازد.

.....فابعثوا احدکم بورقکم هذه الی المدینة فلینظر ایّها ازکی طعاماً فلیاتکم برزق منه و لیتلّطف و لا یشعرنّ بکم احداً(۱۹-۱۸)

امانت

اگر بعضی از شما بر بعضی دیگر اطمینان دارید می توانید بدون نوشتن سند و غیره امانت خود را به صاحبش بر گردانید و تقوی الهی را فراموش نکنید.

و ان کنتم علی سفر و لم یجدوا کاتباً فرهان مقبوضةٌ فان امن بعضکم بعض فلیؤدّالذِ ی اؤتمن امانته و لیتّقه الله ربّه.....(۲۸۳-۲)

در میان اهل کتاب کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری به تو باز می گردانند.

و من اهل الکتاب من ان تأمنه بقنطار یُؤدّه الیک....(۷۵-۳)

۲۲۵

همانا خداوند امر می کند که امانات را به صاحبش بر گردانید.

انّالله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها.....(۵۸-۴)

ای کسانیکه ایمان آورده اید خیانت به خدا و رسول خدا نکنید و خیانت در امانت نکنید در حالیکه شما می دانید خیانت گناه بزرگی است.

یا ایّها الذین امنوا لا تخونوا الله و الرسّول و تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون(۲۷- ۸)

کسانی که در برابر اماناتشان و عهد شان استوارند.

والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون(۸-۲۳)(۳۲-۷۰)

غصب

یکی از بزرگترین موانع اجرای عدالت اجتماعی، رشوه خواری است.

رشوه خواری حرام است.

اموال یکدیگر را از طریق باطل نخورید قسمتی از اموال مردم را به گناه به حکام و قضات ندهید تا بخورند در حالیکه شما می دانید اینکار رشوه است و حرام .

و لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الی الحکام لتأکلوا فریقاً من اموال النّاس بالاثم و انتم تعلمون(۱۸۸-۲)

چرا خضر کشتی را سوراخ کرد:

امّا کشتی به گروهی مستمند متعلق بود که در دریا کار می کردند من خواستم آنرا معیوب کنم چون در پشت سر آن پادشاهی ستمگر بود که هر کشتی سالمی را از روی غصب می گرفت.

اما السفینة فکانت لمساکین یعلمون فی البحر فأردت ان اعیبها و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینة غصباً (۱۸-۷۹)

قصاص در حد اعتدال:

کسی که به شما تجاوز می کند پس به مانند آن به او تجاوز کنید(از زیاده روی بپرهیزید)

.....فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم و اتقوالله واعلموا انّ الله مع المتقّین (۲-۱۹۴)

کفالت وضمان

پروردگارش او را به طرز نیکوئی پذیرفت (مریم(س)) و بطور شایسته ای او را پروراند و بزرگ کرد و زکریا را سرپرست و کفیل او قرار داد.

..فتقبّلها ربّها بقبول حسنٍ و انبتها نباتاً حسناً و کفّلها زکریّا .....(۳-۳۷)

قرعه کشی برای انتخاب وکیل:

نزد آنها قلمهائی بود برای قرعه کشی در انتخاب و تعین سرپرستی برای مریم.

.....و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم.(۳-۴۴)

وثیقه الهی:

من هرگز بنیامین را با شما نخواهم فرستاد تا پیمان الهی ببندید که او را حتماً نزد من می آورید مگر دردسری بوجود آید که شما قادر نباشید.

قال لن ارسله معکم حتیّ توتون موثقاً من الله لتأتنّنی به الاّ ان یحاط بکم....(۱۲-۶۶)

ضمان:

هر کس پیمانه را بیاورد یکبار شتر به او جایزه خواهم داد و من شخصاً این جایزه را تضمین می کنم.

.....و لمن جاء به حملٌ بعيرٍ و انا به زعيمٌ(۷۲-۱۲)

زمانی که با خدا عهد بستید به عهد خود وفا کنید وسوگند ها را نشکنید بعد از محکم ساختن و خداوند را ضامن و کفیل بر سوگند خود قرار دهید.

و اوفوا بعهد الله اذا عاهدتم و لا تنقضوا الایمان بعد توکیدها و قد جعلتم الله علیکم کفیلاً (۹۱-۱۶)

خواهر موسی گفت : آیا زنی را معرفی کنم که کفیل و سرپرست این نوزاد باشد .

اذ یمشی اختک فتقول هل ادُلُکم علی من یکفلُهُ ....(۴۰-۲۰)

آیا هر کدام از شما تضمین می کنید که مجرمان و مؤمنان یکسان باشد و یا هر چه آنها بخواهند خدا در اختیار شان می گذارد.

سلهم ایّهُم بذالک زعیمٌ(۴۰-۶۸)و(۱۲-۲۸)(۲۳-۲۸)

جعاله

ساحران از فرعون مزد و پاداشی خواستند در صورت غلبه بر دشمن خود:

و جاء السحرةُ فرعون قالوا انّ لنا لاجراً ان کنّا نحن الغالبین(۱۱۳-۷)

فرعون نیز وعده مساعد داد و گفت: بلی ، نه تنها اجر و پاداش می دهم بلکه یکی از مقربان من خواهید بود.

قال نعم و انّکم لمن المقربین(۱۱-۷)

بخش سی و هشت
ذبح حیوانات

حیواناتی را بخورید که با اسم خدا ذبح می شوند ، اگر مؤمن هستید و به آیات الهی ایمان دارید .

فکلوا ممّاذکراسم الله علیه ان کنتم بایاته مؤمنین (۱۱۸-۶)

از ذبحی که غیر از اسم خدا است و به اسم بتها هست نخورید که خداوند در آیات بیشماری طعام حرام را برای شما بیان می کند مگر در صورت اضطرار و ناچاری باشد .

و مالکم الاّ تأکلوا ممّا ذُکر اسم الله علیه و قد فصّل لکم ما حرّم علیکم الاّ ماااضطررتم الیه.....(۱۱۹-۶)

خوراک حلال

ای مردم از آنچه برای شما حلال شده ، بخورید.

یا ایّهاالنّاس کلوا ممّا فی الارض حلالاً طیباً....(۱۶۸-۲)

ای مردم مؤمن از روزیهائی که برای شما طیّب و پاکیزه است بخورید.

یا ایّهاالذّین امنوا کلوا من طیبّات ما رزقناکم.....(۱۷۲-۲)

چهارپایان برای شما حلال کردیم به غیر از آنهائی که برای شما معرفی می کنیم.صید در حال احرام ، حرام است خداوند هر حکمی را که اراده کند صادر میکند.

....احلّت لکم بهیمةُ الانعام الا ما یتلی علیکم غیر محلّی الصیّد و انتم حرُمٌ انّ الله یحکم ما یرُید .(۱-۵)

از تو در بارهٔ غذاهای حلال سئوال می کنند، بگو:

هر چیز پاکیزه بر شما حلال است و آنچه که خداوند به شما تعلیم داده به آنها آموخته اید (صید حیوانات) و صیادان تحت تعلیم شما قرار گرفته اند.

یسئلونک ما ذا اُحلّ لهم قل اُحلّ لکم الطیّبات و ما علّمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهنّ ممّا علّمکم الله .... (۴-۵)

امروز آنچه پاکیزه است برای شما حلال شد و غذاهای اهل کتاب برای شما حلال و طعام شما برای آنها حلال است.

الیوم اُحلّ لکم الطیّبات و طعام الذبین اوتوا الکتاب حلّ ُ لکم و طعامکم حلّ ُلکم و طعامُکم حلّ ُ لهم..... (۵-۵)

خوراک حرام

مردار و خون وگوشت خوک و حیواناتی که طبق سنت جاهلیت و به نام بتها (به غیر نام خدا)ذبح می شدند و حیواناتی که خفه شده باشند حرام است.

و نیز حیواناتی که با ضرب جان بسپارند و یا به بیماری از دنیا بروند و حیواناتی که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرند و یا حیواناتی که بوسیلهٔ حملهٔ درندگان کشته شوند همگی حرام است مگر آنچه که با روش اسلامی ذبح شود . اگر قبل از آن که این حیوانات جان بسپارند با آداب اسلامی ذبح شوند و خون بقدر کافی از آنها خارج شود حلال خواهد بود.

حرّمت علیکم المیتةٌ و الدّم و لحم ُالخنزیر و ما اُهلّ لغیر الله به و المنخنقةُ و الموقوذةُ و المُرّدیةُو النطیحةُ و ما اکل السّبعُ الا ما ذکیّتم و ما ذُبح علی النُصُب.....(۳-۵)

از گوشتهائی که نام خدا به هنگام ذبح برده نشده نخورید که این کار فسق و گناه است . ای پیامبر ، به مردم بگو: هیچ غذای حرامی بر من وحی نشده مگر آنچه که مردم را از خوردن آن نهی کرده مثل مردار و خون جاری از بدن حیوان که آن رجس است و سرچشمهٔ زیانهای مختلف است و یا فسق است از جهت نام غیر خدا بردن به هنگام ذبح،و امّا ناگهان خوردن چیزهای حرام بهنگام اضطرار مباح

می شود. خداوند بخشنده و مهربان است و توبه شما را می پذیرد بهنگامی که بشر مضطر است و برای حفظ جان مجبور است که از آنچه حرام شده بخورد ولی زیاد از حدّ نخورد.

و لا تأکلوا ممّا لم یذکراسم الله علیه و انّه لفسق.....(۱۲۱-۶)

قل لا اجدُ فی ما اوحی الیّ محّرماً علی طاعمٍ یطعمهُ الاّ ان یکون میتةً او دماً مسفوحاً او لحم خنزیرٍ فانّهُ رجسٌ او فسقاً اُهلّ لغیرالله به فمن اضطر غیر باغٍ و لا عادٍ فانّ ربّک غفورٌ رحیمٌ(۱۴۵-۶)

خبائث و چیزهای تنفر آمیز بر شما تحریم شده است.

.....یحرم علیهم الخبائث.....(۱۵۷-۷)

صید حلال

هنگامی که از احرام خارج شدید صید کردن مجاز است.

.....و اذا حللتم فاصطادوا.....(۲-۵)

صید حیوانات:

صیاد که تحت تعلیم شما قرار گرفته اند و از آنچه که خداوند بشما آموخته به آنها آموخته اید حلال است.

.....و ما علّمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهنّ ممّا علّمکم الله فکلوا ممّا امسکن علیکم واذکروا اسم الله علیه .....(۴-۵)

صید دریائی:

صید در یا و طعام آن در حال احرام حلال است این برای شما و مسافران بهره ای دارد. صید حیوانات صحرایی بر شما حرام است مادامیکه احرام بسته اید.

اُحلّ لکم صیدُ البحر و طعامُهُ متاعاً لکم و للسیّارة و حرّم علیکم صیدُالبّر ما دمتم حرُماً.....(۹۶-۵)

بخش سی و نه

مشارکت انبیاء و رسولان در ایجاد کار و صنایع

نوح و کار و فعالیّت:

به نوح فرمان دادیم که کشتی بسازد در حضور ما و به فرمان ما. تقاضای شفاعت و عفو مکن در بارهٔ ستمگران چرا که آنها محکوم به عذابند و مسلماً غرق خواهند شد.

نوح کشتی می ساخت . در تهیّه وسایل آن سعی و کوشش می کرد و قوم که از کنار او می گذشتند او را مسخره می کردند.

واصنع الفلک باعیُننا و وحینا و لا تخاطبنی فی الذّین ظلموا انّهم مغرقون(۳۷-۱۱)و یصنع الفلک و کلّما مرّ علیه ملا من قومه سخروا منه.....(۳۸-۱۱)

ابراهیم و اسماعیل و بناء کعبه

بیاد آورید زمانی را که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه کعبه را بالا می برند و می گفتند: پروردگارا از ما بپذیر که تو شنوای و دانائی.

و اذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسمعیل ربّنا تقّبل منّا انّک انت السمّیع العلیم(۱۲۷-۲)

موسی و عبد صالح برپا کنندگان دیوار

موسی و عبد صالح به قریه ای رسیدند و از اهالی آن غذا خواستند. آنها ابا کردند و با این حال در آن آبادی دیواری را یافتند که در حال خراب شدن بود پس آن را محکم کردند و مانع ویرانیش شدند.

موسی گفت: می خواستی در قبال آن مزد بگیری.

فانطلقا حتی اذا اتیا اهل قریةٍ استطعما اهلها فابوا ان یضّیفوهما فوجدا فیها جداراً یرید ان ینقصّ فاقامه قال لوشئت لتّخذت علیه اجراً(۷۷-۱۸)

کار و مزد

یکی از دو دختر شعیب گفت: ای پدر او را استخدام کن . او امین و قوی است بهترین فرد است.

قالت احدهما یا ابت استاجره انّ خیر من استاجرت القوی الامین(۲۶-۲۸)

شعیب گفت: من می خواهم یکی از این دو دختر را به همسری تو در آورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی. اگر هشت سال به ده سال رسید محبتّی از طرف توست و من بر تو نمی خواهم سخت بگیرم . بزودی می یابی که من از صالحانم.

قال انّی اُریدُ ان انکحک احدی ابنتی هاتین علی ان تاجرنی ثمانی حجج فان اتممت عشراً فمن عندک و ماارِیدُ ان اشقّ علیک ستجدُنی ان شاء الله من الصّالحین(۲۷-۲۸)

داود و صنعت زره سازی

ما ساختن زره را به او تعلیم دادیم تا شما را در جنگها یتان حفظ کند. پس آیا شما شاکر هستید.

و علمنّاه صنعة لبوس لکم لتحصنّکم من بأسکم فهل انتم شاکرون (۸۰-۲۱)

ما آهن را برای او نرم کردیم آهن در دست داود نرم شد و بعد از آن زره ساخت.

.....والنّا له الحدید.....(۱۰-۳۴)

کم وکیف کار داود

زرههای کامل بساز و حلقه های آنها را به اندازه و متناسب کن عمل صالح بجا آورید که من نسبت به آنچه انجام می دهید بصیر و بینا هستم.

ان اعمل سابغات و قدّر فی السّر واعملوا صالحاً انّی بما تعملون بصیر(۱۱-۳۴)

سلیمان و کا ر و مسخر شدن جن و شیاطین

برای سلیمان باد را مسخر کردیم که صبحگاهان و عصر گاهان مسیری را می پیمود و چشمه مس (مذاب) را روان ساختیم . و به اذن خدا گروهی از جن پیش روی او کار می کردند. هر گاه کسی از آنها از فرمان ما سر پیچی می کرد او را با آتش سوزان مجازات می کردیم.

و لسلیمن الّریح غدوها شهرٌ و رواحُها شهرٌ و اسلنا له عین القطر و من الجن من یعمل بین یدیه باذن ربّه و من یزغُ منهم عن امرنا نذُ ُقه من عذاب السّعیر(۱۲-۳۴)

سلیمان هر چه می خواست از معبدها و تماثیل و ظرفها ی بزرگ همچون حوضهای بزرگ و دیگهای عظیم ثابت برای او مهیا می شد . ای آل داود شکر گذاری کنید امّا عدّه کمی شکر گزاردند.

یعلمون له ما یشاء من محاریب و تماثیل و جفان کالجواب و قدور راسیات اعملوا ال داود شکراً و قلیلٌ من عبادی الشّکورُ(۱۲-۳۴)

باد را مسخر کردیم برای سلیمان تا مطابق فرمانش باشد و به هر جا که او اراده می کند برود .

فسّخر نا له الرّیح تجری بامره رُخاءً حیثُ اصاب(۳۶-۳۸)

گروه بنّا و غواصّ را نیز مسخر او کردیم . و الشّیاطین کلّ بنّاء و غوّاص (۳۷-۳۸)

مواهب الهی بر عیسی(ع)

از گل پرنده ای ساخت به اذن پروردگار و در آن می دمید و پرنده ای زنده شده به اذن پروردگار.

....و اذ تخلق من الطین کهیئة الطیّر باذنی فتنفخُ فیها فتکون طیراً باذنی.....(۱۱۰-۵)

سد ذوالقرنین

گفتند ای ذوالقرنین ، یاجوج و مأجوج در این سرزمین فساد می کنند آیا ممکن است با هزینه ما بین ما و آنها سدی ایجاد کنی.

قالوا یا ذالقرنین انّ یأجوج و مأجوج مفسدون فی الارض فهل نجعل لک خرجاً علی ان تجعل بیننا و بینهم سداً(۹۴-۱۸)

ذو القرنین گفت :آنچه پروردگارم در اختیار من گذارده بهتر است مرا با نیروئی یاری کنید تا میان شما و آنها سد نیرومندی ایجاد کنم.

قال ما مکنّی فیه ربّی خیرٌ فاعینونی بقوةٍ اجعل بینکم و بینهم ردماً(۹۵-۱۸)

قطعات بزرگ آهن را برای من بیاورید تا کاملا بپوشانم میان دو کوه را ،سپس با وسایلی آتش زا به آنها بدمید تا آتش بر پا شود پس او می خواست قطعات را به یکدیگر پیوند دهد گفت ، مس ذوب شده برای من بیاورید تا بر روی این سد بریزم.

اتونی زبرالحدید حتیّ اذا ساوی بین الصدّفین قال انفخوا حتیّ اذا جعله ناراً قال اتونی افرغ علیه قطراً (۹۶-۱۸)

پس سد محکمی ساخت که یأجوج و مأ جوج توانائی بالا رفتن ازآن را داشتند و قادر نبودند نقبی در آن ایجاد کنند.(۹۷-۱۸)

۲۳۶

عمل کرد انسانها در پهنه زمین

خداوند غافل از عملکرد شما نیست پس آنچه بدست می آید حاصل تلاش شماست.

و لکلّ درجات ممّا عملوا و ما ربّک بغافلٍ عمّا یعلمون (۱۳۲-۶)

آزمایش شما در نظام آفرینش :

او خدائیست که شما را در روی زمین خلیفه قرار داد و بعضی را بر بعضی دیگر برتری داد تا شما را بیازماید.

و هو الّذی خلائف الارض و رفع بعضکم فوق بعضٍ درجاتٍ لیبلوکم فی ما اتکم.(۱۶۵-۶)

یاد کنید زمانی که جانشینان در روی زمین بعد از قوم عاد که بهلاکت رسیدند که در دشتهایش قصر ها بنا می کردند و خانه ها برای خود در کوهها می تراشیدند (قوم ثمود)پس نعمتهای خدا را یاد کنید و در زمین فساد نکنید.

واذکروا اذ جعلکم خلفاء من بعد عادٍ و بوّاکم فی الارض تتخّذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بیوتاً فاذکروا الاءالله و لا تعثوا فی الارض مفسدین(۷۴-۷)

بعد از هر سختی آسانی است و در آسانی خداوند ناظر اعمال شماست که چگونه عمل می کنید. امید است پروردگار شما اینکه دشمنان شما را نابود کند و شما را جانشین قرار دهد تا ببیند که چگونه عمل می کنید.

و قل اعملوا فسیری اللهُ عملکم ورسوله و المؤمنون و ستُردوّن الی عالم الغیب و الشّهادة فینبّئکم بما کنتم تعملون.(۱۰۵-۹)

حکومت زمین از آن صالحان است . بعد از یاد آوری به اینکه در زبور هم نوشتیم که وترثان زمین صالحان هستند.

و لقد کتبنا فی الزّبور من بعد الذّکّر انّ الارض یرثهُا عبادی الصالحون (۱۰۵- ۱۰)

زینتهای روی زمین آزمایش شماست.

ما بر روی زمین زینتهای مختلف و پر زرق و برق قرار دادیم تا شما را به بهترین عمل خود بیازماییم .

انّا جعلنا ما علی الارض زینة لها لنبلوهم ایّهم احسن عملاً(۷-۱۸)

آیا از گذشتگان درس عبرت نگرفتید.

آیا در روی زمین سیر نکردید تا ببینید چگونه بود عاقبت اقوام قبل از شما. آنها قوی تر بودند و زمین را دگرگون می ساختند و آباد می کردند و پیامبران با دلایل روشن به سوی آنها می آمدند.

اولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبةُ الذّین من قبلهم کانوا اشدّ منهم قوة و آثاروالارض و عمروها اکثر ممّا عمروها و جاءتهم رسلهم بالبیّنات....(۹-۳۰)(۲۱-۴۰)

بهانه جوئی نکنید . بدنبال رحمت پروردگار باشید و رحمت پروردگار از آنچه بدنبالش هستید بهتر است.

خداوند رحمتش را بین شما تقسیم کرده و بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده و مسخر گردانیده است. أهم یقسمون رحمت ربّک نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوة الدّنیا و رفعنا بعضهم فوق بعضٍ درجاتٍ لیّتخذ بعضهم بعضاً سخریاً و رحمتُ ربّک خیرٌ ممّا یجمعون(۳۲-۴۳)(۱۹-۴۶)

بخش چهل

امثال قرآن

ما برای شما در قرآن مثالهای زیادی آوردیم تا راه حق را بپمایند ولی اکثر مردم جزء راه کفر راهی دیگر نپیمودند.

و لقد صرّفنا للنّاس فی هذا القران من کلّ مثل فابی اکثر النّاس الاّ کفوراً(۸۹-۱۷)

برای مردم در قرآن مثالهای زیادی آوردیم ولی اکثر مردم جدال کننده هستند .

و لقد صرّفنا فی هذا القران للنّاس من کلّ مثلٍ و کان الانسان اکثر شیٍ جدلاً(۵۴-۱۸)

اینها مثالهائی است در قرآن برای هدایت مردم که فقط عالمان آنرا درک می کنند.

و تلک الامثال نضزبها للنّاس و ما تعقلها الاّ العالمون(۴۳-۲۹)

در این قرآن مثالهائی برای هدایت بشر است ولی آنهائی که حقایق آنرا نمی فهمند می گویندابن جزء سحر و جادوا نیست.

و لقد ضربنا للنّاس فی هذا القرآن من کلّ مثل و لئن جئتهم بایة لیقولنّ الذّین کفروا ان انتم الاّ مبطلون (۵۸-۳۰)

مثال قرآن (نور الله)

خداوند نور آسمانها و زمین است مثل نور خدا مانند چراغ است که در حبابی قرار دارد حبابی روشن و شفاف و درخشنده همچون یک ستارهٔ فروزان و روغن این چراغ از درخت پر برکت زیتون گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی (راه دین برای همه مشخص است وگمراهی را نمی پذیرد)که نزدیک است روشن شود بدون تماس . نوری است بر فراز نوری و خداوند هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می کند و این مثالها را خدا برای مردم می زند و خداوند بر هر چیزی داناست.

الله نور السّموات والارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباحٌ المصباحُ فی زجاجه الزّجاجه کانّها کوکبٌ دریٌّ یوقد من شجرةٍ مبارکةٍ زیتونةٍ لا شرقیةٍ و لاغربیّةٍ یکادُ زیتها یضیّ ُ و لو لم تمسسه نارٌ نورٌ علی نورٍ یهدی اللهُ لنوره من یشاءُ و یضربُ الله الامثال للنّاس و الله بکل شیءٍ علیمٌ.(۳۵-۲۴)

نهی از مثل برای خدا:

بت پرستان به سراغ بتهای خود می رفتند و می گفتند ما شایستهٔ پرستش خدا نیستیم . پس قرآن می فرماید : برای خدا مثال نزنید همانا خدا می داند و شما نمی دانید.

فلا تضربوا لله الامثال انّ الله یعلم و انتم لا تعلمون(۷۴-۱۶)

مثل قرآن - پشه:

خداوند حیا ندارد اینکه مثلی از پشه بزند حتی بالاتر از آن {طبرسی از حضرت صادق (ع) روایت نمود که فرمود :خداوند در این آیه پشه را مورد مثال قرار داد . زیرا با کوچکی که در جسم آن مشهود

می باشد . آنچه که خداوند از اعضاء و جوارح در فیلهای عظیم الجثهٔ آفرید در پشه هم خلق فرمود به علاوهٔ دو عضو دیگر . خداوند خواسته است که برای مؤمنین ، لطف و عجایب خلقت خود را بیان نماید}(برهان ج۱،ص۷۲،ح۳)

ولی آنهائی که ایمان آورده اند می دانند که این حقّی است از طرف خدا امّا آنهائی که کافر شدند

می گویند : خداوند با این مثل چه اراده می کند گروهی گمراه و گروهی هدایت ولی فاسقان هستند که گمراه می شوند.

انّ الله لا یستحی ان یضرب مثلاً ما بعوضةً فما فوقها فامّا الذّین امنوا فیعلمون انّه الحقّ من ربّهم و امّا الذّین کفروا فیقولون ماذا اراد الله بهذا مثلاً یضلّ به کثیراً و یهدی به کثیراً و ما یضلُّ به الاّ الفاسقین (۲-۲۶)

متکبران و لجوجها زیر بار آیات الهی نمی روند تا زمانی که شتر از سوراخ سوزن بگذرد.در های آسمان گشوده نمی شود بر روی متکبران و آنهائی که آیات الهی را در عمل تکذیب می کنند وارد بهشت نمی شوند. (اینگونه گناهکاران را مجازات می کنیم)

انّ الذّین کذبّوا بایاتنا و استکبروا عنها لا تفتّح لهم ابواب السّماء و لا یدخلون الجنة حتیّ یلج الجمل فی سمّ الخیاط و کذلک نجزی المجرمین.(۴۰-۷)

مثل قرآن – کلب:

اگر بخواهیم او را بالا می بریم و از هوی نفس دور می سازیم ولی او را رها کردیم و پیرو هوای نفس را کرد پس مثل او مانند سگی است که اگر به او حمل کنی دهانش باز و زبانش بیرون است و اگر او را به حال خود واگذاری باز چنین است.

و لو شئنا لرفعناه بها و لکنّه اخلد الارض و اتبّع هوئه فمثله کمثل الکلب ان تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث ذلک مثل القوم الذّین کذّبوا بایاتنا فاقصص القصص لعّلهم یتفکرون(۱۷۶-۷)(۱۷۷-۷)

مثل قرآن - مگس:

ای مردم گوش فرا دهید به مثالی که قرآن می گوید همانا کسانی که غیر خدا را می خوانند هرگز

نمی توانند مگس بیافریند هر چند برای اینکار اجتماع کنند و دست به دست یکدیگر بدهند نه تنها

نمی توانند مگس را خلق کنند بلکه از مقابله با یک مگس نیز عاجز هستند و اگر مگس چیزی از آنها را بگیرد نمی توانند آنرا پس بگیرند پس عابدان و معبودان هر دو ناتوانند.

یا ایّها النّاس ضرب مثلٌ فاستمعوا له انّ الذین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذباباً و لواجتمعوا له و ان یسلبهم الذّباب شیئا لا یستنقذوه منه ضعف الطّالب و المطلوب(۷۳-۲۲)

مثل قرآن – عنکبوت:

غیر از خدا را یار و یاور خود قرار ندهید . آنهائی که غیر از خدا را یار و یاور قرار می دهند مثل عنکبوت اند که خانه ای برای خود انتخاب کرده در حالیکه سست ترین خانه ها ، خانهٔ عنکبوت است اگر می دانستند .

مثل الذّین اتخذوا من دون الله اولیاء کمثل العنکبوت.....(۴۱-۲۹)

مثل قرآن – حمار:

مثل کسانی که صاحب تورات شدند و عمل نکردند و حقّ آنرا ادا نکردن مانند دراز گوشی است که کتابهائی را حمل می کند و این چنین است مثل آنهائی که آیات الهی را تکذیب کردند و خداوند قوم ظالم و ستمکار را هدایت نمی کند.

مثل الذّین حمّلوا التوراة ثمّ لم یحملوا کمثل الحمار یحملُ اسفاراً بئس مثل القوم الذّین کذّبوا بایات الله و الله لا یهدی القوم الظالمین(۵-۶۲)

مثل قرآن – نبات:

۱- انفاق

مثل انفاق در راه خدا مانند بذری است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه یکصد دانه باشد که مجموعاً هفتصد دانه از آن بر می خیزد و خداوند انفاق هر کس را بخواهد مضاعف می گرداند که خداوند و سعت دهنده است.

مثل الذّین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبةٍ انبتت سبع سنابل فی کل سنبلةٍ مائةٌ حبّةٍ والله یضاعف لمن یشاء والله واسعٌ علیمٌ (۲۶۱-۲)

۲- اخلاق در انفاق کردن:

ای مؤمنین زمانی که انفاق می کنید صدقات خود را با منّت و اذیّت باطل نسازید . این مانند کسی است که مال خود را برای ریا و نشان دادن خود به دیگران می پردازد پس او ایمان به خدا وروز آخرت ندارد و مثل او مانند قطعه سنگ صافی است که بر روی آن خاک باشد و باران درشت به آن برسد و آنرا بشوید پس کار آنها بهبودی ندارد.

یا ایّها الّذین امنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی کالذّی ینفق ماله رئاءالنّاس و لا یؤمن بالله و الیوم الاخر فمثله کمثل صفوان علیه ترابٌ فاصابهُ وابلٌ فترکهُ صلدا لا یقدرون علی شیءٍ ممّا کسبوا والله لا یهدی القوم الکلفرین (۲۶۴-۲)

آیا شما دوست دارید که باغی از درختان خرما و انواع انگور داشته باشید که از زیر آن نهرها جاری باشد و باغی از تمام انواع میوه ها موجود باشد ناگهان گرد بادی شدید به آن بورزد و شعله ورشود و بسوزد ما آیات را برای شما بیان می کنیم شاید اندیشه و تفکر، شما را متوجّه راه حقّ کند.

أیودّ ُ احدکم ان تکون له جنةٌ من نخیل و اعناب تجری من تحتها الانهارُ له فیها من کل الثمّرات و اصابهُ الکبرُ و له ذریّةٌ ضعفاءُ فاصابها اعصارٌ فیه نارٌ فاحترقت کذلک یبیّنُ اللهُ لکم الایات لعلّکم تتّفکرون(۲۶۶-۲)

۳- انفاق وریا:

آنچه آنها (ریا کاران) انفاق می کنند همانند باد سوزانی است که به زراعت آنها بوزد پس اینها به خود ظلم کرده اند و خداوند به آنها ستمی نکرده است.

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوة الدنیا کمثل ریح فیها صّرٌ اصابت حرث قوم ظلموا انفسهم فاهلکتهُ و ما ظلمهم الله و لکن انفسهم یظلمون(۱۱۷-۳)

فاعلیت فاعل و قابلیت قابل:

زمین پاک و پاکیزه ، وگیاه پر برکت به اذن پروردگار. زمین ناپاک و زشت و شوره زار گیاه ناچیز و کم ارزش .اینگونه تحلیل آیات است تا قدر نعمتهای الهی را بدانیم و شکر او گذاریم.

و البلدُ الطیّب یخرجُ نباتهُ باذن ربّه و الذّی خبُث لا یخرجُ الاّ نکدا کذ لک نصّرفُ الایات لقوم یشکرون (۷-۵۸)

مثل قرآن برای کلام پاکیزه که آنرا به شجرۀ طیّبه و پاکی تشبیه کرده است که طوفانها و تند باد ها آنرا از جا نمی تواند برکند اصلش ثابت و شاخۀ پراکنده آن در آسمان .

ألم تر کیف ضرب اللهُ مثلاً کلمةً طیّبةً اصلها ثابت و فرعها فی السماء (۱۴-۲۴)

در هر زمان شجرۀ طیبه میوه خود را می دهد به اذن پروردگارش و خداوند برای مردم مثلهایی می زند شاید متذکر شوند.

تؤتی أُکلها حین باذن ربّها و یضربُ الله الامثال للنّاس لعّلهم یتذّکرون (۱۴-۲۵)

مثل کلمۀ خبیثه و ناپاک همانند درخت خبیث و ناپاک و بی ریشه است(معاویه) که از روی زمین کنده شده و قرار و ثباتی برای آن نیست.

و مثلُ کلمةٍ خبیثةٍ کشجرةٍ خبیثةٍ اجتثت من فوق الارض مالها من قرار (۱۴-۲۶)

همۀ نعمتها از آن خداست و هرچه او اراده کند همان است منتها بشر باید بداند و دین را بشناسد و حق دین را اداء کند تا غرور و تکبر گوهر وجودی او را دچار آسیب نکند. مثل آن دو مرد که برای یکی از آنها باغی بود پر برکت و با میو ه های فراوان و نهر های جاری در آن و این باعث غرور صاحب باغ نسبت به دوستش شد بطوریکه گفت: من از نظر ثروت و مال از تو بهتر و نیرومند تر هستم .

واضرب لهم مثلاً اتت أُکلها و لم تظلم منه شیئا و فجّرنا خلالهما نهراً (۱۸-۳۳)

و کان له ثمرٌ فقال لصاحبه و هو یحاوره انا اکثر منک مالاً و اعزُّ نفرضاً (۳۴-۱۸)

داخل باغ شد در حالیکه نمی دانست که بخود ظلم می کند (غرور و تکبّر چشم او را بر روی حقایق وواقعیتها دنیا و ارتباط آن با آخرت بسته بود نمی فهمید که به خودش ظلم می کند.)

گفت: گمان نمی کنم که این باغ نابود شود .

و دخل جنتهُ و هو ظالم لنفسه قال ما اظنّ ُ ان تبید هذه ابداً(۳۵-۱۸)

اگر قیامتی در کار باشد جایگاهی بهتر از این خواهم داشت.

و ما اظنُّ السّاعة قائمةً و لئن رددتُ الی ربّی لاجدنّ خیراً منها منقلباً(۳۶-۱۸)

دوستش برای اینکه او را از خواب غفلت بیدار کند گفت:

ولی من کسی هستم که (الله)پروردگار من است و امید به رحمت اودارم و هیچ قدرتی را مانند او نمی دانم آیا به خدا کافر می شوی به خدائی که ترا از خاک خلق کرد سپس از نطفه و بعد انسان را آراست.

قال له صاحبه و هو یحاوره أکفرت بالذّی خلقک من ترابٍ ثمّ من نطفةٍ ثم سوّاک رجلاً(۳۷-۱۸)

(۳۸-۱۸)

چرا وقتی وارد باغت شدی تمام نعمتها را از آن قدرت خدا ندانستی!

چرا نگفتی : قدرتی غیر از خدا نیست!

اگر می بینی که من از نظر مال و فرزند از تو کمترم شاید پروردگارم بهتر از باغ تو به من بدهد.

و لو لا اذ دخلت جنتّک قلت ما شاءالله لا قوّة الاّ بالله ان ترن انا اقلّ منک مالاً و ولداً (۳۹-۱۸)

ومجازات حساب شده ای از آسمان بر باغ تو فرستد به گونه ای که آن را به زمین بی گیاه لغزنده ای مبّدل کند.

فعسی ربّی ان یو تین خیراً من جنّتک و یرسل علیها حسباناً من السّماء فتصبح صعیداً زلقاً(۴۰-۱۸)

چشمه و نهر جوشان در اعماق آن فرورود آن چنان که هرگز قدرت جستجوی آنرا نداشته باشی.

او یصبح ماءُ ها غوراً فلن تستطیع له طلباً (۴۱-۱۸)(۴۲-۱۸)(۴۳-۱۸)(۴۴-۱۸)

مثل قرآن

اعمال و رفتار

مثل خدا برای دنیا مثل آبی است که از آسمان جاری می شود و نباتات و گیاهان را سر سبز می کند.

و ناگهان لحظهٔ خشک شدن گیاهان فرا می رسد و بادها آنرا به هر سو پراکنده می کند. و خداوند بر هر چیزی تواناست.(انسان باید وجود ی مفید و پر ثمر داشته باشد)

واضرب لهم مثل الحیوة الدّنیا کما انزلناه من السّماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشیماً تذروه الرّیاح و کان الله علی کلّ شیءٍ مقتدراً (۴۵-۱۸)

اگر تمام زمین قلم شود و دریا مرکب و هفت دریاچه به آن بپیوندد کلمات خدا تمام نمی شود و علم حکیم پایان نمی پذیرد چون او عزیز و حکیم است.

و لو انّ ما فی الارض من شجرةٍ اقلام و البحرُ یمّدُهُ من بعده سبعةُ ابحر مانفدت کلماتُ الله انّ الله عزیزٌ حکیمٌ(۲۷-۳۱)

اصحاب رسول خدا (ص) اصحابی که آثار سجود و رکوع در چهرهٔ آنها بخوبی نمایان است و همواره بدنبال فضل و رضای خداوندی است.

مثل آنها در تورات و انجیل بصورت زراعتی است که شکوفه ها را ظاهر می سازد و بعد خود را محکم کرده و بر پا می ایستد بحدّی که موجب تعجب زارعان می گردد و استقامت آنها بر روی زمین کافران را بخشم می آورد . اینان کسانی هستند که مهر و قهر را در خود خلاصه کرده اند پس از عدالت دور نمی شوند و قهر دارند پس بر دشمنان پیروز میگردند پس نه برای تظاهر قدم برمی دارند و نه برای گرفتن پاداش از خلق. هدف خالصانه در جهت رضای خداوند است پس خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی به آنها می دهد.

محمّد رسول الله و الذین معه اشداءُعلی الکفار رحماءُ بینهم تراهم رکعّاً سجّداً یبتغون فضلاً من الله و رضواناً سیماهم فی وجوههم من اثر السّجود ذلک مثلهم فی التوراة و مثلهم فی الانجیل کزرع اخرج شطئه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزّراع لیغیظ بهم الکفّار و عدالله الذّین امنوا و عملواالصّالحات منهم مغفرةً و اجراً عظیماً (۲۹-۴۸)

مثل قرآن - نبات

ترس از قیامت

امان از روزی که مردم مانند نخلهای کنده شده از جا بهر سو پرتاب می شوند.

تنزعُ النّاس کانّهم اعجازُ نخل منقعر(۲۰-۵۴)

چهره آسمان در قیامت مانند روغن مذاب گلگون می شود.

فاذا انشقّت السّماءُ فکانت وردةً کالدّهان (۳۷-۵۵)

زندگی دنیا جزء بازی و سرگرمی و فخر فروشی (نسبت به مال و اولاد)نیست . پس قران این گروه مثل باغی می زند که با رسیدن باران به آن باعث تعجب و شگفتی دیگران می شود وسپس خشک می شود به گونه ای که زرد رنگ شده و تبدیل به کاه میشود.

اعلموا انّما الحیوة الدنّیا لعب و لهو و زینةٌ و تفاخرٌ بینکم و تکاثرٌ فی الاموال و الاولاد کمثل غیث اعجب الکفّار نباتهُ ثمّ یهیجُ فتراه مصفراً ثمّ یکون حطاماً و فی الاخرة عذابُ شدیدٌ و مغفرةُ من الله و رضوان و ماالحیوةُ الدّنیا الاّ متاع الغرور.(۲۰-۵۷)(۱۷الی ۳۳-۶۸)(۷-۶۹)

مثال قرآن – کافران – منافقین

مثل منافقین مانند کسی است که آتشی را روشن می کند تا در پرتو آن راه را تشخیص بدهند و اگر خدا آن نور را خاموش کند و در ظلمات آنها را رها کند به گونه ای که چیزی را نمی بینند.

مثلهم کمثل الّذی استوقد ناراً فلمّا اضاءت ما حوله ذهب الله بنورهم و ترکهم فی ظلمات لا یبصرون (۲-۱۷)

آنها کر و گنگ و کور هستند پس از راه خود باز نمی گردند.

صمٌ بکم عمیٌ فهم لا یرجعون(۱۸-۲)

یا مانند باران درشت در شب تاریک توأم با رعد و برق و صاعقه که آنها از ترس مرگ انگشتان را در گوش خود می گذارند تا صدای وحشت انگیز صاعقه ها را نشنوند و خدا به کافران یعنی کتمان کنندگان حق احاطه دارد.

او کصیب من السّماء فیه ظلماتٌ و رعدٌ و برقٌ یجعلون اصابهم فی اذانهم من الصّواعق حذرالموت والله محیطٌ بالکافرین. (۱۹-۲)(۲۰-۲)(۵۹و۶۰- ۳)

منکران حق و حق گرایان دو گروه متفاوت که مثل آنها مثل نابینا و کر و بینا و شنواست آیا اینها مساویند پس باید پند گرفت و اندیشه کرد.

مثل الفریقین کالاعمی و الاصمّ والبصیر والسّمیع هل یستویان مثلاً أفلا تذکّرون (۲۴-۱۱)

استجابت دعا از غیر خدا نیست!

استجابت دعا از اوست نه غیر ، پس آنهائی که استجابت را از کسی دیگر می خواهند مانند آنهائی هستند که کفهای دست خود را بسوی آب می گشاید تا آب به دهانش برسد ولی هرگز نمی رسد . دعای کافران و از بتها چیزی خواستن جز گام برداشتن در گمراهی نیست.

له دعوةُالحق والذّین یدعون من دونه لا یستجیبون لهم بشیء الاّ کباسط کفّیه الی الماء لیبلغ فاه و ما هو ببالغه و ما دعاءُ الکافرین الاّ فی ضلال.(۱۴-۱۳)

نشان دقیق از حق و باطل:

خداوند آبی را از آسمان فرو می فرستد و از هر دره ای و رودخانه ای سیلابی جاری می شود و سیل بر روی خود کفی حمل کرده که در جریان خود کفها بکنار می رود و آبی که برای مردم مفید و سودمند است در زمین می ماند پس اینگونه خداوند برای حق و باطل مثال می زند.

انزل من السّماء ماء فسالت اودیةٌ بقدرها فاحتمل الّسیل زبدا رابیاً و ممّا یوقدون علیه فی النّار ابتغاء حلیةٍ او متاعٍ زبدٌ مثله کذلک یضربُ الله الحق والباطل فامّاالزّبد فیذهب جفاءً و امّا ما ینفع النّاس فیمکث فی الارض کذلک یضربُ الله الامثال.(۱۷-۱۳)

مثل کسانی که پرهیزگار هستند ، بهشتی است که نهر ها در آن جاری است و میوه های آن دائمی و نیز سایه های آن ، این است سرنوشت پرهیزگاران و سرنوشت کافران آتش است .

مثل الجنّة التّی وعد المتّقون تجری من تحتها الانهار اُکلها دائم وظلّها تلک عقبی الذّین اتقّوا و عقبی الکافرین النّار(۳۵-۱۳)

مثل کافران به حق مانند خاکستری است در مقابل تند باد در یک روز طوفانی که همگی بر باد می رود و دستهایشان خالی می ماند و این همان گمراهی دور و دراز است.

مثل الّذین کفروا بربّهم اعمالهم کرماد اشتّدت به الرّیح فی یوم عاصف لا یقدرون ممّا کسبوا علی شیء ذلک هو الضّلال البعید(۱۸-۱۴)

مثل قران برای دو گروه مؤمن و کافر است و آنجائی که ایمان به آخرت نیست مثل زشت است و آنجائی که ایمان به آخرت است و طرف مقابل مؤمن است مثل عالی است و او عزیز و حکیم است

للذّین لا یؤمنون بالاخرة مثل السّوء و لله المثل الاعلی و هو العزیز الحکیم. (۶۰- ۱۶)

بنده مملوک قادر بر انجام چیزی نیست بنده ای که در غیر از خدا اسیر شده است و در مقابل بنده ای که از روزی ما و مواهب پاکیزه آن استفاده می کند و پنهان و آشکارا انفاق می کند آیا می توان آنها را مساوی دانست . خداوند شایسته حمد است آن خدائی که تمام نعمتها را بر بنده اش روا داشته ولی اکثر مشرکان نمی دانند.

ضرب الله مثلاً ً عبداً ً مملوکاً ً لا یقدر علی شیء و من رزقناه منّا رزقاً ً حسناً ً فهو ینفق منه سراً ً و جهراً ً هل یستون الحمد لله بل اکثر هم لا یعلمون(۷۵ – ۱۶)

مثل دو مردی را که یکی از آنها گنگ و قادر بر انجام کاری نیست و او سر باز مولای خود است و بدنبال هر کاری برود آیا چنین انسانی با انسانی که مرتباً ً امر به عدل و انصاف می دهد و در صراط مستقیم حرکت می کند مساوی است.

و ضرب الله مثلاً ً رجلین احد هما ابکم لا یقدر علی شیٍ و هو کلٌّ علی مولاه اینما یوجههُ لایات بخیرٍ هل یستوی هو و من یامر بالعدل و هو علی صراط مستقیم(۷۶-۱۶)

مثل قریه ای که در نهایت امن و امان بوده و با اطمینان در آن زندگی داشتند و انواع روزیها بطور فراوان بسوی آن از هر مکانی می آمد ولی بر اثر کفران نعمت این قریه خداوند لباس گرسنگی و ترس را به خاطر اعمالشان بر آنها پوشاند .

وضرب الله مثلاً قریةً کانت آمنةً مطمئنةً یاتیها رزقها رغداً من کل مکانٍ فکفرت بانعم الله فاذاقها الله لباس الجوع و الخوف بما کانوا یصنعون.(۱۱۲-۱۶)

باطل نابود شدنی است و حق پایدار.

و قل جاء الحق و زهق الباطل انّ الباطل کان زهوقاً (۸۱-۱۷)

اعمال وسراب:

کسانی که کافر شدند اعمالشان مانند سراب است در یک کویر که انسان تشنه آنرا از دور آب می پندارد

امّا هنگامی که به سراغ آن می آید چیزی نمی یابد و خدا را نزد اعمال خود می یابد و حساب او را صاف می کند . و خداوند سریع الحساب است.

والّذین کفروا اعمالهم کسراب بقیعةٍ یحسبه الظّمان ماءً حتّی اذا جاءهُ لم یجدهُ شیئاً ووجد الله عنده فوفاه حسابه والله سریع الحساب.(۳۹-۲۴)

ظلمتها یکی پس از دیگری برای کافران:

مثل آنها مانند ظلمتی است در یک اقیانوس پهناور که موج آنرا پوشانده و بر فراز آن موج دیگری و بر فراز آن ابری تاریک است.ظلمتها یکی بر فراز دیگری که اگر دست خود را بیرون بیاورد هرگز آنرا نمی بیند و خداوند اگر نوری برای کسی قرار ندهد نوری برای او نیست.

او کظلماتٍ فی بحرٍ لجیٍ یغشه موج من فوقه موجٌ من فوقه سحابٌ ظلماتُ بعضها فوق بعضٍ اذا اخرج یده لم یکد یریها و من لم یجعل الله له نوراً فما له من نورٍ (۴۰-۲۴)

خداوند مثلی از خودتان می زند:

به هنگامی که برده های شما در روزیهای شما نزدیک می شوند آیا هر دو با هم مساوی هستند؟

پس چگونه به باطل گرایش کرده و شریک برای خدا قرار داده ، از بردگان بیم دارید یا از شرکایی که ساخته اید ؟ اینگونه ما آیات خود را برای متفکران بیان می کنیم.

ضرب لکم مثلاً من انفسکم هل لکم من ما ملکت ایمانکم من شرکاء فی مارزقناکم فأنتم فیه سواءٌ تخافونهم کخیفتکم أنفسکم کذلک نفصّلُ الایات لقوم یعقلون.(۲۸-۳۰)

مثلی از حرکت رسولان بسوی قریه ها:

حرکت رسولان بسوی قریه ای برای هدایت که خداوند از جنس خود مردم ، بندگانی را بعنوان رسول

برای هدایت قوم فرستاد ولی آنها گفتند : شما دروغ می گویید و خداوند چیزی را نازل نکرده است. آنها برای ابلاغ رسالت آمده بودند ولی مردم گفتند: ما شما را به فال بد گرفته ایم ووجود شما شوم است و مایه بدبختی ما و حتّی حاضر بودند برای دفع شومی پیامبران را سنگسار کنند که رسولان الهی گفتند: شومی از خودتان است اگر درست بیندیشید حقیقت را خواهید یافت و شما قومی اسراف کار هستید . کتمان حق و مشترک بودن ، اسرافی است که انسان را دچار سرنوشت شوم و بدبختی می کند.

واضرب لهم مثلاً اصحاب القریه اذ جاء ها المرسلون(۱۳-۳۶)

اذا ارسلنا الیهم اثنین فکذّبوا هما فعّززنا بثالثٍ فقالوا انّا الیکم مرسلون.....(۱۴الی ۲۹-۳۶)و آیه (۲۹-۳۹)

دعوت شیطان به کفر : شیطان بشر را به کفر دعوت می کند . امّا هنگامی که کافر شد می گوید: من از تو بیزارم و من از خداوندی که پروردگار عالمیان است بیم دارم. واین حال منافقان نیز می باشد .

کمثل الشّیطان اذ قال للانسان اکفر فلمّا کفر قال انّی بریٌ منک انّی أخافُ الله ربّ العالمین(۱۶-۵۹)

بخش چهل ویک

نبوت خاصه

انبیاء و رسولان

قصص اقوام

بهترین داستانها را با وحی بسوی تو فرستادیم و آن را بیان کردیم.

نحن نقصّ علیک احسن القصص بما اوحینا الیک هذا القران....(۳-۱۲)

حضرت آدم(ع):

انسان نماینده خدا در روی زمین :

زمانی که خداوند به ملائکه گفت: من در روی زمین خلیفه ای قرار خواهم داد.

گفتند : آیا در روی زمین کسی را قرار می دهی که فساد کند و خونها بریزد در حالیکه ما تو را حمد و ستایش و تقدیس می کنیم. خداوند فرمودند: من چیزی را می دانم که شما نمی دانید.

و اذ قال ربّک للملائکة انّی جاعلٌ فی الارض خلیفةً قالوا أتجعلُ فیها من یفسدُ فیها و یسفک الدّماءً و نحن نسّبح بحمدک و نقدّسُ لک قال انّی اعلم ما لا تعلمون(۳۰-۲)

نسل آدم پیامبران و رسولانی بودند که مردم را به حقایق دین آشنا می کردند و هدف غیر از عبودیت و بندگی ، شناخت حق و باطل و تمایز آنها از یکدیگر خواهد بود پس بدین ترتیب خداوند همهٔ اسماء را به او آموخت (حقایق و اسرار عالم را) و سپس خداوند به فرشتگان فرمود: اگر راست می گوئید اسماء اشیاء را به من خبر دهید . فرشتگان گفتند: خداوندا منزهی تو ما چیزی نمی دانیم جز آنچه به ما آموختی تو خود حکیم و عالم هستی.

و علّم آدم الاسماء کّلها ثمّ عرضهم علی الملائکة فقال أنبونی باسماء هولاء ان کنتم صادقین.(۳۱-۲)

قالوا سبحانک لا علم لنا الا ما علّمتنا انّک العلیم الحکیم(۳۲-۲)

خداوند فرمود : ای آدم ملائکه را از اسماء با خبر کن. هنگامی که آدم آنها را از این اسماء آگاه ساخت . خداوند فرمود : به شما نگفتم که من از غیب آسمانها و زمین آگاهم و آنچه که در پنهان و آشکار انجام می دهید می دانم.

قال یا ادم انبئهم باسمائهم فلّما انباهم باسمائهم قال ألم اقل لکم انّی اعلم غیب السّموات و الارض واعلم ما تبدون و ماکنتم تکتمون(۳۳-۲)

دستور سجده برای آدم:

بخاطر بیاورید هنگامی را که به فرشتگان گفتم برای آدم سجده و خضوع کنید . آنها همگی سجده کردند جز ابلیس که ابا کرد و تکبر ورزید ، و بخاطر همین استکبار و نافرمانی از کافران شد.

و اذ قلنا للملائکة اسجدوا لادم فسجدوا الاّ ابلیس ابی و استکبر و کان من الکافرین(۳۴-۲)(۱۱-۷)

(۱۲-۷)(۳۰و۳۲و۳۳ و۳۴-۱۵)

فرمان الهی ، درخت منهیه وظلم به خود:

تو ای آدم وهمسرت در بهشت ساکن شوید و هر چه می خواهید از آن نعمتها بخورید ولی به این درخت نزدیک نشوید که از ظالمان خواهید شد.

و قلنا یا آدم اسکن انت و زوجک الجنة و کلا منها رغداً حیثُ شئتما و لا تقربا هذه الشّجرة فتکونا من الظالمین(۳۵-۲)(۱۹-۷)

پس شیطان آدم و حوا را لغزاند و از آنچه در آن بودند بیرون کرد. پس گفتم : به زمین فرود آیید در حالیکه دشمن یکدیگر خواهید بود .

فأزلّهما الشّیطان عنها فاخرجهما ممّا کانا فیه و قلنا اهبطوا بعضکم لبعضٍ عدوٍ و لکم فی الارض مستقرّ و متاعٌ الی حین(۳۶-۲)(۱۳-۷)(۲۳و۲۴و۲۵-۷)

مهلت خواستن شیطان:

ما را تا پایان عمر مهلت بده.

قال انظرنی الی یوم یبعثون(۱۴-۷)(۳۵و ۳۶و ۳۸و۳۹و ۴۰الی ۴۴-۱۵)

خداوند فرمود: تو از مهلت شدگان هستی قال انّک من المنظرین(۱۵-۷)

اکنون مرا گمراه ساختی پس بر سر راه مستقیم تو می نشینم و همه را اغوا می کنم.

قال فبما اغویتنی لاقعدنّ لهم صراطک المستقیم (۱۶-۷)

از پیش رو (دنیا) و پشت سر (مال و فرزندان)و طرف راست (شک و تردید) و طرف چپ(هوای نفس) به سراغ آنها می روم و انها را از مسیر تو دور می کنم و شکر گزار نخواهی یافت.

ثمّ لاتینهّم من بین ایدیهم و من خلفهم و عن ایمانهم و عن شمائلهم و لا تجدُ اکثرهم شاکرین(۱۷-۷)(۶۴و۶۵-۱۷)

خداوند فرمود: از این مقام خارج شو با خواری و ذلّت و هرکس که از تو اطاعت کند قسم یاد می کنم که جهنم را از تو و آنها پر می سازم.

قال اخرج منها مذموماً مدحوراً لمن تبعک منهم لاملانّ جهنّم منکم اجمعین (۱۸-۷)

آشکار شدن زشتیها:

شیطان آن دو را وسوسه کرد و زشتیها آشکار شد.

فوسوس لهما الشیّطان لیبدی لهما ما وری عنهما من سواتهما و قال مانهکما ربّکما عن هذه الشّجرةِ الاّ ان تکونا ملکین.....(۲۰-۸)(۲۲-۷)

سوگند شیطان:

شیطان سوگند خورد که برای آدم وحوا که من خیر خواه شما هستم.

قاسمهما انّی لکما لمن الناصحین(۲۱-۷)

خلق بشر:

بشر از گل خشکیده و بد بو آفریده شد.

و اذ قال ربّک للملائکة انّی خالقٌ بشراً من صلصال من حمإٍ مسنونٍ (۲۸-۱۵)

بعد از آفرینش از گل و شکل گیری او از روح خود در آن دمیدیم پس همگی به این خلقت سجده کنید.(سجده شکر برای چنین خلقی)

فاذا سوّیته و نفختُ فیه من روحی فقعوا له ساجدین (۲۹-۱۵)

بقیه آیات: (۶۱الی ۶۵-۱۷)(۵۰و۵۱-۱۸)(۱۱۵الی ۱۲۴-۲۰)(۷۱الی ۸۵-۳۸)

ادریس(ع):

ادریس پیامبری صدیق بود.

واذکر فی الکتاب ادریس انّه کان صدیقاً نبیّاً (۵۶-۱۹)

او را به مقام بلندی رساندیم. و رفعناه مکاناً علیاً(۵۷-۱۹)

اسماعیل و ادریس و ذالکفل همه از صابران و شکیبایان بودند.

و اسماعیل و ادریس و ذالکفل کلٌّ من الصابرین (۸۵-۲۱)

آنها را بعد از سختیها در رحمت خود قرار دادیم و آنها از صالحان بودند.

و ادخلناهم فی رحمتنا انّهم من الصالحین (۸۶-۲۱)

نوح(ع):

ما نوح را به سوی قوم فرستادیم پس به آنها گفت : ای قوم خدا را بپرستید و بدانید که جز او معبودی نیست و من از عذاب روز بزرگ بر شما میترسم .

لقد ارسلنا نوحاً الی قومه فقال یا قوم اعبدوالله ما لکم من اله غیره انّی اخاف علیکم عذاب یوم عظیم (۵۹-۷)

ولی قوم برای حفظ منافع خود از اطاعت سر باز زدند و گفتند : ما تو را در گمراهی آشکار می بینیم.

قال الملا من قومه انّا لنریک فی ضلال مبین (۶۰-۷)

نوح گفت : ای قوم من در گمراهی نیستم و لیکن من فرستاده پروردگار جهانیانم.

قال یا قوم لیس بی ضلالة و لکنّی رسول من ربّ العالمین (۶۱-۷)

هدف من انجام رسالت پروردگار است و دستورات او را بشما می رسانم و خیرخواه شما هستم و من چیزهایی از خدا می دانم که شما نمی دانید.

ابّلغکم رسالات ربّی و انصح لکم و اعلم من الله ما لا تعلمون(۶۲-۷)

آیا تعجب می کنید که از سوی پروردگار شما انسانی از جنس خودتان برای انذار شما بیاید و شما را هدایت کند تا مشمول رحمت الهی شوید؟

او عجبتم ان جاءکم ذکر من ربّکم علی رجل منکم لینذرکم و لتتّقوا و لعلکم ترحمون (۶۳-۷)

پس همواره نوح را تکذیب کردند پس نوح و همراهانش را در کشتی نهادیم و بقیه را غرق کردیم و این بخاطر تکذیب آیات الهی است زیرا مردمانی کور دل نسبت به حقایق عالم هستی بودند.

فکذّبوا فانجیناه والذیّن معه فی الفلک و اغرقنا الّذین کذّبوّا باياتنا انّهم کانوا قوماً عمین (۶۴-۷)

آیا از گروههای منافق از قوم نوح و عاد و ثمود و ابراهیم و اصحاب مدین (قوم شعیب) و شهرهای ویران شده قوم لوط با خبر نشدید .پیامبرانشان با دلایل روشن به سوی آنها رفتند .خداوند به آنها ظلم نکرد لیکن آنها خودشان به خود ظلم کردند.

ألم یأتهم نبأالّذین من قبلهم قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و المؤتفکات اتتهم رسلهم بالبیّنات فما کان الله لیظلمهم و لکن کانوا انفسهم یظلمون (۷۰-۹)

سرنوشت قوم نوح: آنها نوح را تکذیب کردند ولی ما او و تمام کسانی که با او در کشتی بودند نجات دادیم ، نه فقط آنها را نجات دادیم بلکه آنها را جانشین قوم ستمگر ساختیم و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند غرق کردیم . اکنون بنگر عاقبت آن گروهی که انذار شدند به کجا کشید.

فکذّبوا فنجیّناه و من معه فی الفلک و جعلناهم خلائف و اغرقنا الذیّن کذبّوا باياتنا فانظر کیف کان عاقبةالمنذرین(۷۳- ۱۰)(۷۱و۷۲-۱۰)

آیات دیگر:(۲۵الی ۴۹-۱۱)(۹-۱۴)(۳ و۱۷-۱۷)(۵۸-۱۹)(۷۶و۷۷-۲۱)(۴۲-۲۲)(۲۳الی۳۰-۲۳)

(۳۷-۲۵)(۱۰۵الی ۱۲۲-۲۶)(۱۴و۱۵-۲۹)(۷۵الی ۸۲-۳۷)(۱۲-۳۸)(۵و۳۱-۴۰)(۱۲-۵۰)(۴۶-۵۱)

(۵۲-۵۳)(۹الی۱۶-۵۴)(۲۶-۵۷)(۱الی ۲۸-۷۱)

هود و قوم عاد :

ما بسوی قوم عاد برادرایشان هود را فرستادیم . قوم عاد مردمی بودند در سرزمین یمن از نظر قدرت جسمانی و ثروت ملّی نیرومند و لی بت پرست بودند.هود پیامبر به مردم گفت: خداوند را بپرستید و مشرک نباشید که غیر از خدا هیچ معبودی نیست آیا پرهیزگار نمی باشد.

و الی عادٍ اخاهم هوداً قال یا قوم اعبدواالله ما لکم من اله غیره أفلا تتّقون (۶۵-۷)

این قوم همچنان سماجت می کردند وبه پیامبر خود گفتند ما تو را در سفاهت و نادانی می بینیم و گمان داریم که تو از دروغگویان هستی.

قال الملا الّذين كفروا من قومه انّا لنريک فی سفاهةٍ و انّا لنظنّک من الكاذبين(۶۶-۷)

ای قوم من نادان نيستم ورسولی از طرف پروردگار عالم هستم . من رسالت پروردگار خود را

می رسانم و من خير خواه و امين شما هستم.

قال يا قوم ليس بی سفاهةٌ و لكنی رسولٌ من ربّ العالمين(۶۷-۷)ابلغّكم رسلات ربّی و انا لكم ناصح امين(۶۸-۷)

آيا در تعجب هستيد از آمدن فردی از طرف پروردگار تان كه شما را انذار دهد . به ياد داشته باشيد كه خداوند شما را جانشينان قوم نوح قرار داد، بعد از نابودی آنها سرزمين آنها را در اختيار شما قرار داد و شما را از جهت خلقت ، گسترش و قدرت داد تا نعمتها ی خداوند را بياد آوريد تا رستگار شويد.

او عجبتم ان جاءكم ذكر من ربّكم علی رجلٍ منكم لينذركم واذكروا اذ جعلكم خلفاء من بعد قوم نوحٍ و زادكم فی الخلق بصطةً فاذكروا الاءالله لعّلكم تفلحون(۶۹-۷)

گفتند : به سراغ ما آمده ايد كه تنها خدای يگانه را بپرستيم و آنچه كه پدران ما می پرستيدند رها كنيم ، نه چنين چيزی نيست پس اگرراست می گوئيد آنها را به سوی ما بفرست .

قالوا أجئتنا لنعبدالله وحده و نذر ما كان يعبد اباؤنا فاتنا بما تعدنا ان كنت من الصادقين(۷۰-۷)

هود گفت : پس بر شما خشم و غضب خدا واقع خواهد شد . آيا شما بامن مجادله می كنيد در مورد پدرانتان در حاليكه خداوند در اين باره چيزی نازل نكرده است پس منتظر باشيد و من هم با شما در انتظارم.

قال قد وقع عليكم من ربّكم رجسٌ و غضبٌ أتجادلوننی فی اسماء سميّتموها أنتم و اباؤكم ما نزّل الله بها من سلطان فانتظروا انّی معكم من المنتظرين (۷۱-۷)

پس ما هود و آنهايی كه با او بود ند نجات داديم و ريشهٔ كسانی كه آيات ما را تكذيب كردند قطع و نابود ساختيم.

فانجيناه والّذين معه برحمةٍ منّا و قطعنا دابر الّذين كذّبوا باياتنا و ما كانوا مؤمنين (۷۲-۷)

و بقیه آیات:(۵۰الی ۶۰-۱۱)(۹-۱۴)(۳۱الی ۴۱-۲۳)(۱۲۳الی ۱۴۰-۲۶)(۱۲و۱۳-۳۸)(۲۱الی ۲۶-۴۶)(۴۱و۴۲-۵۱)(۱۸-و۲۱-۵۴)(۶الی ۸-۸۹)

صالح(ع) و قوم ثمود:

ما به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم ، صالح گفت : ای قوم من خداوند یگانه را پرستش کنید که معبودی جز او ندارید .

دلیل روشن از طرف پروردگار شما همان شتری است که خداوند برای شما معجزه قرار داد ، او را بحال خود بگذارید تا در زمین بچرا پردازد و او را آزار مرسانید که عذابی دردناک شما را فرا

می گیرد.

و الی ثمود اخاهم صالحاً قال یا قوم اعبدوا الله مالکم من اله غیره قد جاءکم بینّة من ربّکم هذه ناقة الله لکم آیةً فذروها تأکل فی ارض الله و لا تمشوها بسوء فیاخذکم عذابٌ ألیمٌ(۷۳- ۷)

بخاطر داشته باشید که خداوند شما را جانشینان در روی زمین بعد از قوم عاد قرار داد و در آن مستقر ساخت. در دشتهایشان قصر ساختند و درکوهها خانه ها ، این همه نعمتها را یاد کنید و درزمین فساد نکنید.

واذکروا اذ جعلکم خلفاء من بعد عادٍ و بوّاکم فی الارض تتخذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بیوتاً فاذکروا الاء الله و لا تعثوا فی الارض مفسدین(۷۴-۷)

این جمعیّت متّکبر به گروه مستصعفی که ایمان آورده بودند گفتند: آیا می دانید که صالح از طرف پروردگارش آمده است. آنها گفتند : همانا ما پیامبری او را می دانیم وبه آنچه که او مأمور شده ایمان داریم .

قال الملا الذّین استکبروا من قومه للذّین استضعفوا لمن امن منهم أتعلمون انّ صالحاً مرسلٌ من ربّه قالوا انّا بما أُرسل به مؤمنون(۷۵-۷)

این متکبران گفتند: ما به آنچه شما ایمان آورده اید کافریم.

قال الّذین استکبروا انّا بالذی امنتم به کافرون(۷۶-۷)

نا امیدی متکبران از سمپاشی ها:

وقتی متکبران از سمپاشی های خود نا امید شدند بسراغ ناقه رفتند و ناقه را پی کردند و کشتند و از فرمان خدا سر تافتند و سپس به سوی صالح آمدند و گفتند: اگر رسول و فرستاده خدا هستی پس عذاب را بر ما فرود آور.

فعقروا النّاقة و عتوا عن امر ربّهم و قالوا یا صالح ائتنا بما تعدنا ان کنت من المرسلین(۷۷-۷)

ناگهان صاعقه و زلزله ای در گرفت و آنها را در خانه هایشان دفن کرد .

فاخذتهم الرّجفة فاصبحوا فی دارهم جاثمین (۷۸-۷)

پس صالح از آنها روی بگردانید و به آنها گفت: ای قوم من حق رسالت را ادا کردم وشما را پند دادم و لیکن شما خیرخواهان را دوست ندارید.

فتولّی عنهم و قال یا قوم لقد ابلغتکم رسالة ربّی و نصحت لکم و لکن لا تُحبّون النّاصحین (۷۹-۷)

آیات دیگر صالح وقوم ثمود: (۶۱الی ۶۸-۱۱)(۸۰الی ۸۴-۱۵) (۵۹-۱۷)(۴۲-۲۲)(۱۴۱الی۱۵۹-۲۶) (۴۵الی ۵۳-۲۷)(۴۳الی ۴۵-۵۳)(۴۳الی ۴۵-۵۱)(۲۳الی ۳۱-۵۴)(۹-۸۹)(۱۱الی ۱۶-۹۱)

ابراهیم و اسماعیل و اسحاق (ع):

امامت و اوج افتخار ابراهیم (ع):

آنگاه که ابراهیم را خداوند با وسایل گوناگون آزمایش کرد پس او حق را بجا آورد پس او امام و رهبر مردم شد.

ابراهیم گفت: این امامت را در فرزندان من قرار بده (تا رشته نبّوت قطع نشود) خداوند فرمود مقام امامت به ظالمان هرگز نخواهد رسید.

و اذابتلی ابراهیم ربُّهُ بکلماتٍ فاتّمّهنّ قال انّی جاعلک للنّاس اماما قال ومن ذریّتی قال لا ینالُ عهدی الظالمین(۱۲۴-۲)

خانه کعبه محلّ امن و امان مردم قرار دادیم و مقام ابراهیم را مکان نماز خود بگیرید و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه دارید.

و اذ جعلنا البیت مثابة للنّاس و امناً و اتّخذوا من مقام ابراهیم مصلّی و عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهّرا بیتی للّطائفین و العاکفین و الرّکّع السّجود(۱۲۵-۲)

دعای ابراهیم و در خواست او از پروردگار:

هنگامیکه ابراهیم گفت: پروردگارا این سرزمین را شهر امنی قرار ده . اهل این سرزمین را آنها که بخدا و آخرت ایمان دارند از ثمرات گوناگون روزی ببخش . پروردگار جواب داد : آنها که کافر شدند پس بهرهٔ کمی خواهند داشت و آنها را در آخرت بسوی آتش عذاب می کشانم که چه بد سر انجامی است.

و اذ قال ابراهیم ربّ اجعل هذا بلداً امناً و ارزق اهله من الثّمّرات من امن منهم بالله و الیوم الاخر قال و من کفر فأُمتّعُهُ قلیلاً ثمّ اضطرّهُ الی عذاب النّار و بئس المصیر(۱۲۶-۲)

بنا شدن خانه خدا و دعای ابراهیم و اسماعیل:

ابراهیم و اسماعیل پایه های خانهٔ خدا را بالا می بردند و می گفتند: پروردگارا از ما بپذیر و تو شنوا و دانایی.

و اذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسماعیل ربّنا تقبّل منّا انّک انت السّمیع العلیم. (۱۲۷-۲)

پروردگارا ما را تسلیم اوامر خود بکن.

و فرزندان ما را امتی مسلمان و تسلیم در برابر فرمانت قرار ده، روش و مناسک خود را بما نشان بده . و ما را ببخش و توبهٔ ما را قبول کن که تو توابّ و رحیمی.

ربّنا و اجعلنا مسلمین لک و من ذریّتنا امة مسلمةً لک و ارنا مناسکنا و تب علینا انّک انت التّواب الرّحیم(۱۲۸-۲)

پروردگارا از میان آنها و از خودشان پیامبری مبعوث کن تا آیات تو را بر آنها بخوانند و کتاب وحکمت به آنان بیاموزند و روش تزکیه را به آنان آموزش دهند و تو توانا و دانایی.

ربّنا و ابعث فیهم رسولاً منهم یتلوا علیهم ایاتک و یعلمهم الکتاب والحکمة و یزّکیهم انّک انت العزیز الحکیم. (۱۲۹-۲)

آنان که نادان و سفیه هستند از روش ابراهیم روی گردان می شوند و همانا تحقیقاً ما ابراهیم را بر گزیدیم و او در جهان دیگر از صالحان است.

و من یرغب عن ملّة ابراهیم الاّ من سفه نفسه و لقد اصطفیناه فی الدّنیا و انّه فی الاخرة لمن الصّالحین (۱۳۰-۲)

زمانیکه خداوند به او گفت : تسلیم شو ، تسلیم حق و حقیقت.

ابراهیم گفت : تسلیم حق و حقیقتم که تو پروردگار جهانیان هستی.

اذ قال له ربّه اسلم قال اسلمت لربّ العالمین(۱۳۱-۲)

وصیّت ابراهیم:

ابراهیم و یعقوب فرزندان خود را نصیحت کردند . فرزندان من ،همانا خداوند برای شما دین استواری (توحید) را برگزیده است.، واین استواری چیزی جزء ایمان و تسلیم نیست و این طریق را در پیش بگیرید و بدانید که وداع جهان چیزی جز تسلیم و ایمان نیست.

ووصیّ بها ابراهیم بنیه و یعقوب یا بنّی انّ الله اصطفی لکم الدین فلا تموتنّ الاّ و انتم مسلمون(۱۳۲-۲)

ابراهیم و طاغوت زمان نمرود:

آیا نمی بینی آن کسی که با ابراهیم در مورد پروردگارش محاجه کرد آن کسی که خدا به او ملک و سلطنت داد. زمانیکه ابراهیم گفت : خدای من ،آن خدایی است زنده می کند و می میراند آیا او را

می شناسی؟ او گفت من هم زنده میکنم و می میرانم. ابراهیم گفت : همانا خداوند خورشید را از مشرق می آورد و به مغرب فرو می برد اینجا آن کافر مبهوت شد و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی کند.

ربّی الّذی حاجّ ابراهیم فی ربّه ان اتاه الله الملک اذ قال ابراهیم ربّی الّذی یحیی و یمیت

احیی و امیت قال ابراهیم فانّ الله یاتی بالشمس من المشرق فات بها من المغرب فبهت الّذی کفر و الله لا یهدی القوم الظّالمین(۲۵۸-۲)

ابراهیم و صحنهٔ معاد:

ابراهیم از پروردگار تقاضا کرد ؛ خداوندا بمن نشان ده چگونه مردگان را زنده می کنی . پروردگار سئوال کرد : آیا ایمان نیاورده ای ؟ (سئوال در جهت تقویت ایمان است)

ابراهیم گفت: آری ، ایمان آورده ام و لکن می خواهم قلبم آرامش دهم.

پرودگار فرمود : پس چهار نوع از مرغان را انتخاب کن و سپس بر سر کوهی قسمتی از آن را قرار بده بعد آنها را بخوان ، بسرعت بسوی تو می آیند و بدان که خداوند قادر و داناست.

و اذ قال ابراهیم ربّ ارنی کیف تحیی الموتی قال او لم تومن قال بلی و لکن لیطمئنّ قلبی قال فخُذ اربعة من الطّیر فصرهنّ الیک ثمّ اجعل علی کلّ جبلٍ منهنّ جزءاً ثمّ ادعهنّ یاتینک سعیاً واعلم انّ الله عزیزٌ حکیمٌ(۲۶۰-۲)

ابراهیم مسلمان و شیعه بود:

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه او خالص و موحد و مسلمان بود و از مشرکان نبود .

ما کان ابراهیمُ یهودیاً و لا نصرانیاً ً و لکن کان حنیفاً ً مسلماً و ما کان من المشرکین.(۶۷-۳)

سزاوارترین مردم به ابراهیم آنها هستند که از او پیروی کردند و این پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده اند می باشند ، خداوند ولی و سرپرست مؤمنان است.

انّ اولی النّاس بابراهیم للّذین اتبعوهُ و هذاالنبّی والذّین امنوا واللهُ ولیُّ المؤمنین(۶۸-۳)

نخستین خانه مردم:

اولین خانه ای که برای مردم قرار داده شد همان است که در سرزمین مکّه است و مایهٔ هدایت جهانیان است.

انّ اولّ بیتٍ وضع للنّاس ببکّة مبارکاً ً و هدیً للعالمین. (۹۶-۳)

مقام ابراهیم نشانه روشن در خانه خدا:

فیه آیاتٌ بیّناتٌ مقام ابراهیم....(۹۷-۳)

دین ابراهیم دین پاک و خالص:

و من احسن دیناً ممّن اسلم وجهه لله و هو محسنٌ واتبع ملّة ابراهیم حنیفاً و اتخذاللهُ ابراهیم خلیلاً ً

(۱۲۵-۴)

ابراهیم و مبارزه با بت پرستی :

زمانیکه ابراهیم پدرش را مورد سرزنش قرار می دهد و به او می گوید: آیا این بتهای بی ارزش و

ساخته شده را خدای خود قرار می دهی همانا من تو را و قوم تو را در ضلالت و گمراهی آشکار می بینیم.

و اذ قال ابراهیمُ لابیه ازر أتتخذُ اصنام الهةً انّی اراک و قومک فی ضلال مبین(۷۴-۶)

و ادامه آیات: (۷۵الی ۸۶-۶)(۱۱۴-۹)(۶۹الی ۷۶-۱۱)(۳۵الی ۴۱-۱۴)(۵۱الی۱۲۲-۱۵)
(۴۱الی ۴۹-۱۹)(۵۱الی ۷۲-۲۱)(۲۶و ۲۷-۲۲)(۶۹الی ۸۹-۲۶)(۱۶الی۲۷-۲۹)(۸۳-الی ۱۱۲-۳۷)
(۲۶الی ۲۸-۴۳)(۲۴الی ۳۷-۵۱)(۲۶-۵۷)(۴-۶۰)

حضرت لوط (ع):

لوط زمانیکه به قومش گفت: آیا شما عمل زشت و زننده ای را انجام می دهید که احدی از جهانیان انجام نداده است.

ولوط اذ قال لقومه أتأتون الفاحشه ماسبقکم بها من احدٍ من العالمین(۸۰-۷)

شما از روی شهوت به سراغ مردان می روید و از زنان دور می شوید .شما قومی اسراف کارید (پا را از حدود الهی بیرون نهاده اید و دچار انحراف شده ای.

انّکم لتاتون الرّجال شهوةً من دون النّساء بل انتم قومٌ مسرفون(۸۱-۷)

پاسخ قوم لوط این بود که گفتند: اینها را از محلّ خودشان بیرون کنید که اینان خود را پاکیزه قلمداد می کنند.

و ما کان جواب قومه الاّ ان قالوا أُخرجوهم من قریتکم انّهم أُناسٌ یتّطهّرون(۸۲-۷)

پس او و اهلش را (پیروان حضرت لوط (ع) نجات دادیم مگر زنش که از بین رفته گان است.

فانجیناه و اهله الاّ امراته کانت من الغابرین(۸۳-۷)

ای لوط امروز روز سخت ووحشتناکی است .

زمانیکه رسولان ما به سراغ لوط آمدند او بسیار ناراحت شد و فکر و روحش پراکنده گشت و غم واندوه تمام وجودش را فرا گرفت. (آنان جوانانی زیبا بودند در محیط انحراف جنسی و لوط از دردسر ها می ترسید.

و لمّا جاءت رسلنا لوطاً سیءَ بهم و ضاقَ بهم ذرعاً و قالَ هذا یومٌ عصیبٌ (۷۷-۱۱)

زن لوط اهل قریه را خبر داد که طعمه خوبی در خانه لوط است. قوم با سرعت و حرص برای رسیدن به مقصود خود به سوی لوط آمدند. این همان قومی بودند که قبلاً اعمال زشت و بد را انجام می دادند.

لوط گفت : ای قوم اینان دختران من هستند من حاضرم آنها را به عقد شما در آورم و اینان برای شما پاکیزه تر هستند. پس از خدا بترسید ، آبروی مرا مبرید . آیا در بین شما کسی که عاقل و رشید باشد وجود ندارد.

و جاءهُ قومهُ یُهرعونَ الیه و من قبلُ کانوا یعلمونَ السّیئَات قالَ یا قوم هؤُلاء بناتی هنَّ اطهرُ لکم فاتّقوالله و لا تَخزون فی ضیفی أَلیس منکم رجلٌ رشیدٌ(۷۸-۱۱)

قوم گفتند : تو بخوبی می دانی که ما را در دختران تو حقّی نیست تو مسلماً می دانی که ما چه می خواهیم.

قالوا لقد علمت مالنا فی بناتک من حقّ وأنّک لتعلمُ مانرُیدُ (۷۹-۱۱)

ایکاش در من قدرتی بود تا شما را در هم می کوبیدم.

قال لو انّ لی بکم قوةً او اوی الی رکنٍ شدیدٍ(۸۰-۱۱)

پایان زندگی قوم گنه کار:

ای لوط ما فرستادگان پروردگار توایم آنها هرگز دسترسی به تو نخواهند یافت . تو همین امشب در دل تاریکی خانواده ات را با خود بردار از این سرزمین دور شو ولی مراقب باش که هیچیک از شما به پشت سرش نگاه نکند . تنها کسی که از این دستور تخلف خواهد کرد همسر توست که بهمان بلائی که برای قوم توست دچار خواهد شد همانا لحظهٔ عذاب صبح است آیا صبح نزدیک نیست؟

قالوا یا لوط انّا رُسُلُ ربّکَ لن یصلوا الیک فأسر باهلک بقطعٍ من اللیّل و لا یلتفت منکم احدٌ الاّ امرأتک انّه مصیبُها ما اصابهم انّ موعدهم الصّبح ألیس الصّبحُ بقریبٍ(۸۱-۱۱)

لحظهٔ عذاب قوم لوط:

لحظهٔ عذاب و زیرو رو شدن آن سرزمین که بارانی از سنگهای متراکم بر سر آنها فرو ریختیم.

فلمّا جاءَ امرُنا جعلنا عالیها سافلها و أمطرنا علیها حجارةٌ من سجّیل منضودٍ(۸۲-۱۱)

این سنگها برای تمام ستمکاران است:

این سنگها برای قوم لوط نبود و آنها نزد پروردگار است و از هیچ قوم ستمکاری دور نیست .

مُسّومةً ً عند ربّکَ و مابقی من الظالمین ببعیدٍ(۸۳-۱۱)

ادامه آیات: (۶۱الی ۷۷-۱۵)(۷۴و ۷۵-۲۱)(۱۶۰الی ۱۷۵-۲۶)(۵۴الی ۵۸-۲۷)(۲۶الی ۳۵-۲۹)

(۱۳۳الی ۱۳۸-۳۷)(۳۲الی ۳۷-۵۱)(۳۳الی ۳۹-۵۴)

یعقوب و یوسف (ع)

وصیّت انبیاء به فرزندانشان:

ابراهیم و یعقوب فرزندان خود را به دین پاک توحیدی دعوت کردند و خاطر نشان ساختند که جهان را وداع نگوئید مگر با این دین که مملو از ایمان و تسلیم است.

ووصّی بها ابراهیم بنیه و یعقوب یا بنی انّ الله اصطفی لکم الّدین فلا تمو تنّ الاّ و انتم مسلمون(۱۳۲-۲)

یهود عقیده داشت که یعقوب فرزندان خود را به دینی که یهود معتقد بود ، توصیه کرد و خداوند در پاسخ می فرماید:

آیا شما در زمان مرگ یعقوب حاضر بودید که چنین ادعائی می کنید . یعقوب از فرزندان خود پرسید پس از من چه چیز را می پرستیدید ؟ آنها گفتند خدای تو و خدای پدر امت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می پرستیم.

ام کنتم شهداء اذ حضر یعقوب الموتُ اذ قالَ لبنیه ما تعبدون من بعدی قالوا نعبُدُ الهک و اله ابائک ابراهیم و اسماعیل و اسحاق الهاً واحداً و نحن له مسلمون(۱۳۳-۲)(۱۳۲-۲)

هنگامی که یوسف به پدرش گفت: پدرم من در خواب یازده ستاره دیدم و خورشید و ماه نیز همگی را دیدم که در برابر من سجده می کنند.

اذ قال یوسف لابیه یا ابت انّی رایت احد عشر کوکباً و الشمس والقمر رأیتهم لی ساجدین(۴-۱۲)

ای پسرم خوابت را برای برادرانت بازگو مکن آنها برای تو (از حسادت) نقشه های خطرناک می کشند و بدان که شیطان دشمنی آشکار برای انسان است.

قال یا بُنّی لا تقصص رؤیاک علی اخوتک فیکیدوا لک کیداً انّ الشیطان للانسان عدوٌ مبینٌ(۵-۱۲)

داستان یوسف در تفاسیر بطور مفصّل بیان شده است .

آیات دیگر سوره یوسف: (۴الی ۱۰۱- ۱۲)(۲۷-۲۹)(۴۵الی ۴۷-۳۸)(۳۴-۴۰)

شعیب (ع)

شعیب که نسبش با چندین واسطه به ابراهیم می رسد بسوی اهل مدین مبعوث گردید ، واو مردم را بسوی خدای یکتا دعوت کرد و با مفاسد گوناگون مبارزه کرد و از مردم می خواست که فساد نکنند.

ولی قوم استکبار گزیدند و پیامبری از قوم خود می خواستند زیرا خود را برتر می دانستند ،و مخالفان شعیب همواره تبلیغات سوء بر علیه او می کردند و این امر باعث شد که قوم علاوه بر گمراهی خود و گمراهی دیگران ،از مسیر ایمان خارج شوند ،حال ؛ چنین زمانی محل نزول عذاب الهی بود تا ریشهٔ فساد سرنگون گردد. پس این تکذیب کنندگان همگی بر اثر زلزلهٔ سخت ووحشتناک بصورت اجساد بی جانی در درون خانه هایشان دفن شدند.

آیات مربوطه: (۸۵الی ۹۳-۷)(۸۴الی ۹۵-۱۱)(۳۶و۳۷-۲۹)

ذوالکفل (ع)

اسماعیل و ادریس و ذالکفل، که این پیامبران همهٔ آنها از صابران و شکیبایان بودند. آنها صبور بودند و صالح ودر رحمت ما قرار گرفتند.

واسمعیل و ادریس و ذالکفل کلٌ من الصابرین (۸۵-۲۱)

و ادخلناه فی رحمتنا انّهم من الصالحین (۸۶-۲۱)

آنها از نیکان بودند: واذکر اسمعیل و ادریس و ذالکفل و کلٌّ من الاخیار(۴۷-۳۸)

برای پرهیزگاران عاقبت به خیری است. و هذا ذکرٌ و انّ للمتّقین لحسن مأبٍ(۴۹-۳۸)

ایوب(ع)

ایوب را از مشگلات نجات دادیم :

مشگلات بر من روی آورده و تو مهربانترین مهربانانی:

و ایّوب اذ نادی ربّه انّی مسّنی الضّرّ و انت ارحمُ الرّاحمین(۸۳-۲۱)

دعای ایّوب را به استجابت رساندیم:

خواسته های او را اجابت کردیم و رنج و ناراحتی او را بر طرف ساختیم و خانواده اش را به او بر گرداندیم.

فاستجبنا له فکشفنا ما به من ضرٍ و اتیناه اهله و مثلهم معهم.....(۸۴-۲۱)

مقام صبر ایوب و زندگی پر ماجرای او :

تسّلط شیطان بر مال و اولاد و بدن ایّوب،آفات و بلا ها در مدّت کوتاهی ایوب را از پا در آورد و بیماری آنچنان بر بدن او مسلط شد که او به خود می پیچید ولی این امور نتوانست از مقام شکر ایوّب کم کند. واذکر عبدنا ایّوب اذ نادی ربّه انّی مسّنی الشیطان بنصب و عذاب(۴۲-۳۸)

ایوب ! زمان استجابت فرا رسید . پای خود را بر زمین بکوب، چشمهٔ آب خنک برای استفاده و سلامتی.

ارکُض برجلک هذا مغتسلٌ باردٌ و شرابٌ (۴۲-۳۸)

خانواده اش را به او بخشیدیم ...ووهبنا له اهله و مثلهم معهم رحمةً منّا و ذکری لاولی الالباب(۴۳-۳۸)

ایوب به سوگند خود وفادار باش:

بسته ای ازساقه های گندم را برگیروبا آن همسرت را بزن تا سوگند خود را در بیماری ایفاء کنی.

و خذ بیدک ضغثاً فاضرب به و لا تحنث انّا وجدناه صابراً نعم العبدُ انّه اوّابٌ(۴۴-۳۸)

موسی و هارون (ع)

داستان موسی و سر گذشت او و در گیری او با فرعون و فرعونیان .

دوران تولد و حوادث بعد از آن .

دوران فرار او از مصر و زندگی او در مدین .

دوران در گیری او با فرعون.

آیات دوران در گیری او با بنی اسرائیل.

(۱۰۳الی ۱۳۷-۷)(۷۵ الی ۹۲-۱۰)(۹۶الی ۹۸-۱۱)(۱۰۱الی ۱۰۳-۱۷)(۹الی۷۸-۲۰)

(۴۵الی ۴۹-۲۳)(۳۵و۳۶-۲۵)(۱۰ الی ۶۸-۲۶)(۷الی ۱۴-۲۷)(۳ الی ۴۲-۲۸)(۳۹و ۴۰-۲۹)

(۱۱۴الی ۱۲۲-۳۷)(۲۳الی ۴۶-۴۰)(۱۷الی ۲۹-۴۴)(۳۸الی ۴۰-۵۱)(۴۱و۴۲-۵۴)(۱۵و ۱۶-۷۳)

(۱۵و ۲۶-۷۹)

آیات موسی و هارون(ع)و بنی اسرائیل:

(۴۰ الی ۹۷- ۲)(۱۲۲و۱۲۳و۲۱۱-۲)(۱۲و۱۳و۲۰الی ۲۶و۳۲و۷۰و۷۱و۷۸و۷۹-۵)(۱۴۶-۶)

(۱۳۸الی ۱۶۷-۷)(۹۳-۱۰)(۵الی ۸و۶۲و۱۲۴-۱۴)(۴الی ۸-۱۷)(۱۰۴-۱۷)(۵۱الی ۵۳-۱۹)

(۸۰الی ۹۸-۲۰)(۳۹و ۴۰-۲۹)(۵۳و ۵۴-۴۰)(۳۰الی ۳۳-۴۴)(۱۶و۱۷-۴۵)(۵-۶۱)

آیات موسی و عبد صالح:

(۶۰ الی ۸۲-۱۸)

الیاس (ع)

الیاس که با قرائت مشهور خداوند بر او در قرآن درود فرستاده (سلام علی ال یاسین)

الیاس پسر "یس یا میشأ بن فتحاص " بود و در آن زمان پادشاهی بود نام او واجب در اول مسلمان بود و در اواخر باغوای زن خود که ازبیل نام داشت دین خود را گذاشته بت پرست شد و رعایا نیز التفات به او کرده از دین برگشتند و به پرستیدن "بعل" مشغول شدند واو بتی بود از طلا و چهار روی داشت وآنرا چهار صد خادم بود که شیطان در شکم او می رفت و مردم را اغوا می کرد. وبرای مبارزه با این شیاطین الیاس را خداوند برانگیخت که در طی مبارزات طولانی با آن پادشاه و قومش بالاخره الیاس را حق تعالی موکل بدریا کرد همچنانکه خضر را به بیابان ودر عرفات می بینند و خدای تعالی دشمنی بر آن ملک مسلط کرد و او را با زنش بکشت و در آن باغ انداخت سباع جمع شدند ایشان را خوردند و بعد از آن الیسع در میان قوم آمده ایشانرا دعوت می کرد باز بعضی ایمان آوردند و بعضی نه. (السید محّمد

جعفر الموسوی - تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم – کتاب خلاصة الاخبار)

وزکرّیا و یحیی و عیسی و الیاس کلٌّ من الصالحین (۸۵-۶)وانّ الیاس لمن المرسلین (۱۲۳-۳۷)

و آیات دیگر : (۱۲۴الی ۱۳۲-۳۷)

الیسع(ع)

و اسمعیل و الیسع و یونُس و لوطاً فضّلنا علی العالمین(۸۶-۶)

واذکر اسمعیل و الیسع و ذالکفل و کُلٌّ من الاخیار(۴۸-۳۸)

داود وسلیمان(ع)

سلیمان ساحر نبود و کافر هم نبود:

آنها از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می خواندند پیروی کردند . سلیمان کافر نبود شیاطین کافر شدند و به مردم تعلیم سحر دادند.

آنها از دو فرشته بابل ، هاروت و ماروت پیروی کردند در صورتیکه هدف فرشتگان ابطال سحر و طریقهٔ آن بود و قبلاً سفارش می کردند که ما وسیلهٔ آزمایش شما هستیم از این آموزش سوء استفاده نکنید. فرشتگان ابتدا آموزش سحر و بعد روش ابطال آنها را آموزش می دادند ولی مردم یهود سوء استفاده کرده و از آن آموزش مطالبی را آموختند که بتوانند بوسیله میان مرد و زن جدائی افکنند ولی قدرت خداوند ما فوق همهٔ قدرتهاست آنها هرگز نمی توانند بدون فرمان خدا به احدی ضرر برسانند آنها قسمتهائی را آموختند که ضرر می رساند و نفع نداشت با اینکه می دانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد بهره ای در آخرت نخواهد داشت ، و اگر می دانستند و علم داشتند می فهمیدند که چه بعد معامله ای با نفس خود کرده اند.

واتبّعوا ما تتلوا الشّیاطین علی ملک سلیمان و ما کفر سلیمان و لکنّ الشّیاطین کفروا.....

(۲-۱۰۲)

ما وحی فرستادیم بر تو همانطور که بر نوح و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبرانی که از فرزندان یعقوب بودند و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم و به داود کتاب زبور دادیم.

انّا اوحینا الیک کما اوحینا الی نوحٍ و النبّیین من بعده و اوحینا الی ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و الاسباط و عیسی و ایّوب و یونس و هارون و سلیمان و آتینا داود زبوراً(۴-۱۶۳)

امتحان و آزمایش خداوند از داود: داود را خلیفه قرار دادیم تا پس میان مردم به حق داوری کند. داستان زن اوریا در تورات به آ ن صورت زشت از انبیاء الهی محال است.

آیات دیگر : (۵۵-۱۷)(۷۸الی ۸۰-۲۱)(۱۵-۴۴-۲۷)(۱۰الی ۱۴-۳۴)(۱۷الی ۴۰-۳۸)

یونس (ع)

اقوام گذشته اگر به موقع ایمان می آوردند سود می بردند.

قوم یونس ایمان آوردند و مجازات رسوا کننده را در زندگی این دنیا از آنها بر طرف ساختیم و آنها را تا وقت معلومی بهره مند کردیم.

فلو لا کانت قریةٌ امنت فنفعها ایمانها الاّ قوم یونس کمّا امنوا کشفنا عنهم عذاب الخزی فی الحیوة الدنیا و متعنا هم الی حین (۹۸-۱۰)

ترک اولی یک پیامبر شایسته نیست . وحق اینگونه بود که یونس در برابر مشگلات قوم صبر می کرد نه اینکه دوری از قوم را بر قرار ترجیح دهد و آن بود که نهنگ عظیمی در دریا به دستور خداوند یکتا او را بلعید . او در تاریکی شکم ماهی فریاد برآورد : خداوندا جزء تو خدائی نیست و جزء تو معبودی نیست و تو منزهی و من از ستمکاران.

و ذالنّون اذ ذهب مغاضباً فظّن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظّلمات ان لا اله الاّ انت سبحانک انّی کُنتُ من الظّالمین(۸۷-۲۱)

سرانجام ما دعای او را اجابت کردیم و از غم و اندوه رهایش بخشیدیم.

فاستجبنا له و نجیّناه من الغمّ و کذلک نُنجی المؤمنین(۸۸-۲۱)

داستان یونس و شکم ماهی و نجات از آن در سوره الصافات:(۱۳۹الی ۱۴۸-۳۷)و دیگر:

(۴۸الی ۵۰-۶۸)

زکرّیا و یحیی (ع)

نذر "حنَّه " برای فرزندی که در شکم داشت. همسر عمران حنّه، حامله بود و خیال می کردند که او پسر است (خداوند به عمران وحی فرستاد که به او پسری می دهد) آن جنین در شکم همان مریم مادر عیسی بود (که صاحب جلال و احترام در دنیا و آخرت و از مقربّان درگاه خدا ست) و همسر عمران نذر کرد :
خداوندا آنچه در شکم دارم برای تو نذر کردم تا در خانهٔ تو خدمت کند آن را از من بپذیر که تو شنوا و دانا هستی.

اذ قالت امراتُ عمران ربّ انّی نذرتُ لک ما فی بطنی محرّراً فتقّبل منّی انّک انت السمیعُ العلیمُ(۳۵-۳)

بشارت به مریم (س) برای بدنیا آمدن عیسی(ع):

او در گهواره به وحی سخن می گوید و از شایستگان است. مریم گفت: پروردگارا چگونه برای من فرزندی خواهد بود در حالیکه هیچ بشری با من تماس نگرفته ؟ همین طور است که خداوند آنچه را بخواهد می آفریند چون چیزی را اراده حتمی کند جز این نیست که می گوید: باش،پس بی درنگ

می باشد.

و یُکلّم النّاس فی المهد و کهلاً و من الصّالحین(۴۶-۳)قالت ربّ انّی یکون لی ولدٌ و لم یمسسنی بشرٌ قال کذلک الله یخلقُ ما یشاء اذا قضی امراً فانّما یقولُ له کن فیکون(۴۷-۳)

اذ قالت الملائکةُ یا مریم انّ الله یبّشرُک بکلمةٍ منهُ اسمُهُ المسیحُ عیسی ابنُ مریمُ وجیهاً فی الدّنیا و الاخرة و من المقرّبین(۴۵-۳)

ای مریم ،خداوند تورا برگزید و پاک گردانید و تو را بر زنان جهان (عصر خودت) برتری داد.

واذ قالت الملائکة یا مریم انّ الله اصطفاک و طهّرک واصطفاک علی نساء العالمین(۴۲-۳)

بشارت یحیی در محراب زکریّا:

و فرشتگان در محراب زمانیکه او به نماز و دعا ایستاده بود ندا دادند که خداوند تو را به فرزندی به نام یحیی مژده می دهد که تصدیق کننده کلمه ای از خداوند (عیسی) و رهبر و بزرگ و خویشتن دار و پیامبری از تبار شایستگان است.

۲۷۷

فنادته الملائکةُ وهو قائمٌ فی المحراب انّ الله یُبشرُک بیحیی مصدقاً بکلمة من الله وسیّداً و حصوراً و نبیّاً من الصالحین.(۳۹-۳)

آیات دیگر : (۳۵الی ۴۳-۳)(۸۶-۶)(۲الی ۱۵-۱۹)(۸۹و۹۰-۲۱)

عیسی(ع)و نصارا

آیات: (۱۳۶-۲) (۴۵الی ۶۳-۳)(۱۷۲-۴)(۱۴و۱۷و۱۸و ۴۶و۴۷ و ۷۲ و۷۳و ۷۴و ۷۵ و۱۱۰الی ۱۱۸-۵)(۳۰ و۳۱ و ۳۴- ۹)(۱۶الی۳۶-۱۹)(۹۱-۲۱)(۵۰-۲۳)(۵۷الی ۶۴-۴۳)(۲۷-۵۷)

(۶و۱۴-۶۱)(۱۲-۲۶)

بخش چهل و دو
داستانهای قرانی

نخستین قتل بر روی زمین – انگیزه حسادت:

ای پیامبر داستان دو فرزند آدم را به حق بر آنها بخوان ، در هنگامی که هر کدام برای تقرب به پروردگار کاری انجام دادند امّا از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد همین باعث شد که یک برادر به دیگری حسادت ورزد . برادری که پرهیزگار بود برادر دیگر را نصیحت می کرد و او را به به تقوی سفارش می کرد . ومی گفت : من از خدا می ترسم و تو اگر مایل به کشتن من باشی از دوزخیان خواهی بود . سرانجام نفس سرکش قابیل او را مصصم به کشتن برادر کرد و او را کشت و او زیانکار شد .

آموزش دفن اموات :

زمانیکه قابیل هابیل را کشت خداوند زاغی را فرستاد که خاکهای زمین را کنار بزند و با پنهان کردن جسد زاغ دیگر برای طعمه به قابیل نشان بدهد که چگونه جسد برادر خود را دفن کند.

واتل علیهم نبأ ابنی ادم بالحق اذ قرّبا قرباناً فتقبّل من احدهما و لم یُتقبّل من الاخر قال لاقتُلنّک قال انّما یتقّبل الله من المتقین(۲۷-۵)و آیات دیگر :(۲۷الی ۳۲-۵)

قارون :

ثروتمند خود خواه بنی اسرائیل، از بستگان نزدیک موسی با ثروتی کثیر بدون دیدن حقایق وبدون استفاده از قدرت مالی برای کارهای خیر.

قارون از قوم موسی بود امّا بر آنها ستم و ظلم کرد . آنقدر مال و ذخائر و گنج به او دادیم که حمل خزائن او برای یک گروه زورمند مشگل بود او فوق العاده از ثروت کثیرش مسور بود که قومش به او گفت: آنقد ر شاد مباش که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست ندارد .

آنّ قارون کان من قوم موسی فبغی علیهم.... (۷۶الی ۸۳- ۲۸)

هارون

مسلماً فرعون و هامان و لشکریان آنها از خطاکاران بودند (ظلم و جور وشرک)

.....انّ فرعون و هامان و جنودهما کانوا خاطئین (۶و ۸-۲۸)

بی حیائی فرعون و هامان و دور کردن اذهان مردم از نبوّت موسی:

ای هامان برای من بنائی مرتفع بساز شاید از خدای موسی آگاه شوم هرچند که او دروغگو است

می خواهم کار را تمام کنم و تیری به او پرتاب کنم و کار خدای موسی را تمام کنم .

و قال فرعون یا هامان بن لی صرحاً لعلیّ ابلغ الاسباب(۳۶-۴۰)(۳۹-۲۹)(۲۳و۳۶-۴۰)

زن لوح و لوط هر دو کافر بودند :

ضرب الله مثلاً للّذین کفروا امرات نوح و امرات لوط کانت تحت عبدین من عبادنا صالحین(۱۰-۶۶)

زن فرعون مؤمنه بود (آسیه):

ضرب الله مثلاً للذیّن امنوا امرات فرعون اذ قالت ربّ ابن لی عندک بیتاً فی الجنة و نجنّی من فرعون و عمله و نجنّی من القوم الظالمین (۱۱-۶۶)

طالوت و جالوت

طالوت تنها فرمانده نبود بلکه زماندار کشور بود . گروهی در مخالفت گفتند: ما از او شایسته تریم و او ثروت زیادی ندارد و خداوند او را بر شما برگزید و قدرت را در علم و جسم او افزود و خداوند ملک خود را بر هر کس که بخواهد می دهد زیرا او وسعت دهنده است.

و قال لهم نبّیهم انّ الله قد بعث لکم طالوت ملکاً قالوا انّی یکون له الملک علینا و نحن أحقُّ بالملک منه و لم یؤت سعةً من المال قال انّ الله اصطفه علیکم و زاده بسطه فی العلم و الجسم والله یؤتی ملکه من یشاء والله واسعٌ علیمٌ(۲۴۷-۲)

نشانهٔ حکومت خود را نشان بده ، ای طالوت:

قوم بنی اسرائیل از طالوت خواستند که نشانهٔ حکومت خود را نشان دهد و او گفت: نشانه حکومت او این است که صندوق عهد بسوی شما خواهد آمد که در آ ن آرامشی از سوی پروردگار تان برای شماست

همان صندوق خاندان موسی و هارون که فرشتگان آن را حمل می کنند این نشانی برای شماست فقط ایمان بیاورید .

و قال لهم نبیّهم انّ آیة ملکه ان یاتیکم التابوت فیه سکینةٌ من ربّکم و بقیّةٌ مما ترک آا موسی و آل هارون تحملُهُ الملائکةُ انّ فی ذلک للیةً لکم ان کنتم مؤمنین(۲۴۸-۲)

طالوت در برابر جالوت:

آزمایش قوم با یک نهر آب ، که هر کس از آن بنوشد ازمن نیست . دولشکر رو یا روی یکدیگر قرار گرفتند و لشکر طالوت در برابر جالوت دعا کردند پروردگارا ما را بر جمعیّت کافر پیروز کن با صبر و استقامت. (۲۵۰و۲۵۱-۲)(۲۴۶الی ۲۵۱-۲)

ملکه سبا و قوم او

هد هد در سرزمین سبا زنی را یافت که برآن حکومت می کرد . مردم آن سرزمین خورشید پرست بودند و شیطان بر آنها سلطه داشت. پس کافران که نعمت خدا را نشناختند پس به عذابی دردناک دچار شدند پس ما سیلی وحشتناک و بنیان کن را برآنها فرستادیم و سرزمین آباد آنها به ویرانه ای تبدیل گردید .

(۲۲الی ۲۴-۲۷۹) (۱۵الی ۱۷-۳۴)

هاروت وماروت

هاروت وماروت برای ابطال سحر آمده بودند . آنها آمدند که بگویند : ما وسیلهٔ آزمایش شما هستیم کافر نشوید و از این تعلیمات سوء استفاده مکنید.(قوم یهود بعد از سلیمان ازآنها آموختند انچه را که نباید می آموختند.)(۱۰۲-۲)

لقمان و حکمتهای او

لقمان پیامبر نبود و اهل تفکر و تعقل بود . ایمان و یقین او عالی بود .حکمتهای او:

شکر پروردگار. دوری از شرک که شرک ظلم عظیمی است. سفارش به احسان به پدر و مادر. پیروی از راه انبیاء ومؤمنین . انجام کار نیک اگر چه که به اندازه دانه خردل باشد . بر پا داشتن نماز . امر به معروف و نهی از منکر . صبر در زندگی . دوری از تکبر . اعتدال در راه رفتن . دوری از داد و بی داد (فریاد زدن)(۱۲الی ۱۹-۳۱)

قصّه اصحاب کهف

عجیب بودن داستان اصحاب کهف(بیان معاد):

زمانیکه جوانان مؤمن از دست ظالمان و بت پرستان زمان خود به غار پناه بردند. سالها خواب در غار(سیصد سال که نه سال دیگر بر آن افزودند)

خیال می کردند که آنها بیدارند ولی در خواب فرو رفته بودند و بعد آنها را به سمت راست و چپ بر

می گرداندیم تا سالم بمانند و اگر برآنها می نگریستی از ترس ووحشت می گریختی.به قیامت و زنده شدن مردگان شکی نیست. (۹ الی ۲۶-۱۸)

داستان ذوالقرنین

از تو در باره ذوالقرنین سؤال می کنند . ما او را در زمین تمکن دادیم و اسباب هر چه را در اختیارش نهادیم. او از این اسباب استفاده کرد. ذوالقرنین و مبارزه او با یأجوج و مأجوج که مفسدان روی زمین بودند. از مس ذوب شده سدّی را ساخت که یاجوج ومأجوج نتوانستند از آن سد بالا بروند .

(۸۳الی ۹۸-۱۸)یأجوج ومأجوج(۹۵الی ۹۷-۲۱)

قصه توصیف معاد

کسی که صد سال خداوند او را می میراند و سپس زنده می کند در حالیکه غذایش تغیر نکرده بود و الاغش متلاشی شده بود که خداوند او آیتی برای مردم قرار داد. (۲۵۹-۲)

داستان اصحاب الجنة

آزمایش الهی از ثروتمندان : باغی که بدست وارث افتاده بود و فرزندان تصمیم گرفتند تمام مستمندان را که پدرشان حمایت می کرد از محصول باغ محروم سازند. شبانگاه عذاب الهی فرا گرفت و تمام باغ به خاکستری تبدیل شد. (۱۷الی ۳۲-۶۸)

قوم تبّع

قوم تبّع مجرم و گنه کار بودند اصحاب الایکه (قوم شعیب) و قوم تبّع که در سرزمین یمن زندگی می کردند و کسانی که قبل از آنها بودند همه را نابود کردیمزیرا فرستادگان الهی را تکذیب می کردند.(۳۷-۴۴)(۱۴-۵۰)

اصحاب الاخدود

همانها که خندقها کندند وآتشهای عظیمی در آن افروختند و مؤمنان را تهدید به شکنجه با آتش کردند و گروهی را زنده زنده در آتش سوزاندند و در کنار آن می نشستند و با قساوت قلب تماشا می کردند.

(۴الی ۷-۸۵)

اصحاب فیل و طیر ابابیل

داستان ابرهه ، او زمانیکه به حکومت رسید و برای خوش خدمتی نزد نجاشی ، کلیسای بسیار زیبا بنا کرد و بدنبال آن مردم را دعوت به سمت کلیسا کرد . گروهی کلیسا را آتش زدند و ابرهه خشمگین شد و تصمیم گرفت خانه کعبه را ویران سازد . با لشکر عظیمی سوار بر فیل عازم مکّه شد از کوهها ی اطراف سرازیر شد و هر چه بر فیل خود فشار می آورد پیش نمی رفت وسرش را بسوی یمن باز می گرداند و بسرعت حرکت می کرد. در این هنگام پرندگانی از سوی دریا فرا رسید همانند پرستو ها و هریک از آنها سه عدد سنگریزه با خود همراه داشت یکی به منقار و دوتا در پنجه ها ، این سنگریزه ها را بر سر لشگریان ابرهه فرو ریختند که به هرکدام از آنها اصابت می کرد هلاک می شد سنگریزه ها به هرجا میخورد آن قسمت را سوراخ می کرد و از طرف مقابل خارج می شد. و خود ابرهه مورد اصابت قرار گرفت و مجروح گشت و او را به یمن باز گرداندند و در آنجا چشم از دنیا بست.

(۱الی ۵-۱۰۵)

اصحاب قریه

قریه مفهوم گسترده ای دارد که هم شهرها و یا روستاها را شامل می شود و یا شاید انطاکیه یکی از شهر های شامات باشد . اهل شهری که بت پرست بودند و رسولانی برای دعوت آنها بسوی توحید و مبارزه با شرک آمده بودند.

واضرب لهم مثلاً اصحاب القریة اذ جاء ها المرسلون(۱۳-الی ۱۹-۳۶)

ابولهب و زن او

بریده باد دو دست ابولهب . ابولهب سرآمد دشمنان پیامبر بود . مغرور به ثروت خود و کوشش او آزار و اذیّت بر رسول خدا بود . همسر او خواهر ابوسفیان و عمهٔ معاویه بود که با ابولهب در تمام عداوتها و کینه ها همراه بود، او "حمالة الحطب "بود زیرا هیزم ها را بر دوش می کشید تا بوته های خار را بر سر راه پیامبر بریزد تا پاهای مبارک را بیازارد . آتش شعله ور وپرلهیب ،ابولهب است و همسرش هیزم شکن جهنم است و در گردنش طنابی از لیف قرآن .(۱الی ۵-۱۱۱)

بخش چهل و سوم

امامت در قرآن

ادله ی شیعه در اثبات ولایت در قرآن

قرآن و وحدت اسلامی و نهی از تفرقه.

سیصد آیه در قرآن در باره ی امامت و ولایت

امام شناسی در قرآن

امام رضا(علیه السلام): امامت زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزّت مؤمنین است.

سیصد آیه قرآن و در بعضی از روایات کمی بیشتر از آن دروصف امامت و ولایت اهل بیت (علیهم السلام)است، و در این راستا ابتداء باید دیدگاه اهل سنت و شیعه را در فلسفه امام شناسی بررسی کرد . هر کدام از اهل سنت و شیعه در مذاهب خود دیدگاه خاصی به امامت دارند. اهل سنت امامت را ریاست در امور دین ودنیا میداند و وهابیت امامت را واجب کفائی می داند وحکمرانی بر مردم در تعبیرات آنهاست و متولی شدن در تدبیر امور مسلمین از نظرات مطلق آنهاست. شیعه در رأی و قیاس نظری ندارد زیرا قیاس از نظر شیعه حجیت شرعی ندارد . شیعه امامت را از مصادیق لطف خداوند می داند و آنرا در اجرای حدود الهی و جلوگیری از گناه و برقراری عدالت اجتماعی و تکالیف اجتماعی و احیاء سنت شرعی و تکالیف شرعی می داند. مرحوم علامه طباطبائی(ره) در گفت و گوی خود با پروفسور هانری کربن می گوید: این به معنای آن نیست که شیعه این مفهوم امامت را از متصوفه اخذ کرده باشد . بلکه صوفیان آن را از شیعه گرفته اند. زیرا این مسئله در میان شیعه مطرح بود که هنوز تصّوف صورتی به خود نگرفته بود و یا این مسئله در میان آنها مطرح نبود. این معنا ، همان انسان کامل است و به تعبیر دیگر حجت زمان است. یعنی هر زمان و دوره ای یک انسان کامل و معصوم وجود دارد که حامل معنویت کلی و انسانیت است او به مقام ولایت خدا رسیده ومظهر اجلای و اتم جمیع صفات جمال و جلال الهی است که از شئون آن دو مرجعیت دینی و سیاسی است و امامتی که شیعه برای امامان خود

ثابت کرده از این قبیل است .وجوب فقهی "وجوب علی الناس" و وجوب امامت وجوب کلامی است از باب "وجوب علی الله".(امام شناسی در قرآن- علی اصغر رضوانی)

سوره الفاتحه

صراط المستقیم و انعمت(۷- ٦/ ۱) " ولایت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام

سوره البقره

۱- ذلک الکتاب لا ریب فیه "کتاب "علی (ع) "بحارالانوارجلد۸۲ص ۱۹۹"یؤمنون بالغیب (۳-۲)

۲-الذین ینقضون عهدالله (۲۷-۲)

۳- اوفو ا بعهدی (٤۰- ۲)

٤- اقیموالصلوة و آتوالزکاة(٤۳-۲)

٥- ماظلمونا و لکن کانوا انفسهم یظلمون (٥۷-۲) اذ اخذنا میثاقکم – عهد وپیمان الهی در مورد ولایت ائمه(ع)-(٦۳-۲)

٦- فبدّل الذین ظلموا قولاً (٥۹- ۲)تغییر حکم خدا که غصب ولایت و امامت است.

۷- احاطت به خطیئته . انکار ولایت علی (ع) (۸۱-۲)

۸- والذین آمنوا و عملوا الصالحات (۸۲-۲)

۹- آفکلّما جاءکم (محمد) بما لا تهوی انفسکم –به ولایت علی (ع) گردنکشی نکنید.(۸۷-۲)

۱۰- بئسما اشتروا به انفسهم ان یکفروا بما انزل الیه (چه بد خود را فروختید بدانچه که خدا در باره ی علی (ع) نازل کرد و از روی ستم منکر شدید)- (۹۰-۲)

۱۱- عدواً لجبریل – دشمنان ولایت (۹۷-۲)

۱۲- قولوا امّنا بالله (۱۰۳-۲) با ولایت علی (ع)

۱۳- و اذا ابتلی ابراهیم بکلمات فاتمهّن قال انی جاعلک للناس اماماً قال و من ذریتی قال لا ینال عهد ی الظالمین – امامت عهد الهی است. (۱۲٤-۲)

۱٤- امة مسلمة لک-" امة" ولایت ائمه (ع) –(۱۲۸-۲)

١٥- يعلمهم الكتاب والحكمة- الحكمة اهل بيت (ع)-(١٢٩-٢)

١٦- قولوا امنّا بالله و ما انزل الينا – ولا يت ائمه (ع)- (١٣٦-٢)

١٧- فان امنوا بمثل ما آمنتم....مردم ايمان آوردند به ولايت على(ع)و اولادش همانطور كه بايد ايمان بياورند .(١٣٧-٢)

١٨- صبغة الله- رنگ خدائى همان رنگ امامت وولايت است.(١٣٨-٢)

١٩- فاستقبوا الخيرات-ولايت اهل بيت(ع) (١٤٨-٢)

٢٠- انّ الذين يكتمون ما انزلنا من البينات والهدى - على (ع) (١٥٩- ٢)

٢١- سبيل الله- على (ع)- (١٩٠-٢)

٢٢-افاض الناس- امام حسين (ع): ما "ناس" هستيم. (١٩٧-٢)

٢٣- من الناس من يشرى- ولايت على (ع)- (٢٠٧-٢)

٢٤ - الذين ينفقون اموالهم فى سبيل اللّه- ولايت على (ع)- (٢٦٢ -٢)

٢٥- ينفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله – ولايت ائمه (ع)- (٢٦٥- ٢)

٢٦- او لوالالباب- ائمه (ع)- (٢٦٩-٢)

٢٧- الذين ينفقون اموالهم بالليل و النهار سراً و علانيّة فلهم اجرهم عند اللّه- على (ع)- (٢٧٤-٢)

<u>سوره آل عمران :</u>

٢٨- الراسخون فى العلم – ائمه (ع)- (٧-٣)

٢٩- انّ الدين عند اللّه الا سلام- تسليم در برابر ولايت على (ع)- (١٩-٣)

٣٠- انّ الله اصطفى ادم و.....(٣٣-٣) ذرية بعضها من بعض – (٣٤-٣)

٣١- فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابناءكم و نسائنا و نسا ئكم و انفسنا و انفسكم..به ترتيب مصداق حسن وحسين (عليهما السلام)و فاطمه (س) نسائنا –انفسنا على (ع) – (٦١-٣)

٣٢- اولى الناس بابراهيم للّذين اتّبعوه و هذا النبىّ و الذين امنوا و اللّه ولىّ المؤ منين –ولايت ائمه (ع)- (٦٨-٣)

٣٣- ....لما معكم لتومننّ به و لتنصرنّه- ايمان به خدا و رسول و يارى على (ع)- (٨١-٣)

٣٤- واعتصموا بحبل اللّه و لا تفرقوا – رشته و ريسمان الهى همانا آل محمّد اند.(ص)- (٣-١٠٣)

٣٥- كنتم خير امّةاخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنكرو تؤمنون باللّه- ولايت ائمه (ع)- (٣-١١٠)

حبل من الله= قرآن و حبل من الناس= على ابن ابيطالب تفسير عياشى از امام صادق(ع)- (٣-١١٢)

٣٦- .....واللّه يحب المحسنين- ولايت ائمه (ع)- (٣-١٣٤)

٣٧- و لا تحسبنّ الذين قتلوا فى سبيل اللّه امواتًا بل احياء عند ربّهم يرزقون . ولايت ائمه (ع)- (٣-١٦٩)

٣٨- فرحين بما اتاهم اللّه من فضله... ائمه (ع)- (٣-١٧٠)

٣٩- يستبشرون بنعمة اللّه من اللّه و فضلٍ-ائمه (ع)- (٣-١٧١)

٤٠- ....وابتغوا رضوان اللّه واللّه ذو فضلٍ عظيم-ائمه (ع)- (٣-١٧٤)- از آيات ١٦٢ الى ١٧٤ آيات امامت وولايت

٤١- فالذين هاجروا و اخرجوا من ديارهم.اهل بيت (ع)- (٣-١٩٥)

٤٢- يا ايهاالذين امنوا صبروا و صابروا و رابطوا.....ارتباط با امام (ع)-(٣-٢٠٠)

<u>سوره النساء</u>

٤٣- واعبدوا لله ولا تشركوا به شيئاً بالوالدين احساناً- در شأن حضرت رسول (ص)و على (ع)- (٤-٣٦)

٤٤- يا ايهاالذين اوتواالكتاب امنوا بما نزّلنامصدقاً- در شأن على (ع) و امامت ايشان-(٤-٤٧)

٤٥- ام يحسدون الناس على ما آتاهم الله- محمد بن على الباقر (ع)در جوامع الشيعه : بخدا سوگند ما همان مردمى هستيم كه حسد بردند. در الدر المنثور:"الناس" پيغمبر و اهل بيت (ع)- (٤-٥٤)

٤٦- ان الذين كفروا بايانتا –" آياتنا"امامت و ولايت- (٤-٥٦)

٤٧- .. يأمركم ان تودوا الامانات الى اهلها و اذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل- مقصود از امانت امامت و ولايت برخلق نه حكومت بين مردم . (٤- ٥٨)

٤٨- اطيعوا الله و اطيعواالرسول و اولى الامر منكم- فخر رازى مى نويسد : صاحبان امر غير معصومين كسى ديگر نيست. (٤-٥٩)

٤٩- صدّيقين و الشّهداء والصّالحين- ائمه (ع)-(٤-٦٩)

٥٠- لو لا فضل الله علیکم و رحمته- فضل خدا و رحمت خدا ولایت ائمه (ع)- (٨٣-٤)-تفسیر عیاشی از امام باقر وصادق(ع) ٥١- یا ایهاالذین امنوا .....و ان تلوا او تعرضوا از چه کسی اعراض می کنی و روی بر می گردانی- ولایت(ع)-(١٣٥-٤)

٥٢- انّ الذین امنوا ثمّ کفروا .....آنان که بعد از رسول به ولایت علی(ع) و خلافت او کفر ورزیدند.(١٣٧-٤)

٥٣- لکن اللّه یشهد بما انزل الیک. ولایت علی(ع)-(١٦٦-٤)

٥٤- انّ الذین کفروا و ظلموا .....نسبت به آل محمد(ص)ظلم کردند.(١٦٨-٤)

٥٥- یا ایهاالناس.....الرّسول بالحقّ من ربّکم و امنوا خیراً لکم و ان تکفروا..... - ولایت علی(ع)- (١٧٠-٤)

٥٦- نوراً مبینا- ولایت علی(ع)- (١٧٤-٤)

٥٧- فامّاالذین امنوا بالله واعتصموا به فسیدخلهم فی رحمة منه و فضل ویهدیهم الیه صراطاً مستقیماًٌ-آیهٔ ولایت- (١٧٥-٤)

<u>سورهٔ المائده</u>

٥٨- یا ایهاالذین آمنوا . .....مراد امیرالمؤمنین علی (ع)(١- ٥)

٥٩- الیوم اکملت لکم دینکم.....آیه ی غدیر- ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) –(٣-٥)

٦٠- ..... ومن یکفر باالایمان فقد حبط عمله.....هر کس ایمان به علی (ع) را انکار کند اعمالش باطل میشود. (٥-٥)از بصائر از امام محمّد باقر(ع).

٦١- واذکروا نعمة الله علیکم.....اسلام و ولایت علی(ع)و فرزندان او نعمتی است برای شما. (٧-٥)

٦٢- یا ایهاالذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یاتی الله بقوم...."قوم" حضرت علی (ع) است که با ناکثین و مارقین و قاسطین پیکار کردند.(مجمع البیان-امام باقر و صادق (ع)- (٥٤-٥)

٦٣- انّما ولیکم الله و رسوله.....و هم راکعون- منظور از رکوع خضوع در همه حال امیرالمؤمنین علی (ع) است.(٥٥-٥)

٦٤- و لو .....و ماانزل الیهم من ربّهم – آنچه نازل شد ولایت است.(٦٦-٥)

٦٥- یا ایهاالرسول بلغ ما انزل الیک من ربّک- به اتفاق علمای شیعه و طبق نظر جماعت کثیری از دانشمندان اهل سنت این آیه در روز عید غدیر در شأن علی (ع) است . (٦٧-٥)

سوره الانعام

٦٦- اوحی الیّ هذاالقران لانذرکم به و من بلغ.....ولایت اهل بیت (ع)و انذار مردم توسط ایشان – (٦-١٩)

٦٧- الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن....اهل بیت (ع)- (٦-٨٢)

٦٨- انّ هذا صراطی مستقیماًُ-علی (ع)- (٦-١٥٣)

٦٩- .....لاینفع نفساً ایمانها.....او کسبت فی ایمانها خیراً –منظور از ایمان پیغمبر(ص) و از کار نیک اقرار به ولایت است . جلد دوم کافی

سوره الاعراف

٧٠- من خفّت موازینه .....بما کانوا بایاتنا یظلمون – مراد از ظلم کسانی هستند که امامت اهل بیت (ع) را انکار میکنند.

(٧-٩)- تفسیر قمی-

٧١- الحمدلله الذی هدانا لهذا و ما کنّا لنهتدی لو لا ان هداناالله- ولایت علی (ع)و اولاد ایشان- (٧-٤٣)

٧٢- فا ذن مؤذّن بینهم.....آن مؤذن علی (ع) است. کافی از محمّد بن فضیل از امام رضا (ع)(٧-٤٤)

٧٣- علی الاعراف رجال یعرفون..... ائمه (ع) : مائیم اصحاب اعراف- بصائر الدرجات از ابی بصیر ازامام صادق (ع)-

(٧-٤٦)

٧٤- یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کلّ مسجد –ائمه (ع)- تفسیر عیاشی از حسین بن مهران از ابی عبدالله (ع)- (٧-٣١)

٧٥- البلد الطیب = امام (ع)- (٧-٥٨)

٧٦- فاذکروا الاءَالله.... نعمت ولایت- (٧-٦٩)

٧٧- .....و رحمتی وسعت کل شی فساکتبها الذین یتقّون – علم امام رحمت است و آن علم امامت ویتقون امام علی(ع)

است. (۱۵٦-۷) کافی جلذ "۲"

۷۸- و یامرهم بالمعروف و ینها هم عن المنکر و یحلّ لهم الطیبات و یحّرم علیهم الخبائث –این آیه حرمت خبائث یعنی پلیدی ها و گفتار مخالفان –وطیبات ومعروف ائمه (ع) را نشان می دهد. (۱۵۷-۷)

۷۹- الذی یجدونه مکتوباً عند هم فی التوراة والانجیل –آنچه در تورات و انجیل آمده پیغمبر و وصیش و امام قائم (ع) است. (۱۵۷-۷) کافی جلد "۲"

۸۰- ممن خلقنا امة یهدون بالحق... مراد از امة ائمه (ع) است تفسیر قمی- (۱۸۱-۷)

۸۱- ان الذین عند ربک لا یستکبرون عن عبادته ....مراد ائمه (ع) است.- بعد از انبیاء و رسل- (۲۰٦-۷)

<u>سوره الانفال</u>

۸۲- واعلموا انّما غنتم من شی فآنّ لله خمسه و للرسول و لذی القربی – لذی القربا علی(ع) (٤۱-۸)

۸۳- ان جنحوا للسلم فاجنح لها .....داخل شدن در امر ولایت علی(ع)-(٦۱-۸)

۸٤- هوالذی ایّدک بنصره وبالمؤمنین.در حق علی (ع)تفسیر برهان از شرف الدین نجفی-(٦۲-۸)

۸۵- یا ایهاالنبی حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین..مؤمنین علی (ع) را پیروی می کنند. (٦٤-۸)

۸٦- اولوالارحام بعضهم اولی ببعض... اثبات امامت (۷۵-۸)

<u>سوره التّوبه</u>

۸۷- براءة من الله و رسول الی الذین عاهدتم من المشرکین- کسانی که از اهل بیت رسول (ص) دوری می جویند مشرک هستند و با مشرکین پیمان بستند بر علیه علی ابن ابیطالب (۱-۹)

۸۹- اذان من الله و رسوله.... مقصود اعلا ن، امیرالمؤمنین (ع) است –(۳-۹)

۹۰- و لم یتخذوا من دون الله و لا رسوله ولا المؤمنین....ائمه (ع)- (۱٦-۹)

۹۱-اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن امن بالله و الیوم الاخر و جاهد فی سبیل الله تفسیر طبری از قول علی (ع): که من مجاهد راه خدا هستم. (۱۹-۹)

۹۲- الذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله.... ایه در شان علی ابن ابیطالب (ع)- (۲۰-۹)

۹۳- یا ایهاآلذین امنوا لا تتخذوا اباء کم و اخوانکم اولیاءَ ان استحبّوا الکفرعلی الایمان.تفسیر برهان از ابن شهر آشوب-ایمان عبارت از ولایت علی(ع)- (۲۳-۹)

٩٤- هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الّدین کلّه و لو کره المشرکین. دین حق ولایت علی (ع) و اولاد اوست." ولو کره المشرکین" کافرین به ولایت- (٣٣-٩)

٩٥- والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر – مردان و زنان با ایمان یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می کنند چون دوستان یکدیگر ند واین نیست جزء دوستی و ولایت ائمه(ع)-(٧١-٩)

٩٦- قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله والمؤمنون...مراد از مؤمنون علی(ع)- (١٠٥-٩)

٩٧- کونوا مع الصادقین - تفسیر برهان ابن شهر آشوب پیغمبر (ص) و اهل بیت (ع) – در منثور مقصود علی (ع) است. (١١٩-٩)

<u>سوره یونس</u>

٩٨- بشرالذین امنوا انّ لهم قدم صدق – قدم صدق پایگاه ولایتی علی (ع)- (٢-١٠)

٩٩- ائت باالقران غیر هذا او بدلّه .مشرکین می گفتند: اگر می خواهی به تو ایمان آوریم آیاتیکه مربوط به فضیلت علی (ع) است عوض کن وفضلیت دیگر بجای آن بیاور.(١٥-١٠)

١٠٠- یهدی من یشاء الی صراط المستقیم- ولایت امیرالمومنین علی (ع)-(٢٥-١٠)

١٠١- یستنبئونک احقّ هو- انّه لحق و ما انتم بمعجزین – از تو در باره ی علی (ع) می پرسند که آیا بر حق است- ولایت حق است و از آن مفرّی ندارید. (٥٣-١٠)- کافی باب حجت

١٠٢- قل بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون-فضل الله =پیغمبر (ص)- برحمته=علی (ع)-هوخیر= ولایت محّمد و آل محمّد(ص)آن بهتر است.(٥٨-١٠)

١٠٣- الا انّ او لیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون- اولیاءو دوستان خدا کسانی هستند که با دیدن آنها به یاد خدا می افتید و این از آثار ولایت است. (٦٢-١٠)- الدّرالمنثور

١٠٤- لهم البشری فی الحیوة الدنّیا و فی الاخرة لا تبدیل لکلمات الله- بشارت در دنیا و آخرت قیام مهدی (ع) است و کشته شدن دشمنان آنها-(٦٤-١٠)

١٠٥- و ما تغنی الایات و النذر عن قوم لا یومنون-{الایات = ائمه (ع)}- {نذر = پیامبران}-(١٠١-١٠)

سوره هود

۱۰٦- أفمن كان على بيّنة من ربه و يتلوه شاهد منه. شاهد اميرالمؤمنين على (ع) است. (۱۷-۱۱)

۱۰۷- و لا يزالون مختلفين الاّ من رحم ربک- ولايت ائمه (ع)- (۱۱۸-۱۱)

سوره يوسف

۱۰۸- قل هذه سبيلى ادعوا الى الله على بصيرة انا و من اتبعنى-مقصود رسول خدا (ص)و اميرالمؤمنين على (ع)است.(۱۱۰-۱۲)

سوره الرعد

۱۰۹- جنات من اعناب و زرع و نخيل صنوان و غير صنوان- رسول خدا(ص)می فرمودند: ای على مردم از شجره های مختلف و من وتو يا على هر دو از يک شجره هستيم.الّدر المنثوراز جابر- (٤-۱۳)

۱۱۰- انّما انت منذر و لكل قوم هاد-{ منذر = رسول خدا (ص) }- {هاد= هادى على (ع)}-(۷-۱۳)

۱۱۱- الذين امنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله- تفسير عياشى از حضرت رسول اكرم(ص)منظور اهل بيت و شيعيان ما-(۲۸-۱۳)

۱۱۲- طوبى لهم و حسن ماب- بوى درخت طوبى عطر فاطمه (س) است – كافى از جبرئيل كه رسول خدا به فاطمه (س) فرمود: اى فاطمه بشارتى از ناحيه پروردگارم در خصوص برادرم و پسرعم به من رسيده و آن اينست كه خداوند فاطمه را بعلى تزويج كرده و به خازن بهشت دستور داده تا درخت طوبى را تكان دهد به عدد دوستداران اهل بيت (ع).(۲۹-۱۳)

۱۱۳-و من عنده علم الكتاب- تفسير برهان و عياشى: اين آيه در شأن على (ع) است.(٤۳-۱۳)

سوره ابرهيم

۱۱٤- كلمة طيبه كشجرة طيبه – اصلها ثابت و فرعها فى السماء-امام صادق (ع) در كافى- اصل ، رسول خدا (ص) و اميرالمؤمنين على(ع)" فرعها " امامان از نسل آنها شاخه هاى آن و علم ائمه

ميوه ى آن و شيعيان برگهاى آن است . سوال شد : آيا چيز ديگرى در آن است ؟ عرض كردم: نه بخدا چون مؤمنى متولد شود برگى در آن درخت پيدا شود و چون مؤمنى مى ميرد برگى از آن درخت مى افتد.(۲٤-۱٤)

سوره الحجر

۱۱٥-انّ فى ذلک لايات للمتّوسمين –و انّها لبسبيل مقيم-{ متوسمين=ائمه (ع)-}-{ سبيل مقيم= ولايت در ائمه (ع) پا برجاست هيچگاه از ميان آنها خارج نشود }-(۷٥-۷٦/۱٥)

سوره النحل

١١٦- بالنجم هم يهتدون- ائمه (ع)- (١٦- ١٦)

١١٧- فسئلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون – اهل ذكر حضرت على (ع)و خاندان اوست-(١٦-٤٣)

١١٨- انزلنا اليک الذكر لتبيّن للناس مانزل اليهم و لعّلهم يتفكرون- منظور از ذكر حضرت على (ع) است –(١٦-٤٤)

١١٩-و من يامر بالعدل و هو على صراط مستقيم- امر به عدل منظور على(ع) و فرزندان اوست. (١٦-٧٦)

١٢٠- يعرفون نعمة الله ثم ينكرونها – تفسير برهان از ابن شهر آشوب از امام محمّد باقر (ع)-منظور از نعمت ،نعمت ولايت است. (١٦-٨٣)

١٢١- انّ الله يامر بالعدل و الاحسان و ايتاء ذى القربى – {ذى القربى =امام على(ع) }- (١٦-٩٠)

١٢٢-هى اربى من امة- در آنچه اختلاف داريد در ولايت اهل بيت (ع) روز قيامت بر شما واضح مى گردد.(١٦-٩٢)

١٢٣- تذوقوا السوء بما صددتم عن سبيل الله- راه خدا راه على(ع) است كه بر شما رويگردانان عذابى دردناک است.(١٦-٩٤)

سوره الاسراء

١٢٤- انّ هذاالقران يهدى للتى هى اقوم- {يهدى للتى هى اقوم ائمه (ع) است }- كافى از امام صادق(ع)- (١٧-٩)

١٢٥- و آت ذى القربى حقه – خويشاوندان حضرت على(ع) وصى پيغمبر است- (١٧-٢٦)

سوره الكهف

١٢٦- قيماً لينذر باساً شديدا من لدنه= باس شديد على(ع) است- (١٨-٢)

١٢٧- قل الحق من ربكم (ولايت على (ع)- فمن شاء فليومن (هر كس دنبال آن باشد مؤمن است)- و من شاء فليكفر انّا اعتدنا للظالمين نارا – و آن كه كفران كند و حق را كتمان كند و ولايت على را قبول نكند به آل محمّد (ص) ظلم كرده و مستحق آش است.(١٨-٢٩)

۱۲۸- هنا لک الولایة لله الحق- ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) است که به حق فرمان میدهد و این ولایت خاص خدا است. (٤٤-۱۸)کافی جلد ۲

سوره مریم

۱۲۹- وهبنا لهم من رحمتنا . مراد به رحمت امامت است. (۵۰- ۱۹)

۱۳۰- ممّن هدینا واجتبینا- از علی بن الحسین(ع) در مجمع البیان:مراد ما هستیم. (۵۸-۱۹)

۱۳۱- و کم اهلکنا قبلهم من قرن هم احسن اثاثا ورءیا- قل من کان فی الضلالة – آنان که ولایت را قبول ندارند گمراه هستند. (۷۵-۷٤-} ۱۹)

۱۳۲- اطّلع الغیب ام اتّخذ عند الرّحمن عهداً – پیمان نزد خدا و آن پیمان ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) و فرزندان اوست. کافی جلد ۲- (۷۸-۱۹)

۱۳۳- انّ الذین امنوا و عملوالصالحات سیجعل لهم الرّحمن ودّا- محبتّی که خدا وند در دل مؤمنان نهاده دوستی امیرالمؤمنین علی (ع) است. کافی جلد ۲- (۹٦-۱۹)

۱۳٤- فانّما یسّرناه بلسانک لتبشّر به المتقیّن و تنذر به قوماً لّدا- قران را روان کردیم تا بشارت برای متقین باشد و انذار برای قوم سرسخت-و ناطق قران علی (ع) است. (۹۷-۱۹)

سوره طه

۱۳۵- لمن تاب امن و عمل صالحا ثمّ اهتدی- اهتداء به ولایت و اهل بیت (ع) دلالت دارد. کافی و تفسیر قمی- (۸۲-۲۰)

۱۳٦- و لقد عهد نا الی آدم من قبل فنسی و لم نجد له عزماً- عهد ما از پیش با آدم در باره ی محمد (ص) و فرزندان و اهل او بود که آدم فراموش کرد و پایداری در او ندیدم. (۱۱۵-۲۰)

۱۳۷- و اذ قلنا للملائکة اسجدوا لادم فسجدوا الاّ ابلیس ابی. اینها کسانی هستند که وصی تو را اطاعت نمی کنند. (۱۱٦-۲۰)

۱۳۸- فمن اتبع هدای فلا یضلّ و لا یشقی – هر کس از هدایت من ولایت علی (ع) پیروی کند گمراه نشود و بدبخت نگردد. (۱۲۳-۲۰)

۱۳۹- و من اعرض عن ذکری فانّ معیشة ضنکا – ذکری یاد علی (ع) است. (۱۲٤-۲۰)

۱٤۰- ربّ لم حشرتنی اعمی – چون در دنیا در ولایت علی (ع) سرگردان و کور بودند در آخرت هم کور محشور می شوند- (۱۲۵-۲۰)

١٤١- قال كذلک اتتک اياتنا فنسيتها... تو آيات ما را فراموش كردى در دنيا ، پس امروز فراموش مى شوى و در آتش رها ميشوى چنانچه ائمه را رها كردى و امرشان را نشنيدى و گفتارشان را نشيندى.(٢٠-١٢٦)

١٤٢- و كذلک نجزى من اسرف و لم يومن بايات ربّه و لعذاب الاخرة اشدّ و ابقى- كسى كه در ولايت اسراف كند و ديگرى را بجاى اميرالمؤمنين على (ع) معرفى كند و به آيات پروردگارش ايمان نياورد و از روى دشمنى آنها را رها كند عذاب شديد ى در آخرت در انتظارشان است- كافى جلد ٢ – باب صحت اشاره و نص بر اميرالمؤمنين على (ع) در قران- (٢٠-١٢٧)

١٤٣- وامر اهلک بالصلوة – اهل بيت (ع)- (٢٠-١٣٢)

<u>سوره الانبياء</u>

١٤٤- ووهبنا له اسحاق و يعقوب نافلة و كلاً جعلنا صالحين- امامت مقام خاصى است كه خدا بر هر كس كه بخواهد روزى دهد.اينان قبل از رسيدن به مقام امامت داراى مقام هدايت و امامت تشريعى به جهت نبوت بوده اند.(٢١-٧٢)

١٤٥- وجعلنا هم ائمة يهدون بامرنا- امامت و هدايت تكوينى- (٢١-٧٣)

<u>سوره الحج</u>

١٤٦- هذان خصمان اختصموا فى ربهم فالذين كفروا (به ولايت على (ع)كافر شدند)- قطعت لهم ثياب من نار – دو دشمن هستند كه در باره ى پروردگار خود دشمنى مى كنند.(٢١-١٩)

١٤٧- هدوا الى صراط الحميد – صراط الحميد ولايت است. تفسير قمى و اصول كافى-(٢٢-٢٤)

١٤٨- و من يرد فيه بالحاد بظلم نذقه من عذاب اليم – كفر وانكار على(ع) بعد از پيمان و قرار داد با يكديگر وظلم به رسول خدا (ص) واولادش پس دورى از رحمت خدا بر ستمگران باد. (٢٢-٢٥)-اصول كافى از امام صادق(ع)

١٤٩- الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق- مجمع البيان از امام جعفر صادق(ع)- آل محمد (ع) است- روضه كافى: آيه در حق امام حسين (ع) است. (٢٢-٤٠)

١٥٠- بئر معطّلة و قصر مشيد- كافى ومعانى و كمال الدين از امام صادق(ع)و كاظم (ع):

{ قصر مشيد= امام ناطق }{ بئر معطلة = امامى است كه سكوت كرد}. چاه عاطل مانده آن است كه آب دارد و مردم از آن استفاده نمى كنند و اين تشبيه است زيرا آب مايه حيات صورى و ظاهرى و علم امام مايه حيات معنوى و روحانى است و آن هنگامى است كه مولاى ما را خانه نشين كردند و قصر مشيد

زمان غیبت امام زمان است . و کاخ برافراشته اشاره به زمان خلافت و حکومت آن حضرت و زمان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. (٤٥-٢٢) (کافی- باب حجة)

سوره المؤمنون

١٥١- شجرة تخرج من طور سیناء تنبت بالدهن و صبغ للاکلین- منظور درخت زیتون است و آیه مثلی است برای رسول خدا (ص) و علی(ع)(٢٠-٢٣)

سوره النور

١٥٢- والطیبات للطیبین....این مردان و زنان پاک علی بن ابی طالب (ع)و اصحاب و شیعیان اویند.احتجاج از حسن بن علی(ع)(٢٦-٢٤)

١٥٣- الله نور السّموات و الارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح .....مصباح= امام حسن (ع) زجاجه= امام حسین(ع) مشکاة= فاطمةالزهراء(س) شجرة مبارکة= ابراهیم خلیل لا شرقیه و لا غربیه= یهود و نصرانی نور علی نور= امامی بعد از امام دیگر یهدی الله لنوره من یشاء= هر که را خداوند بخواهد بسوی ائمه (ع) راهنمایی می کند. (٣٥-٢٤)

١٥٤- انمّا کان قول المؤمنین – امیرالمؤمنین علی(ع) مجمع البیان از ابی جعفر (ع)- (٥١- ٢٤)

١٥٥- وعد الله الّذین امنوا منکم .....مجمع البیان از ابی جعفر (ع)- منظور مهدی عجل الله تعالی الشریف از آل محمّد (ع) است- (٥٥-٢٤)

سوره الفرقان

١٥٦- و هو الذی خلق من الماء بشرا – این آیه در خصوص رسول خدا (ص) و علی (ع) است که دخترش را به علی (ع) تزویج نمود پس علی(ع) هم نسب اوست و هم داماد ایشان – مجمع البیان از ابن سیرین (٥٤- ٢٥)

١٥٧- الذین یمشون علی الارض هونا- کسانی که بر زمین آهسته راه میروند اوصیاء هستند که تقیّه میکنند. (٦٣- ٢٥)

١٥٨- واجعلنا للمتقین اماما- منظور ولایت است. (٧٤- ٢٥)

سوره الشعراء

١٥٩- واجعل لی لسان صدق فی الاخرین- علی (ع) تفسیر قمی – (٨٤-٢٦)

سوره النمل

۱٦۰- امن یجیب مضطر اذا دعاه- آیه در مورد قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف –تفسیر قمی – (٦۲- ۲۷)

۱٦۱- و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلنهم الوارثین- ولایت ائمه (ع)- (٥- ۲۸)

۱٦۲- و لقد وصّلنا لهم القول لعلهم یتذکرون – امامی را به امام دیگر پیوستیم تا زمین از حجت خالی نماند- (٥۱- ۲۸)

۱٦۳- نزعنا من کل امة شهیدا – شهید از این امت امام این امت است- ولایت در تفسیرقمی- (۷٥- ۲۸)

سوره العنکبوت

۱٦٤-ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر- به وجود امیرالمؤمنین تأویل شده است.یعنی ظاهر نماز همین رکعات مخصوص است و باطن نماز حقیقت و روح و معنی نماز مطابق بیانیکه ذکر شد امیرالمؤمنین علی (ع) است.(٤٥-۲۹)

۱٦٥- بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم – کسانی که علم داده شد ائمه (ع) است-اصول کافی باب حجت- (٤۹-۲۹)

۱٦٦- والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا- آیه در مورد آل محمد (ص) و شیعیان اوست – تفسیر قمی -از ابی جعفر(ع)-(٦۹-۲۹)

سوره روم

۱٦۷- فاقم وجهک للدین حنیفاً ...فطرت الله التی فطر الناس علیها – کافی از امام صادق(ع)- دین حنیف ولایت است – آن فطرت لا اله الا الله (توحید)- و محمد رسول الله (ص)(نبوت)- و ولایت و امامت علی (ع) است. (۳۰-۳۰)

سوره لقمان

۱٦۸- واصبر علی ما اصابک – مشقت ها و اذیت هائی که در اثر امر به معروف و نهی از منکر به انسان می رسد این تفسیر را به علی (ع) نسبت داده اند – (۱۷ -۳۱)

۱٦۹- واسبع علیکم نعمة ظاهره و باطنه – ظاهره = امام ظاهر باطنه= امام غایب { تفسیر قمی }– (۲۰- ۳۱)

۱۷۰- ان اشکر لی- سپاس خدا را به نعمت ولایت (۱٤-۳۱)(کافی باب حجت)

سوره سجده

۱۷۱- و جعلنا منهم ائمة یهدون بامرنا و کانوا بایاتنا یوقنون – (۲٤- ۳۲)

سوره الاحزاب

۱۷۲- اولوالارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله- (٦-۳۳)در باره امر ولایت و امامت نازل شده.

۱۷۳- انّما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل بیت و یطهّرکم تطهیرا – فضیلت اهل بیت (ع)- (۳۳-۳۳)

۱۷٤- ما کان لکم ان توذوا رسول الله- شما حق نداشتید رسول خدا (ص) را آزار دهید در رابطه با اهل بیت (ع) – (۵۳- ۳۳)کافی باب ولایت

۱۷۵- و من یطع الله و رسوله فقد فاز فوزا عظیما – در ولایت علی (ع)و اولاد ایشان- (۷۱- ۳۳)

۱۷٦- انّا عرضنا الامانة - امانت ما ولایت ماست و هرکس اهل امانت نباشد زیانکار و خائب است. (۷۲- ۳۳)

سوره سبا

۱۷۷- قل انّما اعظکم بواحدة . ابو حمزه از امام باقر (ع): فقط یک اندرز به شما میدهم ولایت علی (ع)- انذار تنها به ولایت علی (ع)- (٤٦- ۳٤)

سوره فاطر

۱۷۸- ....الیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه – امام صادق (ع) کلمه طیب ولایت ماست و عمل صالح که بالا میرود و بعد به سینه خود اشاره کرد کسی که ولایت ما را نپذیرد خدا هیچ عملی را از او قبول نمی کند.(۱۰- ۳۵)

۱۷۹- ثّم اورثنا الکتاب الذین اصطفینا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرات باذن الله- منهم ظالم= کسی که امام را نمی شناسد . مقتصد =العارف بامام (ع)- سابق بالخیرات = امام (ع)(۳۲-۳۵)

سوره یس

۱۸۰- لتنذر قوما ما انذر اباؤهم فهم غافلون – انذار برای قومی که به ولایت علی (ع) ایمان نیاوردندو غافل بودند(٦-۳٦)

۱۸۱- انآ جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان فهم مقمحون و جعلنا من بین ایدیهم و من خلفهم سدّا فاغشیناهم فهم لایبصرون- اصول کافی- پس غل و زنجیرها گردنهای آنها نهادیم تا به چانه های آنها

برسد و سرشان بیحرکت ماند و از پیش رو و پشت سر آنها را بپوشانیم که جائی را نبینند و این کیفر کسانی است که به ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) کافر شدند و آنرا انکار کردند.(۹-۸-٦- {۳٦})

۱۸۲- و سواءُ علیهم ءأنذرتهم ام لم تنذرهم لا یومنون چه بترسانی و چه نترسانی ایمان به ولایت نمی آورند – (۱۰-۳٦)

۱۸۳- انّما تنذر من اتبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشره (یا محمّد به مغفرت)بمغفرة. ای محمّد بیم بده آنها را به ولایت علی(ع) و جانشینان او که پاداش و آمرزش بزرگی است {اصول کافی}. اجر کریم – منظور کرامت است که ائمه (ع) ریشه اصلی کرامت هستند (جوادی آملی).(۱۱- ۳٦)

۱۸٤- کل شیِ احصیناه فی امام مبین . امام مبین علی (ع) است . (۱۲- ۳٦)

۱۸٥- لینذر من کان حیاً و یحق القول علی الکافرین. خداوند بوسیله ائمه اطهار (ع) دین خود را زنده می کند وانسانها بر اثر ارتباط دلشان زنده می ماند. (جوادی آملی) (۷۰- ۳٦)

سوره الصافات

۱۸٦- الذین یعلمون والذین لا یعلمون . آیه دلالت بر ائمه(ع) و ولایت دارد. که باید ائمه را شناخت و آنهایی که ایشان را نمی شناسند دشمن بداریم.(۹- ۳۹)

۱۸۷- أ فمن شرح الله صدره. (ولایت) (۲۲-۳۹)

۱۸۸- والذی جاء بالصدق و صدّق به. منظور از صدق رسول خدا (ص)و منظور از آنکه وی را تصدیق کرد علی(ع) است.(۳۳-۳۹)

۱۸۹-وقفوهم انّهم مسئولون. تفسیر قمی – مردم از ولایت علی (ع) باز خواست میشوند. (۲٤-۳۷)

۱۹۰- و انیبوا الی ربکم و اسلموا له . تسلیم در برابر فرمان خدا که آن ولایت است.(٥٤-۳۷)

۱۹۱- و لقد اوحی الیک.....لئن اشرکت .امر خدا امر ولایت است پس کسی را شریک ولایت قرار ندهید. (٦٦-۳۷)

۱۹۲- سلام علی آل یس. آل محمد (ص)(۱۳۰-۳۷)

سوره المؤمن-(غافر)

۱۹۳- ذلکم بانّه اذا دعی الله وحده کفرتم . بعد از وحده در تاویل و تنزیل این آیه اهل ولایت است. چون بر یگانگی خداوند بر ولایت خوانده شوند کافر شوند. (۱۲-٤۰)-

سوره فصلت

۱۹٤- فلنذیقن الذین کفروا و لنجزینهم اسوالذی کانوا یعملون. شما که به ولایت علی (ع) کافر شدید وپشت کردید عذابی دردناک و بدتر از آنچه که کردید مجازات میکنیم (۲۷- ٤۱)

۱۹٥- قالوا ربّنا الله ثم استقاموا ....ولایت علی (ع) (۳۰- ٤۱)

۱۹٦- حتی یتبیّن لهم انه الحق..... امامت و قائم آل محمد (ع)- (٥۳- ٤۱)

سوره الشوری

۱۹۷- کبر علی المشرکین . بولایت علی (ع) (۱۳-٤۲)

۱۹۸- الله لطیف بعباده یرزق من یشاء. ولایت علی (ع)- (۱۹- ٤۲)

۱۹۹- قل لا اسئلکم علیه امراً الاّ المودة فی القربی. دوستی حضرت علی (ع) و خاندان ایشان (۲۳-٤۲)

۲۰۰- یحق الحق بکلماته- کلمات ائمه (ع) است. (۲٤-٤۲) کل آیات از اصول کافی

سوره الزخرف

۲۰۱- و جعلها کلمة باقیه فی عقبه – مجمع البیان از امام صادق (ع). منظور از کلمه باقیه امامت است تا قیامت – (۲۸- ٤۳)

۲۰۲- فاستمسک بالذی اوحی الیک انک علی صراط مستقیم – انّک علی (ع)- علی صراط مستقیم – علی (ع) و امامت ایشان (٤۲-٤۳)

۲۰۳- و انّه لذکر لک و لقومک و سوف تسئلون – لذکر قرآن – لقومک. ائمه (ع)- (٤٤- ٤۳)

۲۰٤- ام ابرموا امراًو انّا مبرمون- ولایت ائمه (ع)- (۷۹- ٤۳)

سوره الدخان

۲۰٥- الاّ من رحم الله- استثناء شدگان که بدرد مردم بخورند ائمه (ع) است.کافی از امام صادق (ع)- (٤۲- ٤٤)

سوره محمّد

۲۰٦- ذلک بانّهم کرهوا ما انزل الله- به آنچه که خدا در حق علی (ع) نازل کرده است کراهت دارند . (۹- ٤۷) مجمع البیان

۲۰۷- انّ الذین ارتدّوا علی ادبارهم من بعد ماتبیّن لهم الهدی....ارتدوا علی ادبارهم پشت به ولایت کردن..(۲۵-٤۷)کافی

۲۰۸- ذلک بانهم قالوا للّذین کرهوا مانزّل الله سنطیعکم فی بعض الامر..نزّل الله آنچه را که خدا واجب کرده است ولایت است.کافی(۲٦-٤۷)

سوره الحجرات

۲۰۹- حبّب الیکم الایمان وزیّنه فی قلوبکم –امر ولایت و دوستی آن- (۷-٤۹)

سوره الذاریات

۲۱۰- یوفک عنه من افک- اقوال مختلف در مورد ولایت و آن کس که از ولایت دور شود . کافی (۹-۵۱)

۲۱۱- فاخرجنا من کان فیها من المؤمنین - فما وجدنا فیها غیر بیت من المسلمین - امام محمد باقر (ع) خانواده حضرت رسول (ص) از مطیعان هستند. (۳۵و۳٦-۵۱)

سوره الرحمن

۲۱۲- مرج البحرین یلتقیان- منظور از دو دریا علی(ع) و فاطمه (س) است (۱۹- ۵۵)

۲۱۳- یخرج منهما اللوَلو و المرجان – حسن و حسین (ع)(۲۲-۵۵)

۲۱٤- و یبقی وجه ربک از قول امام صادق (ع) در مناقب وجه الله مائیم- (۲۷-۵۵)

۲۱۵- فبای الاء ربکما تکذّبان- ایه مکرر در شان ولایت –

سوره الواقعه

۲۱٦- السابقون السابقون اولئک المقربون – (ائمه (ع)) –(۱۰ و۱۱-۵٦)

۲۱۷- اصحاب الیمین ..... فی سدر مخضود .....– حضرت علی (ع)و شیعیان او (۲۷-۵٦)

۲۱۸- و اصحاب الشمال ما اصحاب الشمال.....لا بارد و لا کریم.....کسانی که اعتقاد به هیچ امامی ندارند داخل در اصحاب شمال هستند.(کتاب امامت در قران-رضوانی) (٤۱-٤٤=۵٦)

سوره الحدید

۲۱۹- یوتکم کفلین من رحمته – دو رحمت بهشتی امام حسن و امام حسین (ع) و یجعل لکم نوراً تمشون به-امامی که پیروی میشود. (۲۸-۵۷)

سوره الصف

۲۲۰- یریدون لیطفئوا نورالله بافواههم والله متّم نوره- میخواهند نور ولایت را خاموش کنند خدا تمام کننده نور خود است که نور ولایت است.(۸- ٦١)

سوره المنافقین

۲۲۱- اذا جاءک المنافقون – منافقین به ولایت وصی پیغمبر (ص)-" والله یشهد انّ المنافقین" به ولایت علی (ع)" لکاذبون" دروغگویان هستند. (۱- ٦٣)

۲۲۲- اتّخذوا ایمانهم جنّة فصدوا عن سبیل الله – از راه ولایت مردم را باز داشتند. (۲-٦٣)

۲۲۳- ذلک بانّهم آمنوا ثم کفروا. به ولایت وصی پیغمبر کافر شدند.. فطبع علی قلوبهم ... و خداوند مهر نهاد بر دلهایشان به سبب نپذیرفتن ولایت (۳-٦٣)

۲۲٤- و اذا قیل لهم تعالوا یستغفر لکم رسول الله – به منافقین گفته شد بیائید توبه کنید و وصی پیامبر (ص) را قبول کنید و به ولایت علی (ع) ایمان آورید تا رسول خدا (ص) برای شما استغفار گوید.(٥- ٦٣)

۲۲٥- سواء علیهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم لن یغفرالله لهم- برای منافقین چه آمرزش بخواهی یا نخواهی یکسان است. زیرا خداوند "لا یهدی القوم الفاسقین" گروه منافق را هدایت نمی کند.(٦- ٦٣)

{{اکثر آیات بررسی شده از اصول کافی و از قول امام باقر(ع) وامام صادق (ع) است.}}

سوره التغابن

۲۲٦- فمنکم کافر و منکم مؤمن- بولایت علی(ع) بعضی مؤمن هستند و بعضی کافر، زیرا دنبال یافتن حق نیستند.(۲-٦٤)

۲۲۷- فامنوا بالله و رسوله والنور الذی انزلنا – نور همان امام در آیات است. (۸- ٦٤)

۲۲۸- اطیعوا الله و اطیعوا الرسول فان تولیتم فانما علی رسولنا البلاغ المبین- در روایت است که پیشینیان شما هلاک نشدند و هیچکس هم تا زمان قیام مهدی (ع) هلاک نشود جز به سبب ترک نمودن ولایت ما و انکار حق ما که رسول ما ابلاغ آشکار را نمود. (۱۲- ٦٤)- کافی

سوره التحریم

۲۲۹- ان تتوبا الی الله.... ....و صالح المؤمنین و الملائکة... منظور از صالح المؤمنین علی (ع) است. تفسیر قمی(٤- ٦٦)

۲۳۰- لایعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یؤمرون – در اطاعت وبندگی و امام شناسی سرپیچی ندارند. (٦- ٦٦)

سوره الملک

۲۳۱- افمن یمشی مکباً علی وجهه اهدی امّن یمشی سویّا علی صراط مستقیم – پیروان علی(ع) با قامت راست و به راه مستقیم هستند و آنهائی که از ولایت علی (ع) برگشته مثل کسانی است که به رو افتاده راه میرود و در کار خود گمراه است . کافی /جلد دو – (۲۲- ٦۷)

۲۳۲- فلمّا راوه زلفة سیئت وجوه الذین کفروا و قیل هذالذی کنتم به تدّعون-(۲۷-٦۷)دشمنان اهل بیت (ع) در قیامت می بینند که امیرالمؤمنین در مقامی است که همه به او غبطه می خورند.

۲۳۳- فستعلمون من هو فی ضلال مبین- انکار کنندگان ولایت - (۲۹- ٦۷)

۲۳٤- ان اصبح ماؤکم غورا فمن یاتیکم بماء معین- ولایت حضرت مهدی (ع) و ظهور ایشان –(۳۰- ٦۷)

سوره الحاقه

۲۳۵- و تعیها اذن واعیة- گوش شنوا گوش علی (ع) است. (۱۲-٦۹)

۲۳٦-انّه لقول رسول کریم- جبرئیل از طرف خدا در ولایت ایرالمؤمنین علی (ع)- (٤۰- ٦۹)

۲۳۷- و ما هو بقول شاعر قلیلاً ما یومنون- آنها اندکی ایمان می آورند که می گویند رسول خدا دروغ بسته و خدا امر به ولایت علی (ع) نداده پس خداوند آیه ای فرستاد.(٤۱- ٦۹)

۲۳۸- انّ ولایت علی (ع) تنزیل من درب العالمین- (٤۳-٦۹)

۲۳۹- و لو تقّول علینا بعض الاقاویل- اگر پیامبر در مورد ولایت دروغ می بست(٤٤-٦۹)

۲٤۰- لاخذنا منه بالیمین- ما دست راستش را می گرفتیم (٤۵-٦۹)

۲٤۱- ثمّ لقطعنا منه الوتین –(٤٦-٦۹)شریان قلبش را قطع می کردیم. (٤۷-٦۹)

۲٤۲- انّه لتذکرة للمتقین- همانا ولایت علی (ع) برای خوبان جهان است.(٤۸-٦۹)

۲٤۳- انّا لنعلم انّ منکم مکذّبین- ما میدانیم که شما تکذیب کنندگان ولایت هستید.(٤۹- ٦۹)

٢٤٤- و انّه لحسرة على الكافرين- همانا على (ع) مايۀ افسوس و حسرت كافر است چون ولايت او حقّ است. {انّه لحق اليقين }-(٥٠و٥١-٦٩)

٢٤٥- فسبّح باسم ربک العظيم- پس پروردگار خود را تسبيح گو زيرا بتو اين فضيلت را عطا كرده است. (٥٢-٦٩)

سوره المعارج

٢٤٦- سئل سائل بعذاب واقع- ولايت على (ع) درنظر كافر دردناک است. (١-٧٠)

٢٤٧- للكافرين ليس له دافع- براى كافران به ولايت على (ع) مدافعى براى دورى از عذاب الهى نيست. (٢-٧٠)

سوره نوح

٢٤٨- ربّ اغفرلى و لوالدىّ و لمن دخل بيتى مؤمناً و للمؤمنين و المؤمنات – (٢٨- ٧١) من دخل- داخل شدن در ولايت – داخل شدن در رسالت-

سوره الجن

٢٤٩- ائتونى بكتاب من قبل هذا او اثارة من علم ان كنتم صادقين- ولايت اميرالمؤمنين و ائمه (ع)

٢٥٠- انّا لمّا سمعنا الهدى امنّا به . هدايت همان ولايت على(ع) است. (١٣- ٧٢)

٢٥١- فمن يومن بربّه فلا يخاف بخساً و لا رهقاً. كسى كه ايمان آورد و ولايت را قبول كند ترسى و زيانى بر او نيست. (١٣-٧٢)

٢٥٢- انّى لا املک لكم ضراً و لا رشداً- هر كه نافرمانى خدا و رسولش بكند(در باره ولايت)آتش دوزخ براى او جاودانه خواهد بود.(٢١-٧٢)

٢٥٣- ان لو استقاموا على الطريقه لاسقيناهم ماء غدقاً- طريق و آن راه ولايت است كه پا بر جاست.و تشنگى را رفع مى كند. (١٦- ٧٢)

٢٥٤- قل انى لا املک لكم ضراً و لارشداً . قل انّى لن يجيرنى من الله احد و لن اجد من دونه ملتحداً پيامبر فرمودند: اختيار هدايت شما (قبول ولايت)و زيان شما(انكار ولايت) با من نيست بلكه با خداست. و من پناهى جزء خدا ندارم. (٢٢- ٧٢)

٢٥٥- الاّ بلاغاً من الله و رسالاته – مگر اينكه ابلاغ كنم پيغامهاى او را در بارۀ وصى خود على (ع)- (٢٣-٧٢)

٢٥٦- انّ المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً- مقصود از مساجد ائمه (ع) است. (١٨- ٧٢)

۲۵۷- و من یعص الله و رسوله فانّ له نار جهنّم خالدین فیها ابداً. کسی که نافرمانی خدا و رسول او را می کند مخلد در جهنّم است (در امر ولایت)- (۲۳-۷۲)

۲۵۸- حتی اذا راو ما یوعدون فسیعلمون من اضعف ناصراً و اقلُ عدداً- تا اینکه عذاب موجود را ببینند و خواهند دانست کیست که یارانش ناتوانتر و سپاهش کمتر است{انکار امام زمان و یاران او }

(۲٤-۷۲)

سوره المزمّل

۲۵۹ الی ۲٦۰- واصبر علی ما یقولون واهجرهم هجرا جمیلاً- (۱۰-۷۳) و ذرنی والمکذبین اولی نعمة و مهّلهم قلیلاً(۱۱-۷۳) – صاحب نعمت را اندکی مهلتشان بده زیرا آنها دارای نعمت ولایت هستند در حالیکه آنرا تکذیب می کنند.

سوره المدّثر

۲٦۱- لیستیقن الذین اوتوالکتاب- باید یقین کنند که خدا و پیغمبر و وصیش برحقند. (۳۱- ۷٤)

۲٦۲- یزدادالذین امنوا ایماناً- ایمان افزوده می شود برای مؤمنان به ولایت علی (ع)- (۳۱- ۷٤)

۲٦۳- و ما سلککم فی سقر- چه چیز شما را به دوزخ کشانید{تکذیب ولایت}- (٤۲- ۷٤)

۲٦٤- قالوا لم نک من المصّلین- ما از نمازگزاران نبودیم یعنی از امامان (ع) پیروی نکردیم.

(٤۳- ۷٤)

سوره الدهر

۲٦۵- یو فون بالنذر- میثاق ولایت که از انسانها گرفته شده است – (۷- ۷٦)

۲٦٦- انّا نحن نزّلنا علیک القران تنزیلاً - نازل شدن این قرآن بر تو یعنی در تأویل آیه ولایت علی (ع) است. (۲۳- ۷٦)

۲٦۷- یدخل من یشاء فی رحمته – خداوند هر کس را بخواهد نعمت ولایت را به او عطا می کند.

(۳۱- ۷٦)

۲٦۸- والظّالمین اعدّ لهم عذاباً الیمأ- وای بر تکذیب کنندگان ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) . که عذابی دردناک را برای آنها آماده کرده ایم.(۳۱-۷٦)

سوره المرسلات

۲٦۹- ویلٌ یومئذ للمکذّبین- وای بر دروغگویان به ولایت علی (ع) که بتو وحی کردیم. (۱۵-۷۷)

سوره النبا

۲۷۰- عمّ یتسائلون عن النباء العظیم – نبأ عظیم خبر مهم ، خبر ولایت است. از امام باقر (ع) : این آیه در باره امیرالمؤمنین علی (ع) است . آنحضرت (ع) مِی فرمود: خدا را آیه بزرگتر از من نیست، خدا را خبری بزرگتر از من نیست. (کافی جلد ۱)-(۱- ۷۸)

۲۷۱- یوم یقوم الرّوح و الملائکة صفاً لا یتکلمون الاّ من اذن له الرحمن قال صواباً – به خدا ما(ائمه (ع) هستیم که روز قیامت اجازه داریم سخن گوئیم و درست گوئیم. (۳۸- ۷۸)

سوره الانفطار

۲۷۲- ان الابرار لفی نعیم- ابرار ائمه (ع) است-(۱۳-۸۲)

سوره المطففّین

۲۷۳-انّ کتاب الفجّار لفی سجّین- کارنامه بدکاران آنان که به ائمه (ع)ظلم کردند و نافرمانی آنان را کردند در سجّین است.(۷-۸۳)

۲۷٤- و اذا مرّوابهم یتغامزون. در شأن حضرت علی(ع)- (۳۰- ۸۳)

۲۷۵- فالیوم الذّین امنوا من الکفار یضحکون- کسانی که به ولایت ایمان آورده اند-(۳٤-۸۳)

سوره الانشقاق

۲۷٦- لترکبنّ طبقاً عن طبق- امام بعد از امام دیگر-(۱۹-۸٤)

سوره ا لبروج

۲۷۷- و شاهد ومشهود- پیغمبر و امیرالمؤمنین (ع) است – پیغمبر(ص) به امامت علی(ع)گواهی دادو علی (ع) مورد گواهی آن حضرت قرار گرفت.(۳-۸۵)

سوره الاعلی

۲۷۸ الی ۲۸۲- قد افلح من تزکی- و ذکر ربه فصّلی- بل تؤثرون الحیوة الدّنیا- انّ هذا لفی الصحف الاولی- صحف ابراهیم و موسی-رستگاری در ولایت علی(ع) است . ولایت او در کتابهای نخستین است. و الاخرة خیر و ابقی – آخرت در ولایت است .(۱٤الی ۱۹-۸۷)

سوره الفجر

۲۸۳- والفجر(ولایت)

۲۸٤- والشفع والوتر- الشفع= حسن و حسین(ع) والوتر= امیرالمؤمنین علی(ع)(۳-۸۹){تفسیر قمی}

سوره البلد

۲۸۵- فلااقتحم العقبه- ما آن گردنه ای هستیم که هر کس وارد شود نجات یابد.امام صادق(ع){کافی جلد۲}—(۱۱-۹۰)

۲۸٦- فکّ رقبة- آزاد کردن بنده – امام صادق(ع) فرمودند: مردم همگی برده دوزخند و خداوند به برکت ولایت ما خاندان گردن شما را از آتش دوزخ رهائی بخشید . (۱۳-۹۰)

سوره الشمس

۲۸۷- والشمس وضحها- امام حسین (ع) و رسول خدا- (۱-۹۱)

۲۸۸- والقمر اذا تلها- امیرالمؤمنین علی (ع) (۲-۹۱)

۲۸۹- والنّهار اذا جلّها- قائم آل محمد (ص) که زمین را پر از عدل وداد می کند. (۳-۹۱) { والیل اذا یغشها = بنی امیه لعنةالله}

سوره اضحی

۲۹۰- و لسوف یعطیک ربک فترضی- سیوطی در منثور : رسول خدا فرمودند: ما اهل بیت هستیم که خدا وند تعالی برای ما آخرت را بر دنیا برگزید و ترجیح داد. (۵-۹۳)

سوره انشراح

۲۹۱- و ۲۹۲- فاذا فرغت فانصب(۷)و الی ربک فارغب(۸-۹٤)چون از تبلیغ و رسالت فراغ یافتی پرچم و نشانه ات یعنی علی را نصب کن و وصیت را آشکار کن: "هر کس من مولای اویم علی هم مولای اوست"و پیغمبر فضیلت علی را آشکار نمود.

سوره التین

۲۹۳- الی ۲۹۵ والتّین و الزّیتون = حسن و حسین و طور سینین =علی (ع) و هذاالبلد الامین= امین رسول خدا {به نقل از موسی بن جعفر(ع) از حضرت رسول (ص)} تفسیر قمی(۱الی۳- ۹۵)

سوره البینة

۲۹٦- ان الذین امنوا و عملوالصّالحات(علی(ع)اولئک هم خیرالبریة- رسول خدا هر وقت علی(ع) را می دیدند که دارد می آید می گفتند:خیرالبریة (۷-۹۸)

سوره الزلزلة

۲۹۷- قال الانسان مالها – که این انسان امیرالمؤمنین علی (ع) است- تفسیر قمی(۳- ۹۹)

سوره العادیات

۲۹۸- عادیات در شان حضرت علی (ع) در پیروزی در جنگ ذات السلاسل(۱الی ۱۱-۱۰۰)

سوره التکاثر

۲۹۹- یومئذ عن النّعیم- نعمت خدا که نعمت رسول الله(ص) که نعمت ولایت است باز خواست می شود (۸-۱۰۲)

سوره الکوثر

۳۰۰- خیر و برکت در نسل رسول خدا محمّد (ص) است.(۱الی ۳- ۱۰۸)

والسلام علی من اتبع الهدی

منابع کتاب امام شناسی :تفسیر قمی- تفسیر المیزان علامه طباطبایی-تفسیر نمونه – تفسیرالصافی- الدرالمنثور- تفسیرعیاشی- کافی باب حجت –مجمع البیان طبرسی -